



**برنامه فقهی**  
**ارتقای مدیریت شهری قم**

**شورای راهبردی**  
**الگوی پیشرفت اسلامی**

۱۲۴/۶/۲



## برنامه فقهی

# ارتقای مدیریت شهری قم

### محورهای جلسه:

۱. علت ورود حوزه علمیه به بحث مدیریت شهری چیست؟
۲. اصول عام طراحی شهر اسلامی چیست؟
۳. ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری (مبتنی بر اصول عام طراحی شهر اسلامی) چگونه است؟
۴. برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت شهر یا محله کدام است؟

شورای راهبردی  
الگوی پیشرفت اسلامی  
۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱



اللَّهُمَّ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا  
ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.



## شناسنامه

متن پیش رو (ویرایش دوم) صد و بیست و چهارمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده گفتگوی حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی «برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم» ایراد شده است. این نشست در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ در شهر مبارک قم / ساختمان خاتم برگزار شده است. پیشنهاد می شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.







## فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ..... ۶
- ۱/۱. ارائه گزارش‌های طرح و برنامه فقهی و جدول تصمیم، ذیل نظریات فقهی؛ ویژگی مهم دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی ..... ۶
- ۱/۲. تبیین اجمالی پرسش‌های چهارگانه حوزه مدیریت شهری (ارکان گزارش طرح و برنامه فقهی حوزه مدیریت شهری)..... ۷
۲. سرفصل اول: علت ورود حوزه علمیه به بحث مدیریت شهری چیست؟ ..... ۱۳
- ۲/۱. انجام اقدامات ضد روابط انسانی در مدیریت شهری قم؛ علت ورود حوزه علمیه به بحث مدیریت شهری ..... ۱۳
- ۲/۱/۱. الگوی معیوب تجارت و ساخت بازار؛ یکی از اقدامات ضد روابط انسانی در مدیریت شهری قم..... ۱۳
- ۲/۱/۱/۱. تسهیل تجارت برای اغنیاء و سرمایه‌داران (با افزایش ساخت مگامال‌ها و پاساژهای بزرگ)، و عدم توجه به تسهیل تجارت برای فقراء و عموم مردم (با عمومی‌سازی تجارت)؛ الگوی معیوب تجارت و ساخت بازار در مدیریت شهری قم ..... ۱۳
- ۲/۱/۱/۲. الگوی فقهی تجارت و ساخت بازار (بر مبنای عمومی‌سازی تجارت)؛ جایگزین الگوی معیوب تجارت و ساخت بازار در مدیریت شهری شهر قم..... ۱۴
- ۲/۱/۱/۲/۱. ساخت بازارهای وقفی؛ یکی از الگوهای فقهی تجارت و بازار (در راستای عمومی‌سازی تجارت)..... ۱۴
- ۲/۱/۱/۲/۲. ساخت و مدیریت بازار بر اساس مدل بازار امیرالمومنین علیه السلام؛ یکی دیگر از الگوهای فقهی تجارت و ساخت بازار (در راستای عمومی‌سازی تجارت) ..... ۱۵
- ۲/۱/۱/۲/۲/۱. قاعده سبقت (حق اولویت)؛ یکی از قواعد مدیریت بازار توسط امیرالمومنین علیه السلام ..... ۱۵
- ۲/۱/۱/۲/۲/۲. در اختیار قراردادن مغازه‌های رایگان؛ یکی دیگر از قواعد مدیریت بازار توسط امیرالمومنین علیه السلام ..... ۱۶
- ۲/۱/۱/۲/۳. استفاده از ظرفیت اماکن زیارتی (از جمله: حرم امام رضا علیه السلام و حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها)) برای ایجاد بازارهای موقت رایگان یا ارزان قیمت؛ یکی دیگر از الگوهای فقهی تجارت و ساخت بازار (در راستای عمومی‌سازی تجارت) ..... ۱۸
- ۲/۱/۲. گسترش ساخت آپارتمان؛ یکی دیگر از اقدامات ضد روابط انسانی در مدیریت شهری قم ..... ۱۹
- ۲/۱/۲/۱. ضربه‌زدن آپارتمان از ده حیث به روابط انسانی؛ علت ضد روابط انسانی بودن ساخت آپارتمان ..... ۱۹
- ۲/۱/۲/۱/۱. نبود حیاط اختصاصی برای واحدهای آپارتمانی (و در نتیجه: نبود محل بازی کودکان، نبود محل تفریح برای اعضاء خانواده، افزایش تولید زباله و...)؛ یکی از عوامل ده‌گانه ضربه‌زننده آپارتمان به روابط انسانی ..... ۱۹
- ۲/۲. لزوم مطالعه و بررسی کتب و اسناد بین‌المللی ضاله ضد روابط انسانی در حوزه مدیریت شهری: ..... ۲۲
- ۲/۲/۱. اسناد مرتبط با مکتب نوشهرگرایی؛ یکی از اسناد بین‌المللی ضاله ضد روابط انسانی ..... ۲۲

- ۲/۲/۲. اسناد مرتبط با هیئات؛ یکی دیگر از اسناد بین‌المللی ضالّه ضد روابط انسانی ..... ۲۴
- ۱/۲/۳. اسناد مرتبط با بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰؛ یکی دیگر از اسناد بین‌المللی ضالّه ضد روابط انسانی .. ۲۷
- ۲/۱/۳. بی‌توجهی به درختان مثمر و معطر در فضای سبز شهری؛ یکی از اقدامات ضد روابط انسانی در مدیریت شهری قم ..... ۲۹

### ۳. سرفصل دوم: اصول عام طراحی شهر اسلامی چیست؟ ..... ۳۱

- ۳/۱. اصل اول: طراحی متوازن کالبد شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۳۱
- ۳/۱/۱. طراحی کالبد تجاری شهر بر مبنای ساخت بازارهای ارزان‌قیمت در راستای تسهیل و گسترش تجارت عمومی؛ نمونه‌ای از طراحی متوازن کالبد شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۳۴
- ۳/۱/۲. طراحی و تغییر کالبد و کاربری ساختمان از "آپارتمان" به "دار واسعه"؛ نمونه‌ای دیگر از طراحی متوازن کالبد شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۳۵
- ۳/۲. اصل دوم: مدیریت شهر به صورت غیرمتمرکز و محله‌ای ..... ۳۷
- ۳/۲/۱. کاهش هزینه‌های اداره شهر؛ یکی از فوائد مدیریت شهر به صورت غیرمتمرکز و محله‌ای ..... ۳۸
- ۳/۲/۱/۱. مدیریت کاهش پسماند با استفاده از ظرفیت حیاط خانه؛ یکی از نمونه‌های کاهش هزینه‌های مدیریت شهر به صورت غیرمتمرکز و محله‌ای ..... ۳۸

### ۳/۳. اصل سوم: مدیریت شهر براساس علم و اقناع (نه جبر و قانون) ..... ۳۹

- ۳/۳/۱. ایجاد نارضایتی عمومی؛ یکی از آثار مدیریت شهر بر اساس جبر و قانون ..... ۳۹
- ۳/۳/۲. کاهش همکاری مردم در اداره شهر؛ یکی دیگر از آثار مدیریت شهر بر اساس جبر و قانون ..... ۴۱
- ۳/۴. اصطلاحاتی مانند: محله، امام محله، مسجد، هیئت امنای مسجد، کالبد شهری متوازن؛ نمونه‌هایی از مفاهیم و اصطلاحات متولدشده و مرتبط با اصول عام طراحی شهر اسلامی ..... ۴۲

### ۴. سرفصل سوم: ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری (مبتنی بر اصول عام طراحی شهر اسلامی)

#### چگونه است؟ ..... ۴۴

- ۴/۱. ایجاد توازن در توزیع کالبد شهری بر مبنای تنظیم صحیح روابط انسانی؛ محور اصلی در ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری ..... ۴۴
- ۴/۱/۱. ساختار امامت و مدیریت؛ اولین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۴۴
- ۴/۱/۲. ساختار ترکیه و پاکسازی؛ دومین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۴۶

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

- ۴/۱/۳. ساختار علم و آموزش؛ سومین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۵۰
- ۴/۱/۳/۱. آموزش بهره‌برداری از ساختمان و دار و اسعه، و آموزش‌های مرتبط با کاهش پسماند؛ نمونه‌هایی از آموزش‌های مرتبط با اداره شهر ..... ۵۰
- ۴/۱/۴. ساختار بیان و تبلیغات شهری؛ چهارمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی .. ۵۲
- ۴/۱/۵. ساختار عبرت و میراث فرهنگی؛ پنجمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی .. ۵۳
- ۴/۱/۶. ساختار فرقان و ارزیابی شهری؛ ششمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی .. ۵۷
- ۴/۱/۷. ساختار مکاسب و تجارت عمومی؛ هفتمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی .. ۵۷
- ۴/۱/۸. ساختار نفی سیبل و پدافند غیرعامل؛ هشتمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ..... ۵۷

- ۴/۱/۹. ساختار نظم و سنت‌های شهری؛ نهمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی ... ۵۹

## ۵. سرفصل چهارم: برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت شهر یا محله کدام است؟ ..... ۶۱

- ۵/۱. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه امامت و مدیریت: ..... ۶۱
- ۵/۱/۱. ارتقاء جایگاه مساجد (خصوصاً مساجد جامع) به عنوان ساختار اصلی مدیریت شهر؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه امامت و مدیریت (تصمیم ۱) ..... ۶۱
- ۵/۱/۲. طراحی نقشه کالبدی مسجد اداره‌کننده شهر؛ دومین برنامه اولویت‌دار در حوزه امامت و مدیریت (تصمیم ۲) .. ۶۲
- ۵/۲. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری: ..... ۶۴
- ۵/۲/۱. آماده‌سازی طرح فضای سبز به محوریت گیاهان و درختان مُثمر و معطر؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری (تصمیم ۳) ..... ۶۴
- ۵/۲/۲. بازتعریف کالبد سرویس‌های بهداشتی در شهر و جانمایی مناسب آنها؛ دومین برنامه اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری (تصمیم ۴) ..... ۶۷
- ۵/۲/۳. راه‌اندازی حمام‌های چهارمزاجی؛ سومین برنامه اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری (تصمیم ۵) ..... ۶۸
- ۵/۳. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه علم و آموزش: ..... ۷۰
- ۵/۳/۱. تولید دفترچه‌های راهنمای مدیریت شهری و گسترش آموزش‌های مرتبط با آن؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه علم و آموزش (تصمیم ۶) ..... ۷۰
- ۵/۴. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه بیان و تبلیغات شهری: ..... ۷۰

برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم

- ۵/۴/۱. ارتقاء تبلیغات شهری از حوزه اقتصاد به حوزه‌های سه‌گانه روابط انسانی، تسخیر اشیاء و اسماء الهی؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه بیان و تبلیغات شهری (تصمیم ۷) ..... ۷۰
- ۵/۴/۲. برگزاری جشنواره‌های عکس در مورد معضلات شهری؛ دومین برنامه اولویت‌دار در حوزه بیان و تبلیغات شهری (تصمیم ۸) ..... ۷۰
- ۵/۵. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی: ..... ۷۲
- ۵/۵/۱. جانمایی محله‌ای آرامستان‌ها؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۹) ..... ۷۲
- ۵/۵/۳و۲. راه‌افتادن مردمی غسل میت و احتضار خانگی؛ دومین و سومین برنامه اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۹ و ۱۰) ..... ۷۶
- ۵/۵/۴. تبیین روایت خانه‌های قدیمی پیشرفته؛ چهارمین برنامه اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۱۱) ..... ۷۸
- ۵/۵/۵. ایجاد دفترچه روایت جدید آثار باستانی؛ پنجمین برنامه اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۱۲) ..... ۸۱
- ۵/۶. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهری: ..... ۸۲
- ۵/۶/۱. کاهش سفرهای درون شهری؛ اولین برنامه (شاخص) اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهر (تصمیم ۱۳) .. ۸۲
- ۵/۶/۲. گسترش افقی شهر به همراه واگذاری امور به مردم؛ دومین برنامه (شاخص) اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهر (تصمیم ۱۴) ..... ۸۳
- ۵/۶/۳. کاهش تولید زباله؛ سومین برنامه (شاخص) اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهر (تصمیم ۱۵) ..... ۸۴
- ۵/۷. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی: ..... ۸۶
- ۵/۷/۱. راه‌اندازی باغچه طیبات؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی (تصمیم ۱۶) ..... ۸۶
- ۵/۷/۲. راه‌اندازی بازارهای موقت؛ دومین برنامه اولویت‌دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی (تصمیم ۱۷) ..... ۸۸
- ۵/۷/۳. راه‌اندازی بازارهای وقفی؛ سومین برنامه اولویت‌دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی (تصمیم ۱۸) ..... ۸۹
- ۵/۸. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه نفی سبیل و پدافند غیرعامل: ..... ۸۹
- ۵/۸/۱. راه‌اندازی مسابقات اسب‌دوانی و تیراندازی (سبق و رمایه)؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه نفی سبیل و پدافند غیرعامل (تصمیم ۱۹) ..... ۸۹
- ۵/۹. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه نظم و سنت‌های شهری: ..... ۹۲

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

۵/۹/۱. گسترش گفتگو در مورد تعریف جامع محله در بین مدیران شهری، تنظیم نقشه جامع شهری به محوریت محلات، و برگزاری جشنواره‌های مردمی در مورد حوزه‌های مختلف مربوط به محله؛ سه برنامه اولویت‌دار در حوزه نظم و سنت‌های شهری (تصمیم ۲۰ و ۲۱ و ۲۲) ..... ۹۲

پیوست‌ها: ۹۸ .....

پیوست شماره ۱: تصاویری از تیمچه بزرگ و بازار قم (نمونه‌ای از بازارهای وقفی) ..... ۹۹

پیوست شماره ۲: عدم دریافت کرایه از مغازه‌های بازار توسط امیرالمومنین علیه السلام ..... ۱۰۱

پیوست شماره ۳: بیانات مراجع معظم تقلید در مورد ربوی بودن بانک‌های کشور ..... ۱۰۴

پیوست شماره ۴: اهمیت بسیار فراوان مکاسب و تجارت در دیدگاه اسلام (نهمین از عبادت!) ..... ۱۰۸

پیوست شماره ۵: محرومیت‌های ۱۰ گانه ساخت آپارتمان و فوائد ۱۰ گانه حیاط خانه ..... ۱۱۴

پیوست شماره ۶: اهمیت و ضرورت بازی کودکان در روایات ..... ۱۱۵

پیوست شماره ۷: مذمت ساخت "آپارتمان" و تاکید بر ساخت "دار واسعة" در روایات ..... ۱۱۸

پیوست ۸: توضیحاتی در مورد "شهر کودک" ..... ۱۲۴

پیوست شماره ۹: توضیح اجمالی در مورد نقش نماز در اداره جامعه ..... ۱۲۶

پیوست شماره ۱۰: اداره شهر به صورت محله‌ای و غیرمتمرکز؛ دیدگاه اسلام در مورد نحوه اداره شهر ..... ۱۲۸

پیوست شماره ۱۱: محوریت علم و اقتناع در اداره جامعه (نه جبر و قانون) ..... ۱۳۳

پیوست شماره ۱۲: تاکید روایات بر عمومی‌سازی و تسهیل تجارت برای فقراء و عموم مردم ..... ۱۴۱

پیوست شماره ۱۳: محوریت مساجد (خصوصاً مساجد جامع) در اداره شهر ..... ۱۴۸

پیوست شماره ۱۴: تصاویری از آتشکده نویس قم ..... ۱۶۵

پیوست شماره ۱۵: روایاتی در مورد مذمت سفر (السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ) ..... ۱۶۶

پیوست شماره ۱۶: فاجعه زباله در دنیا! ..... ۱۶۸



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ  
أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحَنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ  
تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

## ۱. مقدمه:

### ۱/۱. ارائه گزارش‌های طرح و برنامه فقهی و جدول تصمیم، ذیل نظریات

#### فقهی؛ ویژگی مهم دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی

خدمت برادران محترم خیرمقدم عرض می‌کنم. همان‌طور که به استحضار مبارک شما رسیده است، در نشست تخصصی امروز، یک برنامه فقهی برای ارتقاء مدیریت شهری قم را محضر شما تبیین خواهیم کرد. همان‌طور که در گذشته بیان کرده‌ایم، ما در "دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی" به سر می‌بریم و ویژگی مهم دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی این است که ذیل نظریات فقهی، "طرح و برنامه فقهی" را برای اداره جامعه پیشنهاد می‌کنیم. طرح و برنامه‌های فقهی همان‌طور که اشاره کردم، از یک سو ذیل یک نظریه فقهی بحث می‌شود و از سوی دیگر شامل و حاوی یک جدول و تصمیم مشخص است. در واقع اگر کسی "گزارش‌های طرح و برنامه"

مدرسه هدایت و شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی را مطالعه کند، می‌تواند در محیط کاری خود، مجموعه‌ای از تصمیمات را اتخاذ کند. به این مرحله رسیدن، آرزوی بزرگی بود! و فکر می‌کنم ان‌شاءالله اگر همه ما این جزوات طرح و برنامه را جدی بگیریم؛ از یک سو آن شبهه "عدم کاربردی بودن بحث‌های تمدنی" به تدریج از حوزه علمیه و از افکار متدین برطرف خواهد شد. و از سوی دیگر عیب‌های احتمالی این نوع ورود و خروج به مسائل اداره کشور هم برطرف خواهد شد. به‌رحال در جلسه امروز به این معنایی که اجمالاً محضران عرض کردم ما در واقع یک برنامه فقهی را بحث خواهیم کرد.

## ۱/۲. تبیین اجمالی پرسش‌های چهارگانه حوزه مدیریت شهری (ارکان

### گزارش طرح و برنامه فقهی حوزه مدیریت شهری)

برای اینکه این برنامه فقهی تدوین شود، من چهار پرسش و سرفصل بحثی را محضر شما مطرح خواهم کرد که در واقع این چهار محور، ارکان این برنامه فقهی را تشکیل می‌دهند. [این چهار محور] پرسش‌های مهمی هستند که باید به آن‌ها بها داد و راجع به آن‌ها گفتگو کرد. من پیشنهاد می‌کنم که خود اصل این پرسش‌ها را بیشتر از پاسخی که ما به آن‌ها می‌دهیم، مدنظر مبارکتان داشته باشید. به‌نظر من [این پرسش‌ها] پرسش‌هایی هستند که از استحکام کافی برخوردار هستند و از سوی دیگر قابلیت تفاهم "بحث‌های فقهی در حوزه شهری" را هم بالا خواهند برد.

این پرسش‌ها به ترتیب عبارتند از: [پرسش اول]: چرا حوزه علمیه باید به بحث مدیریت شهری ورود پیدا کند؟ به عبارت دیگر: چرا ما الان به بحث مدیریت شهری ورود پیدا کردیم؟ دلیلش باید روشن و مشخص باشد. اگر این پرسش را با مبانی و مفاهیم خودش، برای مخاطب خودمان تبیین کنیم؛ یک سری موضوعات و یک سری مفاهیم در ذهن‌ها تبیین خواهد شد.

به شرحی که عرض خواهم کرد ما سه انگیزه برای ورود به بحث‌های مدیریت شهری داریم: یکی اینکه فکر می‌کنیم که به دلیل مدیریت شهری فعلی، "اختلال در روابط انسانی" اتفاق افتاده است! بنابراین می‌خواهیم که عواملی که منجر به اختلال در روابط انسانی می‌شود را برطرف کنیم.

دلیل دوم این است که: تصرف‌ها و برنامه‌هایی که مدیران شهری پیشنهاد می‌دهند، به شدت ضد محیط زیست و دارای تالی فاسدهای متفاوت است. بنابراین ما دنبال یک "مدل برنامه‌ریزی شهری بدون تالی فاسد" می‌گردیم و دوست داریم که مثلاً وقتی در "حوزه ترافیک"، و یا در "حوزه خدمات شهری" طرحی داده می‌شود؛ اینها در نهایت خودش منجر به "آلودگی محیط زیست" و "تخریب سلامت انسان‌ها" نشوند.



دلیل سومی که ما را قانع کرده است که در حوزه بحث مدیریت شهری ورود پیدا کنیم، این است که: [در مدیریت شهری کنونی] از "ظرفیت اسماء الهی" برای مدیریت جامعه استفاده نمی‌شود. همانطور که استحضار دارید: مسئله اسماء الهی، قدرت ایجاد بعث و تحرک در جامعه را دارد و شما می‌توانید از بعضی از اسماء الهی استفاده کنید و انگیزه‌های مبعوث‌کننده و حرکت‌دهنده را در جامعه خودتان تامین کنید. ولی در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، (بخصوص در شهر قم) انگیزه‌ها بر مبنای "تحریک حرص" است، و بر مبنای "رقابت‌های مبتنی بر رذایل اخلاقی" است (که شرح آن را عرض خواهم کرد). این سوال اول است.

سوال دومی که در جلسه امروز به آن می‌پردازیم، این است که: اصول عام طراحی شهر اسلامی کدام است؟ بر فرض اگر کسی دلایل ما را قبول کرد، که بخاطر آن دلایل بیاید در حوزه مدیریت شهری ورود و بحث پیدا کند؛ حالا براساس چه اصولی می‌خواهد شهر را طراحی کند؟ این را باید بحث کنیم. وقتی حرف از "اصول عام طراحی یک شهر" به میان می‌آید، در واقع روش کلان خودمان را برای اداره شهر بحث می‌کنیم. این اصول عام طراحی در نهایت خودش، منجر به این خواهد شد که یک مجموعه تصمیمات و اقداماتی را فهم و تفاهم کنیم. این هم یک سرفصل است. البته ملحق به اصول عام طراحی شهر، مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط شهری را بحث خواهیم کرد. شاید این مفاهیم مرتبط شهری، حدود صد مفهوم باشد که بخشی از آن را در جلسه امروز بحث خواهیم کرد.

سومین بحثی را که ما بعد از "اصول عام طراحی شهر" بحث خواهیم کرد، "ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری" است. یعنی: مبتنی بر آن اصول، یک ساختار برای تدوین برنامه‌ها پیشنهاد خواهیم کرد. همان‌طور که من در جلسه شهرداری مشهد هم عرض کردم: ما نه مدل برنامه‌ریزی شهری در نظریه‌مان تصویر شده است، که اینها را هم [در جلسه امروز] بحث خواهیم کرد و سعی می‌کنیم خاصیت‌های آن را خدمت دوستان تبیین کنیم. در واقع می‌توانید براساس فهرست محتوایی ساختار سوم، یک نقشه خدمات شهری جدید را پیشنهاد کنیم. مثلاً اگر شما معاونت‌های شهرداری قم را که ببینید، مثلاً دارای "معاونت حمل و نقل"، "معاونت معماری"، "معاونت فضای سبز"، "معاونت امور مالی" و سایر معاونت‌هاست. در واقع این ساختار برنامه‌ریزی شهری [جدید]، می‌تواند ساختار معاونت‌های شهری را متحول کند. از نظر ما شهر مطلوب که مجموعه‌ای از محلات است، نه معاونت فعال باید داشته باشد؛ به شرحی که عرض خواهم کرد.

۱. **ارجاع پژوهشی:** اشاره به نشست تخصصی «تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه‌السلام)» که در تاریخ ۲۴ دیماه ۱۴۰۰ در شهرداری مشهد و در جمع مدیران و کارشناسان شهرداری مشهد برگزار شده است. در این نشست به بررسی سه سوال پرداخته شده است: ۱. مفاهیم پایه مدیریت شهری محله‌محور چیست؟ ۲. ساختارهای برنامه‌ریزی برای ساخت "محله" چیست؟ ۳. برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت "محله" کدام است؟ جهت مشاهده و مطالعه متن کامل این گزارش به این آدرس در پیام‌رسان ایتا مراجعه کنید: <https://eitaa.com/olgou4/3978>

## برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم

سرفصل چهارم و آخر بحث [این است که:] ذیل هر کدام از ساختارهای بحثی که عرض می‌کنم، مجموعه‌ای از "برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت یک شهر یا محله" را پیشنهاد خواهیم کرد. همان‌طور که در خبرها شنیدید این برنامه‌های اولویت‌دار ما برای ساخت یک محله شهری و ساخت شهر اسلامی، حدود ۱۰۰ برنامه است. که امروز سعی خواهیم کرد لااقل یک پنجم این برنامه‌ها را در این جلسه تبیین کرده و راجع به آن گفتگو کنیم. در واقع این حدود ۲۰ برنامه‌ای که امروز بحث خواهیم کرد، "جدول تصمیم" جلسه امروز خواهد بود. ما فکر می‌کنیم، این ۲۰ برنامه را مشخصاً می‌توان در شهر قم پیاده کرد. در واقع، هم نگاه حجیتی این تصمیمات (یعنی: استنادش به شارع مقدس) برای ما تمام است و هم نظام فوائد آن برای مخاطب قابل تبیین می‌باشد. از سوی دیگر هم این برنامه‌ها خیلی هزینه اجرایی (یعنی هزینه‌های بالا) ندارد. من دیروز که داشتم آمار و اطلاعات شهر قم را بررسی می‌کردم، دیدم شهرداری محترم قم برای تملک املاک سر راه یک پروژه حمل‌ونقلی (فقط برای تملک املاک یک تونل) تا الان ۱۴۷ میلیارد تومان پرداخت کرده است،<sup>۲</sup> هنوز بخشی از تملک هم باقی مانده است. واقعیت این است که پروژه‌های شهری امروز بسیار پروژه‌های پرهزینه‌ای هستند و شهرهای ما گران‌تر اداره می‌شوند. اما این طرحی که ما الان بحث می‌کنیم، وقتی محاسبه می‌کنیم هزینه‌هایی که مجموعاً برای همه این ۲۰ طرحی که عرض خواهیم کرد، شاید به اندازه یک پروژه عمرانی هم نباشد و می‌توان فضای شهری را ارزان‌تر اداره کرد. حالا ان‌شاء الله وقتی به بحث رسیدیم، اینها ملموس‌تر خواهد شد.

پس در مجموع این چهار سرفصل بحثی را خدمت شما ارائه خواهیم کرد. البته استحضار دارید که این نوع از استنباطی که در "مدرسه هدایت" پیشنهاد داده‌ایم، ذیل یک قواعد اصولی تبیین و تئوریزه می‌شود. جا داشت که اگر

۲. **ارجاع برداشتی:** به گزارش قم پرس: محمد رضانی (مدیر منطقه هفت شهرداری قم)، به تشریح پیشرفت فاز ۵ عمار یاسر پرداخت و اظهار داشت: این پروژه به‌عنوان مهم‌ترین پروژه منطقه هفت شهرداری بوده و برای آن در سال ۱۴۰۱ اعتبار ویژه‌ای برای تملک در نظر گرفته شده تا بتوانیم این پروژه را به اتمام برسانیم. وی اعتبار تملک فاز ۵ عمار یاسر را در سال ۱۴۰۱ عددی بالغ بر ۱۴۷ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: از ۱۸۰ میلیارد تومان بودجه تملک سال ۱۴۰۱ که به این منطقه اختصاص داده شده حدود ۱۴۷ میلیارد تومان مربوط به تملکات این پروژه است.

منبع: قم پرس (QUMPRESS.IR)، ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱  
<https://b2n.ir/m04027>

به گزارش خبرگزاری موج قم، سید عبدالله سلیمانی (مدیرکل املاک شهرداری قم) با اشاره به عملکرد اداره کل املاک شهرداری در سال ۱۴۰۰ اظهار داشت: ۴۰۰۰ میلیارد ریال برای تملک اراضی در مسیر پروژه‌های شهری قم هزینه شد.

منبع: موج نیوز قم، کدخبر: ۴۳۳۱۶۲، اول خرداد ۱۴۰۱  
<https://b2n.ir/w90969>

تصویب ۴۵ میلیارد تومان اعتبار برای تکمیل تملکات پروژه بلوار جمهوری اسلامی قم / صابری (رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر قم) اخذ مجوز ردیف اعتباری با موضوع ادامه تملک بلوار جمهوری اسلامی را مورد اشاره قرارداد و گفت: همچنان تملک حدود ۱۲ پلاک از مسیر پیش روی این محور باقی مانده است و حدود ۴۵ میلیارد تومان برای تملک پلاک‌های باقی مانده بلوار جمهوری اسلامی نیاز است.

سایت شورای اسلامی شهر مقدس قم، اول شهریور ۱۴۰۱، شناسه: ۸۵۱۰  
<https://b2n.ir/d71728>

وقت جلسه و حال و هوای دوستان اقتضاء می‌کرد، ما آن اصول فقهی و قواعد اصولی را هم بحث می‌کردیم؛ ولی به‌رحال در جلسه امروز کمتر صحبت می‌کنیم. البته اگر در اثناء بحث نیاز شد که من جمع‌کنم بین بعضی از ادله‌های روایی که در بحث لازم هست، اشاره‌ای هم به این قواعد اصولی خواهم داشت.

### ۱/۳. مجزأ بحث کردن قواعد اصولی از مسائل فقهی و در نتیجه عدم دستیابی به تصمیمات فقهی مشخص و کاربردی برای اداره جامعه، و عدم اختصاص وقت کافی برای درس‌های تمدنی و فقه‌نظام در حوزه‌های علمیه؛ دو محذور و مشکل مهم در راستای گسترش کمی و کیفی نشست‌های فقهی مدرسه هدایت

ما همیشه در نشست‌های فقهی مدرسه هدایت بین دو محذور هستیم: یک محذور اینکه قبول نداریم و درست نمی‌دانیم که "اصول فقه" را جدای از "فقه" بحث کنیم (الان در جامعه علمی حوزه علمیه مرسوم است که یک درس اصول است و یک درس فقه). ما فکر می‌کنیم که وقتی طلبه‌ها درس "اصول" را مجزأ از درس "فقه" می‌خوانند، نمی‌توانند خیلی صحیح قواعد اصولی را به کارگیری کنند. بنابراین وضعیت فعلی رقم می‌خورد. شاید ما الان بیش از هزار طلبه داریم که به قواعد اصولی حوزه علمیه و آخرین نظریات آن مسلط هستند؛ ولی استنباط‌های فقهی جدید کمتر در حوزه علمیه صورت می‌گیرد. الان (در مقابل این درس‌های مفصلی که در حوزه علمیه برگزار می‌گردد) کل بحث‌های تحت عنوان "دروس مستحدته"<sup>۵</sup>، حدود ۳۰ درس است. که حالا ان‌قلت (اشکال) اصلی به این دروس مستحدته هم همین است که: اینها به "تصمیمات عملیاتی مشخص" نمی‌رسند. معمولاً [در جمع‌بندی نهایی این دروس، فقهاء و اساتید] اعلام می‌کنند که: مثلاً فلان تصمیم نظام برنامه‌ریزی

۳. ارجاع پرورشی: اصول فقه: هو علم یبحث فیہ عن القواعد التي يتوصل بها إلى استنباط الأحكام الشرعية عن الأدلة. و علی ذلك فعلم أصول الفقه من مبادئ الفقه، و يتكفل بیان کیفیة إقامة الدلیل علی الحكم الشرعی.

اصول فقه آن علمی است که در آن از قواعدی که به وسیله آها به استنباط احکام شرعی از روی ادله آنها دست یافته می‌شود. بنابراین علم اصول فقه از مبادی (مقدمات و لوازم) فقه است و چگونگی اقامه دلیل بر حکم شری را عهده‌دار است.

الموجز فی أصول الفقه (جعفر سبحانی)، ص ۹

۴. ارجاع پرورشی: الفقه فی اللغة الفهم و فی الاصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصیلیة.

فقه در لغت: به معنای فهم، و در اصطلاح: علم به احکام شرعی فرعی، از روی ادله تفصیلی است.

معالم الدین و ملاذ المجتهدین (ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، ۱۰۱۱ ق)، ص ۲۶

۵. ارجاع پرورشی: مسائل مستحدته مسائلی که در فقه اسلامی، حکم شرعی برای آنان وجود نداشته و یا مسائلی که حکم شرعی داشته‌اند؛ اما به خاطر تغییر شرایط جامعه، حکم شرعی جدید انتظار می‌رود. برخی از نمونه‌های مسائل مستحدته عبارتند از: بانکداری، بیمه، پیوند اعضا، تغییر جنسیت، مرگ مغزی. فقیهان برای یافتن حکم شرعی این مسائل، به قوانین کلی موجود در منابع اسلامی مراجعه می‌کنند.

منبع: ویکی شیعه  
<https://b2n.ir/p82770>

کشور «جایز است» یا «جایز نیست». یعنی در بررسی مسائل مستحدثه ما از طرف حوزه علمیه کمتر به "پیشنهاد فقهی برای اداره جامعه" می‌رسیم.

مثال مشخص آن این است: مسئله "بورس" و یا مسئله "رمز ارزها" در حوزه علمیه مطرح می‌شود؛ نهایت انتظاری که از یک درس فقهی مرتبط [در حوزه علمیه] می‌رود، این است که آن فقیه بررسی کند که «آیا بورس اشکال شرعی دارد یا ندارد؟» یا اینکه «رمز ارزها را به عنوان پول رایج کشور را بپذیریم یا نپذیریم؟» یعنی شما حتماً پیشنهاد "سیاست‌های پولی و مالی" را از درس‌های اقتصادی مطرح در حوزه علمیه قم مشاهده نمی‌کنید یا کمتر مشاهده می‌کنید. به‌رحال درس‌هایی هم که الان در حوزه علمیه [تحت عنوان دروس مستحدثه] وجود دارد، این اشکالات به آنها وارد است. ما "فقه نظام" را فقه مُحلَّل مدرنیته نمی‌دانیم. فقهی می‌دانیم که منجر می‌شود به اینکه یک پیشنهادها موازی در مقابل پیشنهادهای مدرنیته در حوزه‌های مختلف را مطرح کند.

از این اشکال که بگذریم (که در واقع این اشکال، ریشه اصلی آن تفکیک درس اصول از درس فقه است). یک اشکال دیگری هم وجود دارد: ما که معتقدیم "اصول" و "فقه" را باید در کنار هم و با نگاه به "فقه نظام" بحث کرد؛ تمام درس‌های تمدنی در حوزه علمیه قم، درس‌های آخر هفته محسوب می‌شود. یعنی ما با پدیده طلبه‌هایی روبرو هستیم که هم به انقلاب علاقمند هستند، هم به تمدن اسلامی علاقمند هستند؛ ولی مشکل اصلی آنها عدم اختصاص وقت کافی برای این نوع از درس و بحث‌هاست. (من به خاطر تجربه مختصری که در گفتگوی با طلبه‌های مختلف در این سال‌ها به‌دست آورده‌ام) گاهی اوقات مثلاً راجع به یک نظریه فقهی که ما خودمان در مدرسه هدایت مطرح کرده‌ایم، در یک جلسه‌ای هم اشکالات رجالی مطرح می‌شود، هم اشکالات اصولی مطرح می‌شود، هم اشکالات درایه‌ای مطرح می‌شود که برای شرح آن شاید نیاز به ده ساعت وقت لازم است. ولی انگیزه و میزان اختصاص وقت آن طلبه محترم، به اندازه یک دهم هم نیست! به همین علت بسیاری از بحث‌ها در حد اجمال باقی می‌ماند. لذا به نظرم اگر بخواهیم "بحث‌های تمدنی" و "بحث‌های فقه نظام" را در حوزه علمیه قم مُدوّن کنیم، نقطه آغازش این است که یک عده‌ای از طلبه‌ها باید تصمیم بگیرند که به جای "کفایه" و "رسائل" و درس‌های خارج فقه امروز، تمام طول هفته را به این بحث‌ها اختصاص دهند. اگر شما روزی (چه در وجود مبارک خودتان، چه در حوزه‌های علمیه) طلبه‌هایی را مشاهده کردید که شنبه تا چهارشنبه، دو درس در مورد بحث‌های تمدنی شرکت می‌کنند؛ می‌توانید امیدوار باشید که تا یک دهه آینده، فقه نظام از این حالت مُحلَّل بودن برای آراء دیگران، تبدیل شود به یک فقه پیشنهاددهنده و فقهی که می‌تواند تحولات را مدیریت کند.

به‌رحال خواستم در جلسه امروز به این محذور هم توجه داده باشم که اگر به جای این نشستی که دوستان زحمت کشیدند و برگزار کردند، ما می‌توانستیم مثلاً ده جلسه بحث برگزار کنیم، حتماً می‌توانستیم به صورت جدی‌تر به بحث‌ها پردازیم.



## ۲. سرفصل اول: علت ورود حوزه علمیه به بحث مدیریت شهری

### چيست؟

برگردیم به چهار پرسشی که قرار است امروز در محضر شما توضیح دهیم. سوال اول این است که: چرا به بحث مدیریت شهری ورود کرده‌ایم؟ و چرا به این مسئله می‌پردازیم؟

### ۲/۱. انجام اقدامات ضد روابط انسانی در مدیریت شهری قم؛ علت ورود

#### حوزه علمیه به بحث مدیریت شهری

همان‌طور که عرض کردم وقتی شهر قم را بررسی می‌کنیم، صدها اقدام "ضد روابط انسانی" در این شهر مشاهده می‌کنیم. می‌دانید مجموعه اقداماتی که توسط شهرداری محترم در این شهر انجام می‌شود، ما را امیدوار نمی‌کند که "روابط صحیح انسانی" در شهر تامین شود. من چند مثال بزنم:

#### ۲/۱/۱. الگوی معیوب تجارت و ساخت بازار؛ یکی از اقدامات ضد روابط انسانی در

##### مدیریت شهری قم

۲/۱/۱/۱. تسهیل تجارت برای اغنیاء و سرمایه‌داران (با افزایش ساخت مگامال‌ها و پاساژهای بزرگ)، و عدم توجه به تسهیل تجارت برای فقراء و عموم مردم (با عمومی‌سازی تجارت)؛ الگوی

##### معیوب تجارت و ساخت بازار در مدیریت شهری قم

مثلاً تعداد مگامال‌ها و فروشگاه‌های بزرگ در شهر در حال افزایش است و در واقع یک نوع بازار خاص، یک نوع الگوی تجارت خاص در شهر قم در حال پیاده‌سازی و اجراست. ارتباط این موضوع با "اختلال در روابط انسانی" چیست؟ وقتی شما اصل در "الگوی تجارت و ساخت بازار" را مگامال (Megamall)<sup>۱</sup> و ساخت پاساژهای بزرگ قرار می‌دهید، بصورت طبیعی فقرا نمی‌توانند این مغازه‌ها را خریداری یا حتی کرایه آن را پرداخت کنند و آنجا را تبدیل به محل تجارت خودشان کنند. یعنی: الگوی تجارت شهر قم، تجارت برای فقرا را تسهیل نمی‌کند؛ بلکه به سمتی می‌رود که تجارت را برای اغنیاء تسهیل کند. این یکی از مصادیق مهم "اختلال در روابط انسانی" است. ما

۶. فروشگاه‌های بزرگ.

وقتی به لحاظ فقهی وارد بحث می شویم، باید توجه کنیم که مجموعه‌ای از روایات (که من در فقه‌المکاسب در سال ۹۸ این موضوعات را بحث کرده‌ام)<sup>۷</sup> ما را دعوت می‌کند به اینکه ما تا می‌توانیم تجارت را عمومی‌تر کنیم.

## ۲/۱/۱/۲. الگوی فقهی تجارت و ساخت بازار (بر مبنای عمومی‌سازی تجارت)؛ جایگزین

### الگوی معیوب تجارت و ساخت بازار در مدیریت شهری شهر قم:

#### ۲/۱/۱/۲/۱. ساخت بازارهای وقفی؛ یکی از الگوهای فقهی تجارت و بازار (در راستای

#### عمومی‌سازی تجارت)

وقتی شما در مسئله مدیریت شهری، اصل را بر "عمومی‌شدن تجارت" قرار می‌دهید، به یک شکل دیگری بازار می‌سازید و با یک مدل دیگری برنامه‌ریزی می‌کنید. مثل دوره‌های گذشته با مرحوم سید محمود طباطبایی تاجر بزرگ قم صحبت می‌کنید (ایشان در دوره قاجار بوده است)<sup>۸</sup> و ایشان را اقناع می‌کنید که یک بازار بزرگ وقفی بسازد. وقتی شما بازار وقفی می‌سازید، مثلاً ۱۰۰۰ دهنه مغازه را به قیمت بسیار ارزان در اختیار مردم قرار می‌دهید. کسانی که هزینه مالی پائینی دارند می‌توانند در محیط‌های تجاری شما شرکت کنند.

۷. **ارجاع پژوهشی:** "فقه‌المکاسب" یکی از ابواب نه‌گانه "فقه نظام" (از ابواب اصلی "فقه هدایت") می‌باشد. که دارای ۱۵ سرفصل اصلی است؛ و در دوره ابتدایی طرح آن به تبیین ۵ سرفصل از آن پرداخته شده است. عناوین این ۵ سرفصل عبارتند از: طبقه‌بندی مشاغل، الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید)، الگوی تجارت و بازار (ویژگی‌های فقهی بازار)، قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار (شامل مباحثی حول ابزار مبادله، اختیار مبادله (تسعیر اختیاری) و عقود در اسلام)، و تجارت بین‌الملل.

جهت دریافت متن کامل فقه‌المکاسب (در ۶۴۸ صفحه) به این آدرس در پیام‌رسان ایتا مراجعه فرمایید: <https://eitaa.com/olgou4/3282>

لینک مشاهده نمودار کل فقه‌المکاسب: <https://eitaa.com/olgou4/3285>

۸. **ارجاع پردازشی:** تیمچه بزرگ بازار سنتی قم با بزرگترین سقف ضربی ایران، اوج هنر و معماری زمان خود بوده و با قدمتی نزدیک به ۴۰۰ سال در مرکز شهر مقدس قم، دارای سراهایی با معماری بدون سقف است. این سراها در حقیقت همان کاروانسراهای درون‌شهری هستند که در راسته بازارها قرار داشتند و شمار و وسعت آن‌ها نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی این شهر بود. این بنا از آثار ارزشمند هنری و معماری ایران است که توسط استاد حسن قمی مشهور به معمارباشی طراحی و اجرا شده و بانی آن **تاجر بزرگ قم، حاج سید محمود طباطبایی** بوده است. این تیمچه برای تجارت و خرید و فروش قالی و فرش ساخته شده و امروزه فرش دستباف قم مهمترین محصول صناعی و فروش این تیمچه است. احداث طاق تیمچه بزرگ با دهانه ۱۶ متر و ارتفاع ۱۵ متر از جمله شاهکارهایی است که با تیمچه امین‌الدوله در کاشان برابری می‌کند.

منبع: باشگاه خبرنگاران جوان - <https://b2n.ir/w64314>

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) - <https://b2n.ir/g12959>

جهت مشاهده تصاویری از تیمچه بزرگ و بازار قم؛ به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

## ۲/۱/۱/۲/۲. ساخت و مدیریت بازار بر اساس مدل بازار امیرالمومنین علیه السلام؛ یکی دیگر از الگوهای

### فقهی تجارت و ساخت بازار (در راستای عمومی سازی تجارت)

یا مثلاً اگر شما به این روایت صحیح امام صادق علیه السلام که در شرح حال رفتار اقتصادی امیرالمومنین علیه السلام در دوران حکومت ایشان توجه کنید که حضرت فرمود: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ، فَمَنْ سَبَقَ إِلَى بَيْتٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى يُبُوتِ السُّوقِ كِرَاءً»<sup>۹</sup> حضرت می فرماید: امیرالمومنین علیه السلام در دوران مدیریت شان حکم مسجد را با حکم بازار یکی قرار داده بودند: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ». دو قاعده ای که در مسجد جاری بود، در بازار هم جاری کرده بودند:

### ۲/۱/۱/۲/۲/۱. قاعده سبقت (حق اولویت)؛ یکی از قواعد مدیریت بازار توسط امیرالمومنین علیه السلام

قاعده اول این بود که اگر کسی می آمد یک مکانی از بازار را در اختیار می گرفت: «فَمَنْ سَبَقَ إِلَى بَيْتٍ، فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ»: تا آخر شب، آن دکان و بخش از بازار در اختیار او بود. دقیقاً مثل مسجد. اگر شما در یک جایی از مسجد در اختیار بگیرید و بخواهید عبادت کنید، چون شما به "قاعده سبقت" در آنجا حضور دارید، تا موقعی که در آنجا حضور دارید، در اختیار شماست.<sup>۱۰</sup>

۹. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ. قَالَ: وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى يُبُوتِ السُّوقِ كِرَاءً.»

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می کنند که ایشان می فرمودند: «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ پس هر کس به مکانی در آن زودتر برسد (و دگه ای را تصرف کند)، او بر آن دگه تا شب اولویت دارد. امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمود: «و امیرالمومنین (علیه السلام) هیچگاه برای دگه های بازار کرایه دریافت نمی کرد.»

الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲ و ج ۵، ص ۱۵۵ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۹  
سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع  
وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷۸ / الوافي، ج ۱۷، ص ۴۴۷ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۳۹ و ۲۴۰

۱۰. ارجاع پرورشی/پژوهشی: سَبَقَ: پیشی گرفتن بر دیگران در استفاده از مکانهای عمومی و موقوفات عام، همچون مساجد، موجب ثبوت حق اولویت و اختصاص برای پیشی گیرنده می باشد.

کسی که در استفاده از مکانی عمومی بر دیگران پیشی گیرد، نسبت به آن مکان حق اولویت پیدا می کند و در نتیجه دیگری نمی تواند در استفاده از آن مکان مزاحم وی گردد، مگر آنکه پیشی گیرنده از آن جا اعراض و آن را ترك کند؛ ۱ بلکه به قول برخی، اگر کسی او را از آن مکان به زور بلند کند و در آن جا نماز بگذارد، نمازش باطل است.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۳۱ و ۳۳۷

آنچه که به آن «حق سبق» تعلق گرفته به این ترتیب که شخصی قبل از دیگران از مسجد یا غیر آن، جانی را برای نماز اختیار کند و از آن اعراض نکند، بنابراین احتیاط واجب - اگر دیگری بخواهد آنجا را بگیرد - در حکم غصب است. و نماز در صورتی در جای غصبی باطل می شود که نمازگزار، غصب بودن آن را بداند و در حال اختیار باشد.

ترجمه تحریر الوسیلة (امام خمینی (ره))، ج ۱، ص ۲۶۷



## ۲/۲/۲/۱/۲. در اختیار قرار دادن مغازه‌های رایگان؛ یکی دیگر از قواعد مدیریت بازار توسط

### امیرالمومنین علیه السلام

نکته دومی که امیرالمومنین علیه السلام در مسئله بازار رعایت کرده بودند، این بود که «وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً» حضرت از حجره‌ها و دکان‌های درون بازار کرایه دریافت نمی‌کردند.<sup>۱۱</sup> (دقیقاً مثل مسجد) شما در مسجد هم پولی پرداخت نمی‌کنید. این دو اقدام امیرالمومنین علیه السلام باعث شده بود که همه فقرا بتوانند محل تجارت ارزان قیمت در اختیار داشته باشند. نه مثل شهرداری محترم قم که گران‌ترین ساختمان‌هایی که می‌سازد و در اختیار مردم قرار می‌دهد، ساختمان‌های تجاری است! البته ممکن است آن مگامال و پاساژی را هم که افتتاح می‌کنید، مُزین به نام یکی از اسماء متبرک و اسامی اهل بیت علیهم السلام باشد؛ ولی باطن‌اش این است که شما فقرا را از تجارت محروم کرده‌اید و آن‌ها هیچ وقت نمی‌توانند در محیطی که شما برای تجارت ساخته‌اید، تجارت کنند! این یک پدیده "ضد روابط انسانی" است که باید به آن توجه کرد.

یکی از روایات اشاره‌کننده به قاعده یا حق سبقت:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ أَوْ الْحِجْرَةِ أَوْ الْمَوَاضِعِ - الَّتِي يُرْجَى فِيهَا الْفُضْلُ فَرُبَّمَا خَرَجَ الرَّجُلُ يَتَوَضَّأُ فَيَجِيءُ آخَرَ فَيَصِيرُ مَكَانَهُ قَالَ: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَوْضِعٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ يَوْمَهُ وَ لَيْلَتَهُ. محمد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش بطور مرفوعه از ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده! وی گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می‌رود می‌باشیم، بسا یکی از ما برای وضوء از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می‌کند حکم آن چیست؟ حضرت فرمودند: در آن روز و شب وی احق و اولی به آن مکان می‌باشد.

الکافی، ج ۴، ص ۵۴۶ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۰

سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

کتاب المزار (للمفيد)، ص ۲۲۷ / کامل الزیارات، ص ۳۳۲

سند کامل الزیارات: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷۸ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۹ / الوافي، ج ۱۸، ص ۱۰۶۲ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲۵

۱۱. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ. قَالَ: وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً.»

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می‌کنند که ایشان می‌فرمودند: «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ پس هر کس به مکانی در آن زودتر برسد (و دکه‌ای را تصرف کند)، او بر آن دکه تا شب اولویت دارد. امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمود: «و امیرالمومنین (علیه السلام) هیچگاه برای دکه‌های بازار کرایه دریافت نمی‌کرد.»

الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲ و ج ۵، ص ۱۵۵ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۹

سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷۸ / الوافي، ج ۱۷، ص ۴۴۷ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۳۹ و ۲۴۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «عدم دریافت کرایه از مغازه‌های بازار توسط امیرالمومنین (علیه السلام)»؛ به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

من مفصل با نگاه دقیق، شهر قم را از حیث "الگوی تجارت" بررسی می‌کنم. الان به ذهنم می‌آید که: آیا در بلوار حرم تا حرم (یعنی: حد فاصل مسجد مبارک جمکران تا حرم ملکوتی حضرت معصومه (سلام الله علیها)) قرار است مگامال و پاساژ ساخته شود؟ یا قرار است بازارهای موقتی که امیرالمومنین علی علیه السلام در دوران حکومت‌شان برای رفع فقر و برای کمک به فقرا می‌ساختند، ساخته شود؟ آیا قرار است لااقل ما به اندازه دوره قاجار پیشرفته باشیم و بازار وقفی بسازیم و آن را با کمترین قیمت در اختیار تجار کنندگان مختلف با توان‌های مالی مختلف قرار دهیم؟ یا نه؛ اینجا هم ده‌ها مگامال ساخته خواهد شد؟

البته می‌دانید در دوران جمهوری اسلامی اتفاقی افتاده که غیر از نام‌گذاری مکان‌های سرمایه‌داری و مکان‌های دستگاه باطل به نام‌های مبارک؛ کنار آن مکان‌ها مسجدی هم ساخته می‌شود و متدینین با تحلیل ضعیف را قانع می‌کند! مثلاً می‌دانید همه بانک‌های ما "زَبَوی" هستند<sup>۱۲</sup> و در آن‌ها نماز جماعت هم برگزار می‌شود. آبرویی که نماز جماعت در بانک ایجاد می‌کند، یک انرژی و توانی را به مسئولین بانک‌ها می‌دهد که "رباخواری" را ادامه دهند!

حالا در مسئله "ساخت بازار" هم همین‌طور است. من شنیدم که در طرح جامع حرم تا حرم، شهرداری قم با یک فاصله مختلفی سعی دارد که مساجدی را در این فاصله طولانی بسازد؛ ولی باید از همین الان هشدار داد که با ساخت مسجد نمی‌توانید بقیه کارهای غلط خودتان را توجیه کنید. امروز ضمن اینکه ما خیلی احترام آقایان را حفظ می‌کنیم، باید با صراحت وارد بحث بشویم تا اینکه بعضی از چالش‌ها و مصلحت‌سنجی‌ها به چالش کشیده شود.

پس این مثالی برای علت ورود ما به مسئله مدیریت شهری بود. من فقط خواستم مثال بزنم که چرا ما داریم به عرصه مدیریت شهری ورود پیدا می‌کنیم. دلیل اصلی این است که در شهر قم اقدامات ضد روابط انسانی در حال مشاهده شدن است. من یکی از مهمترین آنها را عرض کردم.

۱۲. **ارجاع پردازشی:** مراجع عظام تقلید طی چند سال اخیر حدود ۱۵۰ نوبت به سیستم ربوی بانکها اعتراض کرده‌اند، در این میان، بیانات ایشان در سال ۹۷، شیب اعتراضی تندتری به خود گرفته است.

جهت مطالعه بیشتر در مورد «بیانات مراجع معظم تقلید در مورد ربوی بودن بانک‌های کشور»: به پیوست شماره ۳ مراجعه فرمایید.

منبع: خبرگزاری تسنیم

<https://b2n.ir/r88324>

من دوباره فقط توجه می‌دهم که در روایات از نبی مکرم اسلام ﷺ اینطور نقل شده است که: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»<sup>۱۳</sup> وقتی راجع به اختلال در "الگوی تجارت" بحث می‌کنیم، در واقع درباره "اختلال در نه جزء عبادت" بحث می‌کنیم. به نظرم شهر قم آن موقعی اسلامی می‌شود که الگوی تجارت آن از الگوی تجارت سرمایه‌دارها فاصله بگیرد. مصادیق دیگری هم برای بحث مطرح است که باید آن را به جلسات تفصیلی واگذار کنیم. پس "اختلال در روابط انسانی" [در نحوه مدیریت شهری قم]، یکی از دلایل [ورود به بحث مدیریت شهری] شد.

### ۲/۱/۱/۲/۳. استفاده از ظرفیت اماکن زیارتی (از جمله: حرم امام رضا علیه السلام و حضرت معصومه (سلام الله علیها)) برای ایجاد بازارهای موقت رایگان یا ارزان قیمت؛ یکی دیگر از الگوهای فقهی تجارت و ساخت بازار (در راستای عمومی سازی تجارت)

در شهر مشهد هم همین طور است. شما اگر الگوی تجارت در شهر مشهد را هم بررسی کنید، می‌بینید که الگوی تجارت در شهر مشهد خصوصاً در منطقه ثامن که حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در آن وجود دارد، تجارت آنجا به دست اغنیاء و ثروتمندان است. آن مدیریت شهری ای اسلامی است که بتواند تجارت را عمومی کند. چه حرم مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام و چه حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها)، به نظر من باید یکی از صحن‌های خودشان را برای تجارت زائران و مجاوران قرار دهند و در همان محل که جمعیت گسترده حضور دارند، زمینه را برای تجارت فقرا آماده کنند.

شما تصور کنید که اگر صحن جامع رضوی به اصطلاح امروزی، به "دست فروش‌ها" و به اصطلاح امیرالمومنین علیه السلام به "بازار موقت" اختصاص پیدا کند؛ تقریباً ۳۰ درصد فقرایی که در مشهد حضور دارند، می‌توانند (با یک قواعدی که البته آن قواعد را در فقه مکاسب بحث کرده‌ایم) ورود پیدا کنند و در تعامل و معامله با زائران

#### ۱۳. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عبادت ده جزء دارد، که نه جزء آن طلب [روزی] حلال است.

**مصادر اصلی:** جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۳۹ / إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱ / ص ۲۰۳ (قابل ذکر است که: روایت ارشاد القلوب در ضمن یک روایت طولانی نقل شده است: «روى عن أمير المؤمنين عليه السلام ان النبي صلى الله عليه وآله سأل ربه سبحانه ليلة المعراج فقال يا رب أي الأعمال أفضل (إلى أن قال)... فقال الله تعالى: «يا أحمد! إنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ؛ فَإِنَّ أَطْيَبَ مَطْعَمِكَ وَ مَشْرَبِكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كَفْيِي...»)

امیرالمومنین (علیه السلام) در حدیثی طولانی نقل فرمودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب معراج از خداوند سبحان سوال کردند که: کدامیک از اعمال بافضیلت‌تر است؟ ... (تا اینکه فرمود) خدای تعالی فرمود: «ای احمد! همانا عبادت را ده بخش است؛ نه بخش آن جست و جوی حلال است. پس اگر خوردن و نوشیدن پاک باشد، در حفظ و پناه منی.)

**منابع دیگر:** بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹ و ج ۷۴، ص ۲۷

سند بحار الأنوار: كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ: وَ مِنْهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ الْوَاقِي، ج ۲۶، ص ۱۴۷ / الجواهر السننية في الأحاديث القدسية، ص ۳۸۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲ و ج ۱۳، ص ۲۰ /

جامع احاديث الشيعة، ج ۲۲، ص ۷۶

سند جامع الاحاديث: و فيه بهذا الإسناد (حدثنا سهل بن أحمد قال حدثني محمد بن محمد بن الأشعث عن موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن أبيه عن أبيه عن أبيه عن رسول الله صلى الله عليه وآله)

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «اهمیت بسیار فراوان مکاسب و تجارت از دیدگاه اسلام» و مشاهده روایات معاضد این روایت؛ به پیوست شماره ۴ مراجعه فرمایید.

و مجاورین حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام رفع فقر کنند و محرومیت خودشان را مدیریت نمایند. در حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) هم همین طور است. اگر شما بتوانید تجارت را عمومی کنید، که عرض کردم که مهمترین قاعده هم برای تجارت عمومی این است که "بازار ارزان قیمت" یا "بازار مجانی" در اختیار فقرا قرار دهید. شما می‌توانید فقط با همین یک اقدام رفع فقر کنید و از ظرفیت زیارت برای محرومیت‌زدایی و برای رفع فقر استفاده کنید. حالا این سوال اول شد.

## ۲/۱/۲. گسترش ساخت آپارتمان؛ یکی دیگر از اقدامات ضد روابط انسانی در مدیریت

### شهری قم

مصادیق دیگری هم می‌توانید برای آن [اقدامات ضد روابط انسانی و علت ورود به بحث مدیریت شهری] بشمارید. مثلاً می‌گویید: مجوزهای ساخت‌وساز را که در شهر قم صادر می‌کنند، "تراکم‌فروشی" می‌شود. یعنی شما مجموعه مجوزهایی که برای معماری صادر می‌کنید، اینها منجر می‌شود که آپارتمان‌ها در شهر قم ساخته شود [و گسترش پیدا کند].

## ۲/۱/۲/۱. ضربه زدن آپارتمان از ده حیث به روابط انسانی؛ علت ضد روابط انسانی بودن ساخت

### آپارتمان

#### ۲/۱/۲/۱/۱. نبود حیاط اختصاصی برای واحدهای آپارتمانی (و در نتیجه: نبود محل بازی کودکان، نبود

محل تفریح برای اعضاء خانواده، افزایش تولید زباله و...)؛ یکی از عوامل ده‌گانه ضربه‌زنده آپارتمان به

### روابط انسانی

قبلاً بحث کرده‌ایم که آپارتمان از ده حیث به "روابط انسانی" ضربه می‌زند.<sup>۱۴</sup> یک حیث آن این است که: آپارتمان، حیاط اختصاصی ندارد؛ بنابراین "محل بازی کودکان" را ندارد و از این حیث به روابط انسانی ضربه می‌زند.<sup>۱۵</sup>

۱۴. **ارجاع پژوهشی:** تعریف مسکن در قالب آپارتمان، ریشه بیماری‌های روحی و جسمی انسان است! ساخت مسکن در قالب آپارتمان روابط انسانی را به چالش می‌کشد. ممتنع شدن مدیریت بازی کودکان در منزل، ایجاد چالش در رعایت حقوق همسایگی و امتناع تولید خانگی و وابستگی به تولید معیوب و ناسالم صنعتی در حوزه غذا؛ بخشی از نتایج توسعه عمودی شهرها و ساخت مسکن در قالب آپارتمان است. بدون اصلاح مقررات ملی ساختمان و تعریف ساختمان نمی‌توانیم روابط انسانی را بهبود ببخشیم و زندگی با روابط انسانی گسسته، مادر همه مشکلات بشر در حوزه‌های مختلف است!

حجت الاسلام علی کشوری - مشهد - مدرسه علمیه سلیمانیه - دوم شهریور ۱۳۹۸

<https://eitaa.com/olgou4/1769>

اگر خانه را در قالب آپارتمان بسازیم؛ حریم خصوصی محدود می‌شود و روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود. حریم خصوصی زیر ساخت احکام مهمی مانند حیا و رعایت حق الناس و... است.

شما می‌دانید الان پدیده بازی دو شکل پیدا کرده است: یک شکل بازی‌های کامپیوتری و رایانه‌ای است که مشکلات فراوانی در فرهنگ و ضربه زدن به سلامت جسمی کودکان دارد. یک شکل دیگری هم بازی‌هایی است که بدون نظارت پدر و مادر در پارک‌ها و کوچه‌هاست که این هم مشکل کودک‌آزاری و عدم نظارت پدر و مادر و عدم تربیت صحیح فرزندان در دوران بازی است.

حالا اگر شما بیاید مدل ساختمان‌سازی را از مدل "آپارتمان" به "دار واسعه" تغییر دهید،<sup>۱۶</sup> [یکی از آثارش این است که معضلات و آثار منفی بازی‌های رواج‌یافته کنونی را ندارد].<sup>۱۷</sup> "دار واسعه" غیر از "خانه حیاط‌دار" (یا به اصطلاح رایج "خانه ویلایی") است؛ یکی از تفاوت‌های مهم "دار واسعه" این است که در بعضی از نقل‌ها اینطور وارد شده که «سَرَفُهَا السَّاحَةُ الْوَّاسِعَةُ»<sup>۱۸</sup> یعنی: حیاط خانه باید وسیع باشد و بزرگتر از ساختمان خانه باشد که بشود مجموعه‌ای از اقدامات را در حیاط خانه برنامه‌ریزی کرد. از جمله اینکه: "بازی کودکان" را مدیریت کرد، از

چرا در حوزه علمیه راجع به استلزامات اجرای احکام مباحثه و گفتگو نمی‌شود؟ وقتی به دنبال تقویت نهاد خانواده و رعایت حق الناس و حیا هستیم؛ قطعاً این معنا را در آپارتمان نمی‌توانیم به نحو تام محقق کنیم!

مسئله مسکن و نحوه طراحی و ساخت آن در عصر فعلی به ضلالت و بدعت مبتلا شده است؛ البته در دهها مسئله دیگر مانند حوزه پزشکی، مدیریت شهری و... به بدعت و ضلالت مبتلا شده ایم....

حجت الاسلام علی کشوری - نشست تخصصی تبیین نظریه مدرسه هدایت در جمع مدیران پژوهشی مدارس علمیه شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل، نظنز و نراق - ۱۹ آذر ۱۳۹۷

<https://eitaa.com/olgou4/679>

جهت مشاهده اجمالی از «محرومیت‌های ۱۰گانه ساخت آپارتمان و فوائد ۱۰گانه حیاط خانه»؛ به پیوست شماره ۵ مراجعه فرمایید.

۱۵. **ارجاع پژوهشی:** جهت مشاهده روایاتی در مورد «اهمیت و ضرورت بازی کودکان»؛ به پیوست شماره ۶ مراجعه کنید.

۱۶. **ارجاع پژوهشی:** جهت مشاهده «مذمت ساخت آپارتمان و تاکید بر ساخت دار واسعه در روایات»؛ به پیوست شماره ۷ مراجعه کنید.

۱۷. من خواهش می‌کنم بعداً مدیران شهری که از طریق سایر بلندگوها عرائض ما را می‌شنوند، این عرض ما را توجه کنند که...

انتقال از متن

۱۸. **ارجاع پژوهشی:** عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ ع قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرَفًا وَ شَرَفُهَا السَّاحَةُ الْوَّاسِعَةُ وَ الْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ. وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَ بَرَكَتُهَا جُودَةٌ مَوْضِعُهَا وَ سَعَةُ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جِوَارِ جِيرَانِهَا.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «برای هر چیزی شرفی است، و شرف خانه وسعت صحن و حیاط خانه و معاشران و آمیزش کنندگان صالح می‌باشد، و برای خانه برکتی است و برکت آن خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن است.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

جمله اینکه: بتوان یک "تفریح" مستقل برای هر خانواده در حیاط خانه پیشنهاد و برنامه‌ریزی کرد،<sup>۱۹</sup> از جمله اینکه: فرآیند "کاهش زباله" در خانه [را طراحی نمود] که بعد به شرح آن خواهیم پرداخت. بنابراین ما به این دلیل وارد حوزه مدیریت شهری شده‌ایم.

احساس می‌کنیم که اگر مدیریت شهری فعلی با همین دست‌فرمان کار خودش را جلو ببرد، نمی‌تواند از طریق کالبد و خدمات شهری به "تنظیم روابط انسانی" کمک کند. لذا حتماً باید یک تخصص و کارشناسی دیگری را پذیرد. نقطه آغاز این کارشناسی جدید هم این است که جلسات تخصصی آن برگزار شود.

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** یکی از بحث‌های مهمی که داریم "تفریح در خانه" است و به نظر ما اصل تفریح، "تفریح در خانه" است. این را دقت کنید که بنده از کجا می‌گویم تفریح در خانه اصل است. هم امام رضا (علیه‌السلام) از امام کاظم (علیه‌السلام) نقل کرده‌اند و هم در برخی منابع مستقیماً از خود امام کاظم (علیه‌السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرمایند: «تلاش کنید که اوقاتان را به چهار بخش تقسیم کنید که از جمله آنها حضرت می‌فرمایند: «سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ» [۱]. می‌فرمایند: ساعتی را خلوت کنید "تَخْلُونَ فِيهَا". (برای همین قید موجود در روایت است که بنده می‌گویم اصل در تفریح، تفریح در خانه است). مثلاً: یکی از آن تفریح‌های در خانه مهمانی دادن است که خیلی برای انسان لذت دارد به ویژه اگر اقرباء (نزدیکان) و بستگان را دعوت کرده باشیم. یکی دیگر از مهم‌ترین لذتها در اسلام "لذت نکاح" است [که جای آن در خانه است]. ببینید استدلال حضرت چیست؟ می‌فرماید: «وَبَهْذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ» یعنی: اگر تفریح داشته باشید آن سه بخش دیگر را هم می‌توانید درست انجام بدهید.

حجت الاسلام والمسلمین علی‌کشوری، الگوی جدید مدیریت روستا در مقایسه با حکمرانی سازمان ملل (۱۱ آبان ۱۴۰۰)، ص ۳۹

[۱] عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِنَّ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ: يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يُرَى ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: (۱) مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ (۲) أَوْ تَرْوِدٍ لِمَعَادٍ (۳) أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتِ مُحَرَّمٍ. وَيَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ: (۱) سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، (۲) وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَيُفَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ، (۳) وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَاتِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ، فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ.»

امام صادق علیه‌السلام: «در حکمت آل داود، چنین آمده است: سزاوار است برای مسلمان عاقل که از منزلش خارج نشود مگر در سه چیز: (۱) اصلاح امر معاش، (۲) یا برگیری توشه برای معاد، (۳) یا لذتی در حلال. و سزاوار است برای مسلمان عاقل که: (۱) زمانی را به اعمال میان خود و خداوند، اختصاص دهد، (۲) و زمانی را به دیدار برادران و گفتگوی درباره امور آخرت، اختصاص دهد، (۳) و زمانی را با خوشی‌های حلال (تفریح) سپری کند که این زمان (تفریح)، کمک به آن دو وقت دیگر خواهد بود.»

الکافی، ج ۵، ص ۸۷

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۳ / الوافی، ج ۱۷، ص ۸۱

## ۲/۲. لزوم مطالعه و بررسی کتب و اسناد بین‌المللی ضالّه ضد روابط انسانی

### در حوزه مدیریت شهری:

این مطلب را هم داخل پراپوزیشن عرض کنم خواهش می‌کنم توجه کنید: دوستانی که علاقمند به بحث‌های مدیریت شهری هستند، این را بدانند: ما سه سند بسیار مهم در مجموعه اسناد بین‌المللی برای بحث مدیریت شهری داریم که شما باید حتماً آن را مطالعه کنید. مثل کتاب "کفایه"<sup>۲۰</sup> که دقت در آن می‌کنید، در این اسناد و کتب ضالّه (گمراه‌کننده) نیز باید مطالعه داشته باشید.

### ۲/۲/۱. اسناد مرتبط با مکتب نوشهرگرایی؛ یکی از اسناد بین‌المللی ضالّه ضد روابط

#### انسانی

یکی از [اسناد بین‌المللی ضالّه در حوزه مدیریت شهری]، مجموعه اسناد مرتبط با "مکتب نوشهرگرایی (NewUrbanism)"<sup>۲۱</sup> و دانشمندانی (مثل "لوکوربوزیه (Le Corbusier)"<sup>۲۲</sup> و دیگران) که این مکتب

۲۰. **ارجاع پرورشی:** «کفایة الأصول»، اثر عربی محمد کاظم بن حسین آخوند خراسانی است که در سال‌های ۱۳۲۱ ق، به بعد تألیف شده و برخی، فهم آن را ملاک اجتهاد (به معنی مصطلح) دانسته‌اند. این کتاب، آخرین متن درسی علم اصول، در دوره سطح حوزه‌های تشیع است که در آن، آخرین یافته‌های آخوند خراسانی در علم اصول، به سبک کلاسیک و نو مطرح شده است... این اثر قیّم، بر اثر ایجاز، جامعیت، دشواری فهم و درک مطالب عمیق آن، از آغاز انتشار، مورد توجه فقهاء و مدرسان بزرگ و محور مبانی علمی و بحث‌های عالی اجتهادی در حوزه‌های علمی شیعه واقع گردیده و به‌عنوان آخرین کتاب درسی اصول فقه، قبل از درس خارج اصول، انتخاب شده است و به همین جهت، دانشمندان، محققان و پژوهش‌گران بسیاری برای حل معضلات و غوامض و نیز توضیح مقاصد نویسنده، بر آن شرح نوشته یا حاشیه نگاشته‌اند. این کتاب، یکی از آثار ارزشمند نویسنده است که از مهم‌ترین و رایج‌ترین تألیفات عصر حاضر [در علم اصول] می‌باشد.

منبع: بخش کتابشناسی کتاب کفایة‌الاصول، نرم افزار جامع اصول الفقه

۲۱. **ارجاع پرورشی: نوشهرگرایی** به عنوان یک رویکرد جدید طراحی و برنامه ریزی شهری در انتقاد به شهرسازی دوران معاصر که دارای الگویی پراکنده، غیر انسانی و ماشینی است، شکل گرفته است. این رهیافت آمیزه‌ای از سبک‌های معماری، رشد هوشمند، مخالفت با توسعه پراکنده و شهرسازی پایدار مبتنی بر حمل و نقل عمومی است. این رویکرد امروزه هدایت و رهبری نسل مدرن طراحان و برنامه ریزان را برعهده دارد و یکی از مهمترین رویکردهای برنامه ریزی شهری در این قرن محسوب می‌شود. اصول اولیه این رویکرد بر مبنای به کارگیری اصول سنتی شهرسازی پایدار در شهرسازی انسانگرای گذشته، بوده است.

منبع: پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)  
<https://b2n.ir/x67243>

۲۲. **ارجاع پرورشی:** Le Corbusier, byname of Charles-Édouard Jeanneret, (born October 6, 1887, La Chaux-de-Fonds, Switzerland—died August 27, 1965, Cap Martin, France), internationally influential Swiss architect and city planner, whose designs combine the functionalism of the modern movement with a bold sculptural expressionism. He belonged to the first generation of the so-called International school of architecture and was their most able propagandist in his numerous writings. In his architecture he joined the functionalist aspirations of his generation with a strong sense of expressionism. He was the first architect to make a studied use of rough-cast concrete, a technique that satisfied his taste for asceticism and for sculptural forms. In 2016, 17 of his architectural works were named World Heritage sites by UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization).

لوکوربوزیه، با نام چارلز ادوار ژانرت، (زاده ۶ اکتبر ۱۸۸۷، La Chaux-de-Fonds، سوئیس - درگذشته ۲۷ اوت ۱۹۶۵، کپ مارتین، فرانسه)، معمار و شهرساز سوئیس با نفوذ بین‌المللی، که طرح‌هایش ترکیبی از کارکردگرایی جنبش مدرن با اکسپرسیونیسم مجسمه‌ای جسورانه. او به نسل اول مکتب

دارد می‌باشد. مهمترین ویژگی مکتب آمریکایی نوشهرگرایی هم تاکید بر ساخت عمودی شهرهاست و شما باید بر این موضوع مسلط باشید. مجموعه‌ای از رهیافت‌ها در مکتب نوشهرگرایی مثل TOD،<sup>۲۳</sup> شهرخلاق،<sup>۲۴</sup> شهر کودک<sup>۲۵</sup> مطرح است، که ما همه اینها را باید بدانیم. این یک سرفصل است. پس روی واژه و اصطلاح

بین المللی معماری تعلق داشت و در نوشته‌های متعدد خود تواناترین مبلغ آنها بود. او در معماری خود با حس قوی اکسپرسیونیسم به آرزوهای کارکردگرایی نسل خود پیوست. او اولین معمار بود که از بتن خشن استفاده کرد، تکنیکی که ذائقه او را برای زهد و اشکال مجسمه‌سازی ارضا کرد. در سال ۲۰۱۶، ۱۷ اثر معماری او توسط یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) در فهرست میراث جهانی قرار گرفت.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/e23804>

**۲۳. ارجاع پرورشی: TOD** برگرفته از Transit Oriented Development است، یعنی: توسعه حول حمل و نقل. توسعه حمل و نقل گرا. توسعه حمل و نقل محور، توسعه حول ایستگاه یا کریدور حمل و نقل عمومی. TOD یک مجموعه اصلاحات شهری است که باعث می‌شود مترو یا هر سیستم حمل و نقل عمومی یک شهر، با راندمان بیشتری به کار آید. همین TOD و اصلاحاتش، خیابانهای شهر را از خودرو پس می‌گیرد و به عابران پیاده و دوچرخه سوارها تحویل می‌دهد. ... مفهوم مرکزی TOD، ایجاد منطقه‌های پیاده در تمام سطح شهر است که از طرفی، کل شهر را پوشش می‌دهند و از سوی دیگر، با سیستم پرکشش حمل و نقل عمومی (مثلا مترو)، به هم متصلند. TOD یک پروژه ی ساخت و ساز و بارگذاری حول یک ایستگاه نیست، بلکه یک بازآفرینی همگن و به هم پیوسته در سراسر شهر است که روح حاکم بر آن، یعنی پیاده‌مداری، در تمام شهر جاری شده و به سان گذشته، شهر را مناسب زیست و طبیعت انسان، بازسازی می‌کند. ... TOD بر مبنای ۸ اصل استوار است: ۱- Transit یا حمل و نقل عمومی. ۲- Densify یا تراکم. ۳- Mix یا اختلاط کاربری. ۴- Connect یا نفوذ پذیری. ۵- Compact یا یکپارچگی. ۶- Shift یا تغییر کارکرد معابر. ۷- Walk یا پیاده. ۸- Cycle یا دوچرخه.

منبع: سایت کتابخانه دیجیتال مدیریت شهری - <https://b2n.ir/s38597>

**۲۴. ارجاع پرورشی: فلسفه شهر خلاق** این است که همیشه در یک مکان پتانسیل‌های خلاق وجود دارد. باید شرایط به گونه‌ای باشد، که مردم فکر کنند برنامه‌ریزی نمایند و در استفاده از فرصت‌های به وجود آمده، ابتکار عمل داشته باشند. هم‌چنین مردم بتوانند مسائل شهری مهارت‌شدنی را اداره کنند. ... طبق آخرین بررسی‌ها، ۶۰ شهر جهان خود را "شهر خلاق" نامیده‌اند: از منچستر خلاق تا بریستول و لندن خلاق در انگلستان ... در جستجوی سابقه شهرهای کشورهای اسنادی مربوط به نامه کمیسیون ملی یونسکو به برخی استانداری‌های ایران را می‌توان مشاهده کرد که در آن درخواست شده، مقدمات معرفی شهر خود به سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) فراهم شود. در این میان، شهر اصفهان در بخش صنایع دستی و هنرهای مردمی و رشت در بخش خوارک شناسی از ایران حضور دارند و شهر شیراز نیز در آستانه پیوستن به شبکه شهرهای خلاق در بخش ادبیات است. پایه‌های شهر خلاق را می‌توان در سه زمینه اقتصاد، فرهنگ و مکان در نظر گرفت.

... شهرهای متصل به شبکه جهانی شهرهای خلاق: ۱۱۶ شهر از ۵۴ کشور به شبکه شهرهای خلاق متصل اند. در بخش ادبیات ۲۰ شهر از جمله شهرهای ملبورن، بغداد، پراگ، ناتینگهام، بارسلون و مونته‌یدئو. در بخش سینما هشت شهر سیدنی، بوسان، بیتولا، صوفیه، رم، بردفورد، گالوی و سانتوس. در بخش موسیقی ۱۹ شهر از جمله شهرهای اصفهان، جیپور، کنازاوا، فابریانو، دورن و سانتافه. در بخش طراحی ۲۲ شهر از جمله شهرهای سنگاپور، کوربه، شنزن، کوریجیا، موترال، برلین و بوداپست. در بخش هنرهای رسانه‌ی شهر از جمله شهرهای ساپورو، گوانجو، لیون و یورک. و در بخش خوارک شناسی ۱۸ شهر از جمله شهرهای رشت، شنگزو، پارما و توسان تاکنون به شبکه جهانی شهرهای خلاق پیوسته اند.

منبع: خبرگزاری ایمن (خبرگزاری شهر و شهروندی ایران)

<https://www.imna.ir/news/۳۹۴۰۷۳>

**۲۵. ارجاع پرورشی: شهر دوستدار کودک** شهری است که در آن تامین خواسته‌های کودکان در اولویت قرار می‌گیرد و وضع اجتماعی، فرهنگی و معماری آن همسو با نیازهای آنهاست و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه منعکس می‌شود.

شهر دوستدار کودک دلالت بر وجود وضعیت، امکانات، ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی در یک برنامه یا محیط دارد که بر مبنای حقوق، نیازهای عام و خاص، ویژگی‌ها، علایق و فراهم کردن امنیت کافی برای کودکان طراحی شده‌اند؛ از این رو وقتی از شهر دوستدار کودک سخن گفته می‌شود، اغلب منظور شهری است که چنین امکانات و ویژگی‌هایی برای زیست کودکان دارد. امکاناتی نظیر پارک‌ها و اماکنی برای بازی کودکان با امنیت کافی، وسایل بازی متناسب با مراحل رشد کودکان، محل‌های عبور و مرور امن در خیابان، مبلمان شهری مناسب، دسترسی راحت به فضاهای آموزشی رسمی و فوق برنامه، دسترسی به امکانات ورزشی مناسب و وجود مراکز ارائه خدمات به کودکان دارای نیازهای ویژه و توانایی‌های متفاوت از جمله شاخصه‌های شهر دوستدار کودک است.

منبع: خبرگزاری ایمن (خبرگزاری شهر و شهروندی ایران)

<https://www.imna.ir/news/۳۹۴۰۷۳>

برای مطالعه بیشتر در مورد «شهر کودک»؛ به پیوست شماره ۸ مراجعه کنید.



"نوشهرگرایی" به عنوان یک مکتب ضالّه، باید توجه داشته باشیم. که حیث [وعلت] ضلالت آن هم این است که "ضد روابط انسانی صحیح" عمل می کند.

## ۲/۲/۲. اسناد مرتبط با هیئات؛ یکی دیگر از اسناد بین المللی ضالّه ضد روابط انسانی

نکته دومی که در مجموعه اسناد دقت کنید، مجموعه اسناد مرتبط با هیئات (Habitat) است. هیئات مخفف "برنامه مسکن ملل متحد" است که یکی از نهادهای تخصصی سازمان ملل محسوب می شود.<sup>۲۶</sup> تا کنون سه سند هیئات داریم: هیئات (۱)،<sup>۲۷</sup> هیئات (۲)<sup>۲۸</sup> و هیئات (۳).<sup>۲۹</sup> که هر سه سند را باید بخوانید. نکته اصلی این سه

۲۶. **ارجاع پرورشی:** The UN-Habitat's vision of "a better quality of life for all in an urbanizing world" is bold and ambitious. UN-Habitat works with partners to build inclusive, safe, resilient and sustainable cities and communities. UN-Habitat promotes urbanization as a positive transformative force for people and communities, reducing inequality, discrimination and poverty.

برنامه اسکان ملل متحد: اهداف این برنامه عبارت است از: دیدگاه UN-Habitat در مورد "کیفیت بهتر زندگی برای همه در یک جهان شهری" جسورانه و بلند پروازانه است. UN-Habitat با شرکای خود برای ایجاد شهرها و جوامع فراگیر، ایمن، مقاوم و پایدار همکاری می کند. UN-Habitat شهرنشینی را به عنوان یک نیروی مثبت تغییر دهنده برای مردم و جوامع، کاهش نابرابری، تبعیض و فقر، ترویج می کند.  
منبع: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیئات) - <https://unhabitat.org/about-us>

## ۲۷. ارجاع پردازشی:

The first international UN conference to fully recognize the challenge of urbanization was held in 1976 in Vancouver, Canada.

اولین کنفرانس بین المللی سازمان ملل متحد (هیئات) به رسمیت شناختن چالش شهرنشینی در سال ۱۹۷۶ در ونکوور کانادا برگزار شد.  
منبع: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیئات)  
<https://bzn.ir/s9-904>

## ۲۸. ارجاع پردازشی:

In 1996, the United Nations held a second conference on cities - Habitat II - in Istanbul, Turkey  
در سال ۱۹۹۶، سازمان ملل دومین کنفرانس در مورد شهرها - هیئات ۲ - را در استانبول، ترکیه برگزار کرد...  
منبع: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیئات)  
<https://bzn.ir/s9-904>

## ۲۹. ارجاع پردازشی:

In October 2016, at the UN Conference on Housing and Sustainable Urban Development - Habitat III - member states signed the New Urban Agenda.  
در اکتبر ۲۰۱۶، در کنفرانس سازمان ملل در مورد مسکن و توسعه پایدار شهری - هیئات ۳ - کشورهای عضو دستور کار شهری جدیدی را امضا کردند.

منبع: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیئات)  
<https://bzn.ir/s9-904>

سند هیئات، این است که می‌گویند: میزان شهرنشینی نسبت به مدل‌های قبلی اسکان بشر در حال افزایش است؛<sup>۳۰</sup> بنابراین باید "شهر هوشمند (Smart City)" داشته باشیم.<sup>۳۱</sup> حالا من در نشست تخصصی که در پلاک

### ۳۰. ارجاع پروشی:

of the world's urban inhabitants representing approximately 60% 000/metropolises with more tha 300 In 2020 there are 1934 billion people live in metropolises in 2020 which is equivalent to one third of the global population. population. At least 2059 to 5 million; million; 494 of 1 34 metropolises have surpassed 10 million inhabitants; while 51 have a population of 5 to 10 million to 1 000, and 1355 of 300

در سال ۲۰۲۰ ۱۹۳۴ کلانشهر با بیش از ۳۰۰،۰۰۰ نفر ساکن وجود داشته که تقریباً ۶۰٪ جمعیت شهری جهان را شامل میشود. حداقل ۲۰۵۹ میلیارد نفر در کلانشهرها در سال ۲۰۲۰ زندگی می‌کردند که معادل یک سوم جمعیت جهانی است. جمعیت ساکنان ۳۴ کلانشهر از ۱۰ میلیون نفر عبور کرده اند. در حالی که ۵۱ کلانشهر، بین ۵ تا ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشتند. ۴۹۴ کلانشهر از ۱ تا ۵ میلیون نفر؛ و ۱۳۵۵ کلانشهر ۳۰۰۰۰۰ تا ۱ میلیون نفر جمعیت داشتند.

منبع: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیئات)

<https://b2n.ir/e-۶۷۹۲>

The development of a national urban policy is the key step for reasserting urban space and territoriality. It is also vital in providing the needed direction and course of action to support urban development. The Policy provides an overarching coordinating framework to deal with the most pressing issues related to rapid urban development, including slum prevention and regularization, access to land, basic services and infrastructure, urban legislation, delegation of authority to sub-national and local governments, financial flows, urban planning regulations, urban mobility and urban energy requirements as well as job creation.

تدوین سیاست ملی شهری، گام اصلی برای تثبیت فضای شهری و ایجاد حکومتی مستقل است. این امر همچنین در جهت دهمی و اقدامات لازم جهت حمایت از توسعه شهری، امری حیاتی است. این سیاست یک چارچوب هماهنگ کننده کلی برای مقابله با مهمترین مسائل مربوط به توسعه سریع شهری فراهم میکند، از جمله: پیشگیری و منظم سازی زاغه‌نشینی، دسترسی به زمین، خدمات و زیرساخت های اساسی، قوانین شهری، تفویض اختیار به دولت‌های فرعی و محلی، جریانات مالی، مقررات برنامه ریزی شهری، تحرک شهری و نیازهای انرژی شهری و همچنین ایجاد اشتغال.

منبع: برنامه اسکان ملل متحد (هیئات)

<https://b2n.ir/s97077>

شهرنشینی پدیده‌ای بدون پایان می‌باشد. امروزه ۵۴٪ از مردم جهان در شهرهای مختلف زندگی می‌کنند که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ به ۶۶٪ برسد. در مجموع با رشد کلی جمعیت، شهرنشینی در عرض سه دهه آینده، ۲۰۵ میلیارد نفر دیگر را به شهرها اضافه خواهد کرد. پایداری زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی از نکات بسیار ضروری جهت هماهنگی با این گسترش سریع جمعیت و تأمین منابع مالی شهرها، می‌باشد. ... تکنولوژی شهر هوشمند بهترین راه برای دستیابی به این اهداف می‌باشد.

منبع: هلدینگ نیکا (مجموعه شرکت‌های متخصص در حوزه نرم‌افزار و سخت‌افزار، ارائه‌دهنده راهکارهای خانه هوشمند و شهر هوشمند)

<https://b2n.ir/p52443>

A **smarter city** is one that makes optimal use of all the interconnected information available to better understand and control .operations and to optimize the use of limited resources

شهری هوشمندتر است که برای درک و کنترل بهتر عمل‌ها و بهینه‌سازی استفاده از منابع محدود، از همه اطلاعات بهم پیوسته موجود استفاده بهینه می‌کند.

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

۳۱۳ جمکران در اردیبهشت سال گذشته برگزار شد در مورد مسئله "هوش مصنوعی"<sup>۳۲</sup> عرض کردم که: بنده به لحاظ موضوع‌شناسی، مسئله "شهر هوشمند"<sup>۳۳</sup> را مساوی با "سایبر (cyber)" و "کنترل و نقض بیشتر حریم خصوصی بشر" می‌دانم!<sup>۳۴</sup> که خیلی مسئله مهمی است. پس این هم یک نکته است.

آدرس مطلب از کتاب «Livable Cities of the Future: Proceedings of a Symposium Honoring the Legacy of George Bugliarello» فصل «IBM Intelligent Operations Center: A Breakthrough in Information Technology for Smarter Cities»، ص ۸۹

نویسندگان: Ruthie D. Lyle and Colin Harrison

لینک مطلب از سایت آکادمی ملی علوم ایالات متحده آمریکا:

<https://b2n.ir/n09999>

۳۲. **ارجاع پرورشی:** Artificial intelligence (AI), the ability of a digital computer or computer-controlled robot to perform tasks commonly associated with intelligent beings. The term is frequently applied to the project of developing systems endowed with the intellectual processes characteristic of humans, such as the ability to reason, discover meaning, generalize, or learn from past experience.

هوش مصنوعی (AI)، توانایی یک کامپیوتر دیجیتال یا ربات کنترل‌شده توسط کامپیوتر برای انجام وظایفی که معمولاً با موجودات هوشمند مرتبط است. این اصطلاح غالباً به پروژه توسعه سیستم‌هایی اطلاق می‌شود که دارای فرآیندهای فکری مشخصه انسان‌ها هستند، مانند توانایی استدلال، کشف معنا، تعمیم یا یادگیری از تجربیات گذشته.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/a69796>

هوش مصنوعی Artificial intelligence شاخه‌ای از علوم کامپیوتر است که در آن به ساخت ماشین‌هایی هوشمند پرداخته می‌شود که مانند انسان‌ها عمل می‌کنند و واکنش انجام می‌دهند. یک عامل هوشمند، سیستمی است که با شناخت محیط اطراف خود، شانس موفقیت خود را پس از تحلیل و بررسی افزایش می‌دهد.

منبع: فاوانا (فناوری اطلاعات و ارتباطات آریا نسیم ایرانیان)

<https://b2n.ir/q78227>

۳۳. **ارجاع پرورشی: شهر هوشمند** چارچوبی است که عمدتاً از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) برای توسعه، گسترش و ترویج شیوه‌های توسعه پایدار و با هدف رفع چالش‌های رو به رشد شهرنشینی، ایجاد شده است. بخش بزرگی از این چارچوب، اساساً یک شبکه هوشمند از اشیاء متصل (اینترنت اشیا (IoT)) و ماشین‌هایی است که اطلاعات را با استفاده از فناوری بی‌سیم و رایانش ابری انتقال می‌دهند. برنامه‌های IoT مبتنی بر رایانش ابری، اطلاعات را در لحظه دریافت، تجزیه و تحلیل و مدیریت می‌کنند تا به شهرداری‌ها، شرکت‌ها و شهروندان کمک کنند که برای بهبود کیفیت زندگی خود تصمیمات بهتری بگیرند. مردم برای ارتباط با اکوسیستم‌های یک شهر هوشمند، از راه‌های مختلفی همچون تلفن‌های هوشمند، ابزارهای هوشمند قابل حمل، اتومبیل‌ها و خانه‌های هوشمند، استفاده می‌کنند. یکپارچه‌سازی اشیا و داده‌ها با زیرساخت‌های فیزیکی و خدمات شهری، می‌تواند هزینه‌ها را کاهش و پایداری را بهبود دهد. جوامع می‌توانند روش‌های توزیع انرژی را بهبود بخشند، جمع‌آوری زباله را ساده‌تر کرده و با کمک IoT باعث کاهش ترافیک و حتی بهبود کیفیت هوا گردند.

منبع: هلدینگ نیکا (مجموعه شرکت‌های متخصص در حوزه نرم‌افزار و سخت‌افزار، ارائه‌دهنده راهکارهای خانه هوشمند و شهر هوشمند)

<https://b2n.ir/p52443>

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** جهت مطالعه بیشتر در این رابطه؛ به گزارش مکتوب «هوش مصنوعی یا روابط انسانی؟» از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه بفرمایید. در این مکتوب به بررسی چهار پرسش پرداخته شده است: ۱. آیا در تحلیل موضوعات مدرن می‌توان به قول خیره اعتماد کرد؟ ۲. هوش مصنوعی یک تکنولوژی و ابزار برای تسهیل برخی امور است؟ یا یک مدل جدید حکمرانی در دنیا؟ ۳. مبنای حکمرانی الگوی پیشرفت اسلامی (به عنوان الگوی جایگزین حکمرانی هوش مصنوعی) چیست؟ ۴. بر فرض پذیرش "حکمرانی مبتنی بر الگوی پیشرفت اسلامی"؛ آیا استفاده بخشی از هوش مصنوعی را بپذیریم؟

آدرس دریافت متن کامل این گزارش در پیام‌رسان ایتا: <https://eitaa.com/olgou4/4000>

تاکید اصلی هییتات این است که باید به سمت ساخت شهر با دو ویژگی: یکی "شهر سبز (Green City)" (که بحث محیط زیست است) و یکی هم "شهر هوشمند (Smart City)" که عرض کردم، برویم.<sup>۳۵</sup> در گزارش مکتوب نشست تخصصی در مسجد جمکران [با عنوان "هوش مصنوعی و طرح جایگزین"]، اسناد این مطلب را آورده‌ایم.<sup>۳۶</sup>

### ۱/۲/۳. اسناد مرتبط با بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰؛ یکی دیگر از اسناد

#### بین‌المللی ضالۀ ضد روابط انسانی

سومین سند مهم مرتبط با مدیریت شهری هم عبارت است از: بخش یازدهم سند ضالۀ توسعه پایدار ۲۰۳۰<sup>۳۷</sup> که این هم باید مورد مطالعه قرار گیرد. آنجا هم اوصافی برای شهرها مثل "تاب‌آوری"، "مدیریت بحران" و "شهرهای هوشمند" مطرح شده است.

۳۵. ارجاع پردازشی: A national urban policy provides a framework to manage urbanisation, to guide countries to utilise

smart and green principles

سیاست ملی شهری چارچوبی را برای مدیریت شهرنشینی و راهنمایی کشورها برای استفاده از اصول (شهر) هوشمند و سبز فراهم می‌کند.

آدرس مطلب: از کتاب «Developing National Urban Policies: Ways Forward to Green and Smart Cities»، قسمت Forward، صفحه V

نویسندگان: Debolina Kundu, Remy Sietchiping, Michael Kinyanjui

از انتشارات اسپینگل در سال ۲۰۲۰

لینک دانلود کتاب از سایت برنامه اسکان ملل متحد (هییتات):

<https://b2n.ir/m00316>

۳۶. ارجاع پژوهشی: در این نشست (که در جمع برخی از مدیران شهری و متخصصین هوش مصنوعی و فناوری‌های هوشمند، در تاریخ سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ در شهر مبارک قم، مسجد مقدس جمکران، ساختمان ۳۱۳ برگزار شده است) به بررسی چهار سوال و یک خاتمه پرداخته شد: سوال اول: جایگاه و علت اهمیت هوش مصنوعی در اسناد بین‌المللی چیست؟ سوال دوم: راه‌حل جایگزین هوش مصنوعی در مواجهه با چالش‌های شهری چیست؟ سوال سوم: نتایج اجرای راه‌حل‌های جایگزین الگوی پیشرفت اسلامی در مواجهه با چالش‌های شهری چه خواهد بود؟ سوال چهارم: روش موضوع‌شناسی الگوی پیشرفت اسلامی در برخورد با موضوعات مدرن چگونه است؟ خاتمه: جایگاه و منزلت فناوری‌های هوشمند و متخصصین این حوزه چگونه تعریف می‌شود؟

جهت مطالعه و دریافت متن مکتوب این نشست؛ به این آدرس در پیام‌رسان ایتا مراجعه کنید: <https://eitaa.com/olgou4/3650>

۳۷. ارجاع پردازشی: The Sustainable Development Agenda: 17 Goals for People, for Planet :The Sustainable Development

Goals are a universal call to action to end poverty, protect the planet and improve the lives and prospects of everyone, everywhere. The 17 Goals were adopted by all UN Member States in 2015, as part of the 2030 Agenda for Sustainable

Development which set out a 15-year plan to achieve the Goals.

THE 17 GOALS: (1) No Poverty, (2) Zero Hunger, (3) Good Health and Well-being, (4) Quality Education, (5) Gender Equality, (6) Clean Water and Sanitation, (7) Affordable and Clean Energy, (8) Decent Work and Economic Growth, (9) Industry, Innovation and Infrastructure, (10) Reducing Inequality, (11) Sustainable Cities and Communities, (12) Responsible Consumption and Production, (13) Climate Action, (14) Life Below Water, (15) Life On Land, (16) Peace, Justice, and Strong Institutions, (17) Partnerships for the Goals.

اگر کسی این اسناد و برنامه‌های مرتبط با آن‌ها را مطالعه و بررسی کند، می‌بیند که آنچه در این طرح‌ها ذبح و قربانی شده و از بین می‌رود، "روابط انسانی" است! بنابراین چون "رفاه بشر" به "روابط انسانی صحیح" وابسته است و این مسئله برای ما خیلی مهم است؛ ما به مسئله مدیریت شهری ورود پیدا کرده‌ایم و یک الگویی را بحث می‌کنیم که در آن "روابط انسانی" تقویت می‌شود.

بنده از اعضای محترم شورای شهر قم و شهردار محترم خواهش می‌کنم به این نکته توجه کنند که: مجموعه خدمات شهری باید "پشتیبان روابط انسانی" باشد و نباید "ضد روابط انسانی" عمل کند. این مباحث [مصادیق پشتیبان‌کننده و ضربه‌زننده به روابط انسانی] باید به تفکیک بحث شود. ولی فکر می‌کنم همین دو مسئله "الگوی تجارت" و "الگوی ساخت مسکن" [که در مدیریت کنونی شهر قم اعمال می‌شود]، روشن است که چطور روابط انسانی را به چالش می‌کشند. پس این یک بحث مهم است که باید به آن توجه کنیم. این سوال اول شد.

---

دستور کار توسعه پایدار: ۱۷ هدف برای مردم، برای کره زمین: اهداف توسعه پایدار یک فراخوان جهانی برای اقدام برای پایان دادن به فقر، محافظت از کره زمین و بهبود زندگی و چشم انداز همه، در هر مکان است. این ۱۷ هدف توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که برنامه ای ۱۵ ساله برای دستیابی به هدف تعیین کرده بود، تصویب شد.

**۱۷ اهداف:** (۱) عدم فقر، (۲) گرسنگی صفر (۳) سلامتی و رفاه، (۴) آموزش با کیفیت، (۵) برابری جنسیتی، (۶) آب تمیز و بهداشتی، (۷) انرژی مناسب و تمیز، (۸) مناسب کار و رشد اقتصادی، (۹) صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها، (۱۰) کاهش نابرابری، (۱۱) شهرها و جوامع پایدار، (۱۲) مصرف و تولید مسئولانه (۱۳)، اقدامات اقلیمی، (۱۴) زندگی در زیر آب، (۱۵) زندگی در خشکی، (۱۶) صلح، عدالت، و نهادهای قوی، (۱۷) مشارکت برای هدف.

## ۲/۱/۳. بی توجهی به درختان مثمر و معطر در فضای سبز شهری؛ یکی از اقدامات ضد

### روابط انسانی در مدیریت شهری قم

عرض کردم، باز تاکید می‌کنم که شما این سوال‌ها را اخذ کنید، و به آنها جواب‌های تکمیلی‌تر بدهید. این سوال را با مدل‌های دیگر هم می‌توانید پاسخ بدهید. بنده در شهر مشهد هم که بحث کردم، در آنجا مثال زدیم به اینکه "فضای سبز" شما بر "ضد روابط انسانی" عمل می‌کند. و سپس توضیح دادم که اگر شما به جای درختان و درختچه‌های موجود در فضای سبز مشهد، از مجموعه "درختان معطر" و "درختان مثمر" استفاده کنید؛ یک خاصیت مهمی که این درختان معطر و مثمر دارند (هم از طریق همین جلوه‌های بصری و هم از طریق عطری که از آنها متصاعد می‌شود) این است که: قلب انسان را آرام می‌کنند. در نقل‌های روایی دیده‌اید که حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌فرمایند: «الطَّيْبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ»<sup>۳۸</sup> [بوی خوش] قلب را قوی می‌کنند. در روایت نفرمود: «الريحان» یا «الرياحين» [قلب را قویت می‌کند.]; بلکه فرمود: «الطيب»؛ به معنای «مطلق بوی مطبوع». حالا شما فرض کنید در اطراف یک مجتمع مسکونی درخت "به"<sup>۳۹</sup>، یا سایر درختان معطر و مثمر کاشته شود، [در

۳۸. ارجاع پژوهشی: الخسین بن محمد بن أحمد بن إسحاق عن سعدان عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله ع قال رسول الله ص: الطيب يشد القلب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را تقویت می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰

الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تُشَدُّ الْقَلْبَ وَ تَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ.

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را محکم می‌کند و بر [توان] آمیزش می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰ / قرب الإسناد، ص ۱۶۷ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶

الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّيْبُ نُشْرَةٌ ...

امام علی علیه السلام: بوی خوش شادمانی می‌آورد...

نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عیون الاخبار ج ۲ ص ۴۰

وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

۳۹. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَلِيمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عَبْدِ عَمْرِو بْنِ دَكْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَ مَعَهُ رَائِحَةُ السَّقْرَجِلِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه همراه او بوی "به" بود.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸

الوافی، ج ۱۹، ص ۴۰۰ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴۶۰

قَالَ الصَّادِقُ ع: رَائِحَةُ السَّقْرَجِلِ رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ .

امام صادق (علیه السلام): بوی "به" بوی انبیاء است.

این صورت [مردم از طریق عطر و جلوه‌های بصری [این درختان]، قلب آرام‌تری پیدا می‌کنند؛ بنابراین وقتی قلب آرام باشد، در فعالیت‌های روزمره، نزاع، اختلاف و غم کمتری محقق خواهد شد. پس همه مسائل (حتی "فضای سبز شهری") را باید مرتبط با "روابط انسانی" بازتعریف کرد. که حالا حیث تاثیر آن را عرض کردم.

پس این سوال را مدنظر بگیرید، سوال این است: چرا باید حوزه علمیه به مسئله مدیریت شهری ورود پیدا کند؟ چون رسالت اصلی حوزه علمیه، تنظیم صحیح روابط انسانی است. و ما می‌بینیم که مدیریت شهری شهر قم با اقدامات خودش بر ضد روابط انسانی صحیح عمل می‌کند و آن را به چالش می‌کشد. این عرض من و نقطه مشخص عرائض بنده است. آقایان! خواهش می‌کنم [دقت بفرمایید] ما به ده‌ها دلیل باید در تفاهم با جامعه، یک صورت مسئله روشن داشته باشیم. اولین دلیلش این است که ما مثل مدیریت‌های مدرنیته قرار نیست که با اجبار (به نحو قانون یا جریمه و امثال آن از اجبارهای مدرن)، جامعه را اداره کنیم. [بلکه] چون مدیریت ما "تفاهم‌پایه" و "اقناع‌محور" است، بنابراین ضرورت‌های ما باید تبیین روشنی داشته باشد. اگر تمام‌وقت [در هر روز فرصت] داشته باشیم، شاید من در ده روز می‌توانم جاهایی از شهر که ضد روابط انسانی عمل می‌کند را بحث کنم تا خوب این مسئله روشن شود.

بعضی از وقت‌ها که به [برخی از] آقایان [مسئولین شهر قم] نامه‌ای می‌نویسم یا تذکری می‌دهم، آقایان در بخشی از سخنرانی‌های خود می‌گویند: حوزه علمیه قم برای اداره شهر قم برنامه بدهد. بعد وقتی مجموعه دوستان ما [جهت ارائه برنامه‌های مدیریت شهری براساس مبانی و آئین‌نامه‌های خود] فعال می‌شوند، آقایان از کنارش ساکت می‌گذرند و جدی نمی‌گیرند! [لذا] آدم فکر می‌کند این بحث‌ها [و سخنان مدیران شهری]، تعارف است! به‌رحال می‌شود یک دهه بر روی این مسئله بحث کرد که چرا شهر قم ضد روابط انسانی عمل می‌کند؟ بنده [از مسئولین شهر قم] خواهش می‌کنم که این موضوع را در گفتگوهای خود وارد کنید و "آبرمسئله تنظیم روابط انسانی" را در ذهن‌تان اصل قرار دهید، و سپس خدمات شهری را یک به یک شروع به بررسی کنید که آیا مفید به روابط انسانی است؟ یا مضرّ به روابط انسانی؟ از ساختار اول بگذریم.

### ۳. سرفصل دوم: اصول عام طراحی شهر اسلامی چیست؟

حالا می‌خواهیم شهری بسازیم که خدمات و کالبد شهری آن مضر به روابط انسانی نباشد؛ بلکه روابط انسانی را پشتیبانی کند. چه اصول عامی بر این شهر حاکم است؟ سه اصل مهم برای طراحی شهری که در خدمت روابط انسانی باشد، متصور است که باید آن‌ها را در نظر بگیریم.

#### ۳/۱. اصل اول: طراحی متوازن کالبد شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی

اصل اول چیست؟ اصل اول این است که: شهر از حیث "کالبد" باید روابط انسانی را حمایت کند وگرنه بقیه اصول تنظیم روابط انسانی به عهده مدیریت شهری نیست، [بلکه] به عهده دیگران است. این به چه معناست؟ به این معناست که انتظارتان را از مدیریت شهری عادلانه و عاقلانه کنید.

مثلاً "مدرسه و محتوای آموزشی آن"، خیلی بر حوزه "روابط انسانی" تاثیر دارد. مثلاً این خیلی مهم است که آیا فرزندان در مدرسه، آموزش‌های مرتبط با روابط انسانی را یاد می‌گیرند یا یاد نمی‌گیرند؟ اگر یاد نگرفت؛ چون اطلاعات مرتبط با تنظیم روابط انسانی را ندارد، از این حیث، فرزند شما مخل به روابط انسانی عمل خواهد کرد. غیر از مسئله مدرسه؛ "الگوی تغذیه" هم خیلی موثر بر "تنظیم روابط انسانی" است. مثلاً بنده اخیراً در "الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی" اخیراً بحث کرده‌ام،<sup>۴۰</sup> که مثلاً شما [یک پیشنهاد برای کوله‌گردشگران در مورد] بسته غذایی دارید که به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می‌کند. که اگر سازمان غذا و دارو به اینها توجه کند و ترویج دهد، مردم بر اثر تغذیه صحیح، روابطشان به اختلال کشیده نمی‌شود. این را هم باید توجه کرد. مثلاً همانطور که ما همیشه عرض کرده‌ایم طبق روایات نقل شده از ائمه عصمت و طهارت علیهم‌السلام، میوه "به"، "شجاعت" را در انسان تقویت کرده و<sup>۴۱</sup> "بخل" انسان را هم کم می‌کند.<sup>۴۲</sup> حالا اگر پدر و مادر در سبد میوه‌های فرزندان "به" را

۴۰. **ارجاع پژوهشی:** بحث "الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی" در ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ در شهر مقدس قم برگزار شده است؛ که در آن به بررسی هفت سرفصل و پرسش پرداخته شده است: ۱. نهادهای مرتبط با میراث فرهنگی کدام است؟ و الگوی فعالیت آنها در دنیا چگونه است؟ ۲. کدام قواعد اصولی (فقه‌البیان)، در روایت صحیح از میراث فرهنگی به ما کمک می‌کنند؟ ۳. مبنا و مفهوم اصلی الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی چیست؟ ۴. ساختار اجمالی "روایت میراث فرهنگی" بر مبنای "عبرت" چند بخش دارد؟ ۵. حوزه‌های تفصیلی "روایت میراث فرهنگی" بر مبنای "عبرت" کدام است؟ ۶. تدوین دفترچه راهنمای روایت میراث فرهنگی چگونه باشد؟ ۷. اقدامات اجرایی الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی کدام است؟ جهت مشاهده و مطالعه متن کامل این گزارش به این آدرس در پیام‌رسان ایتا مراجعه کنید: <https://eitaa.com/olgou4/4522>

۴۱. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَكُلُ السَّفَرِجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يَطَيَّبُ الْمَعِدَةَ وَ يَذْكِي الْفُؤَادَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ. امیرالمؤمنین (علیه السلام): خوردن به، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می‌سازد، دل را پاک می‌کند و ترسو را شجاعت می‌بخشد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ



قرار دهند، فرزندان آنان شجاع‌تر می‌شوند، یعنی: دیگران نمی‌توانند به سادگی به آنها زور بگویند و مانع اعمال اختلال در روابط انسانی توسط دیگران می‌شوند. فرد شجاع اینطور است. [و از طرف دیگر هم] چون [با خوردن میوه "به"] سخی شده و بخل آنها از بین می‌رود؛ از طریق "عدم بخل" هم به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می‌کنند.

می‌خواهم بگویم که مسئله تنظیم صحیح روابط انسانی، زیرساخت‌های متفاوتی دارد که همه آن زیرساخت‌ها [دارای اهمیت است و آنها] را باید بحث کنیم. حالا سخن در این است که مدیریت شهری از چه حیث به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می‌کند؟ آیا مدیریت شهری باید به سمت "اصلاح الگوی تغذیه" مردم برود؟ پاسخ این است که: خیر؛ مدیریت شهری لااقل در نظم فعلی چنین وظیفه‌ای ندارد. بعداً ممکن است که یک نظم جدیدی را [برای اداره شهر] بحث کنیم و راجع به آن گفتگو کنیم [که مثلاً به اصلاح الگوی تغذیه نیز پردازد]. از طریق "تحول در الگوی آموزش" هم رسالتی برای شهرداری متصور نیست.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۵ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ عَمِّهِ حَمْرَةَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِيَجْعَفِرَ يَا جَعْفَرُ! كُلِّ السَّفَرَجَلِ فَإِنَّهُ يُقْوِي الْقَلْبَ وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ.

امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، به جعفر بن ابی طالب فرمود: «ای جعفر! به بخور، که قلب را قوت می‌دهد و ترسو را شجاعت می‌بخشد».

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹

سند اول محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَانَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ

سند دوم محاسن: وَ رَوَاهُ أَبُو سُمَيْنَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۰۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۵

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكُلِّ السَّفَرَجَلِ قُوَّةً لِلْقَلْبِ وَ ذَكَاةً لِلْفُؤَادِ وَ يُسَجِّعُ الْجَبَانَ.

امام صادق (علیه السلام): خوردن به باعث قوت قلب و پاکی دل است و ترسو را شجاعت می‌کند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰

۴۲. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَصْرِيِّ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ وَهَبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الرُّبِّيَّ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ يَدُهُ سَفَرَجَلَةٌ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا رَبِّي مَا هَذِهِ سَفَرَجَلَةٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ سَفَرَجَلَةٌ فَقَالَ يَا رَبِّي كُلِّ السَّفَرَجَلِ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ قَالَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يُجِمُّ الْفُؤَادَ وَ يُسَخِّي الْبَخِيلَ وَ يُسَجِّعُ الْجَبَانَ.

شهاب بن عبد ربه گوید شنیدم امام ششم میفرمود زبیر حضور رسول خدا (ص) آمد و يك دانه به در دست داشت رسول خدا باو گفت ای زبیر این چیست در دستت؟ عرض کرد یا رسول الله این يك دانه به است، فرمود ای زبیر به بخور زیرا در آن سه خصلت است، عرض کرد یا رسول الله آن خصلتها چیست؟ فرمود دل را گرم میکند بخیل را سخاوت می‌بخشد، ترسو را پردل میکند.

الخصال، ج ۱، ص ۱۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱

پس از چه طریق ورود پیدا کنیم؟ عرض کردیم که از طریق "طراحی صحیح کالبد". ما شهرداری را (تاکید می‌کنم که خصوصاً با توجه به قوانین فعلی) "مدیر کالبد شهری" می‌دانیم. بنابراین اعتقاد داریم که "کالبد" و فضای کلی شهری به شکلی طراحی شود که منحل به روابط انسانی نباشد. پس اصل اول در طراحی شهر این است که بار اضافه برای مدیریت شهری تعریف نکنیم.

من زیاد در طول این سال‌های متمادی که در جلسات کارشناسی حضور داشته‌ام، به این مسئله برخورد کرده‌ام. یادم می‌آید از زمان برنامه ششم<sup>۴۳</sup> در "کمیسیون تلفیق" بودیم، آقایان معاونین کمیسیون تلفیق تصورشان این بود که حالا چون یک تیم طلبه در آنجا حضور پیدا کرده‌اند؛ الان تقاضای اصلی‌شان این است که "نماز" در برنامه ششم گنجانده شود. بله؛ مسئله "نماز" خیلی مسئله مهمی است؛ ولی چرا باید این مسئله را در برنامه ششم بگذاریم؟!

۴۳. **ارجاع پردازشی:** برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور که هر پنج سال با ارائه از سوی دولت در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود. مجموعه شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در تصویب برخی از بندهای این برنامه دخالت داشت.

از باب نمونه: به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، با توجه به نقایص متعدد برنامه ششم توسعه در توجه به مؤلفه‌های بومی پیشرفت، دبیر شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از الحاقیه پیشنهادات مشخص الگو برای برنامه ششم رونمایی کرد. متن این الحاقیه از این قرار است: در راستای تحقق گام اول تغییرات در نظام برنامه‌ریزی کشور مبتنی بر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی و با تکیه بر ۱۰ سال گفتمان‌سازی برای تبیین الگوی پیشرفت اسلامی، دستگاهها و سازمانهای ذیل موظف می‌شوند مأموریت‌های مندرج در ماده واحده تثبیت رویکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظام برنامه‌ریزی را عملیاتی کرده و گزارش آن را در نیمه اول سال پنجم برنامه ششم برای بررسی و تکمیل در برنامه هفتم، در اختیار قوای سه‌گانه و نهادهای مرتبط با الگوی پیشرفت قرار دهند.

الف: برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده:

۱. وزارت آموزش و پرورش با همکاری شهرداریهای مناطق و حمایت‌های وزارت مسکن و شهرسازی موظف هستند به منظور تقویت ماهیت محلات و تقویت نهاد خانواده رویکرد تمرکز مدارس در محلات را دنبال کنند.

۲. وزارت آموزش و پرورش مکلف است به منظور تقویت سلول بنیادین جامعه اسلامی آموزشها و مهارت‌های مرتبط با نهاد خانواده را در تمام پایه‌ها گسترش دهد.

تبصره: تدوین کتب آموزشی مربوطه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در این زمینه با هماهنگی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم انجام شود.

۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است به منظور تقویت نقش و حضور بانوان در نهاد خانواده، نسبت به تغییر قوانین اشتغال بانوان و آسان‌سازی این قوانین اقدام نماید و لایحه مربوط به قوانین اشتغال بانوان را تا پایان سال دوم برنامه برای تصویب به مجلس تقدیم کند.

ب: برای تحقق پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم:

۴. قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران موظف است برای جلوگیری از ایجاد و گسترش جرم از مجرای برنامه‌ها و قوانین مصوب با همکاری قوه مقننه، زمینه حضور کارشناسان حوزه پیشگیری از جرم را در جلسات کمیسیونها و صحن علنی مجلس فراهم آورد.

۵. قوه قضائیه جمهوری اسلامی موظف است به منظور گسترش فضای تصمیم‌سازی مبتنی بر پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم به صورت فصلی در مورد زمینه‌های ساختاری، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی وقوع جرم گزارشهای راهبردی تفصیلی را منتشر کند.

ج: برای مقابله با فضای ترجمه‌گرایی در تدوین پایان نامه‌ها:

۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی موظف است به منظور ارائه راه‌حلهای علمی برای مسائل مرحله دولت‌سازی اسلامی مرکز شناسایی، تفاهم و حمایت از نظام مسائل این مرحله را با تأکید بر استفاده از مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد کند.

د: برای گسترش مقاومت اقتصادی:

۷. سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف است به منظور حل مشکلات معیشتی مردم و مقاوم‌سازی اقتصاد حداکثر تا ظرفیت ۱۰۰۰ خانوار به ایجاد محله‌های وقفی اقدام نماید.

تبصره: طراحی محله‌ها و معماری آن‌ها باید از اصول الگوی پیشرفت اسلامی تبعیت کند.

تذکر: مأموریت‌های تعریف شده در ماده واحده تثبیت رویکرد الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در نظام برنامه‌ریزی کشور؛ با هدف رفع تدریجی عدم توازنهای حاد فرهنگی در کشور تعریف شده‌اند و به استناد اسناد پشتیبان این ماده واحده، شناسایی، تبیین و رفع عدم توازنهای فرهنگی نقطه آغاز بسط (دولت اسلامی) در همه بخشها محسوب می‌شود.

این "نماز" را (خصوصاً با نگاه فعلی) باید در یک جای دیگری طراحی کرد. ممکن است اشخاص دیگری وقتی آیات قرآن را در مورد اداره جامعه متوجه شوند، به این نتیجه برسند که اصلاً "صلاة" موضوع برنامه‌ریزی است.<sup>۴۴</sup> من حالا با آن فضای مطلوب کار ندارم. الان در شرایط فعلی بحث می‌کنم؛ شرایط فعلی این است که شما از پایگاه مفاهیم مرتبط با همان دستگاه، تقاضای تنظیم صحیح روابط انسانی را مطرح کنید. الان هم در مدیریت شهری فعلی، تقاضای ما این است که "کالبد شهر" اصلاح شود. این پس یک نکته شد.

### ۳/۱/۱. طراحی کالبد تجاری شهر بر مبنای ساخت بازارهای ارزان قیمت در راستای تسهیل و گسترش تجارت عمومی؛ نمونه‌ای از طراحی متوازن کالبد شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی

[خلاصه بحث تا به اینجا این شد که] عرض کردم "تنظیم صحیح روابط انسانی" ممکن است دارای ده محور باشد؛ اما شما [در حوزه "مدیریت شهری"] بایستید روی آن محوری که مرتبط با "شهرداری" است. پس حرف مشخص ما این است که شهرداری مجوزها را طوری صادر کند که کالبد ضد تنظیم روابط انسانی نداشته باشیم. مثلاً وقتی "فضای تجاری شهر" را تعریف می‌کند؛ فقط اختصاص به "مگامال‌ها" پیدا نکند؛ بلکه به سمت ایجاد بازارهایی برود که "تجارت عمومی" را گسترش دهد.

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** ... سوال اول این است که تمدن اسلامی چیست که ما می‌خواهیم آن را بسازیم؟ این سوال خیلی سوال مهمی است و به آن باید توجه کنیم. یکی از آیت‌هایی که بنده می‌خواهم از آن استفاده کنم و تمدن اسلامی را بحث کنم، آیه ۴۱ از سوره حج است. آیه را خدمت‌تان تلاوت می‌کنم و بعد شرح می‌دهم و نحوه استفاده از آیه را برای ساخت تمدن اسلامی بحث خواهم کرد. آیه اینطور می‌فرماید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» ابتدای آیه این است که می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ» می‌فرماید: کسانی که "تمکن در ارض" پیدا می‌کنند یعنی: اختیارات داشتن. می‌فرماید: کسانی که در روی زمین، خداوند به آنها اختیارات و "تمکن در ارض" بدهد؛ [این چهار کار را انجام می‌دهند].

الان اگر براساس توسعه بخواهیم بگویم، چه می‌گوییم؟ می‌گوییم باید "شاخص‌های WDI"<sup>۴۴</sup> را محقق کنیم. مثلاً الان کسانی که اختیارات در زمین دارند، چه کار می‌کنند؟ می‌گویند: "توسعه فناوری" بدهیم. می‌گویند: حالا که ما دولتی در دست‌مان است، کشور را "صنعتی" کنیم. آیه قرآن می‌فرماید: اینها این کارها را نمی‌کنند؛ بلکه اولین کاری که انجام می‌دهند، "اقامه صلاة" است «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»، "زکات" را هم پرداخت می‌کنند، «وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ» "امر به معروف" هم انجام می‌دهند، «وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» و "نهی از منکر" هم می‌کنند، «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» پایان همه کارها هم دست خداست. حالا من توضیح می‌دهم که فقره «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» چرا اینجا آمده است. آیه توضیح می‌دهد که بعضی‌ها، (که حالا توضیح می‌دهم که این بعضی‌ها چه کسانی هستند.) وقتی خداوند متعال به آنها حکومت و اختیارات می‌دهد، این چهار کار را انجام می‌دهند: "اقامه صلاة"، "اعطای زکات"، "امر به معروف" و "نهی از منکر". چهار رکن نظام‌سازی را در این آیه بحث کرده است.

حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری، مکتوب نقشه جامع تمدن اسلامی، ۲۶ اسفند ۱۴۰۰، صفحات ۵ الی ۱۰

جهت مطالعه اجمالی در مورد «نقش نماز در اداره جامعه»؛ به پیوست شماره ۹ مراجعه کنید.

## ۳/۱/۲. طراحی و تغییر کالبد و کاربری ساختمان از "آپارتمان" به "دار واسعه": نمونه‌ای

### دیگر از طراحی متوازن کالبد شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی

یا مثلاً وقتی کاربری ساختمان را مطرح می‌کند، نباید کاربری ساختمان را به شکلی تعریف کند که "خانه‌های آپارتمانی" ساخته شود. اینجا برخی اشکال می‌کنند و می‌گویند: «ما مجبور هستیم که آپارتمان بسازیم؛ [چون] زمین کافی [برای ساخت خانه‌های ویلایی] وجود ندارد!» [در پاسخ به این اشکال] یک وقتی محاسبه کردم، دیدم اگر شهرداری از عقلانیت معیوب "نوشهرگرایی" دست بردارد و نگاه‌های "الگوی پیشرفت اسلامی" را بپذیرد؛ همین مقدار مساحتی که برای فضای سبز شهری در نظر گرفته است (مثلاً مساحت بوستان علوی)<sup>۴۵</sup> را به مساحت ساختمان‌ها اضافه کند؛ فضای سرزمینی دچار اختلال نمی‌شود. [اشکال این است که] شما زمین دارید، ولی کاربری‌های غلط تعریف می‌کنید.

من یک موضوع تحقیق (که الان آمار و ارقام آن در دسترس است) را برای دوستان مدرسه خودمان بیان می‌کنم: شما میزان "کاربری‌های تفریحی و فضای سبز" شهر قم را به دست بیاورید،<sup>۴۶</sup> و آن را به "کاربری مسکونی" اضافه کنید،<sup>۴۷</sup> ببینید چقدر مساحت تغییر می‌کند؟

۴۵. **ارجاع پردازشی:** بوستان علوی قم، با مساحت ۴۰۰ هزار مترمربع در جنوب غربی این استان قرار گرفته و یکی از بزرگترین بوستان‌های کشور است.

۴۶. **ارجاع پردازشی:** به گزارش شهرنیز (خبرگزاری اختصاصی شهرداری قم)، پیام جوادیان (مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قم) در جلسه شورای سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قم که با حضور دکتر سقائیان‌نژاد شهردار قم و اعضای شورای اسلامی شهر قم برگزار شد؛ ... با بیان اینکه سرانه فضای سبز از ۱۳.۸ مترمربعی در سال ۹۴ به ۲۰.۴۲ مترمربع تا مهرماه سال جاری افزایش یافته است گفت: مساحت فضای سبز شهری قم از ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار متر در سال ۹۴ به ۲۶ میلیون و ۴۶۸ هزار متر ارتقا پیدا کرده است. جوادیان با بیان اینکه قم با داشتن سرانه ۲۰.۴۲ مترمربعی فضای سبز شهری بعد از شهرهای اصفهان و شیراز، سومین کلانشهر سبز کشور محسوب می‌شود، گفت: مساحت فضای سبز شهری قم از ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار متر در سال ۹۴ به ۲۶ میلیون و ۴۶۸ هزار متر ارتقا پیدا کرده است. وی توسعه فضای سبز شهری را مورد اشاره قرار داد و تصریح کرد: سالانه به صورت متوسط ۲۵۰ هزار مترمربع به سرانه فضای سبز شهری قم افزوده می‌شود.

مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قم با بیان اینکه با تصویب اراضی بوستان ولایت و زائر سرانه‌های جنگلی قم به سمت مطلوبیت بیشتر حرکت خواهد کرد، تصریح کرد: سرانه کلی فضای سبز جنگلی قم در سال ۹۴، ۱۳ میلیون و ۸۰۱ هزار مترمربع بود که در ۶ سال گذشته حدود ۷ میلیون مترمربع بر آن افزوده شده است و هم‌اکنون سرانه فضای سبز جنگلی قم ۲۰ میلیون و ۴۹۵ هزار مترمربع برآورد می‌شود.

منبع: پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی شهرداری قم - ۲۳ دی ۱۴۰۰

[www.qom.ir/82719](http://www.qom.ir/82719)

به گزارش شهرنیز، دکتر سید مرتضی سقائیان‌نژاد (شهردار محترم قم): در بخش زیست محیطی با برنامه‌ریزی‌های مدون، هر ساله ۳۰۰ هکتار به ظرفیت فضای شهر افزوده می‌شود، بوستان ۱۰۰۰ هکتاری در دست احداث است که از مؤلفه‌های مهم آن احداث باغ پرندگان و محوطه موزه دفاع مقدس است، این پروژه ۴ ساله هم‌اکنون با حضور ۵ پیمانکار به طور همزمان در حال انجام است.

منبع: پایگاه رسمی اطلاع‌رسانی شهرداری قم - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

من در محاسبه قبلی ای که انجام داده بودم (با اینکه همه کاربری‌های تفریحی و فضای سبز را محاسبه نکرده بودم)، به این نتیجه رسیدم که: می‌توان حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر به هر پلاک خانه مسکونی اضافه کرد! یعنی: شما می‌توانید خانه‌های مسکونی شهر قم (که مثلاً حدود صدمتر باشند) را لااقل به ۲۵۰ متر افزایش دهید. پس ما مشکل زمین نداریم؛ مشکل فکر معیوب داریم! [چون] همین‌طور که عرض کردم شما مقلد "نظریه آمریکایی نوشهرگرایی" هستید!

شما وقتی "حیات‌خانه" تان بزرگ باشد، "فضای سبز" هم در خانه خواهید داشت؛ پس مشکل فضای سبز هم قطعاً پیدا نخواهد کرد و فقط جای درختان [از فضاهای سبز خارج از خانه به] حیات‌خانه‌ها منتقل خواهد شد و اتفاقاً شهر هم ارزان‌تر اداره خواهد شد؛ چون وقتی درخت در خانه کسی باشد، خودش مسئول رسیدگی آن است و دیگر شما مجبور نخواهید بود که این همه هزینه برای معاونت فضای سبز شهری (برای کاشت درخت و رسیدگی به آنها) پرداخت کنید. من خواهش می‌کنم حتماً این محاسبه را انجام دهید: مجموع مساحت شهری قم

[www.qom.ir/22758](http://www.qom.ir/22758)

قم - ایرنا - جوادیان (مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری قم) ... با اشاره به طرح پارک ۱۰۰۰ هکتاری شهرداری قم گفت: این طرح از سال ۹۵ به پیشنهاد سازمان پارک‌ها و فضای سبز در دستور کار شهرداری قرار گرفته و یک شورای عالی نیز برای آن تشکیل شده است. وی تصریح کرد: این طرح از میدان مفید آغاز و تا بوستان کوهسار و خیابان ظهور و پشت کوه دوبرادران امتداد خواهد داشت. جوادیان گفت: در سه سال گذشته ۵۷ میلیارد تومان اعتبار برای این طرح اختصاص پیدا کرده است، لکه‌های بوستان کوثر این طرح ۷۵ درصد، باغ پرندگان ۸۰ درصد، بوستان خضر ۴۰ درصد، بوستان شهدای گمنام ۹۵ درصد و بوستان زائر نیز ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

... وی اضافه کرد: بوستان ۱۰۰۰ هکتاری قم در ۴ سال آینده به صورت کامل تکمیل و به بهره‌برداری خواهد رسید و تاکنون در ۸۰۰ هکتار از این بوستان کاشت درخت انجام گرفته است.

منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) - تاریخ: ۲۹ تیر ۱۳۹۸ - کد خبرنگار: ۲۸۶۲ - کد خبر: ۸۳۴۰۳۷۴۱

<https://b2n.ir/s52699>

۴۷. **ارجاع پردازشی:** به گزارش خبرگزاری موج قم، غلامرضا جانقربان (معاون شهرسازی و معماری شهرداری قم) با بیان اینکه ۵۰ درصد از مساحت شهر قم را کاربری‌های مسکونی تشکیل می‌دهند، گفت: ۲۵ درصد مساحت شهر شوارع و مابقی نیز شامل کاربری‌های تجاری، آموزشی و ... است.

منبع: خبرگزاری موج قم - تاریخ: ۸ خرداد ۱۳۹۹ - کد خبر: ۳۳۱۶۹۶

<https://b2n.ir/y89382>

وسعت استان قم: ۱۱۳۱۶ کیلومتر مربع که تقریباً ۰/۶ درصد از مساحت کل کشور را در بر می‌گیرد. ... حدود ۲۵ درصد از وسعت استان را مناطق کوهستانی و کوهپایه ای تشکیل داده و مابقی به صورت دشت می‌باشد.

منبع: استانداری قم

<http://www.ghom.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=830>

وسعت استان قم: ۱۱ هزار و ۲۴۰ کیلومتر مربع.

منبع: اداره کل ثبت احوال استان قم

<https://b2n.ir/e24720>

را با تفکیک کاربری‌ها بیاورید، سپس کاربری‌های تفریحی و فضای سبز را به کاربری مسکونی اضافه کنید، ببینید چقدر مشکل ما برطرف می‌شود و می‌توانیم مسائل را حل کنیم.

پس این هم اصل اول شد که عبارت از "طراحی صحیح کالبد شهری" است. سوال این است که: «چه اصولی را استفاده کنیم تا بتوانیم شهر اسلامی داشته باشیم؟» [پاسخ این است که] اصل اول [در ساخت شهر اسلامی این است که]: "کالبد شهری" به لحاظ اختصاص زمین به کاربری‌های شهری، باید تغییر پیدا کند. این حرف اول است.

## ۲/۳. اصل دوم: مدیریت شهر به صورت غیر متمرکز و محله‌ای

اصل دوم: ما نباید شهر را به لحاظ مدیریتی، به صورت "متمرکز" اداره کنیم. الان شهر قم، هشت منطقه شهری دارد. پس هشت شهرداری دارد، این شهرداری‌ها همه امور مرتبط با شهر را باید ذیل هشت مدیریت اداره کنند، شهرداری مرکزی هم باید همه اینها را مدیریت کند.

اما اگر دیدگاه اسلام که "مدیریت محله‌ای" است<sup>۴۸</sup> را بپذیرید؛ یعنی: مثلاً به جای اینکه بگوییم: «شهر قم دارای هشت "منطقه شهری"<sup>۴۹</sup> است» بگوییم: «شهر قم در آینده دارای ۴۰۰ "محله" است.» [البته به شرط اینکه]

۴۸. **ارجاع پژوهشی:** جهت مطالعه در مورد دیدگاه اجمالی اسلام در مورد نحوه مدیریت شهری (غیر متمرکز و محله‌محور؟ یا متمرکز؟) می‌توان به گزارش مکتوب نشستی با این عنوان (از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) که در حوزه علمیه مروی تهران در تیرماه ۱۳۹۵ برگزار شد مراجعه نمود. این نشست دارای چهار سرفصل بحثی عمده می‌باشد که عبارتند از: ۱. فلسفه مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۲. تعریف مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی ۳. بازتعریف مدل تأمین هرم نیازهای خانوار ۴. اقدامات عملیاتی برای آغاز اجرایی کردن مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی. این چهار سرفصل، سرفصل‌های کلی تبیین مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشند.

منبع: گزارش مکتوب و دوره بحثی مدیریت شهری حوزه علمیه مروی تهران؛ با عنوان: : تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده‌ها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

جهت دریافت فایل این دوره پژوهشی به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://nro-di.blog.ir/1396/04/29>

جهت مطالعه تلخیص این دوره؛ به پیوست شماره ۱۰ («اداره شهر به صورت محله‌ای و غیر متمرکز؛ دیدگاه اسلام در مورد نحوه اداره شهر») مراجعه کنید.

۴۹. **ارجاع پرورشی:** تقسیم یک شهر را به مناطق ویژه و با مرزهای معین برای نقش‌پذیری هر یک از این مناطق «منطقه‌بندی شهری» گویند. منطقه‌بندی استفاده منطقی و نظام‌پذیر از زمین‌های شهری در آینده‌ی بلندمدت است و در آن موقع میزان ارتفاع یابی، شکل، میزان بهره‌گیری و ساختهای داخلی هر یک از مناطق مورد نظر است.

در منطقه‌بندی سعی بر این است که خدمات شهری مثل بیمارستان، مدرسه، مسجد، خیابان و محله‌های گذران اوقات فراغت در هر منطقه با سهولت در دسترس همه قرار گیرد. همچنین منطقه‌بندی از عوامل مهم در تولید است. بنابراین جنبه اقتصادی آن اهمیت بیشتری دارد.

"مدیریت شهری محله‌محور" به معنای واقعی کلمه وجود داشته باشد. [چون می‌دانید] در دوره‌ای که جناب آقای قالیباف شهردار تهران بودند و هم در دوره کنونی که مدیریت شهری بر عهده جناب آقای زاکانی است؛<sup>۵۰</sup> اسم "محله" برده می‌شود، ولی در واقع "مدیریت منطقه‌ای" حاکم است [نه "مدیریت محله‌محور و محله‌ای"]!

**۳/۲/۱. کاهش هزینه‌های اداره شهر؛ یکی از فوائد مدیریت شهر به صورت غیر متمرکز و**

## محله‌ای

**۳/۲/۱/۱. مدیریت کاهش پسماند با استفاده از ظرفیت حیاط خانه؛ یکی از نمونه‌های کاهش**

### هزینه‌های مدیریت شهر به صورت غیر متمرکز و محله‌ای

حالا اگر "مدیریت منطقه‌ای" جای خودش را به "مدیریت محله‌ای" داد، چند اتفاق مهم خواهد افتاد: یکی اینکه هزینه‌های اداره شهر کاهش پیدا می‌کند. چون (به شرحی که عرض می‌کنم) در "محله" می‌توان مردم را برای حل امور خودشان به کار گرفت و مشارکت داد. مثلاً: ما در محله‌ها "خانه‌های حیاطدار" داریم و می‌توانیم با کمک خود مردم، "مدیریت کاهش پسماند" را انجام دهیم.

حالا مدیریت کاهش پسماند ما، ۷ یا ۸ اصل دارد که باید آنها را مجزا بحث کنیم. یکی از این [اصول مدیریت کاهش پسماند] این است که: شما می‌توانید "زباله‌های تر خانه" را در حیاط خانه دفن کنید و یا به "حیوانات خانگی" خودتان بدهید. و ما می‌دانیم که ۸۰ درصد زباله‌هایی که الان توسط شهرداری‌ها جمع می‌شوند، همین زباله‌های تر خانه‌ها هستند.<sup>۵۱</sup> حالا اگر شما مدیریت محله‌ای داشته باشید، می‌توانید شهر را ارزان‌تر اداره کنید. و یکی از نمونه‌های بارز اداره ارزان شهر هم این است که: ما می‌توانیم با استفاده از ظرفیت [حیاط] خانه، کاهش تولید زباله داشته باشیم. پس این هم یک مسئله و نکته بسیار مهم شد که باید به آن توجه کرد.

آدرس مطلب: پایگاه تخصصی شهرسازی ایران - <https://b2n.ir/g77440>

۵۰. که حالا البته قضاوت در مورد کار آقای زاکانی زود است، باید جلوتر برویم [تا بتوان در مورد نتیجه مدیریت ایشان قضاوت کرد].

انتقال از متن

۵۱. **ارجاع پردازشی:** میرابراهیم (مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری قم) با بیان اینکه از مجموع زباله‌های روزانه منتقل شده به سایت البرز ۱۰ درصد از آنها ارزش اقتصادی دارد که ۹ درصد از آن را انواع پلاستیک شامل می‌شود، بیان کرد: ۵۰ درصد زباله‌های تولیدی در قم پسماند خوراکی و ارگانیک هستند که تبدیل به کود کمپوست می‌شوند.

منبع: خبرگزاری ایرنا - ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - کد خبر: ۸۴۷۳۲۲۱۵

<https://irna.ir/xjIdpT>

### ۳/۳ اصل سوم: مدیریت شهر بر اساس علم و اقناع (نه جبر و قانون)

اصل سومی که ما در اداره شهر با نگاه اسلام داریم این است که: باید شهر را بر اساس "اقناع" و "علم" اداره کرد. یعنی: باید با مردم صحبت شود [و آنها را "اقناع" کرد و نباید شهر را با "قانون" و "جبر" اداره کرد. مثلاً شورای شهر و شهرداری نباید [فقط] قانون بنویسند و ابلاغ کنند.<sup>۵۲</sup>

#### ۳/۳/۱ ایجاد نارضایتی عمومی؛ یکی از آثار مدیریت شهر بر اساس جبر و قانون

در سال‌های گذشته که "سند جامع شهر مشهد" را بررسی می‌کردم، دیدم که شهرداری برای ساخت پروژه معیوب "تالار شهر مشهد"<sup>۵۳</sup> که در چهارراه شهدای مشهد ساخته شده؛ به نظرم حدود ۶ هزار نفر شاکی داشت! یعنی

۵۲. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْقُرَشِيُّ رَهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَأَلَ الْمَأْمُونُ يَوْمًا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعَ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ. وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» فَقَالَ الرَّضَاعُ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّ الْمُسْلِمِينَ قَالُوا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ أَكْرَهْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ النَّاسِ عَلَى الْإِسْلَامِ لَكُنَّا كَثْرًا عَدَدُنَا وَقَوِينَا عَلَى عَدُوِّنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مُحَمَّدُ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا» عَلَى سَبِيلِ الْإِلْجَاءِ وَالْإِضْطِرَارِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يُؤْمِنُونَ عِنْدَ الْمُعَايَنَةِ وَرُؤْيَةِ الْبَاسِ فِي الْآخِرَةِ، وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِمْ لَمْ يَسْتَحِقُّوا مِنِّي تَوَابًا وَلَا مَدْحًا، لِكِنِّي أَرِيدُ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْمِنُوا مُخْتَارِينَ غَيْرَ مُضْطَرِّينَ لَيْسْتَحِقُّوا مِنِّي الرُّؤْفَى وَالْكَرَامَةَ، وَدَوَامَ الْخُلُودِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ».

به نقل از ابو صلت، عبد السلام بن صالح هروی: روزی مأمون از علی بن موسی الرضا علیه السلام پرسید: ای فرزند پیامبر خدا! معنای این آیه شریف: «و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه آنان که در زمین اند، ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟» چیست؟ فرمود: «پدرم موسی بن جعفر، به نقل از پدرش جعفر بن محمد، به نقل از پدرش محمد بن علی، به نقل از پدرش علی بن الحسین، به نقل از پدرش حسین بن علی، به نقل از پدرش علی بن ابی‌طالب علیه السلام برایم روایت کرد که مسلمانان به پیامبر خدا گفتند: ای پیامبر خدا! اگر هر تعداد از مردم را که می‌توانستی به اسلام وادار کنی، وادار می‌کردی، شمار ما فراوان می‌شد و بر دشمنانمان قوت می‌یافتیم. پیامبر خدا فرمود: "من خداوند عز و جل را با بدعتی که برایم بنیان گذاشته، ملاقات نخواهم کرد و من از کسانی نیستم که از پیش خود، چیزی می‌سازند".

در پی آن، خداوند متعال، این آیه را فرو فرستاد: ای محمد! «و اگر پروردگار تو می‌خواست، همه آنان که در زمین اند، ایمان می‌آوردند»، اما به شیوه وادار ساختن و از روی ناچاری در دنیا، همان گونه که در آخرت با مشاهده عذاب، ایمان می‌آوردند؛ ولی اگر با آنان چنین کنم، استحقاق پاداش یا ستایش ندارند؛ اما من خواسته‌ام تا آنان از روی اختیار، بدون ناچاری، ایمان بیاورند تا از سوی من، استحقاق قربت، کرامت و جاودانگی در بهشت جاوید را پیدا کنند.

التوحيد (للسدوق)، ص ۳۴۲ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۱۳۵

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۴۱۲ / بحار الأنوار، ج ۵، ص ۴۹



## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

شورای شهر و شهردار محترم، مصوب کرده بودند که پروژه‌ای به نام "میدان شهدا" ساخته شود، (حالا بگذریم از اینکه الگوی آن براساس "تالار شهر فرانسه" بود و با یک الگوی غربی داشت ساخته می‌شد!) برای اینکه ساختمان‌ها و زمین‌های اطراف را تملک کنند، به "قانون" متوسل شده بودند. یاد می‌آید که آن روز مدیران شهری مشهد می‌گفتند: ۶ هزار شاکی خصوصی دارد! من آن روز در جلسه شهرداری مشهد این بحث را مطرح کردم که: آیا شما برای سوزاندن و ضربه زدن به سرمایه اجتماعی، نهادی غیر از شهرداری هم احتیاج دارید؟! یا نه؛ شهرداری به فضل الهی یک‌تته می‌تواند همه مردم را از نظام مبارک جمهوری اسلامی ناراضی کند؟! این اتفاق در حال رخ دادن است. الان هم در "منطقه ثامن"<sup>۵۴</sup> که در حال تملک اراضی آن هستند برای اینکه "شارستان"<sup>۵۵</sup> را بسازند؛ [همین اتفاق دارد می‌افتد]. من با مردم و اهالی آنجا که صحبت می‌کردم، [متوجه شدم که] خیلی از آنها "راضی" نیستند که خانه‌های اطراف حرم را [به شهرداری] واگذار کنند، ولی "مجبور" هستند! ببینید؛ شما دارید شهر را با "اجبار" اداره می‌کنید. این یکی از مصادیق "اجبار" است که نارضایتی عمومی ایجاد می‌کند.

۵۳. **ارجاع پردازشی:** تالار شهر مشهد (موقعیت تالار شهر در طرح میدان شهدا) در ایدئوگرام طراحی شهری، این ساختمان در ضلع شمالی عرصه میدان شهدا و در مقابل ساختمان شهرداری قرار گرفته است. با تکمیل ساختمان‌های چهارگانه داخل میدان، فضای مدنی ایجاد شده نظاره‌گر گفتمان بین ساختمان شهرداری قدیم و ساختمان شورای شهر خواهد بود.

همچنین... ساختمان تالار شهر به عنوان یک مجموعه فرهنگی اداری با کاربری‌های گوناگون طراحی و احداث گردیده است، بنابراین سعی شده تا علاوه بر دستیابی به عملکردهای موردنظر، به عنوان یک اثر شاخص معماری یادمانی درآید. کاربری‌های اصلی شامل فضای اداری شورای شهر، سالن همایش شهرداری، موزه و نمایشگاه شهرداری و مرکز اطلاعات شهرداری و فضای فرهنگی می‌باشد. اسکلت ساختمان بتن مسلح می‌باشد که در بخش‌های اصلی مانند دروازه مردمی و ستون‌ها و پوشش نهایی به صورت بتن لخت و نمایان درآمده است...

منبع: دانشنامه هنر معماری  
<https://b2n.ir/y10192>

۵۴. **ارجاع پردازشی:** چشم‌انداز منطقه ثامن...: به برکت وجود بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علیه السلام بافت پیرامون حرم مطهر رضوی که میراث معنوی فرهنگی و تاریخی ایران و جهان اسلام را با رویکرد ملی و جهانی در خود جای داده است نقش اساسی در هویت و وحدت شهری ایفا می‌کند و آماده‌سازی بسترهای لازم و ضروری برای نیل به اهداف اساسی از جمله دسترسی آسان برای زائرین و ایجاد فضای آرام و معنوی برای میهمانان آستان قدس امام رضا علیه السلام از ارکان افق اجرای طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی می‌باشند تا در سایه اجرای این پروژه مشهد بتواند میزبانی شایسته برای زائرین و عشاق بارگاه ملکوتی امام مهربانی‌ها باشد.

**شهرداری منطقه ثامن مشهد مقدس** به عنوان مجری این طرح عظیم ملی می‌کوشد با برنامه‌ریزی و مدیریت قدرتمند و بهره‌گیری از تجارب متخصصین متعدد در حوزه‌های فنی و اجرایی در راستای شکوفایی هرچه بیشتر و رونق اقتصادی منطقه و همچنین گسترش فرهنگی ایرانی اسلامی در این بافت گامی موثر و راهگشا بردارد. افزایش فضای عمومی مانند معابر و پیاده راه‌ها، افزایش پارکینگ‌های طبقاتی مجهز و هوشمند، توسعه امکانات رفاهی خدماتی زائرین و مجاورین، احداث زائرسراهای مقرون به صرفه، تسهیل تردد در محدوده حرم مطهر رضوی بالاخص در فضاهای تجاری، رونق روز افزون اقتصاد زیارت محور، توسعه حمل و نقل هوشمند، ارتقاء سطح آسایش و امنیت زائرین و مجاورین امام رثوف و در نهایت به طور ویژه بهبود استانداردهای زندگی در این بافت تصویری است که منطقه در آینده نزدیک خواهد داشت.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی منطقه ثامن شهرداری مشهد (منطقه گردشگری و تفریحی مشهد)  
<https://samen.mashhad.ir/fa/index.php>

۵۵. **ارجاع پردازشی:** به منظور تسهیل عبور و مرور و کاهش بار ترافیکی منطقه [ثامن] و سهولت دسترسی به حرم مطهر [علی بن موسی الرضا (علیه السلام)] علاوه بر تعریض خیابان‌های موجود منتهی به حرم از ۳۰ متر به ۵۰ متر؛ ۴ خیابان شعاعی جدید در حدفاصل خیابان‌های موجود طراحی و احداث گردیده اند، که یک خیابان حلقوی به نام **شارستان** ارتباط مجموعه هشت خیابان را برقرار می‌نماید. بهره‌برداری از این خیابانها پتانسیل‌های تازه جهت برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های جدید تجاری اقامتی مذهبی و فرهنگی ایجاد کرده است و و بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در این بخش‌ها فراهم می‌سازد.

منبع: همان.

## ۳/۳/۲. کاهش همکاری مردم در اداره شهر؛ یکی دیگر از آثار مدیریت شهر بر اساس جبر

### و قانون

یکی دیگر از مصادیق [و تاثیرات مدیریت شهر بر اساس قانون و اجبار] این است که وقتی مردم ببینند که توسط مدیریت شهری، "اجبار" اتفاق می‌افتد (ولو اینکه اسم آن را "قانون" بگذارند)، دیگر همکاری حداکثری [توسط مردم در اداره شهر] اتفاق نخواهد افتاد. بله؛ به خاطر نظام مبارک جمهوری اسلامی حرفی نمی‌زنند ولی همراهی حداکثری هم نمی‌کنند. دل آنها با برنامه‌های شهری همراه نمی‌شود.

لذا این مسئله مهم است که مدیریت شهری باید بر اساس "اقتناع" عمل کند. باید دل‌ها را با برنامه شهری همراه کند. به این معنا مطلقاً "سازمان ملل متحد" و تابعین آنها در ایران علیل هستند. اینها اصلاً مکانیزم‌های "اقتناع عمومی" را در اختیار ندارند.

من دیشب که داشتم روایات دوران امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و روایات دوران مدیریت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هم روایات مربوط به مدیریت حضرت ولّی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ در بعد از ظهور را نگاه می‌کردم؛ کلمه‌ای درباره مدیریت امام آمده است که: امام «يُقَسِّمُ بِالسَّوِيَّةِ»<sup>۵۶</sup> امام وقتی بیت‌المال را توزیع می‌کند، "بِالسَّوِيَّةِ" تقسیم می‌کند. یکی از عواملی که باعث می‌شود مردم همراه شوند، توزیع مساوی بیت‌المال (و یا به زبان امروزی: امکانات شهری) است.

شما همین شهر قم را ببینید؛ امکانات شهری موجود در منطقه نیروگاه، با منطقه بنیاد و منطقه انسجام و مناطقی که بالای شهر محسوب می‌شوند؛ چقدر تفاوت هزینه دارند؟ چقدر متفاوت هستند؟ اینها را باید بررسی کرد و راجع به آنها گفتگو کرد. خب؛ وقتی این کارها انجام می‌شود، نتیجه قطعی این می‌شود که مردم همراهی نمی‌کنند. پس اصل دوم [حاکم بر مدیریت شهری] این بود که: مدیریت غیرمتمرکز (و محله‌ای) باشد. اصل سوم هم این است که: مدیریت باید بر اساس "اقتناع" و "تفاهم" باشد. حالا بعد بحث خواهیم کرد که: شهر به [مسائلی مانند]

۵۶. ارجاع پژوهشی: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَقُّ الْإِمَامِ عَلَى النَّاسِ قَالَ حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَيَطِيعُوا قَوْلَهُ فَمَا حَقُّهُمْ عَلَيْهِمْ قَالَ يُقَسِّمُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي الرِّعَايَةِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي النَّاسِ فَلَا يُبَالِي مَنْ أَخَذَ هَاهُنَا وَ هَاهُنَا.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِثْلُهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ هَكَذَا وَ هَكَذَا وَ هَكَذَا يَعْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ خَلْفِهِ وَ عَنْ تَمِيمِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ.

ابو حمزه گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: حق امام بر مردم چیست؟ فرمود: حق او بر آنها اینست که: سخنش را بشنوند و فرمانش برند. عرض کردم: حق مردم بر امام چیست؟ فرمود: اینکه (بیت‌المال را) میان آنها برابر تقسیم کند و با رعیت به عدالت رفتار کند، و چون این دو اصل در میان مردم عملی گشت. امام باک ندارد از آنکه کسی این سو و آن سوزند. (چنان که امیرالمومنین علیه السلام این دو اصل را در میان رعیتش جاری نمود و از سرکشی مانند طلحه و زبیر پروا نکرد، زیرا خدا آنها را کیفر بخشید و بعضی گفته‌اند: معنی جمله اخیر روایت این است امامی که به وظیفه خود عمل کند، و آن دو اصل را جاری سازد، احتیاجی به موافقت مردم ندارد، هر کس به هر راه خواهد برود، امام در برابر خدا مسئولیت دیگری ندارد.)

الکافی، ج ۱، ص ۴۰۵

بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۴۴ / الوافی، ج ۳، ص ۶۵۱

"ساختار علم و آموزش" و "ساختار بیان و تبلیغات شهری" و... نیز احتیاج دارد؛ ولی این مسائل از اصول عامی [که بیان شد] متولد می‌شوند.

بنابراین در طراحی شهر اسلامی سه اصل عام وجود دارد: (۱) طراحی صحیح کالبد شهری، (۲) مدیریت غیرمتمرکز، (۳) مدیریت مبتنی بر اقناع. ما اینطور می‌فهمیم که شهر را باید با این اصول عام اداره کرد.

<sup>۵۷</sup> در مجموع از "مدیریت شهری" که بگذریم، "سازمان برنامه و بودجه" هم همین‌طور است [یعنی: اصلاً به اصل "اقناع" توجهی ندارد]. "آبالشورور (ریشه همه بدی‌ها و معضلات)" در برنامه‌ریزی کشور، سازمان برنامه و بودجه است! که حتی نماینده‌های مجلس هم [از تصمیمات و استدلال‌های آنها] اقناع نمی‌شوند! مثلاً می‌گویند: مطابق فلان جدول این کار توصیه می‌شود. اصلاً اقناعی در بسیاری از مصوبات سازمان برنامه و بودجه وجود ندارد! اینها اشکالات ماست.

### ۴/۳. اصطلاحاتی مانند: محله، امام محله، مسجد، هیئت امنای مسجد،

### کالبد شهری متوازن؛ نمونه‌هایی از مفاهیم و اصطلاحات متولدشده و مرتبط

#### با اصول عام طراحی شهر اسلامی

پس اینها اصول عام شهری است؛ که البته این اصول عام یک مفاهیم مرتبطی هم پیدا می‌کنند. واژه‌هایی مانند "امام محله"، "هیئت امنای مسجد"، خود واژه "مسجد"، خود مفهوم "محله"، یا اصطلاح "کالبد شهری متوازن"؛ اینها همه مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با این مسئله است که ذیل این اصول متولد می‌شوند.

وقتی ما می‌گوییم که مثلاً "شهر اسلامی"، "شهر محله‌محور" است؛ یعنی: در "محله"، "کالبد متوازن" وجود دارد. در "محله"، "امامت محله" با کسی است که قدرت "اقناع" دارد. در "محله"، علاوه بر این اموری که عرض کردم، "مدیریت متمرکز" وجود ندارد؛ بلکه مدیریت مشورتی است، [یعنی: با هم] گفتگو می‌کنند و سوالات مردم را پاسخ می‌دهند. حالا شاید از بین این مجموع مفاهیمی که عرض کردم، مفهوم "محله"، مفهوم فرعی مرتبط است که باید به آن توجه کرد و از شما خواهش می‌کنم که در بحث‌ها به آن توجه داشته باشید.

این هم پس سرفصل دوم شد که شامل اصول عام [برای اداره شهر] بود. که بیشتر هم می‌توان در این مورد بحث کرد؛ که الان اگر بنده وقت داشتم، هم روایاتی که می‌گویند: «مسجد باید جامعه را اداره کند» را می‌خواندم، و هم

۵۷. اینجا سوالی پیش می‌آید که: حالا اختیارات شورای شهر و شهردار چه می‌شود؟

### برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم

از آن طرف دیگر، عبارات اسناد بین‌المللی را می‌آوردم که چه اصولی را برای اداره شهر قرار داده‌اند. به این مسائل باید توجه شود.

## ۴. سرفصل سوم: ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری (مبتنی بر اصول عام طراحی شهر اسلامی) چگونه است؟

سوال و سرفصل سوم این است که: مبتنی بر این اصول عام، ساختار برنامه‌ریزی شهری چگونه خواهد بود؟ اصول [عام] ساخت شهر اسلامی را [در سرفصل قبلی] بحث کردیم؛ حالا [در این سرفصل بحث خواهیم کرد که] ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری [مبتنی بر این اصول عام] چگونه است؟ [به این مباحث خیلی دقت کنید؛ چرا که] شاید شما هم شهردار شدید، اینها به درد شما هم خواهد خورد. [اگر به اینها توجه کنید] به لحاظ کارشناسی وابسته به "نوشهرگرایی"، "هیتات" و "سند توسعه پایدار ۲۰۳۰" نخواهید شد. به نظر بنده این حرف‌ها رو به جلو [و پیشرفته] است، و می‌تواند اجرایی شود. کارهایی بزرگی از این حرف‌ها در عرصه عمل برمی‌آید. حالا ما یک ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری احتیاج داریم.

### ۴/۱. ایجاد توازن در توزیع کالبد شهری بر مبنای تنظیم صحیح روابط انسانی؛ محور اصلی در ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری

اولین بحث این است که: ما توازن در توزیع کالبد را این می‌دانیم که نه نوع کالبد داشته باشیم. وقتی کالبد، سرزمین و مساحت شهر توزیع می‌شود، باید این نه بخش در آن دیده شود. چون این نه بخش قطعاً بر "تنظیم صحیح روابط انسانی" مؤثر هستند. بدون این نه بخش شما نمی‌توانید "تنظیم صحیح روابط انسانی" را در اختیار داشته باشید.<sup>۵۸</sup> این نه امر بر تنظیم صحیح روابط انسانی مؤثر هستند؛ پس شهر باید نه کالبد خدماتی برای این نه موضوع داشته باشد که آنها را ذکرخواهم کرد. (اینجا شاید مهمترین بحث بنده باشد.)

#### ۴/۱/۱. ساختار امامت و مدیریت؛ اولین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای تنظیم روابط انسانی

اولین کالبد، "کالبد امامت و مدیریت" است. کالبد امامت و مدیریت در یک شهر کجاست؟ آیا شما "تالار شهر" را به عنوان ساختار مدیریتی شهر انتخاب می‌کنید یا "مسجد جامع شهر" را؟ و یا در خود محله، آیا "فرهنگسرا" و "سرای محله" را اصل قرار می‌دهید یا "مسجد" را؟ باید در این مورد یک بحث تخصصی صورت بگیرد. بالاخره

۵۸. اگر احیاناً برخی از دوستانی، این مسئله تنظیم صحیح روابط انسانی در ذهن آنها نیست، [بدانند که ما این مسئله را به عنوان] اصل موضوعه در جلسه فعلی قرار داده‌ایم. وگرنه در جاهای دیگر توضیح داده‌ایم که نظام فوائد تنظیم صحیح روابط انسانی چیست؟ حوزه‌های فعالیت آن چیست؟ عرض کردیم که ۱۳ حوزه اصلی دارد، که من آنها را در اینجا به عنوان اصل موضوعه در بحث‌ها استفاده می‌کنم.

کسی که شهر را اداره می‌کند، مدیریت را از طریق یک ساختار و کالبدهایی اعمال می‌کند. در مدل‌های غربی مفهومی به نام "تالار شهر" وجود دارد. مثلاً شهرداری مشهد انتخاب کرده است و می‌گوید: تالار شهر مشهد. یعنی در ذیل این کلمه به ما چه می‌گوید؟ می‌گوید: ما مردم را در این تالار جمع می‌کنیم و جلسات مهم شهر را در آنجا برگزار می‌کنیم و شهر را از طریق این تالار اداره می‌کنیم.

ما در اسلام چه می‌گوییم؟ می‌گوییم: مسجد جامع [ساختار اصلی امامت و مدیریت شهر است]؛ هفته‌ای یکبار در روز جمعه مردم را جمع می‌کند و شهر را مدیریت می‌کند. ذیل عبارات «نماز جمعه» [در روایات] دیده‌اید که خطیب جمعه وظیفه‌اش این است که مصالح مردم را با آنها در میان بگذارد. مردم [در شهر و محله] زندگی می‌کنند، و ده‌ها مشکل در زندگی‌شان وجود دارد، و [خطیب جمعه] باید این مسائل را مطرح کند.

الان در نقشه جامع فعلی شهر قم، "مساجد جامع" در بخش "میراث فرهنگی شهر" قرار گرفته‌اند. شما همین امشب ساختار خدمات شهری و نقشه جامع شهر قم را نگاه کنید. یکی از ویژگی‌هایی که نقشه شهرداری‌ها دارد این است که: با علامت‌های مشخص، کاربری‌های شهری را مشخص می‌کند. مثلاً شما اراضی مرتبط با پارک و فضای سبز و تفریح را مشاهده می‌کنید، ولی اراضی مرتبط با مدیریت و امامت شهر یا وجود ندارد و بر آنها تاکید نشده است، و یا اینکه با نیت مدیریت و کاربری معلوم نشده است. [در حالی که] مثلاً در کنار ساختمان هر مسجدی، باید مشخص شده باشد که آنجا "ساختار مدیریت محله" است.

مطلبی را به تبع این بحث ذکر کنم: وقتی ما داشتیم حوالی "مدرسه مروی تهران" را در سال ۱۳۹۵ بررسی می‌کردیم، دیدیم که مثلاً در آنجا بیش از ۱۰۰ مسجد وجود دارد. در یک منطقه شهری دیگر هم شاید مثلاً فقط ۲۰ مسجد وجود دارد. وقتی شما مسجد را به‌عنوان "ساختار مدیریت" به رسمیت نمی‌شناسید، یک جا تجمع مسجد زیاد می‌شود، یک جا تجمع مساجد کم می‌شود. اما اگر آمدید "ساختار مدیریت" را بازتعریف کردید و گفتید که "ساختار مدیریت و امامت شهر"، "مسجد" است؛ آن وقت اگر دیدید که [در فلان منطقه یا محله] ساختار مدیریت وجود ندارد، [تعداد مساجد را براساس این مبنا کم یا زیاد می‌کنید. اما اگر این ساختار وجود نداشته باشد] پس مجبور می‌شوید که از طریق "رسانه‌ها" یا از طریق "تبلیغات شهری" با مردم حرف بزنید که اینها حرف‌زدن‌های ناقصی است که باید به آنها پرداخته شود. حالا سوال من این است که: نقشه جامع شهر قم در آینده باید از حیث کاربری‌های مرتبط با مدیریت و امامت بازتعریف شود. این یک نکته شد.

قبل از اینکه ساختارهای دیگر را بحث کنم یک نکته دیگر را بیان کنم: در قدیم، بعضی از مساجد ما "ساختار آموزش و علم" بودند. بنده در ماه شعبان که بازار قم را بررسی می‌کردم، به نظرم ده مسجد (غیر از مسجد جامع) در آن وجود داشت. آن ده مسجد، همان مساجدی هستند که مردم نمازهای روزانه را در آنها می‌خواندند و علما نیز برای اهل بازار، مکاسب می‌گفتند. پس این نوع کاربری‌ها هم [در مساجد قدیم] بوده است. ولی به‌هرحال آنچه

مهم است این است که: الان ساختار مدیریت و امامت در نقشه جامع شهر قم، یا معلوم نیست و یا با نهادهای جعلی نشان داده شده است. در شهر مشهد هم همین طور است. پس این اولین اصلاح [در کالبد شهری] است.

## ۴/۱/۲. ساختار تزکیه و پاکسازی؛ دومین ساختار برنامه ریزی و طراحی شهری بر مبنای

### تنظیم روابط انسانی

دومین اقدام در اصلاح [کالبد شهری، اصلاح] "ساختار تزکیه و پاکسازی" است. وقتی امام (امام محله یا امام روستا) یعنی آن کسی که می خواهد شهر را مدیریت و اداره کند، باید "قلب" و "بدن" مردم آماده باشد. حرف ما در بحث های فقهی این است که: هم "قلب" باید تزکیه شود، هم "بدن" از سموم تزکیه (پاکسازی) شود. بنابراین شهر نیاز دارد به ساختارهایی که هم "قلب" مردم را تزکیه کند و هم "بدن" مردم را از سموم تزکیه (پاکسازی) کند. فرض کنید که مردمان یک شهر، قلب ناآرامی دارند، بدنی پر از "سموم سودایی و صفراوی" دارند، "هیجان و تبیغ دم"<sup>۵۹</sup> و "غلبه بلغم" دارند؛<sup>۶۰</sup> اینها (ضمن اینکه به سلامت خودشان هم لطمه وارد می شود) در اداره شهر هم نمی توانند کمک [و همکاری] داشته باشند. بنابراین چون در اسلام بر روی بحث «رذائل» (به عنوان سموم قلب)<sup>۶۱</sup> و همچنین بر روی «اختلال در طبایع اربعه» (به عنوان سموم بدن)<sup>۶۲</sup> تاکید شده است؛ لذا شهر هم باید "ساختار تزکیه و پاکسازی" داشته باشد.

۵۹. ارجاع پرورشی / پژوهشی: تبیغ به الدم: هاج به، و ذلك حين تظهر حمرته في البدن، ... و تبیغ به الدم غلبه.

بر آن شخص تبیغ دم (خون) پیش آمد: یعنی: دم (خون) هیجان پیدا کرد. و این حالت وقتی است که سُرخِ دم (خون) در بدن شخص نمایان شود، ... تبیغ دم (خون): غلبه دم (خون).

لسان العرب، ج ۸، ص ۴۲۲

۶۰. ارجاع پژوهشی: جهت تعریف طبایع اربعه (سودا، صفرا، دم و بلغم) به اختصار، می توان به این عبارت از رساله ذهبیه اشاره کرد: فَكَتَبَ الرَّضَاعُ إِلَيْهِ كِتَابًا نَسَخْتَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اغْتَضَمْتُ بِاللَّهِ أَمَّا بَعْدُ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَ هِيَ الْمَوْتَانِ وَ الدَّمُ وَ الْبَلْغَمُ وَ بِالْجُمْلَةِ حَارَّانَ وَ بَارِدَانِ قَدْ حُولِفَ بَيْنَهُمَا فَجَعَلَ الْحَارَّانِ لَيْتًا وَ يَابِسًا وَ كَذَلِكَ الْبَارِدَيْنِ رَطْبًا وَ يَابِسًا...»  
امام رضا (علیه السلام) در رساله ذهبیه: «بسم الله الرحمن الرحيم ... خداوند متعال بدن ها را بر چهار طبع بنا کرده است: دو تلخه (صفراء و سوداء)، دم (خون) و بلغم. و خلاصه [مطلب این است که: این چهار طبع تشکیل شده اند از] دو گرم و دو سرد که میان هر دو تاشان تفاوتی قرار داده است؛ [به این بیان که] آن دو گرم را یا نرم و مرطوب قرار داده [که طبع "دم" است] و یا خشک [که طبع "صفرا" است]. و همینطور آن دو سرد را یا نرم و مرطوب قرار داده [که طبع "بلغم" باشد] و یا خشک [که طبع "سودا" است]...»

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۸

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۶ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۲۲۳

۶۱. ارجاع پژوهشی: به عنوان نمونه یکی از رذائل اخلاقی «دل بستگی به دنیا» است که باعث مسمومیت و بیماری قلب می گردد:

عن امیرالمؤمنین علیه السلام: یا ایها الناس! متاع الدنيا حطام... من استشعر شغفها ملأت قلبه أشجاناً، لهنَّ رقص على سويداء قلبه كرقص الزبدة على أعراض المدرجة، هم يحزنه و هم يشغله، كذلك حتى يؤخذ بكظمه...

در دوره‌های گذشته، وقتی "دوش" و این "حمام‌های جدید" آمد، بعضی از علماء که "مفهوم پاکسازی بدن" را متوجه می‌شدند، مخالفت‌هایی انجام دادند. بنده در دوره‌های اخیر می‌بینم که برخی‌ها علت مخالفت علماء با حمام‌های جدید را متوجه نیستند؛ چون نمی‌دانند "حمام‌های چهار مزاجی" قدیم، محلی برای شستن [فقط] "سر" نبوده است، بلکه محلی برای "تعدیل طبایع اربعه" بوده است.<sup>۶۳</sup> من اخیراً که "حمام چهار مزاجی علی‌قلی آقای

امیرالمومنین علیه السلام: ای مردم! کالای دنیا هیزمی بیش نیست .... کسی که لباس شیفتگی به آن را بپوشد، قلبش پر از غم‌هایی شود که در میانه دلش برقصند همچون رقصیدن کف و خاشاک، هنگام گذر از سر پیچ و خم درّه‌ها، خواهشی [دنیوی] اندوهگینش می‌کند و خواهشی دیگر سرگرمش می‌سازد و چنین است تا سرانجام، راه نَفَسش می‌گیرد [و می‌میرد].

تحف العقول، ص ۲۲۱ / نهج البلاغه (للصحیحی صالح)، ص ۵۳۹

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَسَدِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَامِرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهَا ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَ الْبَدَنَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اشتیاق به دنیا، غصه و اندوه را فراوان می‌کند و بی‌رغبتی به دنیا، قلب و بدن را آسوده می‌سازد.

الخصال، ج ۱، ص ۷۳

قال امیرالمومنین علیه السلام: الرَّغْبَةُ بِالْآخِرَةِ عِنْدَ اللَّهِ تَوَرِّثُ الرِّوْحَ وَ الرَّاحَةَ، وَ الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَوَرِّثُ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ.

امیرالمومنین علیه السلام: اشتیاق به آخرت، در نزد خداوند، خوشی و آسودگی را به دنبال می‌آورد و اشتیاق به دنیا، گرفتاری و اندوه به بار می‌نشانند.

[إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۹]

۶۲. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: عِرْفَانُ الْمَرْءِ نَفْسُهُ أَنْ يَعْرِفَهَا بِأَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَ أَرْبَعِ دَعَائِمٍ وَ أَرْبَعِ أَرْكَانٍ. وَ طَبَائِعُهُ: الدَّمُ وَ الْمِرَّةُ وَ الرِّيحُ وَ الْبَلْغَمُ...

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: شناختن انسان نفسش را به این است که: الف: بداند نفسش چهار طبیعت دارد. ب: بداند که نفسش چهار ستون داشته. ج: بداند که نفسش دارای چهار پایه می‌باشد. چهار طبیعت (طبایع اربعه) عبارتند از: خون، صفراء، باد (سوداء) و بلغم... (ترجمه ذهنی تهرانی)

علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۹ / تحف العقول، ص ۳۵۴ (با اندکی تفاوت)

بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۲ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۲۴۳ / طب الأئمة عليهم السلام (للسبیر)، ص ۴۷

مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرِ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى الْبَيْتَاغِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُتَذَرُّ بْنُ هَامَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ سَعْدِ الْمَوْلَى قَالَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَامَّةَ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ مِنَ الْمِرَّةِ الْعَالِيَةِ أَوْ دَمٍ مُخْتَرِقٍ أَوْ بَلْغَمٍ غَالِبٍ؛ فَلْيَسْتَعِزَّ الرَّجُلُ بِمُرَاعَاةِ نَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الطَّبَائِعِ فَيَهْلِكَ.

امام صادق (علیه السلام): همه این ارواح از مره غالبه (یعنی صفراء و سوداء) و یا از خون یا بلغم است؛ پس انسان باید سلامت خود را رعایت و مراعات کند پیش از آنکه یکی از این طبع‌ها غالب شود و موجب هلاکتش گردد.

طب الأئمة (ابن‌اسطام)، ج ۱، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۴

۶۳. **ارجاع پژوهشی:** عن ابی الحسن الرضا (علیه السلام): وَ مَنْفَعَةُ الْحَمَّامِ: تُوَدِّي إِلَى الْإِعْتِدَالِ وَ يُنْقِي الدَّرَنَ يَلِيْنُ الْعَصَبَ وَ الْعُرْوَةَ وَ يَقْوِي الْأَعْضَاءَ الْكِبَارَ وَ يُدَبِّبُ الْفُضُولَ وَ الْعُقُونَاتِ.



اصفهان<sup>۶۴</sup> را رفته و بررسی کردم، تخمیناً حدود ۱۱۰ خدمت در این حمام ارائه می شده است! الان تصور مردم ما "حمام" این است که [در حمام فقط] باید شامپویی به سر بزیند و بیرون بیاید. دیدم برخی از مستشرقین هم این موضوع را فهمیده اند؛ چون گزارش داده اند که فلسفه حمام های ایران فقط شستن بدن نیست. و من تعجب می کنم که چرا بعضی از طلاب حوزه علمیه این موضوع را متوجه نمی شوند؟! یک حکمتی که بر "حمام های دوره قاجاریه" و "حمام های دوره صفویه" حاکم بوده، همین بوده است که این حمام ها "اختلال های مزاجی" را از بین می برده اند. مثلاً شما در حمام [های قدیم]، خدمت "حجامت" و "فصد" داشته اید. این خدمات ها چه کاری انجام می داده اند؟ کمک می کردند به اینکه "غلبه یا اختلال در دم" مدیریت شود.<sup>۶۵</sup>

امام رضا (علیه السلام): حمام منافع زیاد و قابل توجهی دارد: مزاج آدمی را به اعتدال می کشاند، چرک و پلیدی را بر طرف می کند، رگ های تن را از کوچک و بزرگ همه را نرم و ملایم می سازد، اعضاء را تقویت می کند، فضولات (و سموم) بدن را زایل می نماید؛ مواد زایده را ذوب و نابود می گرداند، عفونات را از میان می برد.

طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲ (و فيه: يُذْهِبُ الْعَقْنَ بَدَلُ الْعُقُونَاتِ) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷۵ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۰۴

۶۴. **ارجاع پردازشی:** «حمام علیقلی آقا» در محله بیدآباد اصفهان در شمال زاینده رود است. این حمام بخشی از مجموعه ای شامل مسجد، حمام، بازارچه، چهارسوق و کاروانسرا بوده که «علیقلی آقا» از خواجگان حرم شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی برای امور عام المنفعه آن را ساخت. معماری حمام علیقلی آقا این حمام از نوع معماری سبک اصفهان در اواخر عصر صفوی است. بنای حمام شامل دو حمام بزرگ و کوچک و فضای چال حوض است. هر یک از این دو حمام از دو بخش اصلی سریننه و گرم خانه تشکیل یافته است.

منبع: سایت راسخون  
<https://b2n.ir/n01459>

۶۵. **ارجاع پژوهشی:** وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا هَاجَ بِكُمْ الدَّمُ فَإِنَّ الدَّمَ زَيْمٌ تَبَيَّعَ بِصَاحِبِهِ فَيُقْتَلُ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خون در دروتتان به جوش می آید، حجامت کنید؛ چرا که خون، گاه ممکن است در درون شخص، طغیان کند و وی را بکشد.

طب الأئمة علیهم السلام (ابن اسطام)، ص ۵۷  
بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۲۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۶۳

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اخْتَجَمَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ أَوْ يَوْمَ السَّبْتِ فَصَابَهُ وَصَحَّ فَلَا يَلُمُّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ الْحِجَامَةُ فِي الرَّأْسِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ الدَّاءُ [الدَّوَاءُ] فِي أَرْبَعَةِ الْحِجَامَةِ وَ الْحُقْنَةِ وَ الثُّورَةِ وَ الْقَيْءِ. فَإِذَا تَبَيَّعَ الدَّمُ فِي أَحَدِكُمْ فَلْيُخْتَجِمِ فِي أَيِّ الْأَيَّامِ كَانَ وَ لِيُقْرَأَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ لِيَسْتَغْفِرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَالَ لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ فَإِذَا تَبَيَّعَ الدَّمُ بِأَحَدِكُمْ فَلْيَهْرِثْهُ وَ لَوْ بِمَشْقَصٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... پس هرگاه تبیغ دم (هیجان و غلبه خون) پیدا کردید، پس در هر روزی که بود حجامت کنید و آیه الکرسی را قرائت کنید و استغفار کنید و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) صلوات بفرستید ...

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵  
بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۳۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۶

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ فَتُعَادِيكُمْ إِذَا تَبَغَّى [تَبَيَّعَ] الدَّمُ بِأَحَدِكُمْ فَلْيُخْتَجِمِ فِي أَيِّ الْأَيَّامِ كَانَ وَ لِيُقْرَأَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ لِيَسْتَغْفِرِ اللَّهُ تَعَالَى ثَلَاثًا وَ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

ما هشت نوع "اختلال در دم" داریم؛ که متأسفانه طب موجود همه را تحت عنوان "فشار خون" نامگذاری می‌کند و این نامگذاری ناقص و اجمالی باعث شده که درک درستی از "خون(دم)" در ذهن مردم ما شکل نگیرد. در حمام‌های سابق این اختلال‌ها مدیریت می‌شده است. مثلاً در روایت داریم که: «یکی از عواملی که بلغم را کاهش می‌دهد، رفتن به حمام (حمام‌های چهار مزاجی) است.»<sup>۶۶</sup> شما وقتی "حمام" می‌روید و خارج می‌شوید، "غلبه بلغم" برطرف می‌شود. البته مهمترین اقدام برای مبارزه با "غلبه بلغم"، مصرف "سیب" است.<sup>۶۷</sup> ولی به‌هر حال "حمام" هم ابزاری برای مقابله با "بلغم" است، "پیاده‌روی" هم ابزاری برای مقابله با "غلبه بلغم" است.<sup>۶۸</sup> این را

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... هرگاه تبیع دم (هیجان و غلبه خون) پیدا کردید، پس در هر روزی که بود حجامت کنید و آیه الکرسی را قرائت کنید و از خداوند سه مرتبه طلب خیر کنید و بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) صلوات بفرستید.

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۶۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۷۷

۶۶. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الدَّاءُ ثَلَاثَةٌ وَ الدَّوَاءُ ثَلَاثَةٌ: فَأَمَّا الدَّاءُ: فَالدَّمُ وَ الْمِرَّةُ وَ الْبَلْغَمُ؛ فَدَوَاءُ الدَّمِ الْحِجَامَةُ، وَ دَوَاءُ الْبَلْغَمِ الْحَمَامُ، وَ دَوَاءُ الْمِرَّةِ الْمَشْيُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): درد، سه چیز است و درمان نیز سه چیز. اما درد، عبارت است از: خون، تلخه (صفراء و سوداء) و بلغم. درمان خون، حجامت است، درمان بلغم، حمام است، و داروی تلخه نیز خوردن مُسهل است.

من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۶ / مکارم الأخلاق، ص ۵۴

الوافی، ج ۶، ص ۶۰۹ و ج ۲۶، ص ۵۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۰ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۷ / بحار

الأنوار، ج ۷۳، ص ۷۸ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۹۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۵ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۳۱

۶۷. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع يَقُولُ: التُّفَّاحُ يَنْفَعُ مِنْ خِصَالِ عَدَّةٍ مِنَ السَّمِّ وَ السَّحْرِ وَ اللَّيْمِ يَعْزُضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْبَلْغَمِ الْعَالِي. وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَفَعَةً.

امام کاظم (علیه السلام): سیب برای چند چیز، سودمند است، برای: زهر، سحر، دیوانگی‌ای که از سوی ساکنان زمین (جنیان) به کسی می‌رسد، و بلغمی که غلبه پیدا کرده است. هیچ چیزی زودتر از آن، اثر نمی‌بخشد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۳ (و فيه "شفاء من خصال" بدل "ينفع من خصال عدّة")

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۰ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۱۵۸ و ۱۶۱

عَنْ الرَّضَاعِ قَالَ: التُّفَّاحُ نَافِعٌ مِنْ خِصَالِ مِنَ السَّحْرِ وَ السَّمِّ وَ اللَّيْمِ وَ مِمَّا يُعْرَضُ مِنَ الْأَمْرَاضِ وَ الْبَلْغَمِ الْعَارِضِ وَ لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ أَسْرَعَ مِنْفَعَةً مِنْهُ.

امام رضا (علیه السلام): سیب برای چند چیز سود بخش است: سحر، سم، جنون، آنچه از بیماری‌ها بر انسان عارض می‌شود، و بلغم. و هیچ چیز از آن زودتر نفع نبخشد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳

طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۳۵۸

و زُي: التُّفَّاحُ يَنْفَعُ مِنَ السَّمِّ وَ السَّحْرِ وَ سَوِيْقُهُ يَنْفَعُ مِنَ السَّمِّ وَ اللَّيْمِ وَ الْبَلْغَمِ.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۴

۶۸. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صُهَيْبُ بْنُ عَبَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: التُّشْوَةُ (التُّشْرَةُ) فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ: فِي الْمَشْيِ وَ الرُّكُوبِ وَ الْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ الْجَمَاعِ وَ السَّوَاكِ وَ غَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ وَ النَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرِّجَالِ.

می‌خواهم عرض کنم که: آن کسی (مدیری) که می‌فهمد سمومی به اسم "عدم تعادل طبایع اربعه" در بدن انسان‌ها وجود دارد، و یا قبول دارد که "رذائل" باعث واگرایی و گسستگی در شهر می‌شود؛ آن شخص (چون نگاهش به انسان اینگونه است)، برای شهر "ساختار تزکیه" طراحی خواهد کرد. که حالا در قسمت برنامه‌ها عرض خواهم کرد که: برای اداره شهر باید سه نوع ساختار تزکیه و پاکسازی متصور شد. وقتی شما در خدمات شهری‌تان، خدمات پاکسازی ارائه می‌دهید؛ این بدان معناست که شما مردم را برای زیست بهتر در همکاری‌های شهری آماده‌تر خواهید کرد. من بعضی اوقات که در جلسات شرکت می‌کنم، می‌بینم که مدیر محترم شهری‌ای که در جلسه حضور دارد، خودش "غلبه صفر" دارد! و آن کسی که غلبه صفر دارد، نمی‌شود با او تفاهم کرد. باید ابتدا او را به یک "حمام چهارمزاجی" بفرستید، غلبه صفرای او متعادل شود، تا بتوان با او صحبت کرد. باید بر روی این مباحث گفتگو کرد.

پس ساختار تزکیه و پاکسازی دومین ساختار مهم شهر است. ببینید چقدر این نگاه‌ها با "نوشهرگرایی" متفاوت است! شما یک درک و مبانی دیگری دارید که از آنها استفاده می‌کنید و وارد بحث می‌شوید.

### ۴/۱/۳. ساختار علم و آموزش؛ سومین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر مبنای

#### تنظیم روابط انسانی

#### ۴/۱/۳/۱. آموزش بهره‌برداری از ساختمان و دار و اسعه، و آموزش‌های مرتبط با کاهش پسماند؛

#### نمونه‌هایی از آموزش‌های مرتبط با اداره شهر

ساختار سوم، "ساختار علم و آموزش" است. همان‌طور که عرض کردم، در کاربری‌های شهر باید کاربری‌های علمی و آموزشی مشخص باشد. الان ممکن است کسی اشکال کند و بگوید که: الان در کاربری‌های شهری مناطق [کاربری‌های علمی و آموزشی مشخص است؛ مثلاً] نوشته اینجا "مدرسه" است و...؛ پس شما درباره چه مسئله‌ای بحث می‌کنید؟

امام صادق (علیه السلام): شادابی، درده چیز است: پیاده‌روی، سوارکاری، فرو رفتن در آب، نگاه کردن به سبزه، خوردن و آشامیدن، هم‌بستری، مسواک کردن، شستن سر با [گُل] حَطْمی، نگاه [حلال] به زن زیبا و گفتگو با مردان [بزرگ].

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۴

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى الْبِقَطِينِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: التَّشْوُؤُ (التَّشْرُؤُ) فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيُ وَالرُّكُوبُ وَالِازْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَالتَّنَظُّرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلُ وَالشُّرْبُ وَالتَّنَظُّرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْجِمَاعُ وَالسَّوَاكُ وَ مُحَادَثَةُ الرِّجَالِ.

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۱

بینید؛ دو اشکال به توزیع این کاربری‌های آموزشی شهری وارد است:

اشکال اول این است که: این کاربری‌ها برای آموزش "طبقه‌بندی بیکنی از علوم" اختصاص داده شده است؛ نه برای آموزش "طبقه‌بندی فقهی از علم" و "علوم مرتبط با تنظیم روابط انسانی". این یک اشکال است. البته باز ممکن است مدیران شهری بگویند که: «این موضوع به ما ارتباط ندارد و باید از حوزه آموزش و پرورش اصلاح شود.» [ما در پاسخ می‌گوییم: ما هم حرفی نداریم و اینجا تصادفاً حق با مدیران شهری است و باید یک گفتگویی هم با نظام آموزش و پرورش راه‌اندازی کرد که آنها هم آموزش‌های متناسب با "تنظیم روابط انسانی" را جدی‌تر از آموزش‌های متناسب با "تصرف در طبیعت" در نظر بگیرند.

اما اشکال دوم قطعاً وارد است [و آن اشکال عبارتست از این که: ما دو نوع آموزش داریم: (۱) "آموزش‌های پایه" که شما گفتید به ما ارتباطی ندارد و به مدارس ارتباط دارد. (۲) "آموزش‌های مرتبط با حوزه شهر" که قطعاً در اختیار مدیران شهری است.

مثلاً از جمله مسائلی که باید [در حوزه شهر] آموزش داده شود، "آموزش بهره‌برداری از ساختمان" است. شما می‌دانید اگر ما به دوران پربرکت ساخت "دارواسعه" وارد شویم که الان اعلام مثبتی از این اقبال هم در حال مشاهده‌شدن است، یکی از کارهایی که باید انجام بدهیم این است که "دفترچه‌های راهنمای بهره‌برداری از دارواسعه" را منتشر کنیم و آموزش دهیم.

یا مثلاً یکی از آموزش‌ها، "آموزش‌های مرتبط با کاهش پسماند" است که حالا ما نشست تخصصی مدیریت پسماند با زاویه دید الگوی پیشرفت را در آینده برگزار خواهیم کرد. هشت اقدام وجود دارد که باید به مردم آموزش داده شود و مردم می‌توانند از این هشت محور استفاده کنند و خودشان به سمت کاهش پسماند حرکت کنند.

شهرداری باید در همه حوزه‌های شهری، "آموزش" دهد. اما الان چه کار می‌کنند؟ الان [فقط] "قانون" مصوب می‌کنند و اطلاع‌رسانی می‌کنند؛ یعنی بنای آنها بر "اقناع" مردم نیست. الان اینطور شده که مثلاً می‌گوید: فلان طرح در فلان منطقه مسکونی واقع شده است و مردم بیایند اموال خودشان را به شهرداری بفروشند. یعنی بنای بر تفاهم ندارند.<sup>۶۹</sup> [ظاهراً] اصلاً برای شهرداری مهم نیست که بعضی از این خانه‌هایی که در حال خریداری آن هستند، شناسنامه یک فامیل است، چند نسل در آن زندگی کرده‌اند، خاطراتی دارند، هویت چهل یا پنجاه نفر است! می‌دانید آدم‌ها با هویت‌شان زنده هستند. با خاطرات‌شان الهام می‌گیرند و زندگی خودشان را مدیریت می‌کنند. [ولی شهرداری به این مسائل بسیار مهم هیچ توجهی ندارد].

۶۹. در آن سریال پایتخت هم دیدید که خانواده تقی معمولی خانه‌ای را خریده بودند، بعد به آنان ابلاغ کردند که در طرح شهرداری است [و باید خراب شود]. حالا واقعاً این بلا سر همه خانواده‌ها می‌آید...

به هر حال شهرداری برای اینکه از این مدیریت غیر مبتنی بر "اختیار" و ناقض اختیار فاصله بگیرد، باید "کاربری‌های آموزش مرتبط با شهر" را راه‌اندازی کند.<sup>۷۰</sup> شهر بدون "علم و آموزش"، شهر "جبر" و نقض "اختیار" انسان‌هاست و شما وقتی دائماً نقض اختیار انسان‌ها را در دستور کار قرار می‌دهید، همکاری‌های شهری کاهش پیدا می‌کند و گسست در روابط انسانی ایجاد می‌شود.

## ۴/۱/۴. ساختار بیان و تبلیغات شهری؛ چهارمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر

### مبنای تنظیم روابط انسانی

ملحق به ساختار علم و آموزش، "ساختار بیان و تبلیغات شهری" را هم در مدیریت شهری باید داشته باشیم. [مراد ما از] بیان و تبلیغات شهری، همان "اطلاع‌رسانی" است. که اگر بخواهم ذهن شما را به بحث نزدیک کنم، در دوران حاضر می‌شود همین بیلبوردها [را مثال زد] که [البته] اینها کاملاً "تبلیغات سرمایه‌داری" هستند! و همچنین تبلیغات ضدسلامت فراوانی در آنها وجود دارد.

مثلاً در شهر تهران که در همان دوران برنامه ششم برای جلسه‌ای آمده بودم دیدم در یکی از این تبلیغات شهری و با یک تبلیغ قوی نوشته است که: «صبح ماست مصرف کنید»؛ خب؛ کسی که این تبلیغ را انجام داده، متوجه نیست که ماست در وسط روز برای آدم صفرایی هم ضرر دارد. یعنی اول صبح که از حالت استراحت مغز و قلب خارج می‌شوید، باید غذای گرم توصیه کرد! ولی تبلیغات شهری پُر است از این تبلیغات ضدسلامت!

مثلاً در همین شهر قم بازار جدید موبایل را ساخته‌اند. مگر نظام سرمایه‌داری چیزی غیر از این است؟! به علت اینکه یک پاساژ بزرگ برای موبایل و تجهیزات مرتبط ساخته‌اند؛ همه مردم انتخاب اول‌شان آن مکان می‌شود. یعنی کسب‌وکارهای خرد مرتبط با موبایل همه در حاشیه می‌روند.

[پس] تبلیغات شهری [در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های شهری کنونی]، ضد روابط انسانی است. حالا شما باید به دنبال تبلیغات شهری مرتبط با روابط انسانی بگردید. پس باید ساختار آن و چگونگی ایجاد آن را بحث کنیم. مثلاً شما فقط در مناسبت‌ها می‌بینید که یک تبلیغات شهری مرتبط با روابط انسانی آن هم به شکل ناقص وجود دارد. من معمولاً در ماه محرم و صفر برای بحث‌های الگوی پیشرفت اسلامی به اصفهان می‌روم و چند سالی است که پشت سر هم آنجا بوده‌ام؛ می‌بینم که تبلیغات هیئات خیلی فضای شهر را متحول می‌کند. با اینکه عیب دارد ولی به غیر از "تبلیغات سرمایه‌داری"، فقط در مناسبت‌ها شما می‌توانید "تبلیغات متناسب با روابط انسانی" را ببینید.

۷۰. ممکن است بگویند که این آموزش‌ها در مساجد طراحی می‌شوند. مساجد دو دسته هستند: (۱) مساجد مدیریت‌کننده محله، (۲) مساجدی که آموزش می‌دهند. یا ممکن است، ساختارهای دیگری باشد. الان نمی‌خواهم اختصاصی وارد این بحث شوم. خواستم بگویم: ...

حالا باید این نوع تبلیغات متناسب با روابط انسانی یک نظمی پیدا کند و در همه سال در شهر به وجود بیاید. پس "کاربری‌های بیان و تبلیغات شهری" هم باید معلوم باشد که بعداً عرض خواهم کرد. ما در این موضوع، ایده‌های خیلی مشخصی داریم.

## ۴/۱/۵. ساختار عبرت و میراث فرهنگی؛ پنجمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر

### مبنای تنظیم روابط انسانی

ساختار بعدی "ساختار عبرت و میراث فرهنگی" است. همان‌طور که مکرر عرض کردیم، یکی از عواملی که شخصیت انسان‌ها را تقویت می‌کند، مسئله "عبرت آفرینی" برای آدم‌هاست. عبرت آفرینی یعنی: «آدم‌ها را قبل از اتخاذ تصمیم از اتخاذ تصمیم غلط پشیمان کنیم.» در عصر ما، انسان‌ها به نحو رایج [و فراوان] بعد از اتخاذ تصمیم، پشیمان می‌شوند. به خصوص در تصمیمات حیاتی‌ای که دارند.

اگر یک شهری قرار است به نحو اسلامی اداره شود، باید افراد را قبل از اتخاذ تصمیم غلط پشیمان کرد. "عبرت" از واژه "عبور" و هم‌خانواده با آن است،<sup>۷۱</sup> یعنی: کاری کنید که آدم‌ها از تصمیمات غلط "عبور" کنند. حالا چطور باید این کار را انجام داد؟ [راهکارش این است که: باید کاربری و اراضی عبرت‌آفرین شهری بحث شود که مصادیق آن را عرض خواهم کرد. ما در شهر قم، اراضی عبرت‌آفرین نداریم.

ما ده یا یازده تصمیم مهم داریم که باید روی اینها عبرت ایجاد کرد. مثل: "انتخاب غذا". آدم‌ها غذا را می‌خورند، بعد مسموم می‌شوند، به بیمارستان می‌روند، پشیمان هم می‌شوند ولی هیچ کاری نمی‌توانند انجام بدهند.<sup>۷۲</sup>

[مثال دیگر: "انتخاب لباس"،<sup>۷۳</sup> مثلاً الان با این مدل لباس‌هایی (لباس‌های پلاستیکی و لباس‌های کوتاه و تنگ) که آمده، تقریباً اگر کسی یک تا دو سال این لباس‌ها را بپوشد، به پدیده "گرفتگی عروق" مبتلا می‌شود. و علاج و

۷۱. قوله: «عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» [۱۱۲ / ۱۱۱] أي: اعتباراً و موعظة لذوي العقول. و "العِبْرَةُ" بالكسر الاسم من الاعتبار وهو الاعتباط، وهو ما يفيد الفکر إلى ما هو الحق من وجوب ترك الدنيا و العمل للآخرة، و اشتقاقها من العبور لأن الإنسان ينتقل فيها من أمر إلى أمر، و هي كما ورد فيه من قصص الأولين و المصائب النازلة بهم التي تنتقل ذهن الإنسان باعتبارها إلى تقديرها في نفسه و حاله فيحصل له بذلك انزجار و رجوع إلى الله تعالى، كقوله: «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَىٰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ» [۲۶ / ۷۹] و جمع العِبْرَةُ عِبْرٌ. ...

... واژه "عبرت" از "عبور" مشتق شده است؛ چرا که انسان در موقعیت عبرت از یک امری به امر دیگر منتقل می‌شود [و عبور می‌کند]...  
مجمع البحرین (طریحی)، ج ۳، ص ۳۹۳

۷۲. ارجاع پژوهشی: عن علي عليه السلام: كم من أكلت منعت أكالات.

امام علی علیه السلام: چه بسا يك خوردن، انسان را از خوردنهای بسیار منع کند!

نهج البلاغه، ص ۵۰۱، حکمت ۱۷۱ / خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام) (سید رضی)، ص ۱۱۰

عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص ۳۸۰ / غرر الحكم و درر الكلم، ص ۵۱۳

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۱۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۴

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

درمان گرفتگی عروق هم نمی‌گویم خیلی مشکل هست، ولی به‌هرحال در دسرهایی برای آدم‌ها ایجاد می‌کند. بنابراین باید راجع به لباس با آدم‌ها حرف بزنید. الان همه پاساژهای شهری لباس‌های بدن‌نما و تنگ را توصیه می‌کنند. من الان در این جلسه کاری با تاثیرات این نوع لباس‌ها بر "حیاء" مردم ندارم، [و فقط] می‌گویم این نوع لباس‌ها گرفتگی عروق ایجاد می‌کنند. اندازه عروق انسان معلوم است، نباید تحت فشار قرار گیرد. باید عروق در یک فضای انبساط و انقباض طبیعی باشند تا بتواند خون را انتقال دهند. یکی از پدیده‌هایی که به این مسئله ضربه می‌زند، لباس تنگ است. پس انتخاب لباس هم مهم است. الان عمده جوانان محترم ما توجه ندارند که سیستم عروقی خودشان را دچار چالش می‌کنند.

۷۳. **ارجاع پژوهشی:** رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا يُشْبَهُ الرَّيُّ بِالرَّيِّ حَتَّى يُشْبَهَ الْخَلْقُ بِالْخَلْقِ؛ وَ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ظواهر افراد، با هم یکسان نمی‌شود، مگر آنگاه که خلق و خوشان با یکدیگر برابر گردد. و هر کس به گروهی شباهت جوید، در شمار آنان محسوب می‌شود.

الفردوس: ج ۵، ص ۱۶۲، ح ۷۸۲۴ و ص ۱۶۸، ح ۷۸۴۵ (کلاهما عن حذیفة)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يَزِيدَ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّهِ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَانِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَغْدَانِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَغْدَانِي فَتَكُونُوا أَغْدَانِي كَمَا هُمْ أَغْدَانِي.

امام صادق (علیه السلام): خداوند به یکی از پیامبران، وحی فرمود که به مومنین بگوید: همچون دشمنان من لباس نپوشند، مثل آنان خوراک نخورند، و به راه و مسلک ایشان راه نپیمایند؛ زیرا در این حال، همچون آنان، دشمن خدا خواهند بود.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۲

سند من لا یحضره: زَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۲۳

سند عیون: حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْفَرَزِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع يَقُولُ: ... وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ عَنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۲ (و فیہ: قل لقومک بدل للمومنین، وَ لَا تُشَاكِلُوا بِمَا شَاكَلَ أَغْدَانِي بدل وَ لَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَغْدَانِي)

سند تهذیب: عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ إِتْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۳۴ (با اندکی تفاوت)

سند جعفریات: وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَدْنَةَ عَنِ أَبِيهِ] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۳۲۵ (و فیہ قل لقومک بدل للمومنین) / النوادر (للراوندي)، ص ۵۵ (با اندکی تفاوت) / قصص الأنبياء عليهم السلام

(للراوندي)، ص ۲۷۹

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۱۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۱۰۶ / الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (كليات حديث قدسي)،

ص ۶۸۰ / وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۳۸۵ و ج ۱۵، ص ۱۶۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۹ (نقلا عن الجعفریات)

[مثال‌های دیگر]: "انتخاب مسکن"، "انتخاب همسر"،<sup>۷۴</sup> "انتخاب کتاب"،<sup>۷۵</sup> "انتخاب" رشته علمی و دانشگاهی؛ اینها تصمیمات مهمی هستند که باید روی آن‌ها عبرت ایجاد کرد.<sup>۷۶</sup> مثلاً من با خیلی از آدم‌ها که صحبت کردم، می‌گویند ما پشیمان هستیم که این رشته [علمی و دانشگاهی] را خوانده‌ایم؛ ولی چه کار کنیم، نمی‌توانیم به دوره انتخاب رشته برگردیم! شهری که در آن "عبرت" نیست، تصمیمات غلط به وفور در آن اتفاق می‌افتد.

[مثال بعدی]: "انتخاب امام" [است]. ما چه کسی را امام و الهام‌بخش خودمان قرار دهیم؟<sup>۷۷</sup>

۷۴. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أُرْبِعُ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أُرْبِعُ مِنَ الشَّقَاوَةِ؛ فَأَلْأَرْبِعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمُسْكِنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَيْهِي. وَ الْأَرْبِعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَارُ السَّوُّءُ وَ الْمَرْأَةُ السَّوُّءُ وَ الْمُسْكِنُ الصَّيْقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوُّءُ. پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و کوچک و مرکب بد.  
مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

۷۵. ارجاع پژوهشی: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع: عَجَبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ؟! فَيَجْنُبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُزِيدُهُ. امام حسن علیه السلام: در شگفتم از کسی که درباره خوراک جسم خود می‌اندیشد چگونه درباره خوراک فکر خود نمی‌اندیشد؟! شکمش را از آنچه زیانبار است پرهیز می‌دهد، اما در سینه و قلب خود چیزهایی می‌سپارد که مایه نابودیش می‌شود.  
الدعوات (للراوندي)، ص ۱۴۴  
بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸

۷۶. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» قَالَ: قُلْتُ: مَا طَعَامُهُ؟ قَالَ: عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ. امام باقر علیه السلام درباره آیه «انسان باید به خوراک خود بنگرد» فرمود: یعنی دانشی را که می‌آموزد، مواظب باشد از چه کسی فرا می‌گیرد.  
الكافي، ج ۱، ص ۵۰ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰ / الإختصاص (مفيد)، ص ۴  
وَ عَنْهُ (الشَّيْخُ الْمُفِيدُ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ الْوَاقِي، ج ۱، ص ۲۲۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۱۳

۷۷. ارجاع پژوهشی: يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلاً (سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۱) [یاد کن] روزی را که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می‌خوانیم پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهند، پس آنان نامه خود را [با شادی و خوشحالی] می‌خوانند و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

تَفْسِيرُ التَّعْمِينِيَّةِ بِالإِسْنَادِ الِاتِّبِي فِي كِتَابِ الْقُرْآنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: النَّاسُ أَتْبَاعُ مَنْ أَتْبَعُوهُ مِنْ أُنْمَةِ الْحَقِّ وَأُنْمَةِ الْبَاطِلِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلاً»، فَمَنْ أَتَمَّ بِالصَّادِقِينَ حُسْرًا مَعَهُمْ، وَ مَنْ أَتَمَّ بِالْمُنَافِقِينَ حُسْرًا مَعَهُمْ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يُحْسِرُ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ، قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي». امیرالمؤمنین (علیه السلام): مردم [در قیامت] دنباله‌روی آن پیشوای حق یا پیشوای باطلی هستند که [در دنیا] پیرو او بوده‌اند. خداوند عز و جل می‌فرماید: «روزی را [یاد کن] که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم. پس کسانی که کارنامه‌شان را به دست راستشان بدهند، آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود» (آیه ۷۱ سوره اسراء). بنابراین، هر کس راست‌دینان را به پیشوایی بگیرد، با آنان محسور



[مثال بعدی]: "انتخاب معلم" [است]،<sup>۷۸</sup> اینها همه جزء تصمیمات حیاتی است. ما در "جعبه فقهی شخصیت"، تصمیمات مرتبط با شخصیت را مجزا بحث کرده ایم.<sup>۷۹</sup> حالا عرض ما این است که: شهر باید ساختار عبرت و میراث فرهنگی داشته باشد؛ برای اینکه انسان‌ها را قبل از اتخاذ تصمیم پشیمان کند تا در این حوزه‌های مهم تصمیم غلط نگیرند. پس این هم یک ساختار است.

می‌شود، و هر کس منافقان را به پیشوایی برگزیند، با آنان محشور می‌گردد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: انسان با هر کسی که دوست دارد محشور خواهد شد. حضرت ابراهیم اینچنین فرمود: «هر کس از من تبعیت کند، همانا او از من است» (آیه ۳۶ سوره ابراهیم).  
بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۱ (تقلا عن تفسیر النعمانی)

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ عُبَيْسِ عَنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثُمَّ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ مَظْلُومًا لَبَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ النَّفَرِ الَّذِينَ يَقْتَدِي بِهِمْ وَ يَهْدَاهُمْ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِمْ إِنَّ جَنَّةَ فَجَنَّةٍ وَ إِنَّ نَارًا فَتَارًا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر بنده ای هزار سال در میان رکن و مقام، به عبادت خدا پردازد و سپس مظلومانه مانند قوچ سرش بریده شود، با این حال، خداوند، او را با همان گروهی برمی‌انگیزد که به آنان اقتدا می‌کند و راه آنان را می‌پیماید و روش آنان را می‌پوید. اگر بهشتی باشند، او هم بهشتی است و اگر دوزخی باشند، او هم دوزخی است.

المحاسن، ج ۱، ص ۶۱ / بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۸۰

۷۸. **ارجاع پژوهشی:** الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَزْمَنِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ أَضْعَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.  
امام صادق علیه السلام: هر که به گوینده ای گوش سپارد، در حقیقت او را پرستیده است. پس، اگر گوینده از خدا بگوید، شونده خدا را پرستیده است و اگر از شیطان بگوید، شیطان را پرستیده باشد.

الكافي، ج ۶، ص ۴۳۴ / اعتقادات الإمامية (للسدوق)، ص ۱۰۹ (با اندکی تفاوت) / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۳۰۴ (مع تفاوت و زیاده فی اوله و آخره)

سند عیون: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُسَوِّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَ سَأَلَ الشَّيْخَةَ، ج ۱۷، ص ۳۱۷ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۳۸ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۱، ص ۵۲۶

۷۹. **ارجاع پژوهشی:** در متن مکتوب «جعبه فقهی شخصیت» (توصیف فقهی ارکان شخصیت در مقایسه با فهرست اوصاف عمیق شخصیت؛ مطرح شده در آزمون ۱۶ عاملی شخصیت ریموند کتل) به بررسی ۵ پرسش پرداخته شده است: پرسش اول: هدف از ارزیابی شخصیت چیست؟ پرسش دوم: تعریف "شخصیت" چیست و ارزیابی آن چگونه است؟ پرسش سوم: "نفس" چیست و متغیرهای اصلی آن کدام است؟ پرسش چهارم: چه علائمی برای ارزیابی "شخصیت" در فقه بیان شده است؟ پرسش پنجم: داده‌ها و شاخصه‌های ارزیابی را چگونه به دست بیاوریم؟  
در بخشی از پاسخ به پرسش سوم به «تصمیمات زیرساختی یازده‌گانه‌ی تاثیرگذار بر شخصیت» پرداخته شده که عناوین آنها به صورت اجمال بدین شرح است: انتخاب دوست و رفیق، انتخاب همسر و ازدواج، انتخاب خانه و محل زندگی، انتخاب امام (و مسئول)، انتخاب کتاب، انتخاب نوع غذا، انتخاب نوع لباس، انتخاب شغل، انتخاب معلم، انتخاب محل هزینه‌کرد مال (انفاق)، انتخاب نوع فعالیت و جهاد و ایثار.  
جهت مطالعه متن کامل این مکتوب؛ به آدرس زیر در پیام‌رسان ایتا مراجعه بفرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/3919>

## ۴/۱/۶. ساختار فرقان و ارزیابی شهری؛ ششمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر

### مبنای تنظیم روابط انسانی

ساختار دیگر "ساختار فرقان و ارزیابی شهر" است. به تعبیر امروزی‌ها: مجموعه‌ای از نهادها وجود دارند که شهر را ارزیابی می‌کنند. مثلاً می‌گویند: شهر را از حیث "تاب‌آوری" ارزیابی می‌کنیم، شهر را از حیث "هوشمندسازی" ارزیابی کنیم. شما این شاخصه‌ها را می‌پذیرید؟ یا نه، شاخصه‌های دیگری را پیشنهاد می‌کنید؟ این ساختار هم باید در شهر وجود داشته باشد. که فعلاً در جلسه امروز سه شاخصه مهم شهر اسلامی را عرض می‌کنم و بحث خواهم کرد. پس این هم یک بحث است.

## ۴/۱/۷. ساختار مکاسب و تجارت عمومی؛ هفتمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر

### مبنای تنظیم روابط انسانی

ساختار بعدی "ساختار مکاسب و تجارت عمومی" است. توزیع مکاسب (مشاغل) در اراضی شهری باید به نحوی صورت بگیرد که تجارت عمومی شود.<sup>۸۰</sup> باید روی این موضوع هم برنامه‌ریزی کرد. البته اصل این موضوع در کاربری‌ها و نقشه جامع شهری وجود دارد (مثل ساختار آموزش که اصل آن وجود داشت)؛ مثلاً می‌گویند: این مکان، کاربری تجاری دارد. اما توزیع متوازن بین مردم ندارد. ولی در جاهایی که هست، ما تقاضای توزیع متوازن آن‌ها را داریم. این هم باید بحث شد.

## ۴/۱/۸. ساختار نفی سبیل و پدافند غیر عامل؛ هشتمین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری

### بر مبنای تنظیم روابط انسانی

ساختار بعدی "ساختار نفی سبیل و پدافند غیر عامل" است. شهر باید "کاربری‌های امنیتی" یا هم داشته باشد. به تعبیر امروزی‌ها: باید "ساختار پدافند غیر عامل" داشته باشد. به تعبیر فقه: باید اراضی مرتبط با "نفی سبیل"<sup>۸۱</sup> داشته

۸۰. ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده «تاکید روایات بر عمومی‌سازی و تسهیل تجارت برای فقراء و عموم مردم»؛ به پیوست شماره ۱۲ مراجعه کنید.

۸۱. ارجاع پرورشی: از قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند، "قاعده نفی سبیل" می‌باشد. حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است.

مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ج ۳۵، ص ۱۳۴

(جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، مدیریت: سید محمود شاهرودی، ۵۶ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام)

قاعده نفی السبیل للکافرین علی المسلمین: و من القواعد الفقهیة، التي عمل بها الأصحاب، و طبقوها علی موارد کثیرة فی مختلف أبواب الفقه من العبادات و المعاملات و الأحکام، القاعدة المعروفة المشهورة، أي «نفی السبیل للکافرین علی المسلمین».

القواعد الفقهیة (بجنوردی)، ج ۱، ص ۱۸۵

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

باشیم. باید روی این هم بحث شود. وقتی ما می‌گوییم در شهر بخشی از اراضی را به "سبق و رمایه"<sup>۸۲</sup> اختصاص دهید، [به این دلیل است که:] "سبق و رمایه" هم "تفریح" است<sup>۸۳</sup> و هم زیرساخت "امنیت" یک شهر است.<sup>۸۴</sup> الان

۸۲. **ارجاع پرورشی و پژوهشی:** در اصطلاح فقه، سبق و رمایه به مسابقه اسب‌دوانی و تیراندازی به منظور آمادگی برای پیکار و جهاد با دشمنان اسلام گفته می‌شود.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ ج ۱، ص ۱۴۳

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي حُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَضَلٍ يَغْنِي النَّضَالَ.  
امام صادق (علیه السلام): مسابقه جایز نیست، مگر در شترسواری، اسب دوانی و تیراندازی.

الکافی، ج ۵، ص ۵۰ و ۴۹ با این سند: الْحَسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الوافي، ج ۱۵، ص ۱۵۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۲۵۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: اِرْكَبُوا وَ اِزْمُوا وَ اِنْ تَرْمُوا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا. ثُمَّ قَالَ: كُلُّ لَهْوٍ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيَةِ الْفَرَسِ وَ رَمِيهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مُلَاعَبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ. إِلَّا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَدْخُلُ فِي السَّهْمِ الْوَاحِدِ الثَّلَاثَةَ الْجَنَّةَ عَامِلَ الْحَسْبَةِ وَ الْمُقْوَى بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الرَّامِي بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): سوارکاری و تیراندازی کنید، و اگر تیراندازی کنید از اینکه سوارکاری کنید برایم دوست داشتنی‌تر است. سپس فرمود: هر کار بیهوده و سرگرمی‌ای از مومن باطل است مگر سه کار: پرورش اسب (سوارکاری) و تیراندازی و ملاعبه با همسر؛ چرا که این سه کار حق هستند (و بیهوده نیستند). بدانید که خداوند عزوجل به سبب یک تیر، سه نفر را به بهشت می‌برد: سازنده چوبه تیر و پرداخت کننده و پرتاب کننده آن در راه خدا.

الکافی، ج ۵، ص ۵۰ / تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۷۵ (و فيه "كُلُّ أَمْرٍ لِلْمُؤْمِنِ" بدل "كُلُّ لَهْوٍ الْمُؤْمِنِ")

سند تهذیب: عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى) عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَبِي صَمْرَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي

الْحَسَنِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۴۰ / الوافي، ج ۱۵، ص ۱۵۰

عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّهُ كَانَ يَحْضُرُ الرَّمِيَّ وَ الرَّهَانَ.  
امام صادق (علیه السلام): همانا ایشان در مسابقات تیراندازی و اسب‌سواری حاضر می‌شدند.

الکافی، ج ۵، ص ۵۰

وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۲۵۲ / الوافي، ج ۱۵، ص ۱۵۱

۸۳. **ارجاع پژوهشی:** عن رسول الله صلى الله عليه و آله: أَحَبُّ اللَّهْوِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَ الرَّمِي.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): دوست داشتنی‌ترین تفریح نزد خداوند متعال، اسب‌سواری و تیراندازی است.

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۱۶۹

کنز العمال، ج ۴، ص ۳۴۴، ح ۱۰۸۱۲

عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالرَّمِي فَإِنَّهُ مِنْ خَيْرِ لَهْوِكُمْ (سعيكم).

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد تیراندازی، که آن یکی از بهترین سرگرمیها (کوشش‌ها)ی شماست.

نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۵۷۱

کنز العمال، ح ۱۰۸۴۱

۸۴. **ارجاع پژوهشی:** «وَأَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ

مَا تَتَفَقَّهُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُؤَفَّفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (سوره مبارکه انفال، آیه ۶۰)

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و رزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

متاسفانه شنیدم که تولیت محترم آستان قدس رضوی یک زمین بسیار بزرگ در شهر مشهد را در اختیار فضای سبز قرار داده است. من سال قبل به آقایان گفتم: همین زمین را اختصاص به مسابقات "سبق و رمایه" دهید و این باید بحث شود. ولی متاسفانه "موقوفات" در اختیار چیست؟ در اختیار همین برنامه‌های "نوشهرگرایی" قرار می‌گیرد. خود شهر قم هم همین‌طور است. چند مورد از موقوفات بزرگ حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) باید در اختیار پدافند غیرعامل و نفی سبیل قرار گیرد.

## ۴/۱/۹. ساختار نظم و سنت‌های شهری؛ نه‌مین ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر

### مبنای تنظیم روابط انسانی

در نهایت [آخرین ساختار] "ساختار نظم و سنت‌های شهری" است. باید از حیث نظم و سنت‌های شهری برای شهر برنامه‌ریزی داشته باشیم. تعریف نظم و سنت‌های شهری این است که: آن محورهایی که (به تعبیر امری‌ها) پیشران تحول هستند را به برنامه‌ریزی‌های سنت یک شهر تبدیل کنیم. دائماً روی آن تاکید کنیم تا شهر احیا شود. مصادیق را عرض خواهم کرد.

پس به سوال [و سرفصل] سوم هم پاسخ و پرداخته شد: ما از نظر "نظریه مدیریت شهری محله‌محور" ۹ نوع برنامه‌ریزی را برای اداره یک شهر لازم می‌دانیم، و همه این ۹ نوع برنامه‌ریزی شهری در "ارتقاء شخصیت افراد" و "تنظیم صحیح روابط انسانی" موثر است. الان وقتی نقشه جامع شهر قم را نگاه می‌کنیم، برخی از این ساختارهای برنامه‌ریزی وجود ندارد، و برخی هم که وجود دارد به نحو سرمایه‌داری و غلط در حال اجراست. بنابراین شهر را باید از این حیث ترمیم کرد و ارتقاء داد.

---

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرْيْفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» قَالَ الرَّمِيُّ.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تفسیر آیه «و تا آن جا که می‌توانید خود را از جهت نیرو و قوت مهیا کنید...» - فرمود: [منظور از قوت] تیراندازی است.

الکافی، ج ۵، ص ۴۹

بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۸۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۴۰ و ج ۱۹، ص ۲۵۲ / الوافی، ج ۱۵، ص ۱۵۰

البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۰۷ (نقلاً عن الزمخشری فی (ربیع الأبرار) عن عقبه بن عامر)

حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مَعْرُوفٍ. أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهْبٍ. أَخْبَرَنِي عَمْرُو بْنُ الْحَارِثِ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ ؑ ثَمَامَةَ بْنِ شَفِيٍّ ؑ أَنَّهُ سَمِعَ عُقْبَةَ بْنَ عَامِرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ، يَقُولُ «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ. أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ.

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در تفسیر آیه «و تا آن جا که می‌توانید خود را از جهت نیرو و قوت مهیا کنید...» - فرمود: بدانید که [منظور از] نیرو و قوت، تیراندازی است؛ بدانید که نیرو، تیراندازی است؛ بدانید که نیرو، تیراندازی است.

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۲ / مسند أحمد بن حنبل، ج ۲۸، ص ۶۴۳ / سنن أبي داود، ج ۳، ص ۱۰۸۹

**مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱**

این هم پس سوال سوم شد. پس نقد ما به شهرداری قم کاملاً واضح و روشن است. [خلاصه نقد و اشکال ما این است که:] شما اصلاً هیچ ورودی به برخی از عوامل شخصیت‌ساز و تنظیم‌کننده روابط انسانی نداشته‌اید، و در برخی از مسائل هم به نحو غلط ورود پیدا کرده‌اید که برخی از مصادیق آن را ذکر کردم.

## ۵. سرفصل چهارم: برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت شهر یا محله کدام است؟

و اما ساختار آخر که شاید برای شما مهمترین ساختار بحثی باشد. البته برای من همین ساختار سوم، مهم است؛ [چرا که] بر مبنای این ساختار سوم است که آن صد برنامه [اجرایی] را پیشنهاد می‌کنیم. یعنی: در واقع نه ساختار وجود دارد، که تقریباً هر [کدام از این نه] ساختار، دارای ده برنامه مجزاست؛ بنابراین [در مجموع] حدود صد تصمیم برای اداره شهر استخراج می‌شود. این مسئله مهم است که [بدانیم] ما [مباحث و تصمیمات اجرایی خود را] از اینجا [یعنی: بر مبنای سرفصل سوم، طراحی و] آغاز می‌کنیم؛ وقتی شهر قم را در آینده ترسیم می‌کنیم، کاربری‌های شهری بین این نه امر [و ساختار بیان شده در سرفصل سوم] توزیع می‌شوند و برنامه‌های شهری هم متناسب با این نه امر بازتعریف می‌شوند. حالا من مصادیقی از این برنامه‌ها (که حدود ۲۰ برنامه اولویت‌دار است) را ذیل این ساختارها بحث کرده و اجمالاً توضیح می‌دهم و سپس در خدمت شما خواهم بود تا اشکالات و فرمایشات شما را بشنوم.

### ۵/۱. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه امامت و مدیریت:

#### ۵/۱/۱. ارتقاء جایگاه مساجد (خصوصاً مساجد جامع) به عنوان ساختار اصلی مدیریت شهر؛

##### اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه امامت و مدیریت (تصمیم ۱)

در مورد "ساختار امامت و مدیریت" (فعالاً در شرایط فعلی) دو پیشنهاد داریم: پیشنهاد اول [این است که: جایگاه "مساجد" و "مسجد جامع" در نقشه جامع شهری به ساختار مدیریت و امامت ارتقاء پیدا کند. باید در برنامه‌ریزی شهری این موضوع به رسمیت شناخته شود که: مسجد و مسجد جامع، ساختار اصلی مدیریت شهر هستند.<sup>۸۵</sup>

۸۵. ارجاع پژوهشی: رسول الله (ص): «الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مساجد، محفل انبیا (ع) است.

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳

رسول الله (ص): «الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ» رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مساجد، خانه پرهیزگاران است.

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳

جهت مشاهده آیات و روایاتی در مورد «محوریت مساجد (خصوصاً مساجد جامع) در اداره شهر»؛ به پیوست شماره ۱۳ مراجعه کنید.

## ۵/۱/۲. طراحی نقشه کالبدی مسجد اداره‌کننده شهر؛ دومین برنامه اولویت‌دار در حوزه

### امامت و مدیریت (تصمیم ۲)

تصمیم دوم [این است که]: اگر شما قبول کردید که "مساجد" و "مسجد جامع"، ساختار [اصلی] مدیریت شهر است، باید نقشه کالبدی مسجد اداره‌کننده شهر را طراحی کنیم؛ چرا که این نقشه با نقشه مساجد فعلی خیلی متفاوت است. مساجد فعلی [چون فقط بخاطر نماز خواندن ساخته شده، نه با نگاه مسجد اداره‌کننده شهر؛ لذا تنها دارای] یک اتاق بزرگ و یک دستشویی است (بعضی وقت‌ها حتی حیاط هم ندارند)؛ تا اینکه مردم ببینند در آنجا فقط وضو بگیرند و نماز بخوانند و بروند! اما اگر قرار شد مسجد ساختار مدیریت شهر شود، لااقل باید مثلاً نقشه "مسجد سید اصفهان"<sup>۸۶</sup> در آن حاکم باشد. در سفر تحقیقاتی‌ای که ما سال گذشته به اصفهان رفته بودیم، با یکی از نوادگان مرحوم حجت‌الاسلام شفتی صحبت کردیم. ایشان می‌گفتند: پدر خود بنده نقشه این مسجد را کشیده است. جالب است! علمای بزرگوار ما در دوران‌های قبل، خودشان نقشه مسجد را می‌کشیدند و طراحی می‌کردند. ایشان می‌گفتند: مصالح اینجا را هم خود ایشان پیشنهاد دادند که از چه باشد.<sup>۸۷</sup> من آنجا را بررسی کردم، یکی از ویژگی‌های آن مسجد این بود که: از چهار طرف به کاربری‌های مختلف شهر وصل بوده است: از یک طرف به "بازار" وصل بوده است و بازاری‌ها درب اختصاصی داشتند و می‌توانستند از آنجا داخل مسجد شوند. از دو طرف به "حوزه مسکونی" وصل بوده است. و یک طرف دیگر آن هم "بارانداز" (یعنی: مکانی برای مهمان‌ها و مسافرانی که وارد می‌شدند) بوده است.

به‌هرحال وقتی قائل شدیم که: یک کالبد و ساختمان (مسجد)، قرار است که کالبد اداره‌کننده شهر بشود، حتماً این کالبد با [کالبد] مساجد فعلی متفاوت خواهد بود. حالا نقشه آن چیست؟ اجازه بدهید بعداً به آن بپردازیم؛ چون الحمدلله گفتگوها درباره "مسجد تراز" در حال ارتقاء پیدا کردن است؛ لذا می‌توان جلسه‌ای راجع به نقشه جامع "مساجد اداره‌کننده" برقرار کرد و در مورد آن بحث و گفتگو کرد. آن وقت من نقشه شیخ بهایی و

۸۶. **ارجاع پردازشی: مسجد سید اصفهان** از مساجد بزرگ و از بناهای تاریخی دوره قاجار در شهر اصفهان. این مسجد که به نام بنیان‌گذار آن سید محمدباقر شفتی شهرت دارد، در سال ۱۲۴۰ق در محله بیدآباد اصفهان بنا نهاده شد. مسجد دارای تزئینات و ویژگی‌های متعدد معماری در شبستان‌ها، گنبد، محراب، ایوان، گلدسته، کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها است. چهار وقف‌نامه برای مسجد، بین سال‌های ۱۲۶۲ق تا ۱۲۷۳ق نگاشته شده و همه مکان‌های مسجد برای موارد خاص وقف شده است. مقبره سید شفتی و فرزندان او در این مسجد قرار دارد.

منبع: ویکی شیعه  
<https://b2n.ir/u34751>

۸۷. یک درک دیگری از [رسالت و حدود کارکردها و وظائف] طلبه در دوران قدیم وجود داشته است؛ ولی طلبه در دوران کنونی فکر می‌کند همین‌که فقط منبر برود و به روضه اکتفا کند، خیلی پیشرفته است.

حجت الاسلام شفتی<sup>۸۸</sup> را هم توضیح می‌دهم، سپس نقشه پیشنهادی مدرسه هدایت را برای ساخت مسجد هم توضیح خواهم داد. ما چون کارهای گذشتگان را دیده‌ایم، بفضله تبارک و تعالی، یک پلن (plan)<sup>۸۹</sup> بسیار پیشرفته‌تری را برای ساخت مسجد پیشنهاد داده‌ایم که ان شاء الله آن را بحث خواهیم کرد.

[خلاصه بحث تا اینجا اینکه:] این دو اقدام [و تصمیم] را شهرداری محترم قم [در دستور کار قرار دهد:] اولاً: در نقشه جامع شهر، نقش مساجد محله و مسجد جامع را به عنوان ساختار مدیریت شهر به رسمیت بشناسد. ثانیاً: تحقیقات راجع به کالبد مطلوب یک مسجد را آغاز کند. [یعنی:] ما یک مسجد را با چه نقشه‌ای بکشیم که بتواند خدمات مرتبط با اداره جامعه را ارائه دهد.

یک درد دلی هست که اجازه بدهید آن را بیان کنم تا تبدیل به چیز دیگری نشود:<sup>۹۰</sup> شما همین "مصلاهی قدس"<sup>۹۱</sup> را به یک معمار غیر مسلمان داده‌اید ساخته است! اینقدر وضعیت غفلت شدیدی در حوزه علمیه قم حاکم است! من فعلاً با اشکالات این ساختمان کار ندارم؛ ولی فقط یک مورد [از اشکالات آن] را می‌گویم: سازه‌ی اصلی این

۸۸. **ارجاع پردازشی: سید محمدباقر شفتی** بیدآبادی (۱۱۸۱-۱۲۶۰ق)، فقیه شیعی در دوره قاجاریه. شفتی از نخستین فقیهانی بود که به لقب حجت الاسلام مشهور شد. او به ثروت زیاد و قدرت اجتماعی فراوان در شهر اصفهان شهرت داشت و در دوره‌هایی از حیاتش بر تحولات سیاسی این شهر تأثیرگذار بود. شفتی مستقل از حکومت، امور قضایی را سرپرستی می‌کرد و بر اجرای حدود شرعی (مجازات‌های اسلامی) اصرار داشت و بسیاری از حدود را به دست خود جاری می‌ساخت. رابطه او با شاهان قاجار نزدیک و دوستانه نبود. بعد از وفات فتح‌علی‌شاه از رقبای محمدشاه حمایت کرد و بنا بر گزارش‌هایی از شورشی علیه حاکم اصفهان حمایت کرد. او را به دلیل زهد بسیار ستوده‌اند و از سخاوت او و حمایتش از فقرا یاد کرده‌اند. **مسجد سید اصفهان با حمایت وی ساخته شده است.**

منبع: ویکی شیعه  
<https://b2n.ir/z77478>

۸۹. برنامه، نقشه، طرح.

۹۰. **ارجاع پژوهشی: الإمام الهادی علیه السلام: العتاب خیر من الجحد.**

امام هادی (علیه السلام): سرزنش کردن بهتر است از کینه به دل گرفتن.

نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۱۳۹

الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللھامیم (یوسف بن حاتم شامی، قرن ۷)، ص ۷۲۹ / أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۱۱

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۹

عن علی علیه السلام: لا تُکثیر (لا تُکثیرن) العتاب؛ فَإِنَّهُ بَورُثُ الصَّغْبَةِ وَیَجْرُ (یَدْعُو) إِلَى الْبِغْضَةِ (البغضاء).

امام علی (علیه السلام): زیاد سرزنش مکن که کینه می‌آورد و منجر به دشمنی می‌شود.

تحف العقول، ص ۸۴

أعلام الدین (دیلمی، ۸۴۱ق)، ص ۱۷۹ (و فيه اضافه "و کثرته من سوء الأدب") / کنز الفوائد (کراچی، ۴۴۹ق)، ج ۱، ص ۹۳

عیون الحکم و المواعظ (للیثی، قرن ۶)، ص ۵۱۹ / تصنیف غر الحکم و درر الکلم (تمیمی، ۵۵۰ق)، ص ۴۷۹

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۳۱

۹۱. **ارجاع پردازشی: مُصَلَايُ قُدُسِ قَمِ** محل برگزاری نماز جمعه شهر قم است که ظرفیت ۲۵ هزار نمازگزار را دارد. در سال ۱۳۵۸ش، زمین مصلا وقف شد و در سال ۱۳۶۶ش به بهره‌برداری رسید. مصلاهی قدس در سال ۱۳۸۶ش برای بازسازی تعطیل شد و در سال ۱۳۹۵ش مجدداً به بهره‌برداری رسید. برنامه‌های مختلف مذهبی و فرهنگی در این مکان برگزار می‌شود که مراسم احیای شب قدر و میزبانی از زائران اربعین از جمله آنها است.

منبع: ویکی شیعه  
<https://b2n.ir/b32085>



ساختمان فلزی است و این باعث می‌شود که شما هزینه بسیار سنگینی برای گرمایش و سرمایش این ساختمان پرداخت کنید.<sup>۹۲</sup> [یعنی:] این ساختمان از حیث سرمایش و گرمایش خیلی ساختمان گرانی است؛ درحالی‌که اگر به ظرفیت‌های بومی اعتماد می‌شد، می‌توانستیم یک مسجدی با سرمایش و گرمایش ارزان‌تر بسازیم.<sup>۹۳</sup> در خود قم وقتی وضعیت اینطور است، شما سایر بلاد را می‌توانید تصور کنید. اینها دردهای ماست. سابق بر این، پادشاهان ما ساخت مساجد را به [امثال] حجت‌الاسلام شفتی و شیخ بهایی می‌سپردند؛ ولی الان آیت‌الله‌ها و شیوخ ما، [ساخت مساجد را] واگذار می‌کنند به معمارانی که مقلد لوکوربوزیه (Le Corbusier) هستند و نوشهرگرایی (NewUrbanism) خوانده‌اند! خداوند متعال این جملات ما در این ماه مبارک را جزو عبادات ما قرار دهد. باید به این روند اعتراض کرد و برای این مسائل، فکری کرد!

## ۵/۲. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری:

### ۵/۲/۱. آماده‌سازی طرح فضای سبز به محوریت گیاهان و درختان مُثمر و

#### معطر؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری (تصمیم ۳)

در حوزه "تزکیه و پاکسازی شهر"، سه اقدام باید انجام شود: اولین آن‌ها: "طرح فضای سبز مبتنی بر درختان مُثمر و معطر" باید در شهر قم آماده‌سازی شود. پیشنهاد ما این است که: در هر جایی که طرح فضای سبز وجود دارد، براساس درختان و درختچه‌های معطر این کار انجام گیرد. باید درخت "انار"<sup>۹۴</sup> و "به"<sup>۹۵</sup> را جدی گرفت. متناسب با

۹۲. حالا من نمی‌گویم ایشان از عمد اینطور طراحی کرده، نیت خوانی نمی‌خواهم کنم؛ ولی...

انتقال از متن

۹۳. در بخش الگوی سرمایش و گرمایش که [در آینده] بحث خواهیم کرد، [خواهیم گفت که:] چهار یا پنج اقدام داریم که به صورت طبیعی سرمایش و گرمایش طبیعی ایجاد می‌کنند.

انتقال از متن

۹۴. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُضِلُّحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ... قَالَ: كُلُّوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعْدَةِ وَ فِي كُلِّ حَبَّةٍ مِنَ الرُّمَانَ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الْمَعْدَةِ حَيَاةٌ لِلْقَلْبِ وَ إِنَارَةٌ لِلنَّفْسِ وَ ثَمْرُضٌ وَسَوَاسُ الشَّيْطَانِ أُرْبَعِينَ لَيْلَةً.

امام صادق (علیه السلام) به نقل از امیرالمؤمنین (علیه السلام): ... انار را با پیه آن بخورید که معده را شستشو می‌دهد و هر دانه‌ای از انار که در معده جا کند تا چهل شب دل را زنده میکند و جان را روشنی بخش است و وسوسه شیطان را سست میکند.

الخصال، ج ۲، ص ۶۳۶

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌ابسطام)، ص ۱۳۴

بوم شهر قم بحث می‌کنم. بعد کاشت درختچه‌های "زیتون" غیرتراریخته را جدی گرفت.<sup>۹۶</sup> (چون برخی از زیتون‌های تلخ ظاهراً دستکاری شدند)، درختچه "نرجس" را باید جدی گرفت که در تعابیر روایی ماست که:

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۵

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنِ النَّهْيكِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقُنْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَعْينِي الْأَوَّلَ يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ زُمَانَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرَّيْقِ تَوَرَّتْ قَلْبُهُ أَزْبَعِينَ صَبَاحاً فَإِنْ أَكَلَ زُمَانَتَيْنِ فَمَتَمَّ يَوْمًا فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثًا فَمَتَمَّ عَشْرِينَ يَوْمًا وَطَرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ طَرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ أَذْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

امام کاظم علیه السلام: هر کس روز جمعه يك دانه انار ناشتا بخورد دلش ۴۰ صباح روشن شود و اگر دو دانه باشد ۸۰ صباح روشن شود، و اگر سه باشد تا ۱۲۰ صباح وسوسه شیطان از او دور گردد، و هر کس وسوسه شیطان از او دور شود نافرمانی خدا نکند و هر که نافرمانی خدا نکند خدا او را به بهشت برد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۴

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۱۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۲

۹۵. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَكَلَ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يُطَيِّبُ الْمَعْدَةَ وَ يُذَكِّي الْفُؤَادَ وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ.

امام علی علیه السلام: خوردن پسته، نیروی برای قلبی است که ضعیف شده باشد، معده را پاک می‌کند، دل را ذکاوت می‌بخشد، ترسو را دلیر می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۵ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰

طَبَّ الْأَنْمَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي السَّفْرَجَلِ حَصَلَةً لَيْسَتْ فِي سَائِرِ الْفَوَاكِهِ. قُلْتُ: وَ مَا ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: يُشَجِّعُ الْجَبَانَ، هَذَا وَ اللَّهُ مِنْ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

طَبَّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: إِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود: «در پسته، ویژگی ای است که در دیگر میوه‌ها نیست». پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا! آن چیست؟ فرمود: «ترسو را دلیر می‌کند. به خداوند سوگند، این، از دانش پیامبران که درودهای خداوند بر تمامی آنان باد است».

طَبَّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (ابن‌اسطام)، ص ۱۳۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۶ / طَبَّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (للشبر)، ص ۱۶۳

۹۶. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَاسِعٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَذْهَبُوا بِالرَّزِيَّةِ وَ أَتَدُمُوا بِهِ فَإِنَّهُ دُهْنَةُ الْأَخْيَارِ وَ إِدَامُ الْمُصْطَلَفِينَ مُسْحَتٌ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ بُوْرِكْتُ مُقْبِلَةً وَ بُوْرِكْتُ مُدْبِرَةً لَا يَضُرُّ مَعَهَا دَاءٌ.

امام علی علیه السلام: با روغن زیتون، بدن را چرب کنید و با آن، خورش بسازید؛ چرا که روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دو بار به پاک‌سوده شده. [و] هنگامی که روی می‌کند و هنگامی که پشت می‌کند، برکت نهاده شده است و با وجود آن، هیچ بیماری‌ای زیان نمی‌رساند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۳۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۴

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۳۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۲ / طَبَّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (للشبر)، ص ۱۴۰

بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ بَقَّةُ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرُّوسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرَسِيُّ: أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الْحَبِيسِ عُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَحْمَرِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ عَشْرِينَ وَ حَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنَ الْفَيْسِرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عُرَّةَ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلَ الْقُبَّةِ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ الرَّضَاعِ عُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارَكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ حَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

«استشمام بوی نرجس، جنون نهفته در قلوب را منتفی می‌کند»<sup>۹۷</sup> و به ترجمه امروزی: عصبانیت آدم‌ها را کاهش می‌دهد. این هم یک بحث مهمی است. دوستان طب سنتی، شدت و عصبانیت روحی را با "مزاج" تنظیم می‌کنند. البته درست است که "غلبه صفرا"، "غلبه دم" و "افزایش خشکی"، عصبانیت ایجاد می‌کنند؛ [ولی] ریشه آرام یا ناآرام بودن یک فرد، وضعیت قلبی اوست. حالا در روایت می‌فرمایند که: «درختچه "نرجس"، عرق جنون در قلب را مدیریت [و درمان] می‌کند» و این باعث می‌شود که پاکسازی سموم قلب و رذائل قلبی اتفاق بیفتد. فرض کنید شخصی با خانواده خود [نزاع و] دعوا کرده است؛ ولی بلافاصله تا وارد حیاط خانه و یا محیط شهری می‌شود، درختان معطر و مثمر را می‌بیند و بوی آنها را استشمام می‌کند؛ چه اتفاقی می‌افتد؟ برای او "آرامش قلب" اتفاق می‌افتد. "عطر درمانی" یک بحثی در فقه است. عطر عمدتاً کدام قسمت‌های بدن را درمان می‌کند؟ قلب را.<sup>۹۸</sup> و پاکسازی قلبی را به ارمغان می‌آورد. پس فضای سبز شهری، ساختار پاکسازی و تزکیه است. پاکسازی و

أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْخَاتِمِيِّ الرَّؤُوفِيُّ قَرَأَهُ عَلَيْهِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ أَرْبَعِينَ قَالَتْ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ هَازُونَ الرَّؤُوفِيُّ بِهَا قَالَتْ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَقْدَةَ الْعَبَّاسِيِّ بْنِ حَمْرَةَ التَّبَسَاتُورِيِّ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ قَالَتْ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ غَامِرٍ الطَّائِبِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْحَمْرَةَ - وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ - وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد روغن زیتون؛ زیرا تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، بیماری مزمن را از میان بر می‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پیراسته می‌دارد و اندوه را می‌برد.

صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۳ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۰  
وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

۹۷. **ارجاع پژوهشی:** رسول الله صلی الله علیه و آله: شَمُّوا التَّرَجِسَ وَ لَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الْإِسْبُوعِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً؛ فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ سُمُّهُ يَدْفَعُهَا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [کُل] نرگس را ببویید، هر چند در روز یک بار، هر چند در هفته یک بار، هر چند در ماه یک بار، هر چند در سال یک بار، و هر چند در همه عمر، یک بار؛ چرا که در قلب، هسته‌ای از دیوانگی، جذام و پیسی وجود دارد؛ که بوییدن نرگس، آن را دور می‌کند.

طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم (مستغفری، ۴۳۲ ق)، ص ۳۰  
بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹ / طب الأئمة علیهم السلام (للشبر)، ص ۲۸۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۴۵

۹۸. **ارجاع پژوهشی:** الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الطَّيِّبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را تقویت می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰

الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

تزکیه این نیست که فقط منبر بروید و مردم را به حذف رذایل اخلاقی دعوت کنید؛ خود فضای سبز شهری هم از ابزارهای تزکیه است. به نظر من روزانه هم باید اتفاق بیفتد.

## ۵/۲/۲. بازتعریف کالبد سرویس‌های بهداشتی در شهر و جانمایی مناسب آنها؛ دومین

### برنامه اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری (تصمیم ۴)

یکی دیگر از ساختارهای تزکیه: "بازتعریف کالبد توالت‌های شهری و جانمایی مناسب آنها" است. به قول دوستان طب سنتی: فُضِّلَ (اضافه و زوائد) غذا وارد بخش "روده" می‌شود، و زوائد خون هم توسط "کلیه" تسویه می‌شود و به "مجاری ادراری" انتقال پیدا می‌کند. [لذا برای تخلیه سریع مجاری ادراری از این فضولات،] شهر باید توالت‌های در دسترس داشته باشد. بنده یکی از علت‌های مهم افزایش بیماری‌های کلیوی<sup>۹۹</sup> و افراد دیالیزی و افزایش استفاده از تجهیزات گران دیالیز در کشور را این می‌دانم که دستشویی در دسترس شهری کم است. اگر بخواهید شهر را سالم نگه دارید، باید برای دستشویی توزیع مناسب وجود داشته باشید، همه جای شهر باید دستشویی در دسترس باشد. افراد باید بتوانند کمتر از دو الی سه دقیقه خودشان را به یک دستشویی مناسب برسانند. خود دستشویی‌ها هم به دلیل اینکه به صورت طبیعی بوی متعفن دارند، لذا باید کالبد آنها به شکلی طراحی شود که تهویه مناسب داشته باشد که حالا مهمترین اقدام برای "تهویه مناسب"، این است که باید سقف دستشویی بلندتر از سقف‌های عادی در نظر گرفته شود تا بتوان تهویه متناسب برای آن طراحی کرد که این را بعد بحث خواهیم کرد. بنابراین این هم یک اقدامی برای تزکیه و پاکسازی شهر است.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ أَنَا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ هُوَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تَشُدُّ الْقَلْبَ وَ تَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ.

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را محکم می‌کند و بر [توان] آمیزش می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰ / قرب الإسناد، ص ۱۶۷ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶

الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّيِّبُ نُشْرَةٌ ...

امام علی علیه السلام: بوی خوش شادمانی می‌آورد...

نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عیون الاخبار ج ۲ ص ۴۰

وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

۹۹. **ارجاع پردازشی:** دکتر فرزین سلیمان زاده در گفتگو با خبرنگار علمی ایرنا وضعیت کشور در مورد نارسایی کلیه را نگران کننده دانست و افزود: آمارهای جهانی نارسایی کلیه نشان می‌دهد که از هر ۱۰ نفر یک نفر مبتلا به بیماری کلیه است.

عضو هیات مدیره انجمن اورولوژی ایران با اشاره به این که آمار نارسایی کلیه در ایران بالاست، افزود: این خطر بالقوه می‌تواند سلامت و تندرستی ایرانی‌ها را به صورت جدی تهدید کند.

وی ادامه داد: هرچند این آمارها به معنی این نیست که یک نفر از هر ۱۰ نفر نیاز به دیالیز یا پیوند کلیه دارند، اما نشان می‌دهد که وضعیت ابتلا به این بیماری نامناسب است و باید اقدامات پیشگیرانه با جدیت انجام شود.

منبع: خبرگزاری ایرنا

<https://www.irna.ir/news/۸۲۸۵۸۸۷۳>

الان همین منطقه‌های اطراف حرم را در نظر بگیرید، اگر حرم مطهر این ساختار پاکسازی را در اختیار مردم قرار نداده بود، در خود شهر قم مشکل داشتیم. شهر مشهد را هم از همین حیث بررسی کردیم. بعد جالب است با همین تدابیر ساده شاید بشود بیماری‌های کلیوی را یک دهم کرد. دیدید که در تدابیر روایت: اگر شما احتیاج به بول پیدا کردید، هیچ کاری را مقدم بر این کار نکنید.<sup>۱۰۰</sup> و در بعضی از تعابیر اینطور آمده که: [اگر شما به این مسئله اهمیت بدهید و به آن عمل کنید، باعث می‌شود که] دیگر مشکلات مجاری ادراری و کلیوی پیدا نکنید.<sup>۱۰۱</sup> بنابراین این هم یک بحث شد.

### ۵/۲/۳. راه‌اندازی حمام‌های چهارمزاچی؛ سومین برنامه اولویت‌دار در حوزه تزکیه و پاکسای شهری (تصمیم ۵)

مسئله سوم [در حوزه تزکیه و پاکسازی شهری]، راه‌اندازی مجدد "حمام‌های چهارمزاچی"<sup>۱۰۲</sup> در شهر قم است. من فکر می‌کنم برای شروع [این کار]، شهر قم لااقل نیاز به ۱۰ "حمام چهارمزاچی" دارد که بتوان در آن صد خدمت ارائه داد. الان وضعیت به شکلی است که مردم این نوع حمام‌ها را در اختیار ندارند، لذا دچار غلبه یکی از مزاج‌ها و ایجاد مشکل [و بیماری] می‌شوند. باید این کار را شروع کنید که: برنامه‌ریزی شهری به شکلی باشد تا

۱۰۰. ارجاع پژوهشی: قال الرضاع: وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَشْتَكِيَ مَمَاتَهُ فَلَا يَخْبِسِ الْبَوْلَ وَ لَوْ عَلَى ظَهْرٍ دَابَّيْهِ.

امام رضا (علیه السلام): کسی که می‌خواهد از ناراحتی مثانه شکایت نکند، بول خود را نگه ندارد و لو اینکه سوار مرکب باشد.

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۴

۱۰۱. ارجاع پژوهشی: رُوِيَ: إِذَا جُعْتُ فَكُلِّيْ وَ إِذَا عَطِشْتُ فَاشْرَبِيْ وَ إِذَا هَاجَ بِكَ الْبَوْلُ فَبَلِيْ وَ لَا تُجَامِعِيْ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ إِذَا نَعَسَتْ فَنَمِيْ فَإِنَّ ذَلِكَ مَصْحَفَةٌ لِلْبَدَنِ.

در فقه الرضا (علیه السلام) روایت شده است: ... هر گاه بول بر تو به هیجان آمد، بلافاصله بول کن ... چرا که این باعث صحت و سلامت بدن است.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۶۶

۱۰۲. ارجاع پژوهشی: علت نامگذاری حمام‌های چهارمزاچی:

فَكُنَّ الرِّضَاعُ: ... أَنَّ تَرْكِيْبَ الْحَمَامِ عَلَى تَرْكِيْبِ الْجَسَدِ لِلْحَمَامِ أَرْبَعَةُ آيَاتٍ مِثْلُ أَرْبَعِ طَبَائِعِ الْبَيْتِ الْأَوَّلِ بَارِدٍ يَابِسٍ وَ الثَّانِي بَارِدٍ رَطْبٍ وَ الثَّلَاثِ حَارٌّ رَطْبٌ وَ الرَّابِعُ حَارٌّ يَابِسٌ.

امام رضا (علیه السلام): ... حمام مانند بدن آدمیزاد از چهار طبیعت ترکیب شده و دارای چهار خانه است: خانه اول: سرد و خشک است، خانه دوم: سرد و تر است، خانه سوم: گرم و تر است، خانه چهارم: گرم و خشک.

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲ (وفیه: أَنَّ الْحَمَامَ زَكَّبَ عَلَى تَرْكِيْبِ الْجَسَدِ لِلْحَمَامِ أَرْبَعَةُ بَيْوتٍ مِثْلُ طَبَائِعِ الْجَسَدِ)

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷۵ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۰۴

مردم بتوانند "اخلاط ناسالم" خودشان را با ارزان‌ترین قیمت و به سرعت از بدن‌شان دفع کنند.<sup>۱۰۳</sup> الان شهرداری باید ورود نموده و این کار را بررسی [و پیگیری] کند.

بازار شهر قم را که بررسی کردم، دیدم در بازار شهر قم علاوه بر اینکه سایر خدمات شهری در آن ارائه می‌شده است، یکی از خدمات مهم در آنها همین "حمام" بوده است. "حمام حاج عسگرخان"<sup>۱۰۴</sup> در بازار قم است. در قدیم چون می‌دانستند که اخلاط ناسالم منشاء ده‌ها نوع بیماری است، یک ساختار [حمام‌های مناسب برای این کار را] در شهر می‌ساختند. البته منافات و اشکالی ندارد که حمام در خانه هم ساخته شود؛ اما شما باید در مورد حمام‌هایی که "اخلاط ناصالح" را [از بدن] خارج می‌کنند هم بحث کنید.

پس این سه اقدام برای تزکیه و پاکسازی شد. این سه اقدام باید انجام بگیرد. باز تاکید می‌کنم که: در "نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری"، حمام‌های چهارمزاجی جایگزین بیمارستان‌های ما هستند. اخیراً که در چند روز پیش وزیر محترم بهداشت را دیدم، مطالبی را برای ایشان مطرح کردم؛ یکی از آن مباحث این بود که به ایشان گفتم: ما (وقتی اختیارات پیدا کنیم)، در ظرف دو سال، بیماری‌های ۵ شهر را (به‌عنوان نمونه) به یک‌دهم کاهش خواهیم داد. من ۲۵ طرح برای احیای سلامت یک شهر ریخته‌ام؛ یکی از آنها همین احیای حمام‌های چهارمزاجی است. شما می‌دانید که اگر کسی هفته‌ای یک‌بار به "حمام‌های چهارمزاجی" برود، گرفتگی‌هایش باز خواهد شد، مشکلات حافظه برطرف می‌شود، مشکلات پوستی (که خیلی شایع است) مدیریت می‌شود. خیلی از این مسائل [و بیماری‌ها] را می‌توان در این حمام‌های چهارمزاجی مدیریت کرد. که ان‌شاء‌الله این موارد را بحث خواهیم کرد.

۱۰۳. **ارجاع پژوهشی:** فَكَنْبَ الرِّضَاعِ: وَ مَنْفَعَةُ الْحَمَّامِ: تُوَدَّى إِلَى الْإِعْتِدَالِ وَ يُنْقَى الدَّرَنُ يَلِكُنُ الْعَصَبَ وَ العُرْوَقَ وَ يَقْوَى الْأَعْضَاءَ الْكِبَارَ وَ يُزِيدُ الْفُضُولَ وَ الْعَفُونََات.

امام رضا (علیه‌السلام): حمام منافع زیاد و قابل توجهی دارد: مزاج آدمی را به اعتدال می‌کشاند، چرک و پلیدی را بر طرف می‌کند، رگهای تن را از کوچک و بزرگ همه را نرم و ملایم می‌سازد، اعضاء را تقویت می‌کند، فضولات (و سموم) بدن را زایل می‌نماید؛ مواد زایده را ذوب و نابود می‌گرداند، عفونات را از میان می‌برد.

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲ ( و فيه: يُذْهِبُ الْعَقْنَ بَدَلُ الْعَفُونََات) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷۵ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۰۴

۱۰۴. **ارجاع پردازشی:** حمام حاج عسگرخان، حمامی که هنوز زنده است. در بافت قدیم قم، در شمال راسته ی بازار، حمام حاج عسگر خان واقع است. این مجموعه از دو بخش حمام و چاله حوض تشکیل شده و با تغییر درسیستم حرارتی و روشنایی هنوز به کار خود ادامه می‌دهد. در ورودی حمام در کنار مغازه‌های راسته بازار قرار دارد. به گزارش خبرنگارباشگاه خبرنگاران قم، در قسمت ورودی حمام، کتیبه‌ای سنگی دیده می‌شود. بر اساس این کتیبه، تاریخ ساخت حمام سال ۱۲۱۶ هـ. ق ذکر شده و با این حساب می‌توان ساختمان آن را به اوایل دوره قاجاریه و حکومت فتحعلی شاه قاجار نسبت داد.

منبع: باشگاه خبرنگاران جوان

<https://www.yjc.news/fa/news/4323827>

### ۵/۳. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه علم و آموزش:

۵/۳/۱. تولید دفترچه‌های راهنمای مدیریت شهری و گسترش آموزش‌های مرتبط با آن؛

#### اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه علم و آموزش (تصمیم ۶)

در "ساختار علم و آموزش" ما یک پیشنهاد مهم داریم: دفترچه‌های راهنمای مدیریت شهری و گسترش آموزش‌های مرتبط با آن. شهرداری باید در مسائل مختلف به جای "ابلاغیه"، "دفترچه‌های راهنمای مدیریت شهری" منتشر کند. مثل: دفترچه راهنمای کاهش پسماند شهر، دفترچه راهنمای درختان معطر، دفترچه راهنمای تفاوت‌های داروآسعه با آپارتمان، دفترچه راهنمای بازی کودکان (یعنی کالبد شهری باید خدمات خودش در مورد بازی کودکان را پیشنهاد بدهد) و مسائل دیگر.

### ۵/۴. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه بیان و تبلیغات شهری:

۵/۴/۱. ارتقاء تبلیغات شهری از حوزه اقتصاد به حوزه‌های سه‌گانه روابط انسانی، تسخیر

#### اشیاء و اسماء الهی؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه بیان و تبلیغات شهری (تصمیم ۷)

در بخش "ساختار بیان و تبلیغات شهری" ما دو تصمیم مهم را به شهرداری محترم قم پیشنهاد داده‌ایم: اولین پیشنهاد این است که مبنای تبلیغات را از "تبلیغات مکاسب و اقتصاد سرمایه‌داری" به تبلیغات در حوزه "روابط انسانی"، "تسخیر شیئی‌پایه" و "اسماء الهی" ارتقاء دهد. یعنی همان سه مفهوم پایه‌ای که ما در الگوی پیشرفت داریم و بشر برای زندگی به آن احتیاج دارد. الان بنا بر این است که تبلیغات فقط برای حوزه اقتصاد باشد. (اگرچه یکی از موارد مرتبط با روابط انسانی، حوزه مکاسب و اقتصاد است)؛ اما شما می‌توانید "تبلیغات در حوزه روابط انسانی" را [به صورت کامل و گسترده‌تر] و همچنین "تبلیغات مربوط به خاصیت‌های اشیاء" [و "تبلیغات مربوط به حوزه اسماء الهی" را نیز] مبنا و در دستور کار قرار دهید.

مثلاً: الان یک بخش از درخت‌های قم درختان زیتون و انار هستند. مردم ما نمی‌دانند اینها چه خاصیت‌هایی دارند یا درک ناقصی از آنها وجود دارد. پس مبنا باید تغییر پیدا کند.

۵/۴/۲. برگزاری جشنواره‌های عکس در مورد معضلات شهری؛ دومین برنامه اولویت‌دار

#### در حوزه بیان و تبلیغات شهری (تصمیم ۸)

به لحاظ برنامه‌ای باید جشنواره عکس برای بیان و تبلیغات شهری راه بیفتد. من شروع را از مسئله راه‌اندازی جشنواره‌های عکس مرتبط با مدیریت شهری محله‌محور می‌دانم. باید عکاس‌ها را بسیج کرد، معضلات شهری را

برای ما روایت کنند. چرا من تاکید بر نوشتن گزارش‌های تخصصی نکردم؟ برای اینکه جشنواره عکس هم گزارش به مردم است، هم گزارش به مدیران است. خواستم با یک اقدام، هر دو مجموعه را درگیر مسائل شهری کنم. مثلاً فرض بفرمایید اگر یک جشنواره عکس برای روایت تفاوت‌های بازی در گیم‌نت و بازی در حیاط خانه با عنوان "جشنواره عکس مرتبط با بازی کودکان" راه بیفتد؛ این خیلی به جا افتادن مسئله کمک می‌کند. یا مثلاً جشنواره‌ای با عنوان "جشنواره عکس معضلات آپارتمان‌نشینی" راه بیفتد. اینها به راه افتادن بیان و تبلیغات شهری کمک می‌کند. از نقطه‌ای شروع کردم که الان با این گوشی‌های همراهی و این عکاسان فراوانی که وجود دارند، می‌شود کار را راه انداخت. می‌توان با تعیین یک مَشوق‌هایی مسئله را راه انداخت و راجع به شهر مطلوب بحث کرد.

مثلاً شما می‌توانید برای "میزان شیوع نمای رومی در قم"، یک جشنواره عکس راه بیندازید. یکی از جاهایی ما در شهر اختلال داریم، همین نماهاست. این را می‌توانید راه بیندازید و در اختیار مردم قرار دهید. این هم دو اقدام در حوزه تبلیغات شهری شد.

توجه دارید که اقدام اول [در ساختار بیان و تبلیغات شهری]، پیشنهادمان به مدیران است. مدیران نباید تصور کنند که تبلیغات باید فقط سودآوری اقتصادی داشته باشد. ما معتقدیم که تبلیغات شهری باید "سود ارتباطی" ایجاد کند، "سود ارتباطی" هزینه‌های ناشی از اختلال در روابط انسانی را کاهش خواهد داد.<sup>۱۰۵</sup> پس در حوزه تبلیغات شهری این دو اقدام شد.

#### ۱۰۵. ارجاع پژوهشی: توضیحی مختصر در مورد تعریف "سود ارتباطی":

ما معتقدیم که عمده سود سودی است که انسانها از روابط بهینه با همدیگر می‌برند. یعنی مهم‌ترین مساله شما در جامعه انسانی، مساله روابط انسانها با یکدیگر است. و دو فرض در روابط انسانها متصور است: یا روابط انسانها دچار اختلال و اصطکاک می‌شود؛ بنابراین شما سود بزرگی را از دست خواهید داد. یا روابط انسانها بر فرض تعادل قرار می‌گیرد و به اصطلاح تنظیم صحیحی پیدا می‌کند؛ در اینجا شما حتماً سود خواهید برد و سود آن هم اعم از سود اقتصادی، سود اجتماعی و سود صنعتی است.

مثلاً فرض بفرمایید که وقتی شما رابطه‌تان را با همدیگر تنظیم کنید، مفهومی به اسم «قرض الحسنه» اتفاق می‌افتد. و اگر قرض الحسنه مبنای کار قرار بگیرد، یعنی فقراء و محرومین درآمد اقتصادی پیدا می‌کنند. و به اصطلاح اقتصاد امروز "پول ارزان" به دستشان می‌رسد.

... ولی این مساله در همه حوزه‌های سیزده‌گانه متصور است. یعنی مثلاً شما پولی را در اختیار امام قرار می‌دهید؛ در روایت دارد که «کسی که یک درهم از مال خودش در اختیار امام معصوم قرار بدهد، به اندازه دوهزار درهم که در جاهای دیگر مصرف می‌کند برای او عائدی خواهد داشت.» خب؛ چه اتفاقی در این مورد می‌افتد؟ وقتی شما پول خود را در اختیار امام (علیه‌السلام) قرار می‌دهید، امام از پول شما در تنظیم روابط انسانی استفاده می‌کند؛ مثلاً برای نشر علم، برای رسیدگی به فقراء. و در اینصورت باز تنظیم روابط انسانی اتفاق می‌افتد.

... بنابراین ما یک حرف اولیه‌ای داریم و آن این است که ما جامعه اسلامی را در بخش اقتصاد و در بخش غیراقتصاد دعوت می‌کنیم که به مفهوم «سود ارتباطی» توجه کنند. مفهوم سود ارتباطی آنقدر در اسلام مهم است که دستور داده شده است که اموالتان را خرج تنظیم روابط انسانی کنید تا سود ارتباطی به دست بیاید.

در همه جا وقتی بحث سود و مال در اسلام مطرح می‌شود؛ محل هزینه‌کرد پول و مال، تنظیم روابط انسانی است: یا مال را باید در اختیار "خانواده" قرار داد و خانواده هم بخش مهمی از تنظیم روابط انسانی است، یا باید پول را در قالب هدیه به "رفقاء" داد؛ که یک بخش مهمی از تنظیم روابط انسانی



## ۵/۵. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی:

### ۵/۵/۱. جانمایی محله‌ای آرامستان‌ها؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۹)

در حوزه "ساختار عبرت و میراث فرهنگی"، سه اقدام پیشنهادی داریم: اولین اقدام، جانمایی محله‌ای آرامستان‌ها (و به تعبیر بهتر: قبرستان‌ها) است.<sup>۱۰۶</sup> اگر همین یک اقدام در شهر (مثل بعضی از شهرهای ایران که از این لحاظ

است. یا باید از پول مال برای رسیدگی به امور "فقراء" و "ایتام" استفاده کرد؛ که باز مصداق تنظیم روابط انسانی است. باید دقت کرد که پول و مال کمک به تقویت "دشمن" نکند؛ چون اگر شما خودتان به تقویت دشمن کمک کردید، دشمن روابط انسانی شما را به چالش می‌کشد.

بنابراین حرف اول این است که: بله؛ مساله ارزش افزوده مهم است، ولی مهم‌تر از ارزش افزوده و تولید ثروت این است که غرض از تولید ثروت تنظیم روابط انسانی است. بنابراین نباید در فرآیند تولید ثروت، اختلال در روابط انسانی به وجود بیاید... شما چون به دنبال تنظیم روابط انسانی به وسیله مال هستید (و اساساً مال ابزار تنظیم روابط انسانی است) نباید در فرآیند تولید مال و ثروت اختلال ایجاد کنید.

پس این یک بحث اولیه است. من این بحث را در مقابل "کینز" مطرح کردم؛ ما معتقدیم که "کینز" در مساله سود حداقلی بحث کرده است و او و تابعینش معتقد هستند که سود یعنی ارزش افزوده، سود یعنی بهره‌وری، سود یعنی سود صنعتی، و یا حداکثر سود یعنی سود اجتماعی (به معنای برنامه‌ریزی برای جلوگیری از شورش اجتماعی و اختلال کلان در جامعه). ما در اسلام معتقدیم که باید به دنبال "سود ارتباطی" باشیم.

خب؛ (من در اینجا فقط اشاره می‌کنم که) سود ارتباطی هم سیزده محل دریافت اصلی دارد. یعنی سیزده حوزه اصلی دارد، همان سیزده حوزه روابط انسانی که همیشه بحث می‌کنیم: رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شریک شغلی، (مثلاً اگر شما مینا را سود ارتباطی قرار بدهید، در طرف کسب قائل به اقاله می‌شوید. اما اگر شما سود ارتباطی را قبول نکنید و مینا را ارزش افزوده قرار بدهید، بالای مغازه‌تان می‌نویسید: "جنس فروخته شده پس گرفته نمی‌شود حتی شما." و همینطور محکم می‌ایستید. بنابراین مفهوم "اقاله" از دست می‌رود. وقتی شما سود ارتباطی را اصل قرار می‌دهید، مفهوم "خیار" فهم می‌شود. وگرنه به لحاظ ادبیات اقتصادی موجود نمی‌توانید از مفهوم خیار دفاع کنید. همه مفاهیم فقهی شما وابسته به درک این اصل بنیادین است.) رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، با یتیم، با ابن سبیل، با مهمان. همه این حوزه‌ها حوزه‌های کسب سود ارتباطی است.

بنابراین مال [در نگاه اسلام]، هدف نیست برخلاف آنچه که اقتصاددانان گفته‌اند. لذا شما می‌بینید که می‌گویند: دستیابی به رشد مثلاً ۸ درصدی. نامزدهای انتخابات موجود هم همین را می‌گفتند که ما باید به رشد ۸ درصدی دست پیدا کنیم. این رشد ۸ درصدی فقط برای بخش اقتصاد نیست؛ بلکه اصلاً هدف اصلی توسعه، تولید ثروت است. ولی ما می‌گوییم هدف اصلی جامعه اسلامی تنظیم روابط انسانی است. بله؛ تاکید می‌کنم که یکی از پایه‌ها و مواردی که کمک می‌کند به تنظیم روابط انسانی، مال است (که حالا پول بخشی از مال محسوب می‌شود.) ولی تفکر صحیح هم هست، عاطفه هم هست، موارد دیگری هم هست، مدارا هم خیلی کمک می‌کند در تنظیم روابط انسانی. و اینها انعکاس در هم پیدا می‌کنند و تنظیم روابط انسانی اتفاق می‌افتد.

حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری، مکتوب نشست تخصصی پول اعتباری و طرح جایگزین، ص ۸ تا ۱۵  
(در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم)

۱۰۶. ارجاع پژوهشی: الْقَطْبُ الرَّاؤْنِدِيُّ فِي دَعَوَاتِهِ، قَالَ أَبُو دَرَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص: يَا أَبَا دَرَّ! أَوْصِيكَ فَاحْفَظْ لَعَلَّ اللَّهَ يَنْفَعَكَ بِهِ جَاوِرِ الْقُبُورِ تَذَكَّرُ بِهَا الْآخِرَةَ وَ زُرَّهَا أَحْيَانًا بِالنَّهَارِ وَلَا تَزُرْهَا بِاللَّيْلِ...

در روایتی از ابوذری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ای ابوذری! تو را توصیه‌ای می‌کنم پس آن را حفظ کن امید است که خدا به واسطه آن به تو نفع برساند: به قبور نزدیک باش تا به واسطه آنها به یاد آخرت بیفتی و در مواقع مختلف آنان را در روز زیارت کن و در شب زیارت نکن...

پیشرفته هستند و جانمایی محله‌ای قبرستان‌ها در آنها وجود دارد) [اتفاق بیفتد]، "عبرت" در شهر گسترش پیدا می‌کند<sup>۱۰۷</sup> و مجموعه‌ای از مناسک انسان‌ساز (مثل تشییع جنازه) هم راه خواهد افتاد.<sup>۱۰۸</sup> ما از یک طرف این همه

الدعوات (للراوندي)، ص ۲۷۷

مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۳

قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: مَا سَأَلْتُكَ جَاوَزْتَ الْمُقْبِرَةَ؟ فَقَالَ: إِنِّي لِأَجِدُهُمْ جِيرَانَ صَدِيقٍ يَكْفُرُونَ السَّيِّئَةَ وَيُذَكِّرُونَ الْآخِرَةَ.

به امیرالمومنین (علیه السلام) گفته شد: اینکه نزدیک قبرستان هستی چه ویژگی و تاثیری می‌یابی؟ فرمود: آنان را همسایگانی راستگو می‌یابم که گناه را از بین می‌برند و یادآور آخرت می‌شوند.

الدعوات (للراوندي) / سلوة الحزين، النص، ص ۲۷۹

بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۳۲ و ج ۹۹، ص ۲۹۶ و ج ۷۹، ص ۱۷۳ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۳

۱۰۷. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَمَّا دَخَلَ الْمَقَابِرَ: يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ أَمَا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ - فَهَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا وَ كَيْتَ شِعْرِي مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ قَالَ لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْجَوَابِ لَقَالُوا: «إِنَّ خَيْرَ الرِّيَاضِ التَّقْوَى».

امیرالمومنین (علیه السلام) هر گاه داخل قبرستان می‌شد می‌فرمود: «یا اهل التربة و یا اهل الغربة اما الدور فقد سكنت و اما الأزواج فقد نكحت، و اما الاموال فقد قسمت» یعنی: ای ساکنان خاک و ای جدا ماندگان از یار و دیار، آن خانه‌ها را که متعلق بشما بود دیگران در آن نشستند و آن زنان را دیگران به نکاح در آورده‌اند و آن مالها که داشتید کسان دیگر قسمت نمودند.

بعد آن حضرت می‌افزود: این خبرهاییست که نزد ما بود کاش می‌دانستیم شما چه خبرها دارید، سپس روی به یاران خود نموده و می‌فرمود: اگر ایشان را رخصت پاسخ می‌دادند حتما می‌گفتند: «بدانید بهترین توشه‌ای که بکار آید همانا تقوی و پرهیزکاری است».

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۹

بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۶۹

قَالَ اميرالمومنين ع (وَ قَدْ رَجَعَ مِنْ صَفَيْنَ فَأَشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بظَاهِرِ الْكُوفَةِ): يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْبِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ بَيْعٌ لَاحِقٌ أَمَا الدُّورُ فَقَدْ سُكِنَتْ وَ أَمَا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرٌ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَا [وَ اللَّهُ] لَوْ أُذِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الرِّيَاضِ التَّقْوَى.

و آن حضرت وقتی از صفین بازگشت به گورستان بیرون کوفه نظر کرد و فرمود: ای صاحبان سراهای وحشت‌زا، و مکانهای بی‌آب و گیاه، و قبرهای تاریک، ای خاکیان، ای غریبان، ای بی‌کسان، ای وحشت‌زدگان، شما ما را پیشروید که بر ما پیشی جستید، و ما شما را پیرویم که به دنبال شما می‌رسیم. اما خانه‌ها: غیر شما در آن ساکن شدند، اما همسران: دیگران با آنان ازدواج کردند، اما اموال: همه آنها تقسیم شد. این است خبری که نزد ماست، خبر آنچه نزد شماست چیست؟

پس رو به جانب یاران کرد و فرمود: اگر به آنان اجازه سخن می‌دادند به شما می‌گفتند که: «بهترین توشه تقواست».

نهج البلاغة، ص ۴۹۲

حَدَّثَنِي أَبِي رَه عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَنِ الثَّضَرِّ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا مَرَّ بِقُبُورِ قَوْمٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِأَحِقُونَ.

محمد بن مسلم: از امام باقر (علیه السلام)، شنیدم که می‌فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هر گاه به قبور دسته‌ای از مؤمنین عبور می‌کردند می‌فرمودند: السلام علیکم من ديار قوم مؤمنين (سلام بر شما که از شهرهای قوم اهل ایمان هستید). و انا ان شاء الله بكم لاحقون (ما نیز ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد).

کامل الزیارات، ص ۳۲۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۹

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

روایت در مورد [تشویق در مورد رفتن به] "تشییع جنازه" داریم و ثواب‌هایی که حضرات معصومین (علیهم صلوات الله اجمعین) برای آن بحث کرده‌اند،<sup>۱۰۹</sup> اما [نحوه ساخت و مدیریت] شهر به ما اجازه "تشییع" نمی‌دهد!

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ: مَرَّتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ ع بِالْبَقِيعِ فَمَرَرْنَا بِقَبْرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنَ الشَّيْعَةِ قَالَ فَوَقَفَ عَلَيْهِ ع فَقَالَ: «اللَّهُمَّ اِرْحَمْ غُرَبَاءَهُ وَ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آتِنِسْ وَحْشَتَهُ وَ أَسْكِنِ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتُغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ وَ أَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ».

عمرو بن ابی المقدام، از پدرش، وی گفت: در خدمت امام باقر (علیه السلام) به قبرستان بقیع عبور کردیم، به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، راوی می‌گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند: «بار خدایا به غربتش رحم فرما، وحدت و تنهائیش را به پیوند مبدل کن، در حال وحشتش انس بر قرار فرما، هراس او را بر طرف کن، از رحمت آن قدر نصیبش نما که از رحمت غیر تو بی‌نیاز گردد، و ملحقش کن به آنان که وی ایشان را دوست دارد.»

الکافی، ج ۳، ص ۲۲۹ / کامل الزیارات، ص ۳۲۱ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۰۵ / الدعوات (للراوندي)، ص ۲۷۱ و سائل الشيعة، ج ۳، ص ۲۰۰

۱۰۸. **ارجاع پرورشی: آداب تشییع جنازه** بسیار است که از آن جمله است: کسی که جنازه را حمل می‌کند، هنگام حمل جنازه بگوید «بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آل محمد، اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات».

و از آن جمله اینکه: جنازه را بر دوش بگذارند و ببرند تا از ثواب آن محروم نشوند، و روی چهار پا و مانند آن برده نشود، مگر آنکه عذری باشد مثل دوری راه، البته حمل جنازه با چهارپا و مانند آن، معلوم نیست که مکروه باشد. و از آن جمله اینکه: تشییع‌کننده در حال خشوع و تفکر باشد و چنین تصور کند که خود او را برداشته و می‌برند و او بازگشت به دنیا را خواهش کرده و اجابت شده است.

و از آن جمله اینکه: در حال تشییع پیاده باشد و سوار شدن در آن حال مکروه است، مگر آنکه معذور باشد، البته در وقت بازگشتن مکروه نیست. و از آن جمله اینکه: پشت سر جنازه یا در یکی از دو طرف آن راه برود و اولی (پشت سر) افضل است.

و از آن جمله اینکه: هر تشییع‌کننده هر چهار طرف تابوت را بردارد و بهتر است اول جلوی تابوت طرف راست میت را بر دوش راست بگذارد سپس طرف راست آخر تابوت را روی دوش راست بگذارد بعد از آن طرف چپ آخر تابوت را روی دوش چپ بگذارد، آنگاه به قسمت چپ جلوی تابوت رفته آن را روی دوش چپ بگذارد.

و از آن جمله اینکه: صاحب عزا پا برهنه باشد و عباي خود را از دوش بردارد یا برای شناخته شدن بطوری که مناسب شخص عزا دار است وضع ظاهری خود را تغییر دهد. و خندیدن و لهو و لعب و برداشتن عبا برای غیر صاحب عزا، و تند راه رفتن بطوری که منافی مدارات با میت باشد خصوصاً دیدن، در تشییع جنازه مکروه است، و سزاوار است که تشییع‌کنندگان در راه رفتن میانه‌روی نمایند. و به جز چراغ، آتش بردن پشت سر جنازه بلکه برداشتن هرگونه روشنایی در حال تشییع در شب، مکروه است و در موقع عبور جنازه برخاستن شخص نشسته مکروه است مگر آنکه میت کافر باشد که در این صورت بر می‌خیزد و بهتر آنست که زنها در تشییع جنازه شرکت نکنند اگر چه میت زن باشد و بعید نیست شرکت زنهاي جوان، در تشییع جنازه مکروه باشد.

ترجمه تحریر الوسيلة (امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۱۳۹ تا ۱۴۱

۱۰۹. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: مَنْ حَمَلَ أَحَاةَ الْأُمَيَّةِ بِجَوَانِبِ السَّرِيرِ الْأَزْبَعَةِ مَعَ اللَّهِ عَنْهُ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً مِنَ الْكَبَائِرِ.

امام باقر (علیه السلام): هر کس جنازه برادر مرده خود را با گرفتن چهار گوشه تابوت بردارد خداوند چهل گناه از گناهان کبیره او را محو و نابود می‌سازد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۲

وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۱۵۴ / الوافي، ج ۲۴، ص ۳۹۵

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا حَمَلْتَ جَوَانِبَ السَّرِيرِ سَرِيرِ الْأُمَيَّةِ حَرَجْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدْتَكَ أُمَّكَ.

شما باید بروید فقط از محل نماز میت تا محل قبر، تشییع جنازه را انجام بدهید. درحالیکه [آنچه در روایات تاکید شده است] تشییع در محله است؛<sup>۱۱۰</sup> [با انجام دادن تشییع در محله] همه [اهل محله و همسایه‌ها] می‌فهمند که

امام صادق (علیه السلام): هر گاه چهار گوشه تابوت میت را برداری و حمل کنی، از گناهان خارج و عاری و شسته میشوی آنچنان که مادرت تو را زانیده است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۲

وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۱۵۵ / الوافي، ج ۲۴، ص ۳۹۶ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا أُدْخِلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرَهُ نُودِيَ أَلَّا إِنَّ أَوَّلَ جَنَاتِكَ الْجَنَّةُ وَ جِبَاءَ مَنْ تَبِعَكَ الْمَغْفِرَةُ.

امام باقر (علیه السلام): چون مؤمن در گور خود نهاده شود، او را ندا آید: هان! نخستین هدیه به تو بهشت و هدیه کسانی که تشییع کرده‌اند، آمرزش است.

الكافي، ج ۳، ص ۱۷۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۲

الدعوات (للراوندي)، ص ۲۶۱

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۵۹ / وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۱۴۲ / الوافي، ج ۲۴، ص ۳۹۹ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۹۴

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ سَبَّحَ جَنَازَةَ مُؤْمِنٍ حَتَّى يُدْفَنَ فِي قَبْرِهِ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ سَبْعِينَ مَلَكاً مِنَ الْمُسَيَّبِينَ يُسَبِّحُونَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ إِلَى الْمَوْقِفِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس جنازه مؤمنی را تشییع کند تا او در قبرش دفن شود خداوند هفتاد فرشته را که کارشان تشییع است بر او گمارد تا زمانی که از قبرش بیرون می‌آید و بسوی موقف میرود او را با اعزاز و اکرام تشییع نمایند. (تا از فرغ و هول قیامت ایمن باشد).

الكافي، ج ۳، ص ۱۷۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۲ / الأمالي (للسدوق)، ص ۲۱۷

سند امالی: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْدِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ

روضة الواعظين، ج ۲، ص ۴۸۸

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۵۷ / الوافي، ج ۲۴، ص ۴۰۰ / وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۱۴۵

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوَّلُ مَا يُتَحَفَّ بِهِ الْمُؤْمِنُ يُغْفَرُ لِمَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ. امام صادق (علیه السلام): اول تحفه‌ای که بمؤمن در قبرش داده می‌شود (و باعث خشنودی خاطر او می‌شود) اینست که به او خبر می‌دهند که گناهان کسانی که او را تشییع کرده بودند بخشیده شد.

الكافي، ج ۳، ص ۱۷۳ / تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۴۵۵ (با عین سند کافی) / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۲ (مرسلاً) / الخصال، ج ۱، ص ۲۴

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِي عَنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَانَ وَ ابْنِ أَبِي حَفْرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

المؤمن (حسین بن سعید اهوازی، قرن ۳)، ص ۶۵

وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۱۴۳ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۹۶ / الوافي، ج ۲۴، ص ۳۹۹

۱۱۰. **ارجاع پژوهشی:** عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَ لَادٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يُتَّبَعِي لِأَوْلِيَاءِ الْمَيِّتِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤَدُّوا إِخْوَانَ الْمَيِّتِ بِمَوْتِهِ فَيَسْهَدُونَ جَنَازَتَهُ وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ فَيَكْتَبُ لَهُمُ الْأَجْرُ وَ يَكْتَبُ لِلْمَيِّتِ الْإِسْتِغْفَارَ وَ يَكْتَسِبُ هُوَ الْأَجْرَ فِيهِمْ وَ فِيمَا كَتَسَبَ لِمَيِّتِهِمْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ.

یک آدم خوب یا یک آدم بد از دنیا رفته است. و خود این خبر تا دو-سه روز [در محله]، کنترل و پیشگیری و تعدیل جرم ایجاد می کند.

## ۵/۵/۳۰۲. راه افتادن مردمی غسل میّت و احتضار خانگی؛ دومین و سومین برنامه

### اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۱۰۹)

دیگری مسئله راه افتادن مردمی "غسل میّت" است و ملحق به این بحث، "احتضار خانگی" هم باید احیاء شود. اینکه در رساله‌های ما، فقهای عظیم‌الشان شیعه احکامی برای احتضار خانگی بیان کرده‌اند<sup>۱۱۱</sup> (ولی متأسفانه

امام صادق علیه السلام: شایسته است که صاحبان عزا برادران دینی میّت را از مرگ او با خبر سازند، تا در تشییع جنازه حاضر شوند و بر او نماز خوانند و برای او استغفار کنند؛ بدین ترتیب، هم برای آنان اجری حاصل شود و هم برای میّت استغفار به عمل آید.

الكافي، ج ۳، ص ۱۶۶ / علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۰۱

سند علل: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي وَادِيَةَ وَابْنِ سَيَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الدعوات (للاوندي)، ص ۲۵۹ / مكارم الأخلاق، ص ۳۶۰

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۴۸

۱۱۱. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص: يَا أَبَا ذَرٍّ! أَوْصِيكَ فَاَحْفَظْ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَنْفَعَكَ بِهِ جَاوِرِ الْقُبُورِ تَذَكُّرُ بِهَا الْآخِرَةِ وَ زُرَّهَا أَحْيَاناً بِالنَّهَارِ وَ لَا تَزُرْهَا بِاللَّيْلِ وَ اغْسِلِ الْمَيِّتَ يَتَحَرَّكَ قَلْبُكَ فَإِنَّ الْجَسَدَ الْخَاوِيَّ عِظَةٌ بِاللَّغَةِ وَ صَلَّى عَلَى الْجَنَائِزِ لَعَلَّ ذَلِكَ يَحُزُّنُكَ فَإِنَّ الْحُزْنَ فِي أَمْرِ اللَّهِ يُعَوِّضُ خَيْراً وَ جَالِسِ الْمَسَاكِينَ وَ عُذُّهُمْ إِذَا مَرَضُوا...

الدعوات (للاوندي)، ص ۲۷۷

و في وصية النبي ص أبا ذر رضي الله عنه: زر القبور تذكر بها الآخرة و لا تزرها ليلا و غسّل الموتى يتحرك قلبك فإن الجسد الخاوي عظة بليغة و صل على الموتى فإن ذلك يحزنك فإن الحزين في ظل الله.

وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ابوذر: ای ابوذر! به زیارت قبرها برو تا آخرت را به یاد آری و مردگان را غسل بده زیرا زیر و رو کردن جسد بیحرکت موعظه‌ای کامل است بر مردگان نمازگزار شاید بدین وسیله محزون شوی زیرا شخص محزون در روز رستاخیز زیر سایه خداست.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۸، ص ۳۲۳ و ج ۲۰، ص ۳۴۴ (و فيه: فإن الحزين قريب من الله" بدل "فإن الحزين في ظل الله")

نهج الفصاحة، ص ۵۱۰

### ۱۱۲. ارجاع پرورشی: احکام محتضر:

#### مسأله ۵۲۲. چگونگی قرار دادن محتضر:

۱- مسلمانی که محتضر است (یعنی در حال جان دادن است)، اعمّ از این که مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید به پشت خوابانده شود، به طوری که کف پاهای او به طرف قبله باشد.

۲- اگر خواباندن او کامل به صورت فوق ممکن نبود، احتیاطاً و رجائاً تا اندازه‌ای که ممکن است به این دستور عمل شود.

۳- چنانچه خواباندن او به هیچ صورت ممکن نباشد، به قصد احتیاط او را رو به قبله بنشانند.

۴- اگر به صورت نشستن نیز امکان نداشت، به قصد احتیاط او را به پهلو راست یا به پهلو چپ و رو به قبله بخوابانند.

#### مسأله ۵۲۳. مدت قرار دادن محتضر رو به قبله:

احتیاط واجب آن است که تا وقتی او را از محل احتضار حرکت نداده‌اند، رو به قبله باشد و پس از حرکت دادن او، این احتیاط واجب نیست.

#### مسأله ۵۲۴. رو به قبله کردن محتضر:

۱- رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمانی واجب است.

۲- اجازه گرفتن از ولی او، در اینجا لازم نیست.

#### مسئله ۵۲۵. تلقین شهادتین و عقاید حقه:

۱- مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقه را به کسی که در حال جان دادن است، طوری تلقین کنند که آنرا بفهمد.

۲- مستحب است چیزهایی را که گفته شد، تا وقت مرگ تکرار کنند.

#### مسئله ۵۲۶. دعای تلقین به محتضر:

مستحب است این دعاها را طوری به محتضر تلقین کنند که بفهمد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَبِيرَ مِنْ مَعْصِيكَ وَ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَ يَعْطُو عَنِ الْكَبِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اغْفُ عَنِّي الْكَبِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْعَفُورُ اللَّهُمَّ اَرْحَمَنِي فَانْتَكَ رَحِيمًا».

#### مسئله ۵۲۷. اگر سخت جان می‌دهد:

مستحب است کسی را که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود به جایی که نماز می‌خوانده است، ببرند.

#### مسئله ۵۲۸. برای راحت شدن محتضر:

مستحب است برای راحت شدن محتضر، بر بالین او سوره مبارکه یس، و الصافات، احزاب، آیه الکرسی، آیه ۵۴ سوره اعراف (یعنی آیه إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ... ) و سه آیه آخر سوره بقره و بلکه هر چه از قرآن ممکن است خوانده شود.

#### مسئله ۵۲۹. مکروهات احتضار:

این امور در مورد محتضر مکروه است:

۱- تنها گذاشتن محتضر.

۲- گذاشتن چیز سنگین روی شکم او.

۳- بودن جُثب و حائض نزد او.

۴- حرف زدن زیاد نزد او.

۵- گریه کردن نزد او.

۶- تنها گذاشتن زن‌ها نزد او.

#### احکام بعد از مرگ:

#### مسئله ۵۳۰. مستحبات بعد از مرگ:

بعد از مرگ این امور مستحب است:

۱- بستن دهان میت، برای این که باز نماند.

۲- بستن چشم‌ها و چانه میت.

۳- دراز کردن دست و پای او.

۴- پوشاندن روی او (با پارچه‌ای و مانند آن).

۵- روشن کردن چراغ در جایی که مرده است (اگر در شب بمیرد).

۶- خبر دادن فوت او به مؤمنین برای شرکت در تشییع جنازه وی.

۷- تعجیل در دفن او ولی اگر یقین به فوت او ندارند، باید صبر کنند تا فوت او ثابت شود و نیز اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را عقب بیندازند که پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی او را بدوزند.

بیمارستان‌های مقلد WHO این موضوع را تعطیل کرده‌اند) و اینکه پدیده غسل میّت (برخلاف تاکید روایات) تبدیل به یک شغل شده است،<sup>۱۱۳</sup> به جای اینکه تبدیل به یک پدیده عمومی شود؛ اینها همه باعث کاهش "عبرت" در جامعه شده است.

پس ما اعتقاد داریم اگر می‌خواهید "پیشگیری از جرم" ایجاد کنید، باید آرامستان‌ها [درون شهر و محلات] جانمایی شوند. حالا به طلبه‌های فاضلی که در جلسه هستند توجه می‌دهم که امشب روایات مربوط به "جانمایی قبرستان" را ببینند، این موضوع الان نقض و دچار چالش شده است. این یک اقدام شد.

## ۵/۵/۴. تبیین روایت خانه‌های قدیمی پیشرفته؛ چهارمین برنامه اولویت‌دار در حوزه عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۱۱)

اقدام دیگر [در ساختار عبرت] این است که: باید به صورت مجزا برای خانه‌های قدیمی برنامه روایت نوشته شود. یک سوالی در اینجا مطرح است که من از مدیران شهری و جناب آقای دکتر سقائیان‌نژاد شهردار محترم قم می‌پرسم: آیا خانه‌های قدیمی قم پیشرفته‌تر بوده‌اند؟ یا آپارتمان‌هایی که شما مجوز ساخت به آنها می‌دهید؟ اگر

۱۱۳. مسأله ۵۵۶. مزد گرفتن برای غسل میت:

۱- جایز نیست برای غسل دادن میت، مزد گرفته شود.

۲- اخذ اجرت برای کارهای غیر واجب غسل حرام نیست.

توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۱۲۶

### قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات:

یکی از قواعد فقهیه‌ای که بین فقها مشهور است، قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات است. یعنی هر آن چیزی که فعلش بر مکلف واجب است، اکتساب به آن نیز حرام است؛ چه واجب عینی باشد یا کفائی، یا تبدی یا توصلی. پس کسب و درآمد به وسیله اعمال واجب، بنا بر نظر مشهور فقها، محکوم به حرمت است.

قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد)، ج ۲، ص: ۱۶۵

مرحوم شیخ حرّ عاملی (ره) نیز از روایت زیر (همانطور که از نامگذاری و عنوان باب ظاهر می‌گردد): کسب درآمد از راه کفن و دفن میت را حرام می‌دانند:

و مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُثَنَّبِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ غُلَوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع: أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَاللَّهِ إِنِّي أَحْبَبْتُكَ لِلَّهِ فَقَالَ لَهُ لِكَيْتِي أُبْعِضَكَ لِلَّهِ قَالَ وَ لِمَ قَالَ لِأَنَّكَ تَبْغِي فِي الْأَذَانِ وَ تَأْخُذُ عَلَيَّ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ أَجْرًا وَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ مَنْ أَخَذَ عَلَيَّ تَعْلِيمِ الْقُرْآنِ أَجْرًا كَانَ حَظْلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

شخصی نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! بخدا سوگند که من تو را بخاطر خدا دوست دارم! پس حضرت به او فرمود: ولی من تو را بخاطر خدا دشمن می‌دارم! گفت: چرا؟! فرمود: چون تو در مورد اذان ظلم می‌کنی و براب تعلیم قرآن مزد و اجر می‌گیری. و من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: هر کس بر تعلیم قرآن مزد و اجر بگیرد، [همین اجری که در دنیا دریافت کرده] پاداش او در قیامت خواهد بود.

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۷۶ / الإستبصار، ج ۳، ص ۶۵ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۸

الوافی، ج ۱۷، ص ۲۳۸

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۵۷ (باب عَدَمِ جَوَازِ أَخْذِ الْأَجْرِ عَلَى الْأَذَانِ وَ الصَّلَاةِ بِالنَّاسِ وَ الْقَضَاءِ وَ سَائِرِ الْوَأَجِبَاتِ كَتَفْسِيلِ الْأَمْوَاتِ وَ تَكْفِينِهِمْ وَ دَفْنِهِمْ)

قبول دارید که آپارتمان بنایی عقب‌افتاده و مُضَرّ به روابط انسانی است، من پیشنهاد می‌کنم که شما توبه را از اینجا شروع کنید که یک روایت ویژه‌ای برای خانه‌های قدیمی قم راه بیاندازید. و این جزء برنامه‌های اصلی شما قرار بگیرد. مردم (به خصوص نسل‌های جدید) آرام آرام یادشان رفته است که یک مدل زندگی پیشرفته‌ای شاید در یکی دو دهه قبل در همین شهر قم جریان داشته است.

اینکه من عرض می‌کنم: زندگی پیشرفته‌ای در یکی دو دهه گذشته در قم جریان داشته است؛ [منظورم این است که] حتی از حیث شاخصه‌های امروزی پیشرفت [پیشرفته‌تر بوده‌اند]. مثلاً: خانه‌ای که کاهش زباله کمتری دارد، حتماً پیشرفته‌تر از خانه‌ای است که زباله زیادی تولید می‌کند. خود شما می‌گویید: قم روزانه ۶۰۰ تن زباله تولید می‌کند! <sup>۱۱۴</sup> (غیر از مشکلات حوزه زیست محیطی، مشکلات هزینه‌ای و اقتصادی و مشکلات حوزه سلامت [که تولید زباله ایجاد می‌کند]) <sup>۱۱۵</sup> اینها همه علامت عقب‌افتادگی یک شهر است.

۱۱۴. **ارجاع پردازشی:** قم-ایرنا- مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری قم با بیان اینکه تا پایان شهریورماه سال جاری دفن زباله نزدیک صفر خواهد شد، گفت: روزانه بصورت متوسط ۷۰۰ تن زباله و پسماند خانگی در قم تولید و به سایت مخصوص دفع زباله البرز منتقل می‌شود. سید عبدالله میرابراهیمی روز سه شنبه در جمع خبرنگاران، بیان کرد: ۹۰ تن زباله تولیدی در قم روزانه به دلیل ارزش اقتصادی روزافزون آنها توسط زباله گردهای غیررسمی و همچنین پیمانکاران رسمی شهرداری تفکیک و به سایت البرز منتقل نمی‌شود. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری قم با بیان اینکه سال گذشته بصورت متوسط روزانه ۶۰۳ تن زباله به سایت البرز منتقل شده است، اضافه کرد: طی چهار سال هر سال بین دو تا ۴ درصد تولید زباله در قم کاهش یافته که یکی از عوامل مهم آن افزایش ارزش اقتصادی زباله و تفکیک آن توسط زباله گردها در کنار اصلاح رفتار مردم در تفکیک از مبدا بوده است.

منبع: خبرگزاری ایرنا - ۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ - کد خبر: ۸۴۷۳۲۲۱۵

<https://irna.ir/xjJdpT>

۱۱۵. **ارجاع پردازشی:** مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری قم با بیان اینکه از مجموع زباله های روزانه منتقل شده به سایت البرز ۱۰ درصد از آنها ارزش اقتصادی دارد که ۹ درصد از آن را انواع پلاستیک شامل می‌شود، بیان کرد: ۵۰ درصد زباله های تولیدی در قم پسماند خوراکی و ارگانیک هستند که تبدیل به کود کمپوست می‌شوند. وی ادامه داد: ۲۰ درصد زباله و پسماند تولید شده در قم را انواع مواد پلاستیکی و نایلونی تشکیل می‌دهد، همچنین هم اکنون ۳۰۰ تن زباله روزانه در قم دفن می‌شود که با راه اندازی خط جدید پردازش در سایت البرز از دفن آنها جلوگیری بعمل خواهد آمد. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری قم با بیان اینکه از مجموع زباله های روزانه منتقل شده به سایت البرز ۱۰ درصد از آنها ارزش اقتصادی دارد که ۹ درصد از آن را انواع پلاستیک شامل می‌شود، بیان کرد: ۵۰ درصد زباله های تولیدی در قم پسماند خوراکی و ارگانیک هستند که تبدیل به کود کمپوست می‌شوند. وی عنوان کرد: روزانه ۳۰ تا ۴۰ تن کود کمپوست در سایت البرز قم تولید می‌شود که با راه اندازی خط جدید پیش بینی تولید روزانه ۷۰ تن کود می‌رود.

میرابراهیمی با بیان اینکه ۴۰ درصد زباله تولیدی در قم ارزش حرارتی دارد که می‌تواند در تولید انرژی و مواد پایه نفتی مورد استفاده قرار بگیرد، گفت: هم اکنون طرح مطالعاتی این مساله در حال انجام است که با نهایی شدن آن تا پایان شهریورماه سالجاری دفن زباله در قم به کمتر از ۱۰ درصد خواهد رسید. وی با اشاره به فعالیت حدود ۳۰۰ گاراژ و انبار غیرمجاز تفکیک و جمع‌آوری زباله با گردش مالی بسیار بالا، عنوان کرد: این مراکز طی سالهای گذشته به یکی از آسیب‌های شهر قم در حوزه مدیریت شهری، مباحث فرهنگی و امنیتی تبدیل شده است.

میرابراهیمی با تاکید بر تخلیه غیرمجاز نخاله‌های ساختمانی در ورودی‌های شهر، ادامه داد: روزانه ۵ تا ۶ هزار تن پسماند و نخاله ساختمانی در قم تولید و در چهار سایت ویژه دیو می‌شود این قبیل از پسماندها بدلیل عدم تقاضا در جامعه و ارزش اقتصادی خاص جذائیتی جهت تفکیک و بازآفرینی



خانه‌های قدیمی سرمایه طبیعی داشته‌اند، آیا این پیشرفته‌تر نیست؟! میانگین دمای شهر قم در ۲۰ سال قبل، شاید مثلاً ۱۰ درجه پایین‌تر از دمای فعلی بوده است؛ چرا الان شهر گرم‌تر شده است؟ آیا الان پیشرفته‌تر شده‌ایم یا پسررفته‌تر هستیم؟ این باید بحث شود. لذا وقتی ما عرض می‌کنیم خانه‌ها باید روایت شوند، [بخاطر تبیین این ویژگی‌هاست]. من متوجه هستم که الان درب برخی از بناهای قدیمی و تاریخی قم باز است؛ ولی روایت ندارند. باید یک روایتی از این خانه‌ها اتفاق بیفتد تا مردم متوجه شوند که تبعیت از سند ۲۰۳۰،<sup>۱۱۶</sup> ساختمان را در قم عقب افتاده‌تر کرده است! این موضوع را باید بحث کنیم.

ندارد. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری قم ابراز داشت: روزانه همچنین ۵ تا ۶ تن زباله عفونی در قم تولید و بی‌خطر سازی و در لایه‌های آهکی دفن می‌شود که ۵۰ درصد از آن مربوط به درمانگاه‌ها و مطب‌ها و ۵۰ درصد نیز شامل بیمارستانهای بزرگ شهر قم می‌شود. میرابراهیمی با بیان اینکه سایت البرز در زمینی به مساحت ۲۰۰ هکتار بزرگترین مرکز مدیریت پسماند قم است، گفت: طبق پیش‌بینی‌های انجام و با راه‌اندازی خط جدید پردازش، دفن زباله در قم تا پایان شهریورماه به صفر نزدیک خواهد شد.

منبع: همان

۱۱۶. **ارجاع پردازشی:** Sustainable Cities and Communities (شهرها و جوامع پایدار) هدف یازدهم از اهداف ۱۷ گانه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است:

The Sustainable Development Goals are a universal :17 Goals for People, for Planet :The Sustainable Development Agenda call to action to end poverty, protect the planet and improve the lives and prospects of everyone, everywhere. The 17 Goals were adopted by all UN Member States in 2015, as part of the 2030 Agenda for Sustainable Development which set out a 15-year plan to achieve the Goals.

(1) No Poverty, (2) Zero Hunger, (3) Good Health and Well-being, (4) Quality Education, (5) Gender Equality, (6) Clean Water and Sanitation, (7) Affordable and Clean Energy, (8) Decent Work and Economic Growth, (9) Industry, Innovation and Infrastructure, (10) Reducing Inequality, (11) **Sustainable Cities and Communities**, (12) Responsible Consumption and Production, (13) Climate Action, (14) Life Below Water, (15) Life On Land, (16) Peace, Justice, and Strong Institutions, (17) Partnerships for the Goals.

دستور کار توسعه پایدار: ۱۷ هدف برای مردم، برای کره زمین: اهداف توسعه پایدار یک فراخوان جهانی برای اقدام برای پایان دادن به فقر، محافظت از کره زمین و بهبود زندگی و چشم‌انداز همه، در هر مکان است. این ۱۷ هدف توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که برنامه‌ای ۱۵ ساله برای دستیابی به هدف تعیین کرده بود، تصویب شد.

۱۷ اهداف: (۱) عدم فقر، (۲) گرسنگی صفر (۳) سلامتی و رفاه، (۴) آموزش با کیفیت، (۵) برابری جنسیتی، (۶) آب تمیز و بهداشتی، (۷) انرژی مناسب و تمیز، (۸) مناسب کار و رشد اقتصادی، (۹) صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها، (۱۰) کاهش نابرابری، (۱۱) شهرها و جوامع پایدار، (۱۲) مصرف و تولید مسئولانه (۱۳)، اقدامات اقلیمی، (۱۴) زندگی در زیر آب، (۱۵) زندگی در خشکی، (۱۶) صلح، عدالت، و نهادهای قوی، (۱۷) مشارکت برای هدف.

آدرس مطلب: سایت سازمان ملل - <https://b2n.ir/u66395>

## ۵/۵/۵. ایجاد دفترچه روایت جدید آثار باستانی؛ پنجمین برنامه اولویت‌دار در حوزه

### عبرت و میراث فرهنگی (تصمیم ۱۲)

غیر از خانه‌های قدیمی، آثار باستانی شهر قم هم باید دفترچه روایت جدید پیدا کند. یونسکو (UNESCO)<sup>۱۱۷</sup> در قم و مشهد و بیش از همه جا در اصفهان، اختیار روایت شهرهای ما را بر عهده گرفته است! بنده در همین جا از مدیر محترم حوزه علمیه یزد حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین شمس خواهش می‌کنم که اجازه ندهند "بافت تاریخی شهر یزد" توسط یونسکو روایت و مدیریت شود. الان یونسکو به این اسم که بافت تاریخی شهر یزد دارای میراث و ارزش فرهنگی است، در حال گسترش روایت غلط در این شهر است. بنده از ایشان خواهش می‌کنم که به این مسئله توجه کنند. اگر کمک فقهی هم خواستند، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی می‌تواند به کمک دوستان برود و این مسئله را مدیریت کند.

شهر قم هم همین‌طور است، "آتشکده قم"<sup>۱۱۸</sup> باید روایت شود، این محوطه‌های تاریخی شهر قم باید روایت شوند. اگر ما اینها را روایت نکنیم، یونسکو و جریان‌های منحرف اینها را غلط روایت می‌کنند. اصلاً یکی از مشکلات

۱۱۷. **ارجاع پرورشی: یونسکو سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد است.** این سازمان به دنبال ایجاد صلح از طریق همکاری بین‌المللی در حوزه‌های آموزش، علوم و فرهنگ است. برنامه‌های یونسکو با نیل به اهداف توسعه پایداری معاضدت و هم‌بخشی دارد که در دستور کار ۲۰۳۰، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ تعریف و تبیین شده است.

چشم‌انداز: تمهیدات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها در جهت تضمین حمایت پایدار و ناب از مردمان جهان کافی نیست. صلح باید مبتنی بر گفتگو و درک متقابل باشد و بر اساس همبستگی و انسجام فکری و اخلاقی بشریت بنا شود. در این راستا، یونسکو سازوکارهای آموزشی را به منظور کمک به مردم ایجاد کرده و بسط و گسترش می‌دهد تا همچون شهروندان جهانی عاری از نفرت و نابردباری (عقیدتی) زیست نمایند. یونسکو به گونه‌ای فعالیت می‌کند که هر کودک و شهروند به آموزش با کیفیت و برابر دسترسی داشته باشد. یونسکو با ترویج میراث فرهنگی و عزت برابر همه فرهنگ‌ها، پیوندها را در میان ملت‌ها تقویت می‌کند. یونسکو برنامه‌ها و خط‌مشی‌های علمی را به عنوان بسترهای توسعه و همکاری ترویج کرده و بهبود می‌بخشد. یونسکو پای‌آزادی بیان، به عنوان یک حق اساسی و شرط اصلی دموکراسی و توسعه، ایستاده است.

منبع: کمیسیون ملی یونسکو در ایران - <https://b2n.ir/h95812>

۱۱۸. **ارجاع پردازشی: شهر قم در قبل از اسلام، آتشکده‌ها و چهارطاقی‌هایی داشته که برخی از آنان کهن و دیرینه بوده است.** در بیشتر دهات مرکزی قم، اشراف و بزرگان روستاها آتشکده‌هایی روشن می‌کردند. برای نمونه در جمکران که دوازده محله وجود داشته، برای هر محله آتشکده‌ای بوده است که با توجه به وجود محوطه تاریخی ۵۰۰۰ ساله قلی درویش در نزدیکی این محل، باید منطقه کنونی جمکران قم را دارای پیشینه تاریخی چند هزار ساله دانست... از آتشکده‌های بزرگ دوره ساسانی نزدیک به استان قم نیز می‌توان به آتشکده آتشکوه واقع در جاده دلیحان به محلات اشاره کرد که به تازگی نیز مورد مرمت و بازسازی میراث فرهنگی استان مرکزی قرار گرفته است.

امروزه سه آتشکده نویس، کرمجگان و قلعه دختر از آتشکده‌های موجود در استان قم به دست سازمان میراث فرهنگی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده و بر روی چهارطاقی نویس نیز عملیات مرمت و بازسازی صورت گرفته است.

منبع: بانک اطلاعات گردشگری

<http://parsmiras.blogfa.com/post/193>

جمهوری اسلامی در ۴۰ سال گذشته این بوده که روایت میراث فرهنگی را در اختیار تفکرات غلط قرار داده است. حالا اینکه چطور باید یک میراث فرهنگی را روایت کرد؛ در بحث "الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی" بحث آن را مطرح کرده‌ایم که دیگر وارد آن بحث نمی‌شوم. پس این هم سه اقدام در مسئله عبرت و میراث فرهنگی بود که ما پیشنهاد دادیم.

## ۵/۶. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهری:

### ۵/۶/۱. کاهش سفرهای درون شهری؛ اولین برنامه (شاخص) اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهر (تصمیم ۱۳)

در مسئله "فرقان و ارزیابی شهری" سه اقدام (یعنی سه شاخص جدید) پیشنهاد داده‌ایم. برنامه ارزیابی شهر قم باید تغییر پیدا کند، من با توجه به تعاریف فعلی و با وضعیت فعلی سه شاخص را پیشنهاد داده‌ام: شهر پیشرفته، شهری است که سفرهای درون‌شهری در آن کاهش پیدا کند. افزایش سفر درون‌شهری یعنی: افزایش ترافیک، افزایش مصرف سوخت، افزایش آلودگی هوا، افزایش آلودگی‌های صوتی. پدیده ترافیک یک پدیده مُضَرّ است؛ [لذا] اگر شما بتوانید سفرهای درون‌شهری را کاهش دهید، همه هزینه‌های مرتبط با این چهار بخش کاهش پیدا خواهد کرد. حالا چطور می‌شود این کار را کرد؟ من بعداً بحث خواهم کرد و الان نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم.<sup>۱۱۹</sup> فقط می‌خواهم بگویم که شاخص را نباید غلط انتخاب کرد، باید شاخص‌ها را درست انتخاب کنیم.

بنا به کشفیات تپه‌های قلی درویش در حوالی جمکران، قم قدمتی نه هزار ساله دارد. به گواهی این کشفیات، قم در چند هزار سال پیش نیز منطقه‌ای مذهبی به شمار می‌رفته است.<sup>[۱]</sup> بنابراین دور از انتظار نیست که زمانی در این شهر و اطراف آن، آتشکده‌های فراوان وجود داشته است. به گواهی تاریخ قم - که عبارت آن در ادامه می‌آید - تنها محله شقالو (آبرِسْتَجان) شانزده آتشکده و نیز منطقه جمکران دوازده آتشکده داشته‌اند. ماکسیم سیرو در سال ۱۹۳۸م نوشته است: «بنا بر روایات، شهر قم را، که همیشه مرکز مهم ارتباطات بوده، حلقه‌ای از آتشگاه‌ها در بر می‌گرفته است.»<sup>[۲]</sup>

[۱] (ر. ک: باستان‌شناسی و تاریخ قم، سیامک سرلک، قم، شاخص، ۱۳۹۰ش، ص ۲۹۲ و ۲۹۴)

[۲]. قلعه دختر قم، ج ۱، ص ۱۱۷.

منبع: راه درستی (بررسی و نقد باورهای زرتشتیان و باستان ستایان)

<http://www.raherasti.ir/18650>

جهت مشاهده تصاویری از آتشکده نویس قم؛ به پیوست شماره ۱۴ مراجعه کنید.

۱۱۹. **ارجاع پژوهشی:** حتما شما قبول دارید که شهر خوب شهری است که "آلودگی صوتی" و "آلودگی هوا" در آن کمتر باشد. بنابراین باید یک اقدامی را انتخاب کنید که "کاهش سفرهای درون شهری" را ایجاد کند. من پیشرفت شهر را به "کاهش سفرهای درون شهری" ارزیابی می‌کنم. یکی از اقداماتی که کاهش سفر درون شهری ایجاد می‌کند، "خانه حیاط‌دار" است. یکی دیگر از شاخصه‌هایی که کمک می‌کند شما شهر را درست ارزیابی کنید این است که: خدمات درون محلات را افزایش دهید؛ اعم از "خدمات علمی" درون محلات، "خدمات روزمره" درون محلات، حتی "خدمات‌های تفریحی" درون محلات.

## ۵/۶/۲. گسترش افقی شهر به همراه واگذاری امور به مردم؛ دومین برنامه (شاخص)

### اولویت‌دار در حوزه فرقان و ارزیابی شهر (تصمیم ۱۴)

"شاخص گسترش افقی شهر و واگذاری امور به مردم" اینها باید بحث شود. این دو شاخص باید در کنار هم بحث شوند؛ به همان میزانی که شهرها را به نحو افقی گسترش می‌دهیم، باید امور هم در اختیار مردم قرار داده شود. این هم یک شاخص است که باید بحث شود.

این شاخص‌ها دارای برنامه ارزیابی هستند؛ مثلاً شما می‌گویید: کدام یک از محلات قم، سفرهای درون‌شهری کمتری دارند؟ و به چه دلیل؟ بعضی از این محلاتی که ما می‌شناسیم (مثل خیابان انسجام) شما اگر بخواهید بعضی از اقلام زندگی را تهیه کنید، باید سفر درون‌شهری داشته باشید. اما بعضی از محلات (مثل خیابان دانیال) اینطور نیستند؛ شما دقیقاً با فاصله چندصد متر می‌توانید مایحتاج زندگی خود را تامین کنید و محتاج به سفر درون‌شهری نیستید. گزارش‌ها باید بدین صورت به مدیران داده شود. مثلاً اگر ما هشت منطقه شهری داریم؛ عقب‌افتاده‌ترین منطقه شهری آن منطقه‌ای است که مردم برای تامین نیازهای خود مجبور شوند که سفرهای درون‌شهری داشته باشند. همان‌طور که قبلاً من عرض کردم؛ [در روایات ما وارد شده است که: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ»<sup>۱۲۰</sup> سفر باید یک پدیده لوکس در زندگی باشد، نه یک پدیده روزمره! شما برای صله‌رحم، یا

جلسه قبل سوال این بود که: برای شهر مشهد "پارک بزرگ" بهتر است؟ یا "پارک کوچک"؟ ما استدلال کردیم گفتیم "پارک محله‌ای" بهتر است. چرا؟ چون تفریح اگر درون محله باشد، کاهش "سفر درون شهری" اتفاق می‌افتد، و همان شاخصی را که منبای ارزیابی قرار دادیم، محقق خواهد شد. مثلاً: اگر در محله‌ای "خدمات روزمره" داشته باشید ("خدمات روزمره" یعنی: پیاز، سیب زمینی، گوجه، خیار، گوشت، نان و تمام آن چیزهایی که آدم‌ها در روزمره به آن احتیاج دارند)، مردم برای تامین اینها "سفر درون شهری" نخواهند داشت؛ بنابراین باز شاخص‌مان محقق خواهد شد. اگر شما پدیده "مدرسه محله" داشته باشید، یا "مسجد-مدرسه"ها را تقویت کنید؛ دیگر تاکسی سرویس‌هایی که بچه‌های شما را از خانه به محل مدرسه می‌برند، کمتر می‌شود و در نتیجه کاهش سفر درون شهری خواهیم داشت.

پیشنهاد می‌کنم به جای GDP اولین شاخصی را که برای ارزیابی شهر می‌گذارید، "کاهش سفرهای درون شهری" باشد. مهمترین اقدامی که باعث "کاهش سفر درون شهری" می‌شود، "تقویت محله" است. "محله" یعنی: [محل تامین] همین چهار نوع خدمت: "تفریح"، "نیازهای روزمره"، "علم" و "شغل". تا می‌توانید تامین این خدمات را ببرید در محله؛ برای اینکه عوارض افزایش سفرهای درون شهری را نپردازید. یک برادر محترمی که در جلسه هستند گفتند: «من مسئول بخش ترافیک شهر هستم»؛ من عرض می‌کنم: «ترافیک، ارتباط مستقیم با مفهوم محله دارد.» هر چقدر شما "محله" را بیشتر بسازید، "ترافیک" کمتری خواهید داشت. در غیر اینصورت؛ مجبور هستید با هزینه‌های گزاف دوربرگردان بزنید، زیرگذر و روگذر احداث کنید. TOD مسئول حمل و نقل شما است. در سال ۹۴ که در مدرسه علمیه مروی بحث کردیم؛ اولین بحثی که ارائه کردم این بود که: خاصیت محله‌ها این است که ترافیک شهری را کاهش می‌دهند؛ چون محله می‌تواند نیازها را درون خودش تامین کند. و تامین نیازها درون محله یعنی: کاهش سفرهای درون شهری، که باعث کاهش ترافیک، کاهش آلودگی هوا و کاهش آلودگی صوتی می‌شود. شهر خلوت‌تر می‌شود و راحت‌تر مدیریت خواهد شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری، پیاده فوری نشست تخصصی تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)، در جمع مدیران و کارشناسان شهرداری مشهد

۲۴ / دیماه ۱۴۰۰

۱۲۰. ارجاع پژوهشی: وَ مِنْ أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ صِ الْمَوْجِزَةِ الَّتِي لَمْ يُسَبِّقْ إِلَيْهَا: السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ.

برای زیارت، یا برای تفریح (آن هم تفریح‌های خاص) باید سفر انجام بدهید؛ نه اینکه مجبور شوید که هر روز به سفر بروید.

شهر در کدام منطقه افقی‌تر است؟ و در کدام منطقه عمودی‌تر است؟ یکی از عوارضی که گسترش عمودی شهرها دارد، اشراف ساختمان‌ها به همدیگر است. وقتی ساختمان‌ها به همدیگر اشراف داشته باشند، حریم خصوصی [افراد و خانواده‌ها] نقض خواهد شد. اشراف یک پدیده ضد روابط انسانی است. با این شاخص‌ها باید شهر را ارزیابی کرد.

### ۵/۶/۳. کاهش تولید زباله؛ سومین برنامه (شاخص) اولویت‌دار در حوزه فرکان و ارزیابی شهر (تصمیم ۱۵)

شاخص دیگر: شاخص "کاهش تولید زباله" است. ان‌شاء‌الله در نشست تخصصی "نظریه فقهی تأویب"،<sup>۱۲۱</sup> مفصل راجع به زباله‌هایی که مدرنیته تولید می‌کند<sup>۱۲۲</sup> به تفکیک بحث خواهیم کرد. ولی با این وضعیت که داریم پیش

---

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسافرت کردن، قطعه‌ای از عذاب است.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: السَّيْرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفْرَهُ فَلْيُسْرِعِ الْإِيَابَ إِلَى أَهْلِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسافرت کردن، قطعه‌ای از عذاب است؛ پس هر کدام از شما به مسافرت رفت سریع به سوی اهل خود بازگرد.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۰

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۵۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در باب «مذمت سفر»: به پیوست شماره ۱۵ مراجعه کنید.

۱۲۱. **ارجاع پژوهشی:** "بسته فقهی تأویب" با موضوع تبیین ساختار اقدامات مرتبط با مدیریت تغییرات اقلیمی و مقابله با تهدیدات زیست محیطی نهائی شده است. محتوای این بسته فقهی در فضای نظام مقایسه با راهبردهای بخش سیزدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ (اقدام برای اقلیم) و اسناد مشابه آن، مانند سند "آینده ای که می خواهیم" (محصول کنفرانس سازمان ملل متحد در توسعه پایدار - ۲۰۱۲ UNCS) و ایده های معیوبی مانند اقتصاد سبز و برنامه راهبرد ملی تغییر اقلیم (پیشنهاد سازمان محیط زیست - ۱۳۹۶) تنظیم شده است.

در این بسته فقهی علاوه بر تبیین مبانی نظری و مفاهیم پایه و روش تفتیح موضوع اقلیم و محیط زیست؛ ۱۲ اقدام برای مدیریت تغییرات اقلیمی و مقابله با تهدیدات زیست محیطی در حوزه الگوی تولید، الگوی مصرف، الگوی حمل و نقل، الگوی فضای سبز، کاهش تولید زباله، کاهش آلودگی هوا و... - با استفاده از روش تحقیق فقهی - استنباط و تنظیم شده است.

دائرة پژوهش مدرسه هدایت (شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - چهارشنبه ۱۴ شوال المکرم ۱۴۴۲ هجری قمری - حوزه علمیه قم

سایت مدرسه فقه نظام (مباحث مدرسه هدایت) <http://nro-di.blog.ir/1400/03/05>

کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا: <https://eitaa.com/olgou4/3203>

می‌رویم، اگر یک برنامه جامعی برای "کاهش تولید زباله" ایجاد نشود و در مورد آن بحث و گفتگو صورت نگیرد؛ ما زیر زباله‌ها دفن خواهیم شد! و سلامت و محیط زیست ما به چالش کشیده خواهد شد.<sup>۱۲۳</sup> بنابراین من این موضوع "کاهش زباله" را جزو شاخصه‌های پیشرفت می‌دانم.

۱۲۲. و من مدرنیته را مساوی با تولید زباله می‌دانم! [تمدن مدرنیته] تمدنی است که تولید زباله می‌کند.

انتقال از متن

### ۱۲۳. ارجاع پردازشی: ۴۰ درصد از سطح آب‌های جهان مملو از زباله‌های پلاستیکی است!

اقیانوس‌ها به محل‌های دفنش بدل شده‌اند، پنجاه درصد از این ماده تنها یک بار مورد استفاده قرار می‌گیرد، تنها ۵ درصد از آن بازیافت شده و حدود ۸ درصد از نفت جهان صرف تولیدش می‌شود.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خلیج فارس، زباله‌های پلاستیکی هرگز از بین نمی‌روند و به طور فزاینده‌ای راه خود را به اقیانوس‌ها، دریاها و ساحل‌ها باز می‌کنند. کیسه‌های پلاستیکی، بطری نوشابه و غیره هر روز به طبیعت راه می‌یابند. امروزه میلیون‌ها پلاستیک در دریاهای جهان یافت می‌شود که در حدود ۴۰ درصد از سطح اقیانوس‌ها را در بر می‌گیرند، در هر دقیقه یک میلیون کیسه پلاستیکی در جهان استفاده می‌شود و این رقم سالانه به ۵۰۰ میلیارد می‌رسد.

آلودگی ناشی از زباله‌های پلاستیکی تاثیر مستقیمی بر حیات وحش می‌گذارد. سالانه هزاران پرنده دریایی، لاک پشت دریایی، شیر دریایی و انواع دیگر پستاندارانی که در زیست محیط دریایی و ساحلی زندگی می‌کنند در اثر مصرف یا گرفتار شدن با انواع این مواد کشته می‌شوند. به طور کلی ۳۰۰ گونه جانوری در معرض خطر زباله‌های پلاستیکی قرار گرفته‌اند.

با توجه به چگالی کم آن به راحتی در اقیانوس‌ها حتی در مسافت‌های بلند قابل گردش و جابه‌جایی است و به این ترتیب این زباله‌ها به مکانی برده می‌شوند که محل زندگی موجودات دریایی هستند و این موجودات اشتباهاً از آن‌ها به عنوان غذا استفاده می‌کنند.

در دهه اول قرن بیست و یک پیش از تمام طول تاریخ (تا سال میلادی ۲۰۰۰) پلاستیک تولید و مصرف شده است که میلیاردها از آن به دریاها و اقیانوس‌ها راه می‌یابند. بیشتر آلودگی زیست محیط دریایی از خشکی آغاز می‌شود به این ترتیب که این زباله از طریق باد و باران به دریاها برده می‌شوند. در آنجا انباشته شده و این امر به حدی آسیب رساننده است که تمام پلاستیک‌های تولید شده در جهان هنوز از بین نرفته‌اند.

### تلفات سنگین حیات وحش:

هزاران حیوان از فنچ‌های کوچک تا کوسه‌های سنگین وزن در اثر خوردن این مواد کشته می‌شوند. هر ساله صدها هزار پرنده دریایی به علت مصرف پلاستیک از تعدادشان کم می‌شود. مصرف پلاستیک حجم معده پرندگان را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود غذای کمتری مصرف کنند و بدین ترتیب در نهایت از گرسنگی تلف می‌شوند.

این‌ها تنها بخشی از اثرات پلاستیک روی محیط زیست است، علاوه بر حیوانات پلاستیک تاثیر بسیاری بر زندگی انسان نیز دارد. وقتی زباله‌ها در دریا شناور هستند، آلاینده‌های خطرناکی مانند PAH، DDT و PCB را وارد آب می‌کنند که برای انسان‌ها دارای اثرات سوء مانند اختلال در غدد درون‌ریز، تغییرات هورمونی و جهش‌های سرطانی دارند. حیوانات با خوردن پلاستیک‌ها این مواد را وارد چرخه غذایی می‌کنند و در نهایت به بشقاب ما می‌رسد.

علاوه بر این‌ها آلودگی پلاستیکی بر اقتصاد نیز تاثیر می‌گذارد از جمله هزینه بی‌حد و حصر در پاکسازی ساحل، ضرر و زیان‌های صنعت گردشگری و خسارت وارده به صنایع ماهیگیری و پرورش آبزیان را می‌توان نام برد.

به طور متوسط از هر کیسه پلاستیکی در حدود ۱۲ دقیقه استفاده می‌شود اما بیش از هزار سال طول می‌کشد تا این کیسه پلاستیکی تجزیه شود. سالانه ۴۸۰۰۰ تن کیسه پلاستیکی به درون اقیانوس‌ها ریخته می‌شود. در حال حاضر در هر مایل مربع (۲۶ متر مربع) ۶۷۰۰۰ قطعه پلاستیکی شناور است.

در پایان می‌توان گفت: ما با پلاستیک احاطه شده‌ایم.

همین جا هم عرض کنم که: طرح‌های معروف به "مدیریت پسماند"، "تفکیک از مبدأ"، "راه‌اندازی سایت‌های بازیافت" هیچکدام نمی‌توانند پدیده زباله را مدیریت کنند. به دلایلی از جمله اینکه الان ۴۰ درصد آب‌های زمین با پلاستیک پر شده‌اند! در همین شهر قم ما ۳۰۰ مرکز غیررسمی بازیافت زباله داریم که عمده درآمد اینها از پلاستیک است.<sup>۱۲۴</sup> غیر از بازیافتی که شهرداری انجام می‌دهد، مراکز غیررسمی هم ورود پیدا کرده‌اند؛ ولی با این حال شما در تمام بیابان‌ها، در تمام خیابان‌ها، در تمام کوچه‌ها، در تمام رودخانه‌ها و در تمام دریاها فساد پلاستیک را دارید مشاهده می‌کنید! و این موضوع تبدیل به یک چالش جدی شده است.

پس سه شاخص را [در ساختار فرقان و ارزیابی شهری] بحث می‌کنم که این سه شاخص، منجر به تولید گزارش‌ها و طرح‌های مختلف برای مدیران شهری می‌شوند.

## ۵/۷. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی:

### ۵/۷/۱. راه‌اندازی باغچه طیبات؛ اولین برنامه اولویت‌دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی (تصمیم ۱۶)

در حوزه "مکاسب و تجارت عمومی"، سه تصمیم به شهرداری محترم قم پیشنهاد می‌کنیم. یکی از این پیشنهادات، "راه‌اندازی باغچه طیبات" در شهر قم است. در گوشه و کنار شهر قم زمین‌هایی وجود دارند که فعلاً تعیین تکلیف نشده‌اند؛ بعضی از این زمین‌ها قرار است [تبدیل به] فضای سبز شهری شوند، بعضی قرار است [تبدیل به منطقه] مسکونی شوند. شهردار محترم قم و اعضای محترم شورای شهر می‌توانند این زمین‌ها را تبدیل به "باغچه طیبات" شهری کنند.

"باغچه طیبات شهری" لااقل سه خاصیت دارد: یکی این است که: خاصیت فضای سبز را دارد؛ چون اتفاقاً "تنوع گیاهی" آن بیشتر از پارک‌های فعلی است. دوم اینکه: خاصیت "اشتغال‌آفرینی ارزان" دارد. سوم اینکه: می‌توان

به تمام چیزی‌هایی که در طول یک روز لمس می‌کنید بیندیشید، کیسه‌های مواد غذایی، ظروف غذا، درب فنجان قهوه، بطری آب، نی همه و همه از پلاستیک تشکیل شده‌اند.

استفاده از پلاستیک راحت به نظر می‌رسد اما طبیعت برای آن باید بهای سنگینی پرداخت کند.

منبع: خبرگزاری ایسنا (یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۳)

<https://b2n.ir/u83097>

جهت مشاهده اخبار و تصاویر بیشتر در مورد «فاجعه زباله در دنیا!»: به پیوست شماره ۱۶ مراجعه کنید.

میوه‌ها و سبزیجاتی را به صورت بسیار ارزان‌تر و تازه‌تر در اختیار مردم قرار داد؛ یعنی: مردم می‌توانند با راه‌اندازی باغچه طیبات با "مفهوم تازه‌خوری" آشنا شوند و در زندگی‌شان جریان پیدا کند.

البته جالب است که "پدیده کشاورزی شهری" در بسیاری از کشورهای غربی هم راه افتاده، منتها در ایران هنوز راه نیفتاده است. اگر ان‌شاء‌الله پدیده کشاورزی شهری در ایران راه افتاد (که حالا ما از آن به "باغچه طیبات" تعبیر می‌کنیم) این حتماً باید قید "تولید طیبات" باشد. "آفت کشی طبیعی" باید در آن اتفاق بیفتد. ان‌شاء‌الله خدای متعال کمک کند، جلسه اختصاصی "معرفی آفت‌کش‌های طبیعی" را برگزار خواهیم کرد؛ که ان‌شاء‌الله هم بر "آفت کشی بیولوژیک"، و هم بر "آفت کشی شیمیایی" یک خاتمه‌ای خواهد بود. باغچه طیبات باید با این استانداردها باشد.

باید "اقلام برتر طیبات" در آن باغچه کشت و استفاده شود. مثلاً: در بعضی از نقل‌هاست که «سید البقول الکرث»<sup>۱۲۵</sup> یعنی: آقای سبزی‌ها و پرفایده‌ترین سبزی‌ها "تره" است. یکی از فوایدش این است که گردش خون را متعادل می‌کند.<sup>۱۲۶</sup> یکی دیگر از فوایدش این است که «آمان من البواسیر» است؛<sup>۱۲۷</sup> یعنی: نسخه خوبی برای بواسیر است. فواید دیگری نیز برای آن وجود دارد که اینها باید معرفی شود.

۱۲۵. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَزَّازِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ سَيْدٌ وَ سَيْدُ الْبُقُولِ الْكُرْثُ.

امام کاظم (علیه السلام): برای هر چیزی آقا و سیدی است و آقا و سید سبزی‌ها تره است.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۹۱

۱۲۶. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: اسْتَكْبَى غُلَامٌ لِأَبِي الْحَسَنِ ع فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ بِهِ طَحَالٌ فَقَالَ أَطْعَمُوهُ الْكُرْثَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَأَطْعَمَتْهُ فَقَعَدَ الدَّمُ ثُمَّ بَرَأَ.

به نقل از موسی بن بکر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام، بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید. گفتند: بیماری طحال گرفته است. فرمود: «سه روز به او تره بخورانید». ما آن را به او خوراندیم. پس خون فرونشست، و سپس، بهبود یافت.

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۱

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۸۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۲ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۳۳

۱۲۷. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ: سُنِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ الْكُرْثِ فَقَالَ كُلُّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَنْبَعٌ خِصَالٍ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَطْرُدُ الرَّيَاحَ وَ يَقْطَعُ الْبُؤْسَ وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ.

فرات بن احنف: از امام صادق علیه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخورید که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را از بدن می‌راند؛ بواسیر را ریشه‌کن می‌کند؛ و هر کس را که بدان مداومت داشته باشد، از جذام، ایمن می‌دارد».

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ قَالَ: سُنِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹



## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

مثلاً "تربچه" باید در آن کشت شود، تربچه ضد بلغم است،<sup>۱۲۸</sup> خیلی فایده دارد، جزء اقلامی است که باعث می شود مردم یک شهر "آلزایمر" نگیرند و فراموشی آنان کاهش پیدا کند.

لذا باغچه طیبات دو یا سه پیوست در کنار آن وجود دارد: (۱) پیوست معرفی اقلام برتر حوزه کشاورزی، (۲) پیوست آفت کش های طبیعی، و... این پیوست ها باید کنار آن دیده شود تا اسمش "باغچه طیبات" شود؛ وگرنه همان "کشاورزی شهری" می شود که در اروپا وجود دارد.

## ۵/۷/۲. راه اندازی بازارهای موقت؛ دومین برنامه اولویت دار در حوزه مکاسب و تجارت

### عمومی (تصمیم ۱۷)

نکته دیگر اینکه "بازارهای موقت" در شهر قم باید راه بیفتند. حدود ۳۰ درصد مردم شهر قم فقیر هستند، یعنی برای تأمین معاش مشکل دارند. [برای رفع فقر این اقشار ضعیف چند راه حل متصور است: یک راه حل این است

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أُحْنَفٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

روضه الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۱۰

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۸۹ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۰

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ رَجُلٍ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عِ بَخْرَاسَانَ يَأْكُلُ الْكُرَاثَ مِنَ الْبُسْتَانِ كَمَا هُوَ قَفِيلٌ إِنَّ فِيهِ السَّمَادَ فَقَالَ لَا يَغْلِقُ بِهِ مِنْهُ شَيْءٌ وَ هُوَ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ.

به نقل از داوود بن ابی داوود: مردی، امام رضا علیه السلام را در خراسان دیده که تره را از باغ، همان گونه که هست، می چیند و می خورد. چون به ایشان گفتند: این، ممکن است فضولاتی به همراه داشته باشد، فرمود: «چیزی از آنها به این نمی چسبد و این سبزی، برای درمان بواسیر، خوب است».

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۲ (عنه عن داوود بن ابی داوود عن رجل)

الوافی، ج ۱۹، ص ۴۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۹۰

۱۲۸. **ارجاع پژوهشی:** السَّيَّارِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ دُرَيْسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **الْفُجْلُ أَضْلُهُ يَنْقَطِعُ الْبَلْغَمُ وَ لُبُّهُ يَهْضُمُ وَ وَرَقُهُ يَحْدُرُ الْبَوْلَ حَذْرًا**

امام صادق (علیه السلام): ریشه تربچه موجب قطع بلغم می شود. خود تربچه غذا را هضم می کند و برگ آن موجب ازدیاد ادرار می شود. همچنین جلوی تکرر ادرار را می گیرد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴

الوافی، ج ۱۹، ص ۴۱۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۵

عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ كُنْتُ مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَنَاقَلَنِي فُجْلَةً وَ قَالَ يَا حَنَانُ كُلِّ الْفُجْلِ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ وَرَقُهُ يَطْرُدُ الرِّيحَ وَ لُبُّهُ يُسْرِبِلُ الْبَوْلَ وَ أَضْلُهُ يَنْقَطِعُ الْبَلْغَمُ.

امام صادق (علیه السلام): تربچه را مصرف کنید که در آن سه خصوصیت وجود دارد: برگ آن انواع بادگرفتگی ها را برطرف می کند. غده زیرزمینی آن در دفع ادرار تسریع می بخشد. ریشه تربچه نیز بلغم را قطع می کند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ / الخصال، ج ۱، ص ۱۴۴

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ التُّرَيْمِزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

روضه الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۱۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۳۰ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۱۹

که شما در ماه رمضان و محرم و... به کمک مؤمنین یک مقدار غذا و اقلام غذایی برای اینها تهیه کنید و بفرستید. این محدود است. دومین راه حل هم کمک های دولتی است، مثلاً: یارانه ای که ماه مبارک رمضان دولت محترم سیزدهم واریز کرد، یا یارانه های ثابتی که دولت پرداخت می کند.

اما راه حل موثر و قطعی برای رفع فقر این است که: محیط مجانی یا ارزان قیمت تجارت در اختیار مردم قرار بگیرد؛ با آن طرحی که ما در مکاسب شرح داده ایم که بازار اسلام پنج شرط دارد: اولین و مهمترین شرطش این است که محل کسب فقرا نباید موضوع مالیات های شهرداری و هزینه های مختلف قرار گیرد؛ بعد از آن است که می توانید آرام آرام فقرا را وارد حوزه تجارت کنید و محرومیت زدایی کنید. ما در اینجا هم مثل طرح باغچه طیبات، برای تولید طیبات و فروش طیبات [در این بازارهای موقت] با فقرا وارد بحث می شویم. چند دفترچه پیوست دارد که اینها باید بحث و گفتگو شود.

### **۵/۷/۳. راه اندازی بازارهای وقفی؛ سومین برنامه اولویت دار در حوزه مکاسب و تجارت عمومی (تصمیم ۱۸)**

سومین کاری هم که در حوزه مکاسب و تجارت عمومی پیشنهاد می کنیم این است که "بازارهای وقفی" راه اندازی شود، باید افرادی مثل مرحوم سید محمود طباطبایی تاجر سعادت مند قمی<sup>۱۲۹</sup> در دوره قاجاریه شناسایی شوند، با آنها صحبت شود، از آنها تقاضا شود که موقوفه هایی برای کسب و کار بسازند. طبق محاسبات ما دو سوم قیمت های تمام شده ای که مردم برای خرید اجناس پرداخت می کنند، مربوط به هزینه های نگهداری محصول در محل کسب است؛ [لذا] اگر شما هزینه محل کسب را کاهش دهید، قیمت تمام شده در تجارت شهر کاهش پیدا خواهد کرد. اینها سه اقدام برای مکاسب و تجارت است.

### **۵/۸. برنامه های اولویت دار در حوزه نفی سبیل و پدافند غیر عامل:**

#### **۵/۸/۱. راه اندازی مسابقات اسب دوانی و تیراندازی (سبق و رمایه)؛ اولین برنامه**

#### **اولویت دار در حوزه نفی سبیل و پدافند غیر عامل (تصمیم ۱۹)**

برای حوزه "نفی سبیل و پدافند غیر عامل"، یک اقدام پیشنهاد داریم: همان طور که عرض کردم [این اقدام عبارت است از:] راه اندازی "مسابقات سبق و رمایه". البته برخی از کارشناسان شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی گفتند: برای راه اندازی "مسابقات اسب دوانی با مانع" فعلاً با مشکل مواجه هستیم و باید همان "مسابقات کورس"

را راه انداخت. استدلال‌شان هم منطقی است: چون [برای برگزاری "مسابقات اسب‌دوانی با مانع"] نه اسب‌هایی که فعلاً ما در اختیار داریم، توان پرش از مانع را دارند، و نه سوارکاران حرفه‌ای داریم؛ ولی می‌شود "مسابقات کورس" را راه انداخت.

سه خاصیت برای راه‌اندازی مسابقات کورس وجود دارد:

اولین خاصیت این است که یک "بدن‌سازی طبیعی" است، هیچ بدن‌سازی‌ای را بالاتر از کورس نمی‌توان به مردم پیشنهاد کرد. در یک فرایند طبیعی بدن را بسیار آماده می‌کند.

دومین ویژگی [مسابقات کورس] این است که: "حِرص" انسان‌ها را برای تقویت "نفی سبیل" هدایت می‌کند. از جمله احکام اسلام برای مسابقات "سبق" این است که باید شرط‌بندی صورت گیرد و شرط‌بندی هم توسط تماشاچی نیست، بلکه توسط خود افراد مسابقه‌دهنده است؛ بنابراین انگیزه‌های مالی را به این سمت هدایت می‌کند. زمانی این مسئله مهم می‌شود که شما آمار شرط‌بندی و قمار کشور را بدانید.<sup>۱۳۰</sup> وقتی راه حلال قمار بسته است، راه حرام آن با زخواهد شد! الان شما تصور کنید در یک شهری دو یا سه مسابقه کورس وجود داشته باشد؛ هم بدن انسان‌ها تقویت می‌شود، هم نوجوان‌ها و جوان‌ها خصوصاً بخاطر انگیزه مالی در آن مسابقات شرکت می‌کنند و آن مسابقات رونق پیدا خواهد کرد.

خاصیت سوم [برگزاری مسابقات کورس]، خاصیت "نفی سبیل" است: شما تصور کنید مثلاً ۱۰ درصد جوانان یک کشور (چون در این مسابقات کورس شرکت می‌کنند) بدن ورزیده‌ای دارند. اینها بعداً می‌توانند زیرساخت "نفی سبیل" و "امنیت" کشور هم قرار بگیرند. لذا من قبول دارم در آخرالزمان شرایط امنیتی برای شیعیان خیلی سخت می‌شود، ولی راه حل را افزایش پادگان‌ها نمی‌دانم. در همین حوادث مربوط به افغانستان هم اعلام کردم که اگر قرار است مسئله امنیت شیعیان در مقابل این هجمه‌ها حفظ شود، باید مسابقات "سبق و رمایه" راه بیفتد. هم "ورزش" است (یعنی به سلامت شما کمک می‌کند)، هم یک "درآمدزایی حلال" در آن وجود دارد، هم "شجاعت" و "امنیت" مردم ایران را ارتقاء می‌دهد.

"رمایه" یا تیراندازی هم ملحق به همین‌هاست. این هم باید راه بیفتد.

۱۳۰. **ارجاع پردازشی:** فارس نوشت: رئیس پلیس فتا ناجا (سردار وحید مجید) ... از همکاری مستمر و تنگاتنگ با معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه در تدوین طرح‌ها و لوایح فضای مجازی، طرح حمایت از کاربران و خدمات در فضای مجازی در خصوص قمار و شرط بندی، طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و پیش نویس نظریه عمومی کمیته حقوق کودک مربوط به کودکان در فضای دیجیتال خبر داد.

... رئیس پلیس فتا ناجا در خصوص اجرای طرح مقابله با قمار و شرط بندی در مدت مذکور گفت: بیش از ۱۶ هزار سایت در حوزه شرط بندی و قمار مسدود و یک هزار و ۷۵۱ فقره پرونده قضائی در این رابطه تشکیل و یک هزار و ۹۴۷ حساب بانکی شناسایی و مسدود شده است.

منبع: خبرگزاری خبر آنلاین

<https://www.khabaronline.ir/news/۱۴۸۲۳۴>

شما تصوّر کنید سه امام جمعه محترم قم و حضرت آیت‌الله بوشهری و همه حضرات علماء به نبی مکرم اسلام ﷺ اقتدا کنند و در مسابقات "سبق" یا مسابقات "تیراندازی" شرکت کنند؛<sup>۱۳۱</sup> [چه اتفاقات خوبی خواهد افتاد!] اصلاً ارتباط روحانیت با مردم هم بازتعریف می‌شود. بنده همه آقایان مراجع را دعوت می‌کنم که مسابقات "سبق و رمایه" را خودشان راه‌اندازی کنند و حالا اگر سن آقایان مراجع اجازه نمی‌دهد، شاگردان ارشدشان این کار را انجام بدهند. به‌هرحال ما احکام اسلام را نمی‌گوییم که فقط ابلاغ کنیم، بله باید بگوییم که اجرا کنیم. این مباحث "سبق و رمایه" در همه ابواب فقهی بحث می‌شود؛ ولی دریغ از اینکه یک حوزه علمیه آنها را اجرایی کند! این کار باید انجام شود.

این هم مباحث مربوط به نفی سبیل و پدافند غیرعامل بود که بیان شد. در قم و مشهد و اصفهان این مسائل را راحت‌تر می‌توان راه انداخت و اجرایی کرد.

<sup>۱۳۱</sup> **ارجاع پژوهشی:** وَ رَوَى أَبُو لَيْبِدٍ قَالَ سَأَلَ ابْنَ مَالِكٍ هَلْ كُنْتُمْ تَتَرَاهُنَّ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ نَعَمْ زَاهَنَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى قَرَسٍ لَهُ فَسَبَقَ فَسَرَّ بِذَلِكَ وَ أَعْجَبَهُ.

به نقل از ابو لیبید: از ابن مالک سؤال شد: آیا شما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسابقه می‌دادید؟ گفت: بلی. پیامبر خدا، اسب خود را به عنوان جایزه تعیین کرد و برنده شد و از این کار، خشنود گشت.

عوالي اللئالی العزیزة، ج ۳، ص ۲۶۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۸۱ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۴، ص ۳۴۰

وَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ رَخَّصَ فِي السَّبْقِ بَيْنَ الْخَيْلِ وَ سَابِقِ بَيْنَهُمَا وَ جَعَلَ فِي ذَلِكَ أَوْاقِيَةً مِنْ فِصَّةٍ .

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) اجازه برگزاری مسابقه اسب سواری را داد و خود، آن را اجرا کرد و هفت مثقال نقره، [جایزه] مقرر کرد.

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۸۰ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۴، ص ۳۴۰

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: أَنَّهُ مَرَّ بِقَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يَتَرَامُونَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا فِي الْحِزْبِ الَّذِي فِيهِ ابْنُ الْأَدْرَعِ فَأَمْسَكَ الْحِزْبَ الْآخَرَ وَ قَالُوا لَنْ يُغْلَبَ حِزْبُ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ ازْمُوا فَإِنِّي أُرْمِي مَعَكُمْ فَرَمَى [مَعَ] كُلِّ وَاحِدٍ رَشْقًا فَلَمْ يَسْبِقْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَلَمْ يَزَالُوا يَتَرَامُونَ وَ أَوْلَادُهُمْ وَ أَوْلَادُ أَوْلَادِهِمْ لَا يَسْبِقُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

پیامبر خدا، از کنار گروهی از انصار گذشت که تیراندازی می‌کردند. فرمود: «من در گروهی هستم که ابن ادرع در آن است». گروه دیگر، دست از مسابقه کشیدند و گفتند: گروهی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است، شکست نمی‌خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تیراندازی کنید. من با هر دو گروه، تیراندازی می‌کنم»، و با هر گروه، تیری انداخت. هیچ‌یک از دو گروه نتوانستند برنده شوند. آنها پیوسته تیراندازی می‌کردند و فرزندان خود را نیز در مسابقه شرکت دادند و فرزندان فرزندان خود را نیز شرکت دادند؛ ولی هیچ‌یک از دو گروه، برنده نشدند.

عوالي اللئالی العزیزة، ج ۳، ص ۲۶۶

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۷۹ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۴، ص ۳۳۶

## ۵/۹. برنامه‌های اولویت‌دار در حوزه نظم و سنت‌های شهری:

۵/۹/۱. گسترش گفتگو در مورد تعریف جامع محله در بین مدیران شهری، تنظیم نقشه جامع شهری به محوریت محلات، و برگزاری جشنواره‌های مردمی در مورد حوزه‌های مختلف مربوط به محله؛ سه برنامه اولویت‌دار در حوزه نظم و سنت‌های شهری (تصمیم ۲۰ و ۲۱ و ۲۲)

آخرین سطح برنامه‌های ما که راجع به آن بحث می‌کنیم، سه اقدام در حوزه "نظم و سنت‌های شهری" است. همان‌طور که عرض کردم نظم فعلی شهری غلط است و ما می‌خواهیم به سمت نظم جدیدی حرکت کنیم. سه اقدام، ما را به سمت تولّد نظم جدید در ذهن‌ها هدایت می‌کند:

[اقدام اول این است که: تعریف محله چیست؟ باید در مدیریت شهری راجع به آن بحث شود. یک اقدام پیش‌ران و پیش‌برنده است. محله را چه تعریف می‌کنید؟ عرض کردیم که مدیریت شهری در اسلام محله‌محور است. حالا محله چیست؟ باید راجع به تعریف جامع محله در شهرداری بحث و گفتگو صورت بگیرد.

"نقشه جامع شهر به محوریت محلات" هم باید تنظیم شود. این هم اقدام دوم است.

سپس باید برای اجزای محله و هر موضوعی که در محله وجود دارد، جشنواره مردمی برگزار شود. این اقدام سوم است.

مثلاً اگر مدیریت شهری با بنده باشد، من "جشنواره میوه‌های برتر" (میوه انار، به، سیب) را راه می‌اندازم. ما در اینجا بحث‌های فراوانی داریم که مردم باید بدانند. مثلاً: مردم اگر بدانند که سیب یک "تب‌بر" موثر است،<sup>۱۳۲</sup> دیگر

۱۳۲. ارجاع پرورشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْقُنْدِيِّ عَنِ الْمُقْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ذُكِرَ لَهُ الْحُمَى. فَقَالَ ع: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَتَدَاوَى إِلَّا بِإِقَاضَةِ الْمَاءِ الْبَارِدِ يَصُبُّ عَلَيْنَا وَ أَكْلِ الثُّغَاخِ.

امام صادق علیه السلام: نزد ایشان از تب، یاد کردند. فرمود: «ما خاندان، (تب را) جز به آب سردی که بر بدن ما ریخته می‌شود و جز به خوردن سیب، درمان نمی‌کنیم»..

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱ / الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶  
الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۱ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۳

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الثُّغَاخُ يُفْرَجُ الْمَعِدَةَ وَ قَالَ كُلُّ الثُّغَاخِ فَإِنَّهُ يُظْفِي الْحَرَارَةَ وَ يَبِيدُ الْجَوْفَ وَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى وَ فِيهِ حَدِيثٌ آخَرَ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ.

امام صادق علیه السلام: «سیب، معده را گشایش می‌دهد». همچنین فرمود: «سیب بخور؛ چرا که حرارت را فرومی‌نشاند، درون را سرد می‌کند و تب را می‌برد». در حدیث دیگری است که فرمود: «وبا را از میان می‌برد».

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱  
وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۳

بچه‌شان تا تب کرد، سریع او را به بیمارستان نمی‌رسانند که هم زباله‌های عفونی بیمارستان زیاد تولید شود و هم هزینه‌های مریض افزایش یابد. خب؛ مردم باید بدانند که سبب [چه خاصیتی دارد.] مخصوصاً اگر خانم‌ها در خانه بدانند که سبب یک میوه "ضد طلسم" است؛<sup>۱۳۳</sup> یعنی: اگر کسی صبح سبب مصرف می‌کند، کمتر موضوع "جادو" واقع می‌شود. بعداً که ان‌شاء‌الله در نشست تخصصی "علوم غریبه"<sup>۱۳۴</sup> این بحث را باز کنم، خواهام گفت

قَالَ (احمد بن محمد بن خالد): وَ رَوَى بَعْضُهُمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَطْعَمُوا مَحْمُومِيكُمُ التُّفَّاحَ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنَ التُّفَّاحِ. امام صادق علیه السلام: به تب‌داران خود، سبب بدهید؛ چرا که هیچ چیز، سودمندتر از سبب نیست.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱ / الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۲ / عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۱۱۱ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۰۱

۱۳۳. **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع يَقُولُ: التُّفَّاحُ يُنْفَعُ مِنْ خِصَالٍ عَدَّةٍ مِنَ السَّمِّ وَ السُّحْرِ وَ اللَّيْمِ يَغْرِضُ مِنَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْبَلْعَمِ الْعَالِبِ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مُنْفَعَةً.

امام کاظم علیه السلام: سبب، برای درمان چند چیز سودمند است: (۱) مسمومیت، (۲) سحر (جادو)، (۳) جنونی که از زمینیان (جنیان) پیش می‌آید، و (۴) بلغمی که چیره شده باشد. هیچ چیز منفعتش سریع‌تر از سبب نیست.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۳ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ع يَقُولُ: التُّفَّاحُ شِفَاءٌ مِنْ خِصَالٍ...

الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۰۶ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۶ / الوافی، ج ۱۹، ص

۳۹۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۴

۱۳۴. **ارجاع پژوهشی:** ... فقه علوم غریبه یکی از ابواب فقهی مدرسه تمدنی هدایت است و مقدمه قطعی آموزش های علوم غریبه را آشنایی طلاب با مباحث فقه النظام، فقه الخلق و فقه التسیب می دانیم.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی محتوای علم منایا و علم بلایا - شنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۱ - قم

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا - <https://eitaa.com/olgu4/4877>

### نقشه محتوایی مدرسه هدایت به چه پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد؟

در محتوای فقهی مدرسه هدایت به ۴ پرسش بنیادین پاسخ می‌دهیم. پرسش‌های بنیادین منشاء پیدایش صدها پرسش وابسته و بخشی هستند و جهت تفکر و گفتگو را تغییر می‌دهند:

**چگونه در عالم تصرف کنیم؟** اولین پرسش بنیادین مدرسه هدایت است. تشریح این پرسش و تبیین چگونگی تصرف در عالم را در "جدول فقهی تسخیر" بررسی می‌کنیم. (فقه الخلق)

**چگونه فقر و نیازهای انسان مدیریت می‌شود؟** دومین پرسش بنیادین مدرسه هدایت است. تشریح این پرسش و تبیین پاسخ فقهی آن موضوع مباحثات جدول تسبیح است. در "جدول تسبیح" با تکیه بر چهار مفهوم ۱- تسبیحات، ۲- استغفار، ۳- صلوات و ۴- توسل به تبیین فقهی و عمیق چگونگی رفع فقر بشر پرداخته ایم. (فقه التقدير)

**چگونه یک نظام اجتماعی ساخته می‌شود؟** سومین پرسش بنیادین مدرسه هدایت است. تشریح این پرسش و تبیین پاسخ فقهی آن موضوع "جدول تنظیم" است. جدول تنظیم ۹ باب فقهی دارد. (فقه النظام)

**چگونه از مفهوم ربوبیت و اسباب باطنی آن در رفع نیازهای بشر استفاده کنیم؟** چهارمین پرسش بنیادین مدرسه هدایت است. در "جدول غریب" به بررسی عمیق این پرسش و پاسخ فقهی آن می‌پردازیم. (جدول علوم غریبه)

حجت الاسلام علی کشوری در جمع برخی از طلاب مدرسه هدایت - پنج شنبه ۸ آبان ۱۳۹۹ - قم

که چرا سیب جلوی طلسم را می‌گیرد. طلسم روی چه موضوعی ایستاده؟ و سیب چه موضوعی را مدیریت می‌کند؟ این مباحث را باید مردم بدانند.

یا مثلاً [در مورد خاصیت‌های] انار: شما می‌دانید که بسیاری از فرزندان ما دیر ازدواج می‌کنند؛ [لذا] اگر شما خاصیت میوه‌ها را بدانید [که مثلاً] بعضی از میوه‌ها "اماته شهوت حرام" ایجاد می‌کنند. خیلی خوب است، اطلاعات لازمی است [و به فرزندان شما در کنترل شهوت حرام کمک می‌کند]. یکی از آن میوه‌ها مصرف انار در شب جمعه و صبح جمعه است. البته در صبح جمعه باید ناشتا مصرف شود. "انار" میوه‌ای است که اماته شهوت حرام ایجاد می‌کند.<sup>۱۳۵</sup> مثل "سرکه" که اماته شهوت حرام می‌کند.<sup>۱۳۶</sup> مثل "شستشوی سر با سدر" که اماته شهوت حرام می‌کند. بعضی از این موارد را مردم باید اطلاع داشته باشند. بنابراین جشنواره‌هایی [باید ایجاد شوند] که این اطلاعات را به مردم بدهند و باعث پیشرفت مردم گردند. الان اگر کسی مبتلا به شهوت حرام شود، فقط توصیه اخلاقی به او می‌شود. یا حداکثر می‌گوییم که روزه بگیرد، و یا ورزش کند. شاید ده اقدام "میراننده" (کُشنده) شهوت

منبع: کانال الگوی پیشرفت اسلامی در ایما - <https://eitaa.com/olgou4/2700>

<sup>۱۳۵</sup> . **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: الثُّمَانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ وَمَنْ أَكَلَ ثَمَانَةً أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. وَرَوَاهُ عَنْ خَلَادِ بْنِ خَالِدٍ الْمُفْرِي عَنْ قَيْسٍ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انار، سیّد و آقای همه میوه‌هاست و هر کس يك انار بخورد، چهل صبح، شیطان خویش را به خشم می‌آورد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۵

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۴

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنِ النَّهْيكِيِّ عَنْ عُيَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَغْنِي الْأَوَّلَ يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ ثَمَانَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرَّبِي تَوَزَّتْ قَلْبُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَإِنْ أَكَلَ ثَمَانَتَيْنِ فَمَنْابِينَ يَوْمًا فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثًا فَمِائَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا وَكَرَدَتْ عَنْهُ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ وَمَنْ طَرَدَتْ عَنْهُ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ لَمْ يَعْصِ اللَّهَ أَذْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

امام کاظم علیه السلام: هر کس روز جمعه يك دانه انار ناشتا بخورد دلش ۴۰ صبح روشن شود و اگر دو دانه باشد ۸۰ صبح روشن شود، و اگر سه باشد تا ۱۲۰ صبح وسوسه شیطان از او دور گردد، و هر کس وسوسه شیطان از او دور شود نافرمانی خدا نکند و هر که نافرمانی خدا نکند خدا او را به بهشت برد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۴

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۱۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۲

<sup>۱۳۶</sup> . **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدَ ابْنَيْ عُمَرَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِمَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **الإِصْطِبَاحُ بِالْخَلِّ يَقْطَعُ شَهْوَةَ الرَّثَا.**

امام صادق علیه السلام: خورش ساختن سرکه (استفاده مقدراری از سرکه با غذا)، شهوت زنا را ریشه‌کن می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰

حرام" [در آیات و روایات ما] وجود دارد. همه این موارد باید جمع شوند و در آن جشنواره اجرا [و تبیین] شوند. حالا ایستادن [و تاکید بر روی خاصیت میوه‌ها] یک چنین خاصیت‌هایی دارد.

"جشنواره‌های غذا" باید در شهر قم راه بیفتد. "غذاهای متناسب با مزاج"، "متناسب با قلب"، باید جزء سنت‌های شهری شود. یعنی همه آدم‌های شهر بدانند در فلان جای شهر و در فلان تاریخ، غذا ارزیابی می‌شود. پیشنهادم برای تولید حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) این بوده است که خود حرم میزبان جشنواره غذا شود. آن وقت می‌توان غذا را از چنگ و دام "کُدکس آلیمنتاریوس" (Codex Alimentarius)<sup>۱۳۷</sup> خارج کنید و با استانداردهای صحیح به مردم معرفی کنید. پس اینها اقداماتی در حوزه نظم و سنت‌های شهری هستند.

این مجموعه توصیه‌ها و پیشنهادهای بود که ما به شهرداری قم داشتیم و فکر نمی‌کنم همه آنها بیش از ۱۰ میلیارد هزینه داشته باشد. خصوصاً اگر بخواهیم "نمونه‌سازی" کنیم. یعنی بودجه [تمامی این پیشنهادات ما] برابر با هزینه‌های پیشنهادی حتی یکی از پروژه‌های قم هم نیست. می‌شود این پیشنهادات را جلو برد و کارها را طراحی کرد.

۱۳۷. **ارجاع پردازشی:** اصطلاح «کُدکس آلیمنتاریوس» ریشه لاتین دارد و به معنای «قانون غذا» است.

آشنایی با کُدکس مواد غذایی و استانداردهای موجود

کُدکس (Codex) ریشه لاتین داشته و در لغت به مفهوم "مقررات" است. کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) [Codex Alimentarius Commission]، کمیسیون مشترک دو سازمان خواربار کشاورزی (FAO) [Food Agriculture Organization] و بهداشت جهانی (WHO) [World Health Organization] می‌باشد که در سال ۱۹۶۳ به دلیل اهمیت و لزوم تدوین استانداردهای غذایی، ایجاد گردید. این کمیسیون، تدوین استانداردهای غذایی را به طور واحد و یکسان برعهده دارد و اجلاس آن هر ساله در مقر یکی از سازمان‌های مذکور برگزار می‌گردد. در حال حاضر ۱۸۶ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران عضو این کمیسیون است.

از ویژگی‌های مهم این کمیسیون، تصویب استانداردهای جهانی مواد غذایی با رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی مصرف‌کنندگان، تسهیل تجارت و تبادل مواد غذایی بین کشورها است و با توجه به تاکید سازمان تجارت جهانی (WTO)، رعایت این استانداردها در تجارت مواد غذایی بین کشورهای منطقه و سایر کشورهای عضو کمیسیون حائز اهمیت و موثر می‌باشد.

ایران در سال ۱۳۶۸ به عضویت این کمیسیون پیوست، که طی همان سالها به دلیل فعالیت مناسب از سوی مدیر اجرایی کدکس مورد تشویق قرار گرفت.

در اجرای مصوبات یکصد و یکمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۸۰/۲/۱۲ که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۳ در جلسه کمیسیون امور زیر بنایی، صنعت و محیط زیست مورد بازنگری قرار گرفت، به منظور ساماندهی مشارکت کارشناسان و صاحب نظران و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط جمهوری اسلامی ایران در فعالیت کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) و همکاری با سایر سازمان‌های مرتبط در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، شورای هماهنگی کدکس غذایی ایران با مشارکت وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی؛ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ صنعت، معدن و تجارت؛ علوم، تحقیقات و فن‌آوری؛ و سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل و فعال گردید.



یک نکته آخری هم عرض کنم: این "برنامه فقهی ارتقاء مدیریت شهر قم" که بر اساس همین "نظریه فقهی مدیریت شهری محله محور" [تدوین شده] است را ما به یک مدل دیگری به شهرداری اصفهان پیشنهاد داده‌ایم، با یک مدل دیگری به شهرداری مشهد پیشنهاد داده‌ایم، شهرداری محترم کرمان هم با مجموعه ما نامه‌نگاری کرده که این بحث در آنجا هم ارائه و بحث شود. بدانید بعد از اینکه این بحث در چند جای دیگر ارائه و تکرار شود، در آینده مباحث مدیریت شهری را باید به صورت اختصاصی بر روی این ۹ محور بحث کنیم. یعنی: پس از آنکه این "طرح و برنامه‌های فقهی" از کلیت بیرون بیاید، دیگر جلسات اختصاصی مثلاً برای "مکاسب و تجارت عمومی [در شهر]" یا "ترکیه و پاکسازی شهری" و ... برگزار خواهیم کرد و در آن جلسات به صورت تفصیلی همه آن ۱۰-۱۲ تدبیرمان را بحث می‌کنیم. یعنی آینده بحث تخصصی‌تر خواهد شد تا آن صد تصمیم بیرون بیاید.

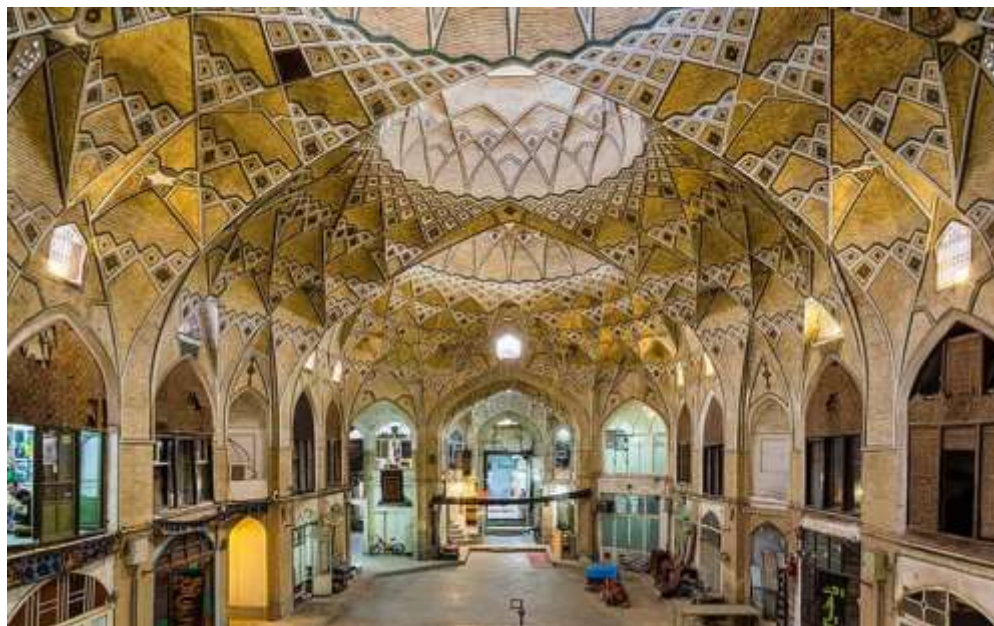
پس من چهار محور را عرض کردم: سوال اول این بود که: چرا به بحث مدیریت شهری ورود کرده‌ایم؟ پاسخ این بود که نوشهرگرایی ضد روابط انسانی عمل می‌کند و باید شهر را مؤید و پشتیبان روابط انسانی قرار داد. سوال دوم این بود که: اصول عام طراحی شهر اسلامی کدام است؟ عرض کردیم سه اصل "توزیع متوازن کالبد"، "مدیریت غیرمتمرکز" و "مدیریت مبتنی بر اختیار و علم محور"، اینها اصول عام طراحی شهر هستند. سوال سوم این بود که: ساختار برنامه‌ریزی و طراحی شهری کدام است؟ عرض کردیم از "ساختار مدیریت و امامت" تا "ساختار نفی سبیل و پدافند غیرعامل" ۹ ساختار می‌خواهیم و در مجموع حدود ۲۰ برنامه اولویت‌دار هم ذیل این ساختار محضران طرح کردم. از اینکه در محضران تصدیع کردم عذرخواهی می‌کنم.

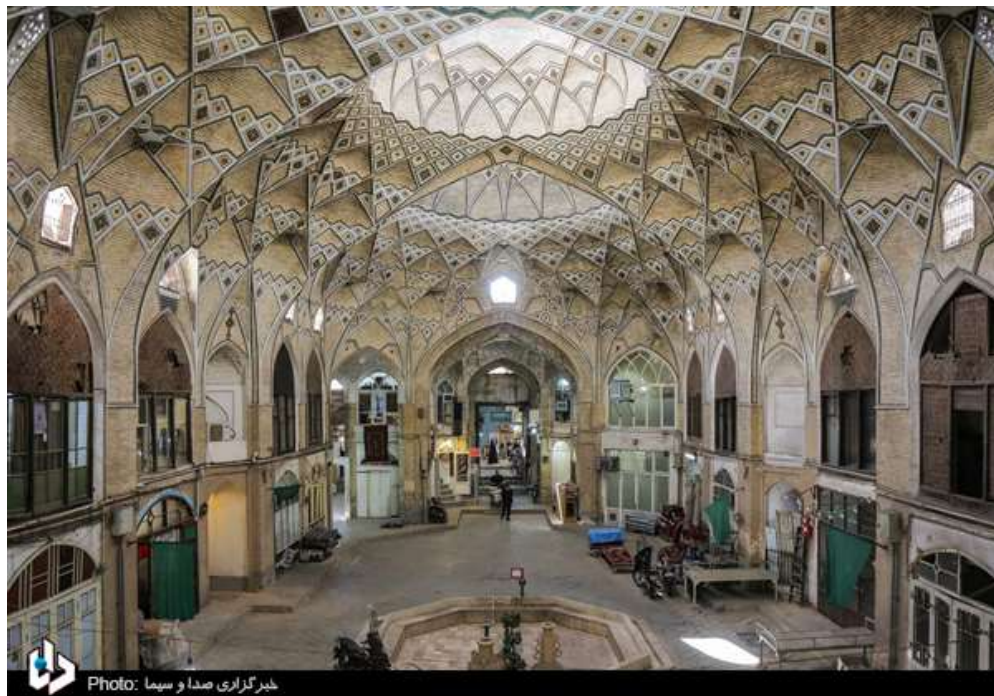
والحمد لله رب العالمین



# پیوست‌ها:

## پیوست شماره ۱: تصاویری از تیمچه بزرگ و بازار قم (نمونه‌ای از بازارهای وقفی)







## پیوست شماره ۲: عدم دریافت کرایه از مغازه‌های بازار توسط

### امیرالمومنین علیه السلام

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ. قَالَ: وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بِيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً.»

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می‌کنند که ایشان می‌فرمودند: «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ پس هر کس به مکانی در آن زودتر برسد (و دگه‌ای را تصرف کند)، او بر آن دگه تا شب اولویت دارد. امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمود: «و امیرالمومنین (علیه السلام) هیچگاه برای دگه‌های بازار کرایه دریافت نمی‌کرد.»

الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲ و ج ۵، ص ۱۵۵ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۹

سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷۸ / الوافي، ج ۱۷، ص ۴۴۷ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۳۹ و ۲۴۰

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ وَهُبٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ ع: «أَنَّ كَرَةَ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ أَجْرًا.»

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) که: «امیرالمومنین (علیه السلام) کراهت داشت که از بازار مسلمین مزد و اجر بگیرد.»

تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۸۳

الوافي، ج ۱۷، ص ۴۴۸ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۰۶ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۴۰

برخی دیگر از ویژگی های بازار امیرالمومنین (علیه السلام):

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ.»

امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمودند: «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ پس هر کس به مکانی در آن زوتر برسد (و دگه ای را تصرف کند)، او بر آن دکه تا شب اولویت دارد.»

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۹

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۵۶ و ج ۸۰، ص ۳۸۳

سند بحار: أَصْلٌ مِنْ أُصُولِ أَصْحَابِنَا [كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۰۶ [نقلًا عن الفقيه، مع اضافته " وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً "]

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة ع (شيخ حرّ)، ج ۲، ص ۱۹۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶۲ ج ۳، ص ۴۲۴ / جامع أحاديث

الشيعة، ج ۲۳، ص 239

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ؛ يَعْنِي إِذَا سَبَقَ إِلَى السُّوقِ كَانَ لَهُ مِثْلُ الْمَسْجِدِ.»

امام صادق (علیه السلام): «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ یعنی: هرگاه زودتر به بازار برسد آنجا برای او مثل مسجد است [در اینکه حق اولویت برای او می شود].»

الكافي، ج ۵، ص ۱۵۵

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۰۶ / الوافي، ج ۱۷، ص ۴۴۷

دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ؛ الرَّجُلُ أَحَقُّ بِمَكَانِهِ حَتَّى يَقُومَ مِنْهُ أَوْ تَغِيْبِ الشَّمْسِ.»

امیرالمومنین (علیه السلام): «بازار مسلمین در حکم مسجد آنان است؛ مرد اولویت دراد به جایگاه خود (و دگه ای که زودتر تصرف کرده) تا اینکه از آنجا بلند شود و برود، و یا اینکه خورشید غروب کند.»

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶۲ / جامع أحادیث الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۴۰



## پیوست شماره ۳: بیانات مراجع معظم تقلید در مورد ربوی بودن بانک‌های

### کشور

#### حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

مهر؛ ۲۲ اردیبهشت ۹۷ - بعضی بانک‌ها قرض الحسنه ۲۸ درصدی می‌دهند، یعنی چه؟ نام ربا خواری را به دروغ، قرض الحسنه می‌گذارند، درست نیست.

رسا؛ ۸ آذر ۹۷ - وی افزود: برخی می‌گویند ما ازدواج کردیم اما آرامشی ندیدیم، در جواب اینها باید گفت ازدواج شما مبتنی بر آموزه‌ها و اخلاق اسلامی نبوده است، به چند دلیل؛ دلیل نخست توقعات زیاد. فرد به دلیل توقعات زیاد مجبور به گرفتن وام شده و در بازپرداخت اقساط آن دچار مشکل می‌شود آن هم با وضعیت کنونی بانک‌ها که می‌دانید چه بلایی سر مردم در می‌آورند.

این مرجع تقلید افزود: بانک‌ها وام با سودهای کلان به مردم پرداخت می‌کنند، اگر فرد در پرداخت اقساط تاخیر کرد، جریمه دیرکرد می‌گیرند و باز بر همان جریمه هم جریمه مضاعف می‌گیرند.

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - بانک‌ها وام قرض الحسنه ای که می‌دهند قطعاً خلاف شرع است، چهار درصد حق الزحمه را تعیین کردیم که بانک‌ها با یک زرنگی بیش از این میزان را از مردم دریافت می‌کنند که میزان آن به ۲۰ درصد رسیده و نوعی رباخواری آشکار محسوب می‌شود.

پایگاه مرجع عالیقدر؛ ۲۲ بهمن ۹۷ - معظم له با انتقاد از سیستم بانکی کشور، تصریح کردند: بانک‌ها با وضعیتی که ایجاد کرده‌اند، مردم را بیچاره کرده و به خاک سیاه نشانده‌اند؛ به اسم تسهیلات قرض الحسنه و به جای این که چهار درصد کارمزد برای طول دوره بازپرداخت تسهیلات دریافت کنند، هر سال ۴ درصد دریافت می‌کنند و در پایان سال پنجم بیست درصد سود از باقیمانده از مردم دریافت می‌کنند، این رباخواری آشکار است که به نام قرض الحسنه انجام می‌شود.

#### حضرت آیت‌الله مظاهری:

حوزه‌نیوز؛ ۱۷ دی ۹۷ - آیت‌الله العظمی مظاهری گفتند: متأسفانه در زمان حاضر، رباخوردن و ربا دادن عادی شده و بعضی مثل اینکه بخواهند با حیل‌های شرعی موش را آب بکشند و بخورند، ربا می‌خورند.

#### حضرت آیت‌الله سبحانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با بیان اینکه دیرکرد بانک‌ها ربا محسوب می‌شود، گفت: هم اکنون استفتائات رسیده به دفتر مراجع و علما مربوط به عملکرد بانک‌ها در زمینه تسهیلات بانکی است.

### حضرت آیت‌الله نوری همدانی:

ایلنا؛ ۷ اردیبهشت ۹۷ - وی به تعطیلی برخی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کشور اشاره کرد و گفت: به نظرم مهمترین عامل تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی سیستم ربوی بانک‌هاست. بسیاری از بانک‌ها در ابتدا تسهیلاتی در اختیار برخی از کارخانه‌ها قرار می‌دهند اما بعد از مدتی به گرفتن سود و حتی دیرکرد از تسهیلات داده شده اقدام می‌کنند در حالی که دیرکرد اقساط توسط بانک‌ها ربا محسوب می‌شود که مهمترین عامل ناتوانی اقتصادی است.

وی با بیان اینکه در هفت جای قرآن کریم مساله ربا مطرح و مورد نکوهش قرار گرفته است، گفت: بارها گفته‌ایم که گرفتن دیرکرد توسط بانک‌ها نوعی ریاست و امیدواریم وزارت رفاه، کار و تعاون اجتماعی با هدف کمک واحدهای تولیدی برای رفع این مشکل اقدام کنند.

آیت‌الله نوری همدانی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی باید متفاوت باشد، گفت: در کشورهای غربی تمرکزشان روی همین بانک‌های ربوی است تا بتوانند ۹۹ درصد جامعه را زیر سیطره یک درصد ثروتمند قرار دهند. تازه بیشتر امتیازاتشان برای کارخانه‌های اسلحه‌سازی است اما ما نباید به سمت بانک‌های ربوی حرکت کنیم.

تسنیم؛ ۲۴ شهریور ۹۷ - آیت‌الله نوری همدانی تصریح کرد: حوزه علمیه قم همیشه در کنار دانشگاه بوده و است و دشمنان اسلام سعی می‌کنند حوزه علمیه و انقلاب را ناکارآمد نشان دهند درحالی‌که این مسئله درست نیست، خیلی از اوقات نیز حرف‌های بزرگان حوزه پخش نمی‌شود به همین جهت مردم فکر می‌کنند که ما مطالبه‌گر نیستیم؛ به عنوان مثال بارها تأکید کرده‌ایم که اخذ دیرکرد توسط بانک‌ها حرام است ولی یا به گوش مسئولان نمی‌رسد و یا می‌رسد ولی عمل نمی‌کنند.

مهر؛ ۲ بهمن ۹۷ - وی خاطرنشان کرد: در چند سال اخیر بارها گفتم که دیرکرد حرام است و دیرکرد ربا به شمار می‌رود، اما باز هر روز مردم به من نامه می‌نویسند که در بانک‌ها از آن‌ها دیرکرد گرفته می‌شود.

رسا؛ ۱۵ اسفند ۹۷ - گاهی اسم ربا را تغییر می‌دهند و آن را پیگیری می‌کنند، قرض با زیادت در هر صورت ربا است و گاهی با عنوان اوراق قرضه و مشارکت چنین مسأله‌ای را طراحی می‌کنند.

رسا؛ ۲۲ اسفند ۹۷ - حضرت آیت‌الله حسین نوری همدانی امروز در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان این که بانکداری در نظام اسلامی باید بدون ربا باشند، گفت: متأسفانه امروز ربا به اشکال مختلف در نظام بانکی مشاهده می‌شود، در حالی که ربا از شدیدترین گناه‌ها و مشی غربی‌ها است و نباید در جامعه و نظام اسلامی وجود داشته باشد.

وی افزود: باید ماهیت بانک‌ها تغییر کند و رباخواری برچیده شود، بانک بدون ربا این است که پول برای خود انسان باشد و به عنوان اعتماد به بانک سپرده شود تا در جریان اقتصادی حلال و صحیح مورد استفاده قرار گیرد نه این که بانک‌ها بنگاه اقتصادی راه اندازی کنند و ربا وجود داشته باشد.

حضرت آیت الله نوری همدانی با تأکید بر تسریع در رفع اشکالات نظام بانکی و رفع دغدغه‌های مردم و بزرگان اظهار داشت: ۴۰ سال از انقلاب گذشته و هنوز وضعیت بانک‌ها سامان پیدا نکرده است، علما باید در رسانه‌ها و تلویزیون مردم را نسبت به مسائل بانکی توجیه کنند تا خواسته و ناخواسته دچار ربا نشوند.

وی ادامه داد: متأسفانه هیچ فکری برای بانکداری بدون ربا نشده است در حالی که مسئولان مربوطه باید در این زمینه اهتمام داشته باشند، بانک‌های جامعه اسلامی نباید دنباله رو غرب باشند، کمیسیون اقتصادی مجلس باید بانکداری اسلامی بدون ربا را تصویب و دولت آن اجرایی کند.

استاد برجسته درس خارج علمیه قم ابراز داشت: در گزارش کمیسیون اقتصادی آمده که قرار است بانکداری بدون ربا را تصویب کنند اما این طرح کامل و دقیق نیست و باز هم اشکالاتی دارد.

### حضرت آیت الله علوی گرگانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با انتقاد از بی‌توجهی نسبت به اصلاح سیستم بانکی و حذف پدیده تأسف ربا گفت: پدیده زشت ربا سبب شده تا مردم چند برابر وامی که دریافت می‌کنند بازپرداخت به بانک‌ها تحویل بدهند، ربا و دیرکرد باید از سیستم بانکی حذف شود.

حوزه‌نیوز؛ ۹ بهمن ۹۷ - این مرجع تقلید گفتند: موضوع دیگر در حال حاضر، مسئله بانکداری است که بسیار مهم است. اکثر استفتائاتی برای ما می‌آید در مورد طلاق و بانکداری است، مسئله بانکداری باید به صورتی که حقیقی باشد، انجام شود.

معظم له ادامه دادند: خدا شهید آیت الله صدر را رحمت کند که کتابی در مورد بانک ربوی و... نوشت، ولی این سبک در ایران قابل پیاده و اجرا شدن نیست، ولی فکر خوبی است، مسئله بانکداری را باید در کشور حل کرد. ایشان افزودند: این همه ربا در کشور، برکات را از بین خواهد برد. بسیاری از کسانی که گرفتار زندان هستند، به دلیل همین سود بانکی است.

استاد برجسته درس خارج علمیه قم با بیان این که درصد و جریمه گرفتن از مردم به ویژه در این شرایط بد اقتصادی کار اشتباهی است.

### حضرت آیت الله جوادی آملی:

ایرنا؛ ۴ فروردین ۹۷ - آیت الله جوادی آملی با انتقاد از عملکرد برخی بانکها و اخذ دیرکرد از تسهیلات اعطایی خاطر نشان کرد: این اقدام بانکها رباست و با آموزه‌های قرآن، پیامبر اکرم و ائمه معصومین مغایرت دارد.

ایکنا؛ ۱۵ فروردین ۹۷ - قرآن، شیطان را مستکبر معرفی کرده ولی من به خاطر ندارم محاربه به شیطان نسبت داده شود؛ ولی فرمود بانکهای ربوی محارب هستند، بنابراین شما دائماً بگویید سال اشتغال و تولید، ولی تا سرمایه غیرربوی نباشد درست نخواهد شد .

تسنیم؛ ۲۴ فروردین ۹۷ - طبق بیان قرآن کریم، ربا و بانکداری ربوی سبب آبروبری است که ما به آن دچار هستیم، از طرف دیگر سرمایه‌های کشور با سوء مدیریت به بخش مسکن هدایت شد که نتیجه و حاصل آن تولید مسکن‌های انبوهی است که خالی افتاده‌اند.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: شما ببینید چرا قرآن رباخوار را دیوانه می‌داند؟ اینها سالیان متمادی درس خواندند، کیفیت سود، کیفیت درآمد، کیفیت وام دادن، کیفیت وام گرفتن، را آموختند تا شدند متخصص فن بانکداری ربوی! اینها در رشته خود عالم هستند. اما در سوره مبارکه «بقره» فرمود: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ، می‌فرماید این مخبطنه [دیوانه‌وار] دارد زندگی می‌کند، چون حرف خدا و پیغمبر را گذاشته زمین، و دنبال سود حرام رفته است .

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم

<https://b2n.ir/150132>

## پیوست شماره ۴: اهمیت بسیار فراوان مکاسب و تجارت در دیدگاه اسلام (نهم از عبادت!)

**روایات مُعَاوِدِ بَا «الْعِبَادَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»**  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ». **پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) : عبادت ده جزء دارد، که نه جزء آن طلب [روزی] حلال است.**

**مصادر اصلی:** جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۳۹ / إرشاد القلوب (للديلمي)، ج ۱ / ص ۲۰۳  
 (قابل ذکر است که: روایت إرشاد القلوب در ضمن یک روایت طولانی نقل شده است: «روى عن أمير المؤمنين عليه السلام أنّ النبي صلى الله عليه وآله سأل ربه سبحانه ليلة المعراج فقال يا ربّ أيّ الأعمال أفضل (إلى أن قال) ... فقال الله تعالى: «يا أحمّد! إنّ العبادة عشرة أجزاء تسعة منها طلب الحلال؛ فإنّ أطيب مطعمك و مشربك فأنت في حطفي و كفي ...»  
 امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حدیثی طولانی نقل فرمودند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب معراج از خداوند سبحان سوال کردند که: کدامیک از اعمال بافضیلت تر است؟ ... (تا اینکه فرمود) خدای تعالی فرمود: «ای احمد! همانا عبادت را ده بخش است؛ نه بخش آن جست و جوی حلال است. پس اگر خوردن و نوشیدن پاک باشد، در حفظ و پناه منی.»  
**منابع دیگر:** بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹ و ج ۷۴، ص ۲۷  
 سند بحار الانوار: كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ: وَ مِنْهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ الْوَافِيِّ، ج ۲۶، ص ۱۴۷ / الجواهر السننية في الأحاديث القدسية، ص ۳۸۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲ و ج ۱۳، ص ۲۰ /  
 جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۲، ص ۷۶  
 سند جامع الاحاديث: و فيه بهذا الإسناد (حدّثنا سهل بن أحمد قال حدّثني محمد بن محمد بن الأشعث عن موسى بن إسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله)

در تایید و تعاضد مضمونی این روایت می توان روایات فراوان با اسناد فراوانی را ذکر کرد:

**دسته اول:** روایاتی که عبادت را ۷۰ جزء برشمرده اند و کسب حلال (مکاسب) را افضل آن ۷۰ جزء دانسته اند:  
 عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكُوفِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ».  
**پیامبر (صلی الله علیه و آله): «عبادت هفتاد جزء دارد که افضل آنها طلب حلال است.»**

**مصادر اصلی:** الكافي، ج ۵، ص ۷۸ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (شيخ صدوق)، ص ۱۸۰  
 ( سند ثواب الاعمال: أَبِي رِهَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «...»  
 تهذيب الأحكام (شيخ طوسي)، ج ۶، ص ۳۲۴  
 (سند تهذيب: الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكُوفِيِّ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «...»  
 معاني الأخبار (شيخ صدوق)، ص ۳۶۷  
 (سند معاني الاخبار: حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ تَوْفَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «...»  
**منابع دیگر:** جامع الأخبار (لشعيري)، ص ۱۳۹ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۲۱ / الوافي، ج ۱۷، ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۷

**دسته دوم:** روایتی که عبادت را ۷ جزء برشمرده و کسب حلال (مکاسب) را افضل آنها دانسته است:

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «الْعِبَادَةُ سَبْعَةٌ أَجْزَاءُ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «عبادت هفت جزء دارد که افضل آنها طلب حلال است.»

مصدر اصلی: تحف العقول، النص، ص ۳۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۰

**دسته سوم:** روایتی که تمام خیر را ۱۰ جزء برشمرده و کسب حلال (مکاسب) را افضل آنها دانسته است:

السَّيِّخُ أَبُو الْفُتُوحِ فِي تَفْسِيرِهِ، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الْخَيْرُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ أَفْضَلُهَا التِّجَارَةُ إِذَا أَخَذَ الْحَقُّ وَاعْتُطِيَ الْحَقُّ.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): «خیر ده جزء است که با فضیلت ترین آنها تجارت است هرگاه به حق بگیرد و به حق بدهد.»

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹

جامع أحادیث الشيعة، ج ۲۲، ص ۲۷۴

مکحول عن أبي إمامة قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الخير عشرة أجزاء أفضلها التجارة إذا أخذ الحق و أعطاه.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): «خیر ده جزء است که با فضیلت ترین آنها تجارت است هرگاه به حق بگیرد و به حق بدهد.»

الكشف و البيان عن تفسير القرآن (للثعلبي)، ج ۲، ص ۲۶۷

**دسته چهارم:** روایاتی که کسب حلال (مکاسب) را یکی از چهار سوال اصلی روز قیامت دانسته اند:

مجالس، المجالس و الأخبار جماعته عن أبي المفضل عن محمد بن الحسن بن حفص عن هشام التهمشلي عن عمرو بن هاشم عن معروف بن خربوذ عن عامر بن واثله عن أبي بردة الأسلمي قال سمعت رسول الله ص قال: «لا تزول قدم عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع عن جسده فيما أبلاه و عن عمره فيما أفناه و عن ماله مما اكتسبه و فيما أنفقه و عن حُبنا أهل البيت.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «بنده در روز قیامت، قدم از قدم برنمی دارد تا آن که چهار چیز از او پرسند: از جوانی اش که در چه چیز آن را تباه کرده؛ از عمرش که در چه راهی آن را مصرف کرده است؛ از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا هزینه کرده است؛ و از محبت ما اهل بیت.»

مصادر اصلی: الأمالی (للطوسي)، ص ۵۹۳ / مناقب (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۱۵۳  
 (سند مناقب: التعلی فی تفسیره عن مجاهد عن ابن عباس و أبو القاسم الفسیری فی تفسیره الحاکم الحافظ عن أبي برة و ابن  
 بطة فی إباته بإسناده عن أبو سعید الخدری کلهم عن النبي ص)  
 منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱

**دسته پنجم:** روایات فراوانی که تمام عبادات و اعمال خیر را وابسته به کسب حلال (مکاسب) می دانند:

روایت اول:

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ  
 عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: ذُكِرَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ ذَكَرَ عِنْدَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ  
 مَالًا مِنْ حَرَامٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ وَلَا صَلَاةٌ رَحِمَهُ».

امام باقر (علیه السلام): «چون کسی مال حرامی به دست آورد، نه حج او قبول می شود، نه عمره او و نه صله رحم  
 او.»

مصدر اصلی: الأمالی (للطوسي)، ص ۶۸۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۹۱

روایت دوم:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي  
 الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو الصَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ  
 أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ  
 عَبَّاسٍ قَالَا حَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ حُطْبَةٍ حَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ تَعَالَى: «... و من  
 اكتسب مالا حراما، لم يقبل الله منه صدقة و لا عتقا و لا حجا و لا اعتمارا، و كتب الله بعدد أجر ذلك أوزارا؛ و ما  
 بقي منه بعد موته كان زاده إلى النار. و من قدر عليها و تركها- مخافة الله- كان في محبة الله و رحمته، و يؤمر به  
 إلى الجنة.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - قبل وفاتش در آخرین خطبه اش که در مدینه ایراد کردند- فرمودند: «... هر کس  
 مالی حرام کسب کند، خدا نه صدقه او را می پذیرد و نه بنده آزاد کردن و نه حج گزاردن و نه عمره گزاردن او را، و  
 به اندازه پاداش این اعمال برای او گناهای سنگین می نویسد؛ و آنچه از وی پس از مرگش بر جای بماند، توشه راه  
 جهنم او خواهد بود. و هر کس بر حرام دست یابد و از ترس خدا آن را رها کند، خداوند او را مورد دوستی و  
 رحمت قرار می دهد، و می فرماید تا او را به بهشت ببرند.»

مصادر اصلی: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸۳ / عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۳۶۵

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۴۵

روایت سوّم:

النَّبِيِّ «ص»: «العبادة مع أكل الحرام، كالبناء على الزّمل . و قيل على الماء.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «عبادت با خوردن حرام، همچون بنا کردن ساختمان بر روی ریگ است.»

مصدر اصلی: عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۵۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸

روایت چهارم:

قال النبي (ص): «إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يُنَادِي عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ كُلَّ لَيْلَةٍ: مَنْ أَكَلَ حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا. وَالصَّرْفُ النَّافِلَةُ، وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «خدا را فرشته‌ای است که هر شب بر فراز بیت المقدس بانگ می‌زند: هرکس مال حرامی بخورد، خداوند از او نه صرف می‌پذیرد و نه عدل. و منظور از صرف، عمل مستحبی. و از عدل، عمل واجب است.»

عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۱۵۳

**دسته ششم:** روایاتی که یکی از اسباب اصلی و تاثیرگذار برای بهشی شدن و رهایی از آتش جهنم را کسب حلال (مکاسب) برشمرده‌اند:

روایت اوّل:

وَ قَالَ ص: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَفُتِحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «هرکه از دسترنج حلال خود بخورد، درهای بهشت به رویش گشوده شود، و او از هر در که خواهد وارد شود.»

مصدر اصلی: جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۳۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰

روایت دوّم:

وَ قَالَ ص: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله): «هرکس از دسترنج خود ارتزاق کند و بخورد خداوند به او نظر رحمت می‌کند و او را هرگز عذاب نخواهد کرد.»

مصدر اصلی: جامع الأخبار (للشعيري)، ص ۱۳۹



روایت سوم:

الإختصاص: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلَالٍ بِهِ دَسْتٌ بِيَاوَرِدُ، تَوْشَهُ أَوْ بِهِ سَوَى آتَشٍ خَوَاهِدُ بُوَد.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «هر کس مالی را از غیر حلال به دست بیاورد، توشه او به سوی آتش خواهد بود.»

مصدر اصلی: الإختصاص (شیخ مفید)، ص ۲۴۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰

روایت چهارم:

قَالَ النَّبِيُّ ص قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيِّ بَابٍ اِكْتَسَبَ الدِّينَارَ وَالدِّرْهَمَ لَمْ أَبَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ النَّارِ اُدْخَلْتَهُ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «خدواند عزوجل می فرماید: هر کس اهمیت ندهد که از چه راهی درهم و دینار به

دست می آورد، من هم اهمیت نمی دهم که در روز قیامت او را از کدام درب های جهنم داخل دوزخ کنم.»

مصدر اصلی: الإختصاص (مفید)، ص ۲۴۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱

**دسته هفتم:** روایاتی که رسیدن به درجات ایمان و مقامات والای اخروی را در کسب حلال (مکاسب) بیان فرموده اند:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ جَيْفَرٍ عَنْ آدَمَ أَبِي الْحُسَيْنِ الْوَلُّوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ ...»

امام صادق (علیه السلام): «مومن کسی است که راه کسب و درآمد او پاک و طیب باشد.»

مصادر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۲۳۵ / الخصال، ج ۲، ص ۳۵۲

(سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ

مُحَمَّدٍ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ رَفَعَاهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۹ / بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۹۳

وَقَالَ (ص): «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ تَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): «هر که از دسترنج خود، گذران زندگی کند، روز قیامت در شمار پیامبران است و

پاداش پیامبران بگیرد.»

مصدر اصلی: جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۳۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰

مجموع این روایات و همچنین روایات ناگفته فراوانی که در منابع روایی شیعه و عامه ذکر شده است، نشان دهنده اهمیت فوق العاده و تاثیر منحصر به فرد مکاسب و کسب حلال در عبادات می باشد. و اینکه بدون کسب حلال هیچ عبادت و عمل خیری از انسان قبول نخواهد شد و در نتیجه مستلزم دوزخی شدن انسان می گردد. لذا می توان گفت: در تمامی اجزاء عبادات، بالاترین و با فضیلت ترین جزء آن مربوط به مکاسب و کسب حلال است، که بدون آن تمامی اعمال و عبادات انسان کان لم یکن خواهد شد.

## پیوست شماره ۵: محرومیت‌های ۱۰ گانه ساخت آپارتمان و فوائد ۱۰ گانه

### حیاط خانه

توجه به حیاط خانه ۱۰ فایده بی بدیل برای خانواده به ارمغان می آورد / نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می‌کنم!

یکی از مهمترین ویژگی‌های مسکن از منظر اسلام مسئله حیاط خانه است. بر اساس پنج دسته از روایات - از جمله احادیث مرتبط با ایده مترقی پخت نان در خانه - برای ضرورت حیاط خانه استظهار کرده ایم!

توجه به مسئله حیاط خانه و منع ساخت ساختمان با الگوی آپارتمان ۱۰ دسته فایده بی بدیل، شامل: ۱- گسترش تفریح خانگی و تقویت صله رحم، ۲- تسهیل مدیریت بازی کودکان، ۳- پیشگیری از بیماری، ۴- مطبوع سازی هوا، ۵- هدایت نزولات آسمانی به حفره های زمین از طریق حفر چاه خانگی، ۶- تسهیل معیشت مردم (اقتصاد مقاومتی)، ۷- کاهش سفرهای تفریحی، ۸- کاهش تولید زباله، ۹- تحقق ایده مترقی پخت نان در خانه و ۱۰- زمینه سازی برای تمرکز زدایی جمعیتی و مهاجرت معکوس از مناطق پرجمعیت را برای خانواده ها به ارمغان می آورد.

محاسبات ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی نشان می دهد؛ که رعایت اصول فقهی ده گانه ساخت ساختمان، در مجموع هزینه های دولت و مردم را کاهش می دهد و به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می کند. نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می‌کنم.

حجت الاسلام علی کشوری- تبیین کارکردهای ده گانه حیاط خانه - دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ - حوزه علمیه قم

<http://nro-di.blog.ir/1399/11/27>

## پیوست شماره ۶: اهمیت و ضرورت بازی کودکان در روایات

### بازی در کودکی؛ نشانه و مایه رشد عقلی و خوشبختی در بزرگسالی:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الشَّامِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ يَقُولُ: تُسْتَحَبُّ عِرَامَةُ الصَّبِيِّ (الغلام) فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ. ثُمَّ قَالَ: مَا يُبْغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا!  
وَرُوي: أَنَّ أَكْبَسَ الصَّبِيَّانِ أَشَدَّهُمْ بُغْضًا لِلْكَتَّابِ.

به نقل از صالح بن عقبه - از عبد صالح (امام کاظم علیه السلام) شنیدم که فرمود: «خوب است بچه در کودکی بازی گوش باشد تا در بزرگسالی بردبار گردد». و سپس فرمود: «شایسته نیست که جز این باشد!»  
و روایت شده که: با هوش‌ترین کودکان، بیش از همه با مکتب‌خانه دشمن است.  
الکافی، ج ۶، ص ۵۱

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۶، ص ۸۸۰ / بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۶۲ / الوافي، ج ۲۳، ص ۱۴۳۲

رسول الله صلى الله عليه وآله: عِرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بازی‌گوشی (شیطننت) بچه در کودکی، مایه فزونی خرد او در بزرگسالی است.  
نهج الفصاحة، ص ۵۶۴ / كنز العمال، ج ۱۱، ص ۹۱

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ (وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا) وَ أَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.  
امام صادق علیه السلام: فرزندان را رها کن تا هفت سال بازی کند (و هفت سال [دوم]، او را تربیت کن) و هفت سال [سوم]، او را با خودت همراه کن. اگر رستگار شد، چه خوب؛ در غیر این صورت، از کسانی است که هیچ خیری در آنها نیست.

الکافی، ج ۶، ص ۴۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹ / مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲

الوافي، ج ۲۳، ص ۱۳۷۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۴۷۳ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵

### عدم ممانعت از بازی کودکان:

أَحَادِيثُ اللَّيْثِ بْنِ سَعْدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ يُصَلِّي يَوْمًا فِي فَنَاءٍ وَ الْحُسَيْنُ صَغِيرٌ بِالْقُرْبِ مِنْهُ وَ كَانَ النَّبِيُّ إِذَا سَجَدَ جَاءَ الْحُسَيْنُ فَرَكَبَ ظَهْرَهُ ثُمَّ حَرَّكَ رِجْلَيْهِ وَ قَالَ حُلْ حُلْ وَ إِذَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ أَخَذَهُ فَوَضَعَهُ إِلَى جَانِبِهِ فَإِذَا سَجَدَ عَادَ عَلَى ظَهْرِهِ وَ قَالَ حُلْ حُلْ فَلَمْ يَزَلْ يَفْعَلُ ذَلِكَ حَتَّى فَرَغَ النَّبِيُّ مِنْ صَلَاتِهِ فَقَالَ يَهُودِيٌّ يَا مُحَمَّدُ إِنَّكُمْ

لَتَفْعَلُونَ بِالصَّبِيَّانِ شَيْئًا مَا نَفَعَلُهُ نَحْنُ فَقَالَ النَّبِيُّ: أَمَا لَوْ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ لَرَحِمْتُمُ الصَّبِيَّانَ قَالَ فَإِنِّي أُوْمِنُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ فَأَسْلَمَ لَمَّا رَأَى كَرَمَهُ مِنْ عِظَمِ قَدْرِهِ.

ابن شهر آشوب - به نقل از لیث بن سعد - : روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با گروهی نماز می خواند و حسین علیه السلام که خردسال بود، در کنار ایشان قرار داشت. هرگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به سجده می رفت، حسین (علیه السلام) می آمد و بر دوش ایشان، سوار می شد. سپس، پاهایش را تکان می داد و می گفت: هئی، هئی! وقتی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می خواست سر بردارد، او را می گرفت و کنار خود می گذاشت و همین که [دوباره] به سجده می رفت، [حسین علیه السلام] بر پشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر می گشت و می گفت: هئی، هئی! این کار را همچنان ادامه داد تا این که پیامبر خدا، از نماز فارغ شد. در این هنگام، یک یهودی گفت: ای محمد! شما با فرزندان خود به گونه ای عمل می کنید که ما نمی کنیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بدان، اگر به خدا و پیامبرش ایمان می آورید، حتماً با کودکان، مهربان می شدید». یهودی گفت: من به خدا و پیامبر او ایمان می آورم. او مسلمان شد، چون با همه عظمت مقام پیامبر صلی الله علیه و آله، کرامت ایشان را مشاهده کرد.

مناقب آل ابی طالب (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۷۱ / شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ابن حیون، ۳۶۳

ق)، ج ۳، ص ۸۷

بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶

شرح الأخبار عن جعفر بن فروی یاسناده: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ جَالِسًا مَعَ أَصْحَابِهِ، إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهُمَا صَغِيرَانِ، فَجَعَلَا يَبْزُوَانِ عَلَيْهِ، فَمَرَّةً يَضَعُ لَهَا رَأْسَهُ، وَمَرَّةً يَأْخُذُهُمَا إِلَيْهِ، فَكَبَّلَهُمَا، وَرَجُلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ كَالْمَتَّعِجِ مِنْ ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَعْلَمُ أَنِّي قَبَّلْتُ وَكَدَأَ إِلَيَّ قَطُّ! فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى التَّمَعَ لَوْنُهُ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: إِنْ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ نَزَعَ الرَّحْمَةَ مِنْ قَلْبِكَ فَمَا أَصْنَعُ بِكَ؟ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُعَزِّزْ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا.

شرح الأخبار - به نقل از جعفر بن فروی، با اسنادش - : پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) با یارانش نشستند بود که حسن و حسین (علیهما السلام) که خردسال بودند، به سوی ایشان رفتند و از سر و دوش ایشان بالا می رفتند. گاهی سرشان را برای آنان، پایین می آورد و گاهی، آنان را می گرفت و می بوسید. در این حال، یکی از همنشینان ایشان با شگفتی، به این رفتار نگاه می کرد و گفت: ای پیامبر خدا! به یاد نمی آورم هیچ گاه فرزندی را گرفته و بوسیده باشم. پیامبر خدا خشمگین شد تا جایی که رنگش برگشت. پس به آن مرد فرمود: «اگر خداوند عز و جل مهربانی را از قلب تو گرفته است، من با تو چه کنم؟ کسی که به کودکان ما مهر نوزد و بزرگان ما را گرامی ندارد، از ما نیست».

شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۱۶

مناقب آل ابي طالب (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص ۳۸۴ (نقلاً عن في رواية حفص الفراء)

### اهمیت خاک بازی در دوران کودکی:

رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ التُّرَابَ رَبِيعُ الصَّبِيَانِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خاک، تفریحگاه کودکان است.

گویند که: حضرت رسالت پناه علیه السلام با اصحاب میگذشت کودکان بازی میکردند بخاک و غبار برخاسته بود؛ یکی خواست که ایشان را منع کند حضرت رسول علیه السلام نگذاشت و این خبر بگفت.

شهاب الأخبار (قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۸۹

المعجم الكبير، ج ۶ ص ۱۴۰ / كنز العمال، ج ۱۶ ص ۴۵۸

عن النبي صلى الله عليه و آله: أَحِبُّ الصَّبِيَانَ لِخَمْسٍ: الْأَوَّلُ: أَنَّهُمْ هُمُ الْبَكَاءُونَ، وَالثَّانِي: يَتَمَرَّغُونَ بِالتُّرَابِ، وَالثَّلَاثُ: يَخْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ حَقْدٍ، وَالرَّابِعُ: لَا يَدَّخِرُونَ لِعَدِّ شَيْئًا، وَالخَامِسُ: يُعَمَّرُونَ ثُمَّ يُحَرَّبُونَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می دارم: اول آن که بسیار می گریند؛ دوم آن که با خاک بازی می کنند؛ سوم آن که بدون کینه دشمنی می کنند؛ چهارم آن که چیزی برای فردا ذخیره نمی کنند؛ پنجم آن که می سازند و سپس، خراب می کنند.

المواعظ العددية، ص ۲۵۹

## پیوست شماره ۷: مذمت ساخت "آپارتمان" و تاکید بر ساخت "دار واسع" در روایات

### خانه بزرگ (دار واسع)؛ مایه سعادت (خوشبختی) انسان:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله): از خوشبختی مرد مسلمان، داشتن منزل وسیع است. الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَتَّسِعَ مَنْزِلُهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): از خوشبختی مرد آن است که منزلش وسعت داشته باشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ سَعَةُ مَنْزِلِهِ.

محمد بن مروان از امام صادق (علیه السلام): از خوشبختی مرد، وسعت داشتن منزلش است.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبِ التَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ عَنْ نَصْرِ الْكَوْسَجِ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ.

امام صادق (علیه السلام): برای مومن در داشتن منزل وسیع راحتی است.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۲

### خانه کوچک؛ مایه شقاوت (بدبختی) انسان:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مِنْ شَقَاةِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ.

امام باقر (علیه السلام): از سختی زندگی، تنگی منزل است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ عِ اشْتَرَى دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَنْحَوَلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مِنْزِلَكَ ضَيْقٌ فَقَالَ قَدْ أَحَدْتُ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عِ إِنْ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.

از معمر بن خلاد: حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) خانه‌ای خرید و به غلامش فرمود: که به آنجا منتقل شود، و فرمود: [چون] خانه‌ات تنگ و کوچک است. غلام گفت: این خانه (کوچک) را پدرم درست کرده! حضرت فرمود: اگر پدرت احمق بود، جا داشت که تو هم مثل او باشی؟!

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۰۳ / مکارم الاخلاق، ص ۱۲۵

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَ الْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوُّءُ وَ الْمَرْأَةُ السَّوُّءُ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوُّءُ.

پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و مرکب بد. (ترجمه میرباقری)

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

## نهی و مذمت بلندمرتبه‌سازی ساختمان در روایات

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: [يا محمد!] ابْنِ بَيْتِكَ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ فَمَا كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ سَكْنُهُ الشَّيَاطِينِ؛ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيْسَتْ فِي السَّمَاءِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّمَا تَسْكُنُ الْهَوَاءَ.

محمد بن مسلم از حضرت باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: [ای محمد!] بلندی ارتفاع خانه‌ات را هفت ذراع بنا کن؛ پس آنچه بیشتر از این باشد، محل سکونت شیاطین خواهد شد؛ چرا که شیاطین نه در آسمان هستند و نه در زمین، بلکه در هوا (فاصله بین زمین و آسمان) سکونت می‌کنند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۹ / مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶ (و فيه اضافة: "يا محمد!" فی صدر روایت)

وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۳ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۵

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴



عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ سَمَكُ الْبَيْتِ فَوْقَ سَبْعَةِ أَذْرُعٍ أَوْ قَالَ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ فَكَانَ مَا فَوْقَ السَّبْعِ وَالْثَمَانِ الْأَذْرُعِ مُحْتَضَرًا وَقَالَ بَعْضُهُمْ مَسْكُونًا. امام صادق (عليه السلام): هر گاه سقف خانه بالاتر از هفت یا هشت ذراع باشد؛ پس آنچه بالاتر از این باشد محل حضور یا محل سکونت (شیاطین) است.

الكافي، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۳ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۱۰ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ /

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۳

بیان: السمک السقف أو من أعلى البيت إلى أسفله و يعنى بالمحتضر بفتح الضاد المعجمة محل حضور الجن و الشياطين.

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ عَبَثَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ بَعِيَالِهِ؛ فَقَالَ: كَمْ سَقْفٌ بَيْنَكَ؟ فَقَالَ: عَشْرَةٌ أَذْرُعٍ. فَقَالَ: أَذْرُعٌ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ ثُمَّ أَكْتُبَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ فِيمَا بَيْنَ الثَّمَانِيَةِ إِلَى الْعَشْرَةِ كَمَا تَدُورُ فَإِنَّ كُلَّ بَيْتٍ سَمَكُهُ أَكْثَرُ مِنْ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ فَهُوَ مُحْتَضَرٌ تَحْضَرُهُ الْجِنُّ يَكُونُ فِيهِ مَسْكَنُهُ.

مردی به خدمت امام صادق (عليه السلام) شکایت آورد که جنیان با خانواده و عیالات من بازی می کنند، حضرت فرمود: سقف خانهات چه اندازه است؟ گفت: ده ذراع، فرمود: خانهات را به ارتفاع هشت ذراع اندازه بگیر و آیه الکرسی را بین هشت و ده ذراع بنویس؛ چرا که هر خانه ای که سقفش از هشت ذراع بیشتر باشد محل حضور جنیان و سکونت آنان می شود.

الكافي، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الخصال، ج ۲، ص ۴۰۸ (با اندکی تفاوت)

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلُوِيَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۱۲ / هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۴ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۴ / بحار الأنوار،

ج ۷۳، ص ۱۴۹ (نقلا عن الخصال)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعًا عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِي سَمَكِ الْبَيْتِ: إِذَا زُفِعَ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ كَانَ مَسْكُونًا فَإِذَا زَادَ عَلَى ثَمَانِيَةَ فَلْيَكْتُبْ عَلَى رَأْسِ الثَّمَانِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ.

امام صادق (علیه السلام) در مورد سقف خانه فرمودند: هرگاه (سقف خانه) از هشت ذراع بالاتر باشد محل سکونت (شیاطین) است. پس هر گاه از هشت ذراع بیشتر شد پس بر بالای هشت ذراع آیت الکرسی بنویس.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۴ /

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۴

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَ قَالَ: أَخْرَجْتَنَا الْجِنُّ عَنْ مَنَازِلِنَا! فَقَالَ: اجْعَلُوا سُقُوفَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَ اجْعَلُوا الْحَمَامَ فِي أَكْتافِ الدَّارِ. قَالَ: الرَّجُلُ فَفَعَلْنَا ذَلِكَ فَمَا رَأَيْنَا شَيْئاً نَكْرَهُهُ بَعْدَ ذَلِكَ.

از حضرت باقر (علیه السلام): مردی نزد وی به شکایت آمد که جن ما را از خانه هایمان بیرون رانده، فرمود: سقف خانه ها را هفت ذراع کنید، و کبوتر را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید، آن مرد گوید چنین کردیم و دیگر چیزی که ناراحت کننده باشد ندیدیم.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ رَجُلٍ

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۸ ( و فيه اضافة: أَخْرَجْتَنَا الْجِنُّ مِنْ مَنَازِلِنَا يَعْنِي عَمَّارَ مَنَازِلِهِمْ)

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ و ص ۱۶۲ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص

۴۵۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۴

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَمَّكَ الْبَيْتِ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانِيَةَ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمُحْتَضَرٌّ.

از امام صادق (علیه السلام): بلندی و ارتفاع خانه باید هفت یا هشت ذراع باشد که بیشتر از آن محل حضور شیاطین است.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶ (و فيه: فَمُحْتَضَرٌّ لِلشَّيَاطِينِ بَدَلِ فَمُحْتَضَرٌّ)

وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ و ص ۱۵۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص

۲۱۳

عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يَرْفَعُ مِنْ سَمِّكَ الْبُيُوتِ عَلَى تِسْعَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مَسْكَنُ الشَّيَاطِينِ.

امام صادق (علیه السلام): هر چه از سقف خانه که بالاتر از نه ذراع باشد؛ پس محل سکونت شیاطین است.  
مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: كُلُّ شَيْءٍ فَوْقَ الثُّسَعِ (يَعْنِي سَمَكَ الْبَيْتِ) فَمَا زَادَ عَلَى الثُّسَعِ فَهُوَ مَسْكُونٌ يَعْنِي الْبُيُوتَ أَوْ مَا كَانَ سَمَكُهَا فَوْقَ الثُّسَعِ فَمَا كَانَ فَوْقَ الثُّسَعِ مَسْكُونٌ.

عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم: هر شیئی (یعنی: هر خانه‌ای) که، بالاتر از نه ذراع) باشد؛ پس آنچه بیشتر از نه ذراع باشد مسکن شیاطین خواهد شد یا هر مقدار از خانه که سقفش بالاتر از نه ذراع باشد، مسکن شیاطین است.

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ إِنْسَانٍ بَيْنِي فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أذْرُعٍ إِلَّا وَيَأْوِي الشَّيْطَانُ فِيمَا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أذْرُعٍ وَالْوَاجِبُ أَنْ يُكْتَبَ لَهُ فِيهِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ حَتَّى لَا يَأْوِيَ فِيهِ الشَّيْطَانُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ انسانی سقف بنایش را از هشت ذراع بلندتر نسازد مگر آنکه در بالاتر از هشت ذراع شیاطین مأوا و مسکن گیرند. و در این صورت بر آن آیه الکرسی نویسد، تا شیطان در آن مأوی نکند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۷



## پیوست ۸: توضیحاتی در مورد "شهر کودک"

در سال ۱۹۸۹ میلادی نمایندگان شماری از کشورهای جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیمان "حقوق کودک" را تایید و امضا کردند، آنها متعهد شدند برای تصویب و اجرای مفاد پیمان در کشورهای خود تلاش لازم را به عمل آورند. این عهدنامه به نام "کنوانسیون حقوق کودک" شناخته می‌شود. ماده یک این کنوانسیون مقرر کرده است از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، کمتر از سن بلوغ باشد.

اوایل اسفند ماه ۱۳۷۲، مجلس شورای اسلامی اجازه ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد؛ برابر بند یک ماده ۳۱ این عهدنامه "حکومت‌ها حق کودک را برای داشتن بازی، سرگرمی، وقت آسایش و استراحت به رسمیت می‌شناسند و کودک می‌تواند به‌طور فعال و آزادانه در امور فرهنگی و هنری در خور سنی خود، شرکت کند." همچنین در بند ۲ این ماده آمده است: "حکومت‌ها به حق کودک برای فعالیت‌های هنری و فرهنگی توجه دارند و با اقدام‌های خود، آن را پشتیبانی می‌کنند و امکانات مناسب را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی - هنری و همچنین اوقات فراغت و سرگرمی کودک فراهم می‌کنند."

در سال ۱۳۷۹ شورای عالی استان‌ها به موجب ماده واحده‌ای به شورای اسلامی شهرها پیشنهاد کرد که شهرداری‌ها را در زمینه تحقق شهر دوستدار کودک به انجام اقدامات لازمی موظف کنند. در این پیشنهاد عنوان شد که این طرح در بخش شهرسازی و معماری با پیگیری، تدوین و تصویب قوانین لازم از سوی دستگاه‌های مختلف برای تامین فضای مناسب بازی کودکان در مجتمع‌های مسکونی نوساز یا در حال ساخت دنبال شود. همچنین تنظیم قوانین رعایت استانداردهای کاهش خطر و حوادث در مجتمع‌های مسکونی، طراحی خیابان‌ها، پیاده‌روها و پل‌ها به نحوی که برای عبور کودکان و وسایل حمل و نقل کودک مناسب باشد پیش‌بینی شده است.

### شاخص‌های یونیسف برای شهر دوستدار کودک:

یونیسف به عنوان یک مرجع، بر اجرای طرح شهر دوستدار کودک در سراسر جهان نظارت می‌کند. عمده‌ترین وظیفه این سازمان در طرح یاد شده ارتقا و حفاظت از حقوق کودکان است تا اطمینان حاصل شود که در تمام مسائل و فرآیندهای تصمیم‌گیری نظر کودکان در نظر گرفته می‌شود و حقوق آنها پایمال نمی‌شود. یونیسف همکاری با مقامات محلی و شهرداری‌ها را در کشورهای مختلف تقویت کرده و برای اطمینان پیشرفت کار از سازمان‌های غیردولتی در این زمینه کمک می‌گیرد، تا رویکرد (CFC شهر دوستدار کودک) از راه‌های مختلف در کشورها گسترش پیدا کند.

یونیسف شاخص‌هایی را برای اجرای این طرح مطرح کرده است که بر طبق آن تامین حقوق کودکان در محوریت قرار دارد، شهر دوستدار کودک مبتنی بر یک حاکمیت محلی است، پارک‌های موضوعی دارد و به کودکان اجازه می‌دهد آزادانه به بیان عقاید خود بپردازند، در این شهر تصمیم‌گیری بر عهده کودک است.

مراقبت‌های بهداشتی کودکان، مسئله دیگری است که در این طرح مورد حمایت قرار گرفته است، به این صورت که دولت‌ها باید امکانات بهداشتی از قبیل آب سالم و سرپناه مناسب برای زندگی کودکان را فراهم کنند. محافظت کودکان از خشونت و سوءاستفاده از دیگر ویژگی‌های این طرح به‌شمار می‌آید، باید به کودکان برای دیدار و بازی با دوستانشان اجازه داده شود و آنها در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی شهر مشارکت داشته باشند.

### شهر دوستدار کودک در ایران:

در سال ۱۳۸۶ دولت جمهوری اسلامی ایران تعهدی را به صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) داد و شهر تهران نیز به طرح شهرهای دوستدار کودک ملحق شد.

برابر مفاد این الحاق شهرداری تهران برای هدایت پروژه شهر دوستدار کودک در شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا به‌عنوان دبیرخانه، پذیرش مسئولیت کرد؛ البته این برنامه با کمی تاخیر در سال ۱۳۸۸ به تصویب شورای اسلامی شهر تهران رسید و شهر فعالیت‌های خود را در راستای محقق شدن "شهر دوستدار کودک" آغاز کرد. از جمله مواردی که در این مصوبه مورد توجه قرار گرفته، استانداردسازی مبلمان شهری به‌ویژه وسایل خاص کودکان (ورزش، تفریح و بازی) است.

در سال ۱۳۸۹ طرح شهر دوستدار کودک در شورای عالی استان‌ها به تصویب رسید؛ در این مصوبه با توجه به تأکیدهای دینی، اهمیت حقوق کودکان در دین اسلام و با استناد به وظایف قانونی شورای اسلامی شهر به‌خصوص ماده ۷۱ قانون تشکیلات، شورای عالی استان‌ها به شوراهای اسلامی شهرها پیشنهاد کرد تا شهرداری‌ها را در زمینه تحقق شهر دوستدار کودک موظف به انجام اقدامات لازم با لحاظ شرایط مقرر در مصوبه کنند.

در تبصره چهارم مصوبه نیز شهرداری تهران موظف شده است اعتبارات مورد نیاز برای اجرای مطلوب این مصوبه را در ردیف‌های مربوط در بودجه سنواتی شهرداری پیش‌بینی و لحاظ کند.

منبع: خبرگزاری ایمننا (خبرگزاری شهر و شهروندی ایران)

<https://www.imna.ir/news/۳۹۲۴۵۷>

## پیوست شماره ۹: توضیح اجمالی در مورد نقش نماز در اداره جامعه

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»  
همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای زشت بازمی‌دارند و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.

سوره مبارکه حج، آیه ۴۱

... دقت می‌فرمایید که سوال و نقطه شروع آیه این نیست که چه کار کنید که آخرت‌تان آباد شود. بلکه می‌گویید: اگر اختیارات داشتید، چه کار انجام بدهید. بعضی وقتی‌ها ما وقتی راجع به "صلاة" بحث می‌کنیم، سوال آیه یا روایت این است که "صلاة" بخوانید تا تزکیه بشوید و پاک بشوید، مثلاً در ابتدای سوره مومنون اینطور است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» موضوع [آیه]، فلاح و رستگاری است. بعد ادامه آیه به این سمت می‌رود که "صلاة" جزو ابزارهای "تزکیه" و "فلاح" است. اما الان سوال آیه این است که می‌گویید: بعضی وقتی حاکم می‌شوند، اختیارات دارند؛ باز به سمت "صلاة" می‌روند. یعنی: "صلاة" ذو وجهین است؛ هم به شما "سعادت و فلاح اخروی" می‌دهد، هم موضوع "حکومت‌داری و اداره جامعه" است. من می‌خواهم دوری فکری خودمان را نسبت به تفکر انبیاء بحث کنم. شب‌ها گاهی اوقات که قرآن می‌خوانم، می‌گویم: خدایا ما چقدر [از معارف قرآن] فاصله داریم! جمعیت‌هایی که (در ادامه بحث عرض خواهم کرد که چه کسانی هستند)، وقتی اختیارات پیدا می‌کنند (یعنی وقتی حاکم می‌شوند)، این چهار کار را انجام می‌دهند. چرا ما وقتی حاکم می‌شویم، این چهار کار را انجام نمی‌دهیم؟ چرا این اتفاق برای ما نمی‌افتد؟ امروز می‌خواهم این موضوع را مطرح کنم.

... خوب؛ حالا یک سوالی پیش می‌آید، حالا دیگر وقت درایه در روایت است؛ نباید مثل اخباریون روایت را توضیح دهیم. چه ویژگی‌ای در این چهار موضوع است که پایه‌های اصلی نظام‌سازی و تمدن اسلامی در اسلام شده‌اند؟ خوب، من به دلیل وقت جلسه "اقام الصلاة" را توضیح نمی‌دهم؛ در روایت است که: «صلاة»، چهارهزار حد دارد. یعنی به تعبیر ساده‌تر، "صلاة" حاوی چهار هزار مفهوم است و خیلی از این مفاهیمی که در "صلاة" اخذ شده (که من وقتی اسرار "صلاة" به نحو فقهی بگویم، اینها را بحث می‌کنم) اینها با اداره جامعه ارتباط دارد. عرض کردم "صلاة" لا اقل دو دسته بحث راجع به آن وجود دارد: گاهی شما "صلاة" و "تزکیه" و "آخرت" را بحث می‌کنید، و گاهی "صلاة" و "حکمرانی" و "اداره جامعه" را بحث می‌کنید. حالا از آن چهارهزار حد را که ما طلبه‌های کوچک می‌فهمیم، خیلی‌هاش به اداره جامعه ربط دارد.

مثلاً یکی از آنها این است که شما آخر سوره حمد، مردم را به سه دسته تقسیم می‌کنید: (۱) اهالی صراط مستقیم، (۲) مردمی که ضال (گمراه) هستند، (۳) مردمی که مغضوب (مورد غضب خداوند) هستند. قرآن اصرار دارد که به

شما گزارش دهد که مردم به لحاظ فکری و عملی، یک دسته نیستند؛ بلکه بعضی "اهل صراط مستقیم" هستند، بعضی "ضال" و گمراه هستند، بعضی‌ها هم "مغضوب خداوند متعال" هستند. لذا اگر کسی نماز را با معنایش بخواند، به یک مرزبندی اجتماعی می‌رسد.

الان مرزبندی‌ها این‌گونه است می‌گویند: "کشورهای توسعه‌یافته"، "کشورهای در حال توسعه"، "کشورهای جهان سوم". تقسیمات این‌گونه است. یا مثلاً می‌گویند کسانی که "دارای تحصیلات تکمیلی" هستند، کسانی که "مهارت" دارند و "بی‌سوادها". تقسیم‌بندی‌ها یک چیزهای دیگری است. الان هم تقسیم‌بندی هست و حالا شما آدم‌ها را با یک معیارهای دیگری تقسیم‌بندی می‌کنید. مثلاً اگر تئوری‌های "جامعه مدنی" را خوانده باشید، می‌گویند: آدم‌هایی که "قانون‌مدار" اند و آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند.

قرآن می‌فرماید: تقسیم‌بندی‌های تان نباید غلط باشد. این یکی از مفاهیم درون نماز است. می‌گوید: با محوریت گمراه بودن یا عدم گمراه بودن آدم‌ها را تقسیم کنید تا دچار مشکل نشوید. حالا بعداً شرح می‌دهیم که "صراط مستقیم"، "ضال" و "مغضوب" به چه معنا هستند. الان نمی‌خواهم اینها را بحث کنم.

حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری، مکتوب نقشه جامع تمدن اسلامی، ۲۶ اسفند ۱۴۰۰، صفحات ۵ الی ۱۰

جهت مطالعه بیشتر به متن مکتوب گزارش «نقشه جامع تمدن اسلامی» از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به آدرس زیر در پیام‌رسان "ایتا" مراجعه کنید:

<https://eitaa.com/olgou4/4290>

قابل ذکر است که این گزارش متن پیاده‌شده نشست «نقشه جامع تمدن اسلامی» می‌باشد که در جمع برخی از مسئولین و نخبگان شهر کرج در ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ برگزار گردیده است که در آن به بررسی سه پرسش اصلی پرداخته شده است: (۱) تمدن اسلامی چیست؟ (۲) مفاهیم و تحلیل‌های غلط گسترش‌یافته در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق تمدن اسلامی) کدام است؟ (۳) الگوی حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار را چگونه اصلاح کنیم؟ و در ضمن بررسی پرسش اول به تبیین اجمالی چهار رکن اصلی تمدن اسلامی (اقامه صلاه، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر) در آیه ۴۱ سوره حج پرداخته شده است.



## پیوست شماره ۱۰: اداره شهر به صورت محله‌ای و غیر متمرکز؛ دیدگاه اسلام

### در مورد نحوه اداره شهر

بحث و تبیین نظر اسلام در مورد چگونگی اداره شهر (به نحو متمرکز یا محله‌ای؟) بحثی بسیار مفصل و طولانی است که نیازمند برگزاری جلسات تفصیلی است. لذا در این مختصر فقط به ذکر خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده در نشست تخصصی و دوره بحثی «مدیریت شهری محله‌محور» (تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده‌ها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی) که در حوزه علمیه مروی تهران ارائه شده است و در آن مطالبی در این باره تشریح شده است؛ بسنده می‌کنیم:

«یکی از معضلاتی که در حال حاضر گریبان‌گیر هویت اسلامی شده و در حال به خطر انداختن سبک زندگی اسلامی می‌باشد، نوع مدیریت شهری فعلی است؛ این نوع از مدیریت شهری به دلیل استفاده از تئوری‌های غربی در اداره شهر علاوه بر اینکه موجب افزایش مستمر هزینه‌های اداره شهر توسط خود شهرداری شده به سکولار شدن افراد جامعه و حداقلی شدن نگاه افراد نسبت به دین می‌شود. دلیل این مطلب را باید در جایگاه رفیع خانواده دانست؛ بر همگان واضح و مبرهن است که نگاه‌های حداکثری به دین و فهم دین به صورت عمیق در نهاد خانواده و به وسیله پدر و مادر اتفاق می‌افتد؛ اما پدر و مادری که فرصت تربیت فرزندان خود را داشته باشند. مشکل در این است که مدیریت فعلی شهری به دلیل اینکه هرم نیازهای چهارگانه خانوار را در خارج از محله تأمین می‌کند اعضای خانواده فرصت زیادی را برای در کنار هم بودن ندارند و به تبع این ضیق وقت، پدر و مادر نیز فرصتی برای انتقال نگاه حداکثری به دین را نخواهند داشت و به این ترتیب زمینه سکولاریسم یا همان نگاه حداقلی به دین به وجود می‌آید.

... **سرفصل اول** که باید به آن پردازیم، **فلسفه مدیریت شهری** است؛ البته مراد از فلسفه، معنای مصطلح موجود این واژه نمی‌باشد، بلکه مراد هدف کلی و تصویر کلی مدیریت شهری و آرمان مدیران یک شهر می‌باشد. اگر فلسفه مدیریت شهری مشخص نباشد ما در مدیریت شهر دچار روزمرگی شده و قادر به برنامه‌ریزی صحیح نخواهیم بود. از منظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی فلسفه مدیریت شهری **"ارتقاء امر تربیت"** است؛ اگر مدیریت شهری تربیت را در دستور کار خود قرار دهد بسیاری از معضلات جامعه و حتی معضلات خود مدیریت شهری حل شده و هزینه‌های اداره شهر کاهش خواهد یافت. به عبارت بهتر مدیریت شهری باید یکی از این دو کار را انجام دهد: یا در مدیریت خود به تمام مسائل شهری مانند اقتصاد شهری، امنیت شهری و ... پردازد و برای اصلاح و بهبود هر یک برنامه‌ریزی جداگانه با هزینه‌های بالا بکند؛ یا اینکه بر روی موضوعی متمرکز شود که زیرساخت تمام موضوعات یک شهر می‌باشد و مسائلی مانند امنیت، اقتصاد و ... از آن

موضوع متأثر هستند. به نظر می‌آید بهتر است مدیریت شهری بر روی زیرساختی‌ترین موضوع تمرکز کند تا مدیریت موضوعات دیگر آسان‌تر و با کیفیت بیشتری صورت گیرد. این موضوع زیرساختی چیست؟ تربیت، زیرساخت تمام موضوعات جهت‌ساز و موضوعات غیر قابل انکار می‌باشد و اگر به این مقوله‌ی با اهمیت بپردازیم، تمام موضوعات دستخوش تغییر و تحول می‌شوند. بنابراین هدفی که مدیریت شهری باید به دنبال آن باشد ارتقا امر تربیت است.

اما ممکن است سؤال شود که مدیریت شهری چه ارتباطی به تربیت دارد؟ به عبارت بهتر درست است که تربیت امر مهمی می‌باشد؛ اما نهادهای دیگری مانند آموزش و پرورش و رسانه تکفل این امر هستند. پاسخ به این سؤال ما را وارد **سرفصل دوم** این نشست ۱۱ روزه می‌کند. به واقع آیا می‌توان ارتباطی را میان مدیریت شهری و تربیت قائل شد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال در گرو تعریف ما از تربیت است؛ اگر ما تربیت را به معنای خواندن احادیث برای افراد بدانیم ارتباط زیادی بین مدیریت شهری و تربیت وجود نخواهد داشت. اما این تعریف از تربیت، تعریف دقیقی نیست؛ تربیت امری ذوابعاد بوده و نیازمند مدیریت است، تربیت صرف بیان معارف اهل بیت برای افراد نیست، بلکه این موضوع زیرساختی نیازمند لوازم زیادی است. به عنوان مثال کار تربیتی حتماً باید همراه با "رفق" و "نصح" باشد. همچنین در کار تربیتی باید "ظرفیت" طرف مقابل را در نظر گرفته و مطالب را با "مکث" برای او بیان کنیم. با توجه به اینکه تربیت امری گسترده و دارای ابعاد مختلف است نیازمند نهادی می‌باشد که تکفل آن را بر عهده بگیرد.

اما **"نهاد تکفل تربیت" چیست؟** "خانواده" بهترین و اصلی‌ترین نهاد تربیت‌کننده‌ی افراد است، چرا که لوازم مختلف تربیت در این نهاد وجود دارد. تا به اینجا هنوز ارتباط مدیریت شهری و امر تربیت واضح نشده است و برای روشن شدن این امر باید به نکته دیگری توجه کنیم. خانواده از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد و چه عواملی موجب تضعیف نهاد خانواده می‌شوند؟

در پاسخ باید گفت که: **نهاد خانواده از دو حیث درون و بیرون تحت تأثیر قرار می‌گیرد: عوامل درونی، عواملی هستند که در اختیار پدر و مادر می‌باشند. به عنوان مثال اینکه والدین چگونه با یکدیگر رفتار کنند و مدارا داشته باشند و نزد کودکان یکدیگر را تحقیر و تخریب نکنند، امری است که در اختیار پدر و مادر می‌باشد.**

اما دسته‌ای از عوامل از بیرون بر نهاد خانواده اثر می‌گذارند و در اختیار نهاد خانواده نمی‌باشند. به عنوان مثال نظام آموزش و پرورش یکی از این عوامل است؛ وقتی نظام آموزشی لوازم زندگی مشترک را به دانش‌آموزان نمی‌آموزد و فقط بر روی ریاضی و فیزیک تمرکز می‌کند، دانش‌آموزان پس از ازدواج قادر به رفتار صحیح با یکدیگر نخواهند بود و همدیگر را به چالش خواهند کشید و در نتیجه نهاد خانواده تضعیف خواهد شد. نتیجه

تضعیف نهاد خانواده نیز از بین رفتن کارکرد تربیتی این نهاد است. از این پس ارتباط بین مدیریت شهری و تربیت واضح می‌گردد.

یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده نحوه‌ی تأمین هرم نیازهای خانوار است. در حال حاضر با توجه به اینکه هرم نیازهای خانوار در محل زندگی آنها تأمین نمی‌شود اعضای خانواده مکرر از یکدیگر جدا می‌شوند و وقتی اعضای خانواده در کنار یکدیگر نبودند طبیعتاً پدر و مادر نیز زمانی برای تربیت فرزندان خود نخواهند داشت. بنابراین مدیریت شهری با شیوه‌ی تأمین نیازهای خانوار می‌تواند موجب تقویت یا تضعیف نهاد خانواده گردد. با توجه به این مقدمات تعریف مطلوب مدیریت شهری مشخص می‌گردد؛ مدیریت شهری باید شهر را به محوریت محلات اداره کند. البته محله به کدام معنا؟ محل تأمین هرم نیازهای خانوار.

از این پس وارد **سرفصل سوم** دوره مدیریت شهری می‌شویم؛ **هرم نیازهای خانوار چیست؟** آیا با هر مدلی می‌توانیم نیازهای خانوار را تأمین کنیم؟ پاسخ منفی است؛ چرا که نیاز شاهراه هدایت انسان است. توضیح بیشتر آنکه هدایت انسان‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که بتوانیم فکر آنها را درگیر کرده و افکار آنها را جهت‌دهی کنیم. با توجه به اینکه انسان‌ها دائماً به نیازهای خود فکر می‌کنند مدل تأمین نیازها می‌تواند موجب ضلالت یا هدایت افراد شود؛ یعنی مدل تأمین نیاز علاوه بر اینکه موجب تأمین نیاز افراد می‌شود، دریچه و راهی است که افراد را به سمت خاصی هدایت می‌کند. بنابراین ما باید نیازهای خانوار را با مدلی تأمین کنیم که موجب ارتقا توحید آنها شود. به همین دلیل باید به بازتعریف هرم نیازهای خانوار پرداخته و مدل جدیدی را برای تأمین نیازهای خانوار ارائه دهیم. اما ملاک اصلی بازتعریف هرم نیازهای خانوار چیست؟ رفع اصطکاک اراده‌های افراد و کاهش نزاع در جامعه، مناط و ملاک اصلی مدل تأمین نیازهای خانوار است؛ هرم نیازهای خانوار را باید به گونه‌ای تأمین کنیم که نزاع در جامعه کاهش پیدا کند.

حال به بازتعریف هرم نیازهای خانوار می‌پردازیم. اولین نیازی که خانواده به آن محتاج است، "نیاز تفریحی" است؛ تفریح رأس هرم نیازهای خانوار است، زیرا اگر افراد کسالت داشته باشند توان حرکت به سمت پیشرفت و تأمین نیازهای خود را نخواهند داشت. اما نکته مهم این است که نباید تفریح را حداقلی معنا کنیم؛ نباید تفریح را به معنای رفتن به پارک و شهرسازی بدانیم. تفریح باید به صورت حداکثری پیگیری شود. تفریح حداکثری به معنای "بهبود روابط انسانی" است؛ افراد زمانی کسل نخواهند بود و فرح خواهند داشت که از سودی افراد دیگر به چالش کشیده نشوند و خود نیز انسان‌های دیگر را به چالش نکشند. اگر فرد قادر به رفتار صحیح با انسان‌های دیگر نباشد مدام آنها را به چالش کشیده و موجب کسالت آنها خواهند داشت. بنابراین مدل تأمین نیازهای تفریحی باید بتواند روابط انسانی افراد را بهبود ببخشد.

نیاز دومی که نهاد خانواده به آن محتاج است و باید به بازتعریف آن پردازیم، "نیاز تحصیلی" است؛ مدل تأمین نیازهای تحصیلی باید چگونه باشد که موجب رفع اصطکاک اراده‌ها شود؟ نظام آموزشی باید آموزش‌های خود را به محوریت انتقال ایثار طراحی کند؛ آنچه که مهم است و باید در نظام آموزشی به آن پردازیم آن است که "سود اجتماعی" یا همان "ایثار" را برای دانش‌آموزان جا بیندازیم؛ چرا که در صورت فربه شدن ایثارمدارای افراد بالا خواهد رفت و در تعاملات و رفتارهای خود با دیگران موجب به چالش کشیده شدن طرف مقابل خود نخواهد شد. بنابراین مدل مطلوب تأمین نیازهای تحصیلی به محوریت رفع اصطکاک، انتقال ایثار و سود اجتماعی به افراد است.

نیاز سوم خانواده چیست؟ "نیاز شغلی"، سومین نیاز موجود در هرم نیازهای خانوار است. مدل فعلی تأمین نیازهای شغلی به گونه‌ای است که موجب ایجاد "تضاد" و "تعارض" میان منافع کارگر و کارفرما می‌شود. با توجه به اینکه سازماندهی افراد در مدل فعلی تأمین اشتغال به محوریت تحریک نیازهای مادی می‌باشد، وقتی سود مادی سرمایه‌دار در خطر قرار گیرد، سرمایه‌دار منافع کارگر را نادیده گرفته و به عنوان مثال تعدیل نیرو می‌کند. تضاد بین منافع کارگر و کارفرما مشکلی است که دنیای غرب قادر به حل آن نمی‌باشد. حالا ما چگونه نیازهای شغلی را تأمین کنیم تا تضاد منافع پیش نیاید؟ راه کار پیگیری "الگوهای تولید خانوادگی" است؛ بنگاه‌های تولیدی باید به محوریت "رفق" و "صله رحم" تشکیل شوند؛ چرا که در اینصورت افراد به دلیل وجود روابط فAMILIARY و رفق و محبت در میان خود یکدیگر را به چالش نکشیده و منافع همدیگر را در خطر نمی‌اندازند و در نتیجه اصطکاک اراده ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین مدل مطلوب تأمین نیازهای شغلی راه‌اندازی "بنگاه‌های تولید خانوادگی" است.

چهارمین نیاز خانواده، "نیازهای روزمره" است؛ در حال حاضر نیازهای روزمره‌ی افراد به گونه‌ای تأمین می‌شوند که افراد مصرفی می‌شوند و مدام به دنبال "مصرف" بیشتر و "تنوع" هستند. وقتی انسان‌ها مصرفی شدند چه اتفاقی می‌افتد؟ با توجه به اینکه خواسته‌های افراد تمامی ندارد و منابع این جهان محدود هستند افراد برای رسیدن به خواسته‌های به استثمار یکدیگر پرداخته و به حقوق هم تجاوز خواهند کرد و در نتیجه اصطکاک میان اراده‌ها پیش می‌آید. مدل تأمین نیازهای روزمره باید به محوریت "زهد" به تأمین نیازهای روزمره پردازد. اگر نیازهای افراد به محوریت زهد تأمین شود، افراد به استثمار و استثمار یکدیگر نخواهند پرداخت و در نتیجه اصطکاک بین اراده‌ها کاهش می‌یابد.

پس از بازتعریف مدل تأمین نیازهای خانوار نوبت به **سرفصل چهارم** مباحث این دوره ۱۱ روزه یعنی تبیین اقدامات اجرایی می‌رسد. برای پیگیری مدیریت شهری از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی باید به انجام سه کار همت

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

بگماریم: اولین کار: تبیین گسترده تعریف مطلوب مدیریت شهری در مجامع نخبگانی کشور و در میان مردم می باشد؛ چراکه در صورت جا نینداختن دیدگاه مطلوب قادر به پیگیری آن در عرصه عمل نخواهیم بود. دومین کاری که باید در حال حاضر انجام دهیم شناسایی معضلات تهدیدکننده محلات هستند؛ در حال حاضر در محله های تهران معضلات مختلفی وجود دارند که موجب هدم محله می شوند. به عنوان مثال در محله امامزاده یحیی با پدیده ای به نام مهاجرت روبرو هستیم. سومین کاری که باید صورت گیرد تهیه شناسنامه محلات به محوریت هرم نیازهای خانوار می باشد؛ باید مشخص کنیم که در حال حاضر کدام یک از نیازهای خانوار در چه سطحی در محله تأمین می شوند و چه نیازهای را می توان فراهم کرد.»

منبع: اجمالی از دوره بحثی مدیریت شهری محله محور / مقدمه کتاب

با عنوان: : تأمین نیازهای چهارگانه خانوار در محله به محوریت رفع اصطکاک میان اراده ها؛ تصویر مطلوب مدیریت شهری از

نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

تدوین گران: ابوالفضل آریان پور - سجاد حسن زاده

جهت دریافت فایل این دوره پژوهشی به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://nro-di.blog.ir/1396/04/29>

## پیوست شماره ۱۱: محوریت علم و اقناع در اداره جامعه (نه جبر و قانون)

### تاکید بر عدم اجبار در هدایت مردم در آیات قرآن:

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۴)

بی تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده، پس هر که [به وسیله آن دلایل بینا شود و حقایق را با چشم دل] ببیند به سود خود اوست و هر که [با پشت کردن به دلایل] کوردل شود [و از دیدن حقایق محروم گردد] به زیان خود اوست، [وظیفه من ابلاغ پیام خداست] و بر شما حافظ و نگهبان نیستم.

وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (سوره مبارکه یونس، آیه ۹۹)

اگر پروردگارت می خواست یقیناً همه کسانی که روی زمین اند [اجباراً] ایمان می آوردند [ای پیامبر! در حالی که خدا از بندگانش ایمان اجباری نخواست] پس آیا تو مردم را وادار می کنی تا به اجبار مؤمن شوند؟!

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً (سوره مبارکه نساء، آیه ۸۰)

هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. [ما تو را بر آنان نگهبان] اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی [نفرستادیم].

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (سوره مبارکه یونس، آیه ۱۰۸)

بگو: ای مردم! یقیناً حق از سوی پروردگارتان برای شما آمد پس هر که هدایت یابد، فقط به سود خود هدایت می یابد و هر که گمراه گردد، فقط به زیان خود گمراه می شود، و من نگهبان شما نیستم.

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (سوره مبارکه زمر، آیه ۴۱)

ما این کتاب را برای [هدایت] مردم به حق و راستی بر تو نازل کرده ایم پس هر که هدایت یافت، به سود خود هدایت یافته و هر که گمراه شد، فقط به زیان خود گمراه می شود و تو بر آنان نگهبان و کارساز نیستی.

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِلَّا أَلْبَاحُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ  
سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ (سوره مبارکه شوری، آیه ۴۸)

پس اگر [از دعوت] روی برگردانند [اندوهگین مباش] ما تو را بر آنان نگهبان و مراقب نفرستاده ایم [تا آنان را به  
اجبار در دایره هدایت قرار دهی]، جز رساندن [پیام وحی] بر عهده تو نیست، و هنگامی که ما از سوی خود  
رحمتی [چون سلامت، امنیت و ثروت] به انسان بچشانیم، به آن سرمست و مغرور می شود، و اگر به سبب  
گناهانی که مرتکب شده اند آسیبی به آنان رسد [رحمت حق را فراموش می کنند]، بی تردید انسان بسیار ناسپاس  
است.

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرَ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ (سوره مبارکه ق، آیه ۴۵)  
ما به آنچه [دشمنان لجوج بر ضد حقایق] می گویند، داناتریم و تو را بر آنان تسلطی نیست [که به قبول حقایق  
و ادارشان کنی] پس به وسیله قرآن کسانی را که از تهدید من می ترسند، بیم ده.

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ \* إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (سوره  
مبارکه شعراء، آیات ۳ و ۴)

شاید تو می خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی آورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی! \* اگر بخواهیم معجزه ای  
بزرگ از آسمان بر آنان نازل می کنیم که فروتانه و بی اختیار در برابرش گردن نهند.

وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَ مَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۷)  
اگر خدا می خواست آنان [به طور اجبار] شرک نمی آوردند، [ولی خواست خدا آزادی انسان در انتخاب است] و ما  
تو را بر آنان نگهبان و کارساز قرار ندادیم [تا آنان را به اجبار به پذیرش دین و ادار کنی].

وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَ مَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۷)  
اگر خدا می خواست آنان [به طور اجبار] شرک نمی آوردند، [ولی خواست خدا آزادی انسان در انتخاب است] و ما  
تو را بر آنان نگهبان و کارساز قرار ندادیم [تا آنان را به اجبار به پذیرش دین و ادار کنی].

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا \* إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا \* إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا \* إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا \* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (سوره مبارکه انسان، آیات ۲ الی ۶)

ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلی کامل] درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. \* ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. \* ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش فروزان آماده کرده ایم. \* همانا نیکان همواره از جامی می نوشند که نوشیدنی اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است. \* آن جام از چشمه ای است که همواره بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می نمایند.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۶)

در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خدا شنوا و داناست.

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ \* لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ \* إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ \* فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ \* إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ \* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (سوره مبارکه غاشیه، آیات ۲۱ الی ۲۶)

پس تذکر ده، که تو فقط تذکر دهنده ای \* تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی] ولی کسی که [به دنبال تذکر بی در بی] روی گردانید و کفر ورزید. \* پس خدا او را به عذاب بزرگتر عذاب خواهد کرد. \* قطعاً بازگشت آنان به سوی ماست. \* آن گاه بی تردید حسابشان بر عهده ماست.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا \* فَيَمَّا لِيُذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا \* مَّكِينٍ فِيهِ أَبَدًا \* وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا \* مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ



وَلَا لِبَائِهِمْ كِبْرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا \* فَالْعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا \* إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (سوره مبارکه کهف، آیات ۱ الی ۷)

همه ستایش‌ها ویژه خداست که این کتاب را بر بنده‌اش نازل کرد و برای آن هیچ گونه انحراف و کژی قرار نداد. \* [کتابی] است درست و استوار [و برپادارنده مصالح حیات انسان] تا از سوی خود [ستمکاران را] به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده دهد که برای آنان پاداشی نیکوست. \* که در آن پاداش جاودانه ماندگارند. \* و [نیز] کسانی را که گفتند: خدا [برای خود] فرزندى گرفته است، [به آتش دوزخ] بیم دهد. \* نه آنان به این [سخن خرافی و بی‌پایه] یقین و دانشی دارند و نه پدرانشان [بلکه گفتارشان از روی جهل و نادانی است] چه بزرگ سخنی است که [از روی افترا] از دهانشان بیرون می‌آید آنان جز دروغ نمی‌گویند. \* شاید تو می‌خواهی اگر [این معاندان لجوج] به این سخن [که قرآن کریم است] ایمان نیاورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی!! \* مسلماً ما آنچه را [از درخت، نبات، حیوان، دریا و دیگر آثار] روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم که کدامشان از جهت عمل نیکوترند.

قُلْ مَنْ يُجِيبُكَ مِّنْ ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ تَدْعُوهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّكْرِينَ \* قُلِ اللَّهُ يُجِيبُكَ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ فَرْجٍ مُّثَمَّرٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ \* قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يُبَدِّلَ سَمَكًا بِسَمَكٍ آخَرَ وَبَعْضٌ أُنظُرُ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ \* وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (سوره مبارکه انعام، آیات ۶۳ الی ۶۵)

بگو: چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می‌دهد؟ در حالی که او را [برای نجات خود] از روی فروتنی و زاری و مخفیانه به کمک می‌طلبید [و می‌گویید] که: اگر ما را از این [تنگناها و مهلکه‌ها] نجات دهد، بی تردید از سپاس‌گزاران خواهیم بود. \* بگو: خدا شما را از آن [سختی‌ها] و از هر اندوهی نجات می‌دهد، باز شما به او شکر می‌ورزید [و به ناسپاسی می‌گیرید]. \* بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا شما را گروه گروه و حزب حزب به جان هم اندازد، [تا وضعیتان به اختلافات سنگین و کینه‌های سخت بیانجامد] و مزه تلخ جنگ و خونریزی را به هر گروه شما به وسیله گروه دیگر بچشانند با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم تا بفهمند. \* و قوم تو آن [قرآن] را در حالی که حق است تکذیب کردند بگو: من بر [هدایت، پاداش و کیفر] شما کارساز و صاحب اختیار نیستم.

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلاً (سوره مبارکه اسراء، آیه ۵۴)

پروردگارتان به شما دانتر است، اگر بخواهد شما را مورد رحمت قرار می دهد و اگر بخواهد عذابتان می کند. و ما تو را بر آنان نگهبان و کارساز نفرستاده ایم.

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّبِعُوا الْهَيْبَةَ وَ الْمِيزَانَ إِنِّي أُرِيكُمْ  
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ \* وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ  
وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ \* بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (سوره مبارکه هود، آیات  
۸۴ الی ۸۶)

و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما را جز او هیچ معبودی نیست و از پیمانانه و ترازو مکاهد، همانا من شما را در توانگری و نعمت [ی که بی نیاز کننده از کم فروشی است] می بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر بیمناکم. \* و ای قوم من، پیمانانه و ترازو را عادلانه [و منصفانه] کامل و تمام بدهید، و اجناس مردم را [هنگام خریدن] کم شمارتر و کم ارزش تر [از آنچه که هست] به حساب نیاورید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. \* آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم.

### تاکید بر هدایت مردم و اداره جامعه با محوریت علم و اقناع:

عن امیرالمومنین علیه السلام - فی وصیته لابنه الحسن علیه السلام - : وَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بِالْغَتِّ فِي إِيْلَامِهِ؛ فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْآدَابِ، وَالْبَهَائِمَ (وَالْجَاهِلَ) لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ!  
امیرالمومنین (علیه السلام) در وصیتش به امام حسن (علیه السلام): از کسانی مباش که پند برایشان سودمند نیست، مگر آن که در تنبیه آنها زیاده روی شود؛ به راستی که خردمند، با اندرز، پند می گیرد، در حالی که چارپایان، جز با کتک، پند نمی گیرند!

تحف العقول، ص ۸۳ / نهج البلاغه، ص ۴۰۴

کشف المحجبة (ابن طاووس، ۶۶۴ ق)، ص ۲۳۳ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۲۸۸ / عیون الحکم

والمواعظ (للثیثی)، ص ۱۴۳ / تصنیف غرر الحکم، ص ۵۴

بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۲۸

الإمام علي عليه السلام: العلم أفضل هداية.

امیرالمومنین (علیه السلام): علم، برترین هدایت است.

غررالحکم، ۸۴۶

عن علیّ علیه السلام: الْعِلْمُ أَشْرَفُ هِدَايَةٍ.

امیرالمومنین (علیه السلام): علم، باشرافت‌ترین هدایت است.

غررالحکم، ح ۱۰۲۳

عن علیّ ع: إِنَّ الْعِلْمَ يَهْدِي وَيُرْشِدُ وَيُنْجِي وَإِنَّ الْجَهْلَ يُغْوِي وَيُضِلُّ وَيُزِدِي.

امیرالمومنین (علیه السلام): بدرستی که علم و دانائی هدایت می‌کند و ارشاد می‌نماید و رستگاری می‌دهد، و بدرستی که جهل و نادانی گمراه می‌کند و به ضلالت و گمراهی می‌اندازد و هلاک می‌گرداند.

تصنيف غررالحکم، ص ۶۳ / غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۴۲ / عیونالحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۱۵۴

عن علیّ ع: لَا هِدَايَةَ لِمَنْ لَا عِلْمَ لَهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): کسی که علم ندارد، به هدایت دست نیابد.

تصنيف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۳ / عیونالحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۵۴۱ / غررالحکم و دررالکلم،

ص ۷۸۴

عن علیّ ع: الْعِلْمُ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ.

امیرالمومنین (علیه السلام): علم به سوی حقیقت هدایت می‌کند.

تصنيف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۳ / عیونالحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۹ / غررالحکم و دررالکلم،

ص ۸۵

عن علیّ علیه السلام: بِالْعِلْمِ يَسْتَقِيمُ الْمُعْوَجُّ.

امیرالمومنین (علیه السلام): کژی با علم، راست می‌شود.

غررالحکم، ح ۴۲۳۴ / عیونالحکم و المواعظ، ص ۱۸۷، ح ۳۸۳۶

## برخی از آثار و فوائد اداره و هدایت جامعه به محوریت علم:

عن علیّ علیه السلام: مُزَيِّنُ الرَّجُلِ عِلْمُهُ وَحِلْمُهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): زینت‌بخش مرد، دانش و بردباری اوست.

غررالحکم، ح ۹۷۷۸

رسول الله صلى الله عليه و آله: **أَمَّا الْعِلْمُ، فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ الْغِنَى وَإِنْ كَانَ فَقِيرًا، وَ الْجُودُ وَإِنْ كَانَ بَخِيلًا، وَ الْمَهَابَةُ وَإِنْ كَانَ هَيِّئًا، وَ السَّلَامَةُ وَإِنْ كَانَ سَقِيمًا، وَ الْقُرْبُ وَإِنْ كَانَ قَصِيًّا، وَ الْحَيَاءُ وَإِنْ كَانَ صَلِفًا، وَ الرَّفْعَةُ وَإِنْ كَانَ وَضِعًا، وَ الشَّرْفُ وَإِنْ كَانَ رَذَلًا، وَ الْحِكْمَةُ، وَ الْحُظُوءَةُ،** فهذا ما يتشعب للعاقِلِ بعلمه. **فَطُوبَى لِمَنْ عَقَلَ وَعَلِمَ.**

پیامبر خدا (صلى الله عليه و آله): و اما علم؛ اگر چه انسان فقیر باشد، از آن، توانگری (بی نیازی و ثروت) حاصل می شود. و اگر چه بخیل باشد، جود، و اگر چه خوار باشد، ابهت، و اگر چه بیمار باشد، سلامت، و اگر چه دور باشد، نزدیکی (قربت)، و اگر چه هرزه باشد، شرم، و اگر چه پست باشد، والایی، و اگر چه حقیر باشد، شرافت و حکمت و منزلت. اینها چیزهایی هستند که از دانش خردمند برایش به دست می آیند. پس خوشا به حال آن که خرد ورزید و دانست!

تحف العقول، ص ۱۶ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۱۸

الإمام علي عليه السلام: **كُلَّمَا أَزْدَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَتْ عِنَايَتُهُ بِنَفْسِهِ، وَ بَدَّلَ فِي رِيَاضَتِهَا وَصَلَاحِهَا جُهْدَهُ.**

امام علی علیه السلام: هر اندازه دانش انسان افزون گردد، توجه وی نسبت به نفس خود، بیشتر می شود و در ریاضت و اصلاح خود، کوشش بیشتری مبذول می کند.

غرر الحکم، ح ۷۲۰۴ / عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۹۷، ح ۶۷۱۸

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبِ بْنِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَزْوَةَ ابْنِ أَخِي شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ: **يَا طَالِبَ الْعِلْمِ! إِنَّ الْعِلْمَ ذُو فَضَائِلَ كَثِيرَةٍ: فَرَأْسُهُ التَّوَّاضُعُ وَ عَيْنُهُ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْحَسَدِ وَ أُذُنُهُ الْفَهْمُ وَ لِسَانُهُ الصِّدْقُ وَ حِفْظُهُ الْفَحْصُ وَ قَلْبُهُ حُسْنُ النَّيَّةِ وَ عَقْلُهُ مَعْرِفَةُ الْأَشْيَاءِ وَ الْأُمُورِ وَ يَدُهُ الرَّحْمَةُ وَ رِجْلُهُ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ وَ هِمَّتُهُ السَّلَامَةُ وَ حِكْمَتُهُ الْوَرَعُ وَ مُسْتَقَرُّهُ النَّجَاهُ وَ قَائِدُهُ الْعَافِيَةُ وَ مَرْكَبُهُ الْوَفَاءُ وَ سِلَاحُهُ لِينُ الْكَلِمَةِ وَ سَيْفُهُ الرِّضَا وَ قَوْسُهُ الْمُدَارَاةُ وَ جَيْشُهُ مُحَاوَرَةُ الْعُلَمَاءِ وَ مَالُهُ الْأَدَبُ وَ ذَخِيرَتُهُ اجْتِنَابُ الذُّنُوبِ وَ زَادَهُ الْمَعْرُوفُ وَ مَاؤُهُ الْمُوَادَعَةُ وَ دَلِيلُهُ الْهُدَى وَ رَفِيفُهُ مَحَبَّةُ الْأَخْيَارِ.**

امیرالمومنین (علیه السلام): ای جویای دانش! دانش، فضیلت‌های بسیاری دارد: سرش فروتنی است، و چشمش دوری از حسد، و گوشش فهم، و زبانش راستی، و حافظه‌اش جستجو (در پی حقیقت)، و دلش خوش‌نیتی، و خردش شناخت چیزها و کارها، و دستش رحمت، و پایش دیدار دانشمندان، و همتش سلامت، و حکمتش پارسایی، و قرارگاهش رهایی، و جلودارش عافیت، و مرکبش وفا، و سلاحش نرمی سخن، و شمشیرش

خشنودی، و کمانش سازگاری، و سپاهش گفتگو با دانشمندان، و دارایی اش ادب، و اندوخته اش پرهیز از گناهان، و توشه اش نیکی، و آتش واگذاری، و رهنمایش هدایت، و یارش دوستی نیکان.

الکافی، ج ۱، ص ۴۸

تحف العقول، ص ۲۰۰ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۵

عن علي عليه السلام: رأس العلم التواضع، وبصره البراءة من الحسد، وسمعه الفهم، ولسانه الصدق، وقلبه حسن النية، وعقله معرفة أسباب الامور. و من ثمراته: التقوى، و اجتناب الهوى، و اتباع الحق، و مجانبة الذنوب، و مودة الإخوان، و الاستماع من العلماء، و القبول منهم. و من ثمراته: ترك الانتقام عند القدرة، و استقباح مقاربة الباطل، و استحسان متابعة الحق، و قول الصدق، و التجافي عن سرور في غفلة، و عن فعل ما يعقب ندامة. و العلم يزيد العاقل عقلاً، و يورث مُعَلَّمَهُ صِفَاتِ حَمْدٍ، فَيَجْعَلُ الْحَلِيمَ أَمِيرًا، وَ ذَا الْمَشَوْرَةَ وَزِيرًا، وَ يَمْعَعُ الْحِرْصَ، وَ يَخْلَعُ الْمَكْرَ، وَ يُمِيتُ الْبُخْلَ، وَ يَجْعَلُ مُطْلَقَ الْوَحْشِ مَأْسُورًا، وَ يُعِيدُ السَّدَادَ قَرِيبًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): سر علم فروتنی و تواضع است، و چشم آن تهی بودن از حسادت، و گوش آن فهم، و زبان آن راستگویی، و قلب آن نیت نیکو، و عقل آن شناخت اسباب امور؛ و از ثمرات آن است: تقوی، و دوری گزیدن از هوس و هوی، و پیروی از هدایت، و پرهیزکردن از گناهان، و دوست داشتن برادران، و گوش دادن به سخنان دانشمندان و پذیرفتن از ایشان .. نیز از ثمرات آن است: فرو گذاشتن انتقام با قدرت، و قبیح شمردن ارتکاب باطل، و پسندیدن پیروی از حق، و گفتار راست، و دوری گزیدن از شادی به غفلت، و از انجام دادن هر کار که مایه پشیمانی شود. علم بر عقل عاقل می افزاید، و در آموزنده خود صفات پسندیده می آفریند .. و آزر را سرکوب می کند، و مکر را از کار می اندازد، و بخل را می کشد، و جانور وحشی را به بند می اندازد، و آدمی را به درستی در گفتار و کردار می رساند .. گرداند و آزر را ریشه کن می سازد و نیرنگ را کنار می زند و بخل را می میراند و رمیده را مهار می کند و استواری را پیش می آورد.

مطالب السؤل، ص ۴۸ / بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۶، ح ۵۷

## پیوست شماره ۱۲: تاکید روایات بر عمومی سازی و تسهیل تجارت برای فقراء

### و عموم مردم

روایات فراوانی در مورد تاکید بر عمومی سازی تجارت وارد شده است؛ که به دسته آن اشاره می شود:

#### دسته اول روایات: ترک تجارت عامل نقصان عقل

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تَرُكُ التِّجَارَةِ يَنْقُصُ الْعُقْلَ.»

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، عقل را کم می کند.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «التِّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعُقْلِ.»

امام صادق (علیه السلام): «تجارت کردن، عقل را زیاد می کند.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲

قَالَ الصَّادِقُ ع: «تَرُكُ التِّجَارَةِ مَذْهَبَةٌ لِلْعُقْلِ.»

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، از بین برندهی عقل است.»

من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ أَبِي الْجَهْمِ عَنِ فُضَيْلِ الْأَعْمُورِ قَالَ: شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ وَ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «إِنِّي قَدْ أَيْسَرْتُ فَأَدْعُ التِّجَارَةَ فَقَالَ إِنَّكَ إِنِ فَعَلْتَ قَلَّ عُقْلُكَ أَوْ نَحْوَهُ.»

معاذ بن کثیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من توانگر شده ام؛ آیا تجارت را رها کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «اگر چنین کنی، عقلت کاهش می یابد.» یا سخنی شبیه به این فرمود.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ أَبِي الْجَهْمِ عَنِ فُضَيْلِ الْأَعْمُورِ قَالَ شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْقُمِّيِّ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مُعَاذُ أَضَعُفْتَ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتَ فِيهَا قُلْتَ مَا ضَعُفْتُ عَنْهَا وَ مَا زَهَدْتُ فِيهَا قَالَ فَمَا لَكَ قُلْتَ كُنَّا نَتَنَظَّرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَانِي أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ فَقَالَ تَتْرُكُهَا فَإِنَّ تَرَكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ اسْعَ عَلَى عِيَالِكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ يَكُونَ هُمْ السُّعَاةَ عَلَيْكَ.

معاذ لباس فروش می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای معاذ! در تجارت سست شدی بلکه از آن کناره گرفته ای! معاذ گفت: در تجارت سست نشده ام و از آن کناره گیری نکرده ام. امام علیه السلام فرمود: پس تو را چه شده است؟ گفتم: منتظر قیام شما هستم [یا منتظر دستور مجدد شما برای تجارت هستم] - این ماجرا مربوط به زمان کشته شدن ولید بن عبدالمکمل بود - و من مال بسیاری دارم که در اختیارم هست و به احدی بدهکار نیستم و گمان نمی کنم که تا پایان عمرم نیز تمام شود.» امام علیه السلام فرمود: تجارت را رها نکن؛ زیرا ترك آن عقل را از بین می برد. برای خانواده ات تلاش کن و پرهیز از این که آنان برای تو کار و تلاش کنند.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ) [كُنْتُ أَتَنَظَّرُ أَمْرًا بَدَلُ كُنَّا نَتَنَظَّرُ أَمْرًا]

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بِيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعَ السُّوقَ وَ فِي يَدِي شَيْءٌ قَالَ إِذَا يَسْقُطَ رَأْيُكَ وَ لَا يُسْتَعَانَ بِكَ عَلَى شَيْءٍ.»

معاذ بن کثیر لباس فروش به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «اموالی در اختیار دارم و تصمیم گرفته ام بازار را رها کنم. امام علیه السلام فرمود: در این صورت نظرت از ارزش و اعتبار ساقط می شود و در هیچ موردی از تو درخواست کمک نمی شود.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بِيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ)

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲۹

(سند ۲: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ صَاحِبِ الْأَكْسِيَّةِ)

مترجم و محقق کافی در معنای این روایت اینچنین نگاه داشته اند:

«أَيُّ يَنْقُصُ عَقْلَكَ، وَ لَا يَرْجِعُ النَّاسُ إِلَيْكَ فِي تَدْبِيرِ أُمُورِهِمْ، وَ لَا يَشَاوِرُونَكَ فِي إِصْلَاحِ أُمُورِهِمْ، فَصَرْتَ حَقِيرًا فِي أَعْيُنِ النَّاسِ وَ عَارِيًّا عَنِ الْإِعْتِبَارِ.»

یعنی: عقلت کم می شود، و مردم در تدبیر کارهایشان به تو مراجعه نمی کنند، و از تو مشورت نمی گیرند، پس در چشم مردم حقیر و کم ارزش می گردی و از اعتبار می افتی.

تحقیق و تصحیح کافی: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد / الکافی (طبع اسلامیه)، ج ۵، ص ۱۴۹

عَنْهُ (ای: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى) عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمِ بْنِ يَبَّاعِ الرُّطْبِيِّ قَالَ: «سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بْنِ يَبَّاعِ الْكُرَائِسِيِّ فَقِيلَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مَنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثًا عَقْلِهِ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمَتْ عَيْرٌ مِنَ الشَّامِ فَاشْتَرَى مِنْهَا وَاتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ.»

اسباط بن سالم می گوید: روزی نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که ایشان در مورد معاذ لباس فروش سوال کردند. به ایشان عرض شد که: معاذ تجارت را ترک کرده است. پس حضرت فرمود: این کار او کار شیطان است! کار شیطان! هر کس تجارت را ترک کند دو سوم عقلش از بین می رود! آیا معاذ نمی دانست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد کاروانی از شام رفتند و از آن چیزی خریدند و با آن تجارت کردند و سودی بردند که با آن سود بدهی خود را پرداخت نمودند.

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴ عوالمی اللثالی، ج ۳، ص ۱۹۴ (با اندکی تفاوت) / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷

### دسته دوم روایات: تجارت باعث محرومیت زدایی و رفع فقر

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غَنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): متعرض تجارت شوید؛ چرا که در آن بی نیازی از آنچه در دست مردم است می باشد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۳ (مرسلا) / الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱

سند خصال: حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ جَدِّي عَنِ آبَائِهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱ و ۱۲ (وفیه: للتجارات بدل للتجاره) / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۱۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰ و ج ۱۰۰، ص ۹۶ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۲۷۴

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَعْفَرَانِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً؟ قَالَ: وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التَّجَارَةِ.»

محمد زعفرانی از امام صادق (علیه السلام): «هر کس تجارت را طلب کند (به دنبال تجارت باشد)، از مردم بی نیاز می گردد.» گفتم: «اگر چه معیل (و صاحب اهل و عیال) باشد؟» فرمود: «بله؛ اگر چه معیل باشد؛ همانا نه قسمت از ده قسمت رزق در تجارت است.»

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳ [عین سند کافی]

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۲ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۲، ص ۲۷۴



رَوَى رَوْحٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ.»

امام صادق (علیه السلام): «نُهْ قِسْمَتِ از ده قِسْمَتِ رِزْقِ در تجارت کردن است.»

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۳۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۲۶

(الشَّيْخُ أَبُو الْفُتُوحِ فِي تَفْسِيرِهِ): عَنْهُ ص أَنَّهُ قَالَ: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ.»

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹

حَدَّثَنَا بِذَلِكَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَخْزُومِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ وَالْجُزْءُ الْبَاقِي فِي السَّيِّئَاتِ؛ يَعْنِي الْغَنَمَ.»

امیرالمومنین (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه وآله): «نُهْ قِسْمَتِ از ده قِسْمَتِ رِزْقِ در تجارت و بقیه آن در گوسفند است.»

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۴۴۶

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۵

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ، وَوَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا. وَرُوي: وَوَاحِدٌ فِي السَّيِّئَاتِ يَعْنِي: الْغَنَمَ.»

امیرالمومنین (علیه السلام): «نُهْ قِسْمَتِ از ده قِسْمَتِ رِزْقِ در تجارت و یکی از آن در غیر آن است. و روایت شده که: یکی از آن در گوسفند است.»

هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شیخ حرّ)، ج ۶، ص ۱۱

مَا رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ص: أَنَّهُ قَالَ: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ وَالْجُزْءُ الْبَاقِي فِي السَّيِّئَاتِ؛ يَعْنِي الْغَنَمَ.»

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که فرمود: «نُهْ قِسْمَتِ از ده قِسْمَتِ رِزْقِ در تجارت است، و یک جزء باقیمانده در سائیات است؛ و مراد از سائیات: گوسفند است.»

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۴۴۶

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / بحار الأنوار، ج 61، ص 118

عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «الرِّزْقُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا.»

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): «رزق ده جزء دارد که نه قسمت از آن در تجارت کردن است و یکی (باقیمانده) از آن در غیر تجارت.»

مصدر اصلی: عوالي اللثالی، ج ۲، ص ۲۴۲

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۰

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيَّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: «... بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ الرِّزْقُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا.»

امیرالمومنین (علیه السلام): «تجارت کنید تا خداوند به شما برکت بدهد؛ چرا که من از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: همانا رزق ده جزء دارد که نه قسمت از آن در تجارت و یکی (باقیمانده) در غیر از تجارت است.»

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۳۱۸ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲ / الغارات، ج ۲، ص ۸۲۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲ و ج ۲۰، ص ۷۱ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۶۰

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ الرِّزْقَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲

عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۸۲

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲ (نقلاً عن الکافی)

سند وسائل: وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيَّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ لِلْمَوَالِي

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيَّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَتَتْ الْمَوَالِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالُوا نَشْكُو إِلَيْكَ هَوْلًا الْعَرَبِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يُعْطِينَا مَعَهُمُ الْعَطَايَا بِالسُّوْبَةِ وَ رَوْحَ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا وَ صُهَيْبًا وَ أَبَا عَلَيْنَا هَوْلًا وَ قَالُوا لَا نَفْعَلُ فَذَهَبَ إِلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فَكَلَّمَهُمْ فِيهِمْ فَصَاحَ الْأَعَارِبُ أَيْبِنَا ذَلِكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَيْبِنَا ذَلِكَ فَخَرَجَ وَ هُوَ مُغْضَبٌ يَجْرُ رِدَاؤُهُ وَ هُوَ يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْمَوَالِي إِنَّ هَوْلًا قَدْ صَيَّرَكُمْ بِمَنْزِلَةِ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى يَتَرَوُّونَ إِلَيْكُمْ وَ لَا يَرَوُّونَكُمْ وَ لَا يُعْطُونَكُمْ مِثْلَ مَا يَأْخُذُونَ فَاتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ الرِّزْقُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي التِّجَارَةِ وَ وَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا.

فضل بن ابی قرّه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «گروهی از مسلمانان غیر عرب خدمت علی علیه السلام آمدند و گفتند: «ما از این اعراب نزد شما شکایت می‌کنیم. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشش‌ها را میان ما و آن‌ها به طور مساوی تقسیم می‌کرده و سلمان و بلال و صهیب را به ازدواج درآورد ولی این‌ها درباره ما از این کار خودداری می‌کنند و می‌گویند ما چنین نمی‌کنیم. علی علیه السلام به سوی اعراب رفت و درباره مسلمانان غیر عرب با آن‌ها سخن گفت ولی عرب‌ها فریاد برآوردند: ای ابوالحسن علیه السلام، ما از این کار خودداری می‌کنیم! ما از این کار خودداری می‌کنیم! علی علیه السلام [از میان آنان] بیرون رفت، درحالی که از شدت خشم، عبایش را بر زمین می‌کشید و به [غیر اعراب] می‌گفت: ای گروه غیر عرب! این‌ها با شما همانند یهودیان و مسیحیان رفتار می‌کنند. با زنان‌تان ازدواج می‌کنند ولی به شما زن نمی‌دهند و مثل آنچه می‌گیرند به شما نمی‌دهند. پس به تجارت روی آورید، خداوند به شما برکت دهد، همانا من از رسول خدا علیه السلام شنیدم که فرمود: روزی ده بخش است؛ نه بخش آن در تجارت و یکی در غیر آن است.»

الکافی، ج ۵، ص ۳۱۸

وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۷۱ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۶۰

وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ إِنَّ الرِّزْقَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ فِي التُّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي غَيْرِهَا.»

امیرالمومنین (علیه السلام): «تجارت کنید تا خداوند به شما برکت بدهد؛ چرا که من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: همانا رزق ده جزء دارد که نه قسمت از آن در تجارت و یکی (باقیمانده) در غیر از تجارت است.»

مصدر اصلی: عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۸۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳

الْخِصَالُ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سُفْيَانَ الْحَرِيرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الْبَرَكََةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَغْشَارُهَا فِي التُّجَارَةِ وَالْعَشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ.»

امام باقر (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله): «برکت ده جزء دارد که نه قسمت از ده قسمت آن در تجارت و بقیه آن در جلود (پوست‌ها) است.»

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۴۴۵

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴ / جامع أحاديث الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۷۲

وَرُوِيَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْبَرَكَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَتَسَعَةٌ مِنْهَا فِي التَّجَارَةِ وَوَاحِدَةٌ فِي سَائِرِ الْأَشْيَاءِ.»

معدن الجواهر ورياضة الخواطر، ص ۷۱

### **کاهش رانت (افزایش کیفیت و کاهش قیمت کالاها)؛ دلیلی دیگر بر عمومی سازی تجارت**

خاصیت سوم: جلوی رانت را می گیرد. فرض کنید مثلا اگر یک شهری ده توزیع کننده و ده شرکت (مثل افق کوروش، جانبو و...) از شرکت های زنجیره ای را داشته باشد؛ این شرکت ها تعیین کننده قیمت و کیفیت می شوند. اما اگر در یک شهری هزار نفر تولیدکننده وجود داشت؛ اتفاقا تجارت بیشتر به "کاهش قیمت" منجر می شود به "افزایش کیفیت" منجر می شود. چون افراد زیادی [تولید و] توزیع کالا را انجام می دهند، لذا شما گزینه های فراوانی برای خرید دارید و از هر کسی خرید نمی کنید بلکه از کسی که خرید می کنید که کالای با کیفیت بالاتری تولید کند. خیلی خاصیت این چینی بر تجارت های عمومی بار است. لذا شما در خدمات کالبدی یک شهر باید کاری کنید که مردم بیشتر تجارت کنند.

حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری، مکتوب تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)، ص ۴۶

## پیوست شماره ۱۳: محوریت مساجد (خصوصاً مساجد جامع) در اداره شهر

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

آبادکردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس امید است که اینان از هدایت‌یافتگان باشند.

سوره مبارکه توبه، آیه ۱۸

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ \* لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی (مسجد ضرار) ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، سوگند سخت می‌خورند که ما با ساختن این مسجد جز خوبی [و خدمت] قصدی نداشتیم، ولی خدا گواهی می‌دهد که بی‌تردید آنان دروغگویند \* هرگز [برای عبادت و نماز] در آن مسجد نیست، قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

سوره مبارکه توبه، آیات ۱۰۷ و ۱۰۸

## اولین اقدام پیامبر ﷺ در شهر مدینه: بناء مسجد و ایجاد نظم اجتماعی به محوریت آن

### اولین مسجد: مسجد قبا

ورود پیامبر (علیه الصلاة والسلام) به مدینه روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بود و ده سال تمام آنجا بود. وقتی او (علیه الصلاة والسلام) به مدینه رسید در قبا بر سعد بن خيثمه فرود آمد و مسجد قبا را بساخت و روز دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه در قبا بود روز جمعه چاشتگاه به راه افتاد و مردم انصار طایفه بهبه طایفه آمدند و هر گروه تقاضا داشتند پیش آنها فرود آید و مهارشتران را می‌گرفتند که آنرا می‌کشید و می‌فرمود «بگذارید برود که مامور است».

مروج الذهب (مسعودی، قرن چهارم) / ترجمه، ج ۱، ص ۶۳۵

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَسْجِدِ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى؟ قَالَ: مَسْجِدُ قُبَا.

به نقل از حلبی: از امام صادق (علیه السلام) درباره مسجدی که بر پایه تقوا بنیان نهاده شده (در آیه ۱۰۸ سوره توبه)، پرسیدم [که کدام مسجد است؟] فرمود: «آن، مسجد قباست».

الكافي، ج ۳، ص ۲۹۶ / تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۶۱ (با اسناد کافی)

تفسير العياشي، ج ۲، ص ۱۱۱

الوافي، ج ۱۴، ص ۱۳۸۵ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۸۵ / بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۲۱

### دومین مسجد: مسجد النبی

اعلام الوری: قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي فِي الْمَرْبَدِ بِأَصْحَابِهِ، فَقَالَ لِأَسْعَدِ بْنِ زُرَّارَةَ: اشْتَرِ هَذَا الْمَرْبَدَ مِنْ أَصْحَابِهِ فَسَاوِمَ الْيَتِيمِينَ عَلَيْهِ، فَقَالَا: هُوَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا إِلَّا بِثَمَنِ، فاشتراه بعشرة دنانير و كان فيه ماءٌ مُسْتَنْقَعٌ، فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ فَسِيلَ، وَأَمَرَ بِاللَّيْنِ فَضَرَبَ، فَبَنَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَحَفَرَهُ فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ أَمَرَ بِالْحِجَارَةِ فَتَقَلَّتْ مِنَ الْحَرَّةِ فَكَانَ الْمُسْلِمُونَ يَنْقُلُونَهَا، فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَحْمِلُ حَجْرًا عَلَى بَطْنِهِ فَاسْتَقْبَلَهُ أُسَيْدُ بْنُ حُضَيْرٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعْطِنِي أَحْمِلُهُ عِنْدَكَ، قَالَ: لَا اذْهَبْ فَاحْمِلْ غَيْرَهُ، فَتَقَلُّوا الْحِجَارَةَ وَرَفَعُوهَا مِنَ الْحُفْرَةِ حَتَّى بَلَغَ وَجْهَ الْأَرْضِ، ثُمَّ بَنَاهُ أَوْلًا بِالسَّعِيدَةِ لَبْنَةً لَبْنَةً، ثُمَّ بَنَاهُ بِالسَّمِيطِ وَهُوَ لَبْنَةٌ وَنِصْفٌ ثُمَّ بَنَاهُ بِالْأَنْثَى وَالدَّكْرِ لَبْنَتَيْنِ مُخَالَفَتَيْنِ وَرَفَعَ حَائِطَهُ قَامَةً، وَكَانَ مُؤَخَّرُهُ ذِرَاعًا فِي مِئَةٍ، ثُمَّ اشْتَدَّ عَلَيْهِمُ الْحَرُّ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَظَلَلْتَ عَلَيْهِ ظِلًّا فَرَفَعَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسَاطِينَهُ فِي مُقَدِّمِ الْمَسْجِدِ إِلَى مَا يَلِي الصَّحْنَ بِالْخَشَبِ، ثُمَّ ظَلَّلَهُ وَأَلْقَى عَلَيْهِ سَعْفَ النَّخْلِ، فَعَاشُوا فِيهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ سَقَفْتَ سَقْفًا قَالَ: لَا عَرِيشٌ كَعَرِيشِ مُوسَى، الْأَمْرُ أَعْجَلُ مِنْ ذَلِكَ.

وَابْتَنَى رَسُولُ اللَّهِ ص مَنَازِلَهُ وَ مَنَازِلَ أَصْحَابِهِ فِي حَوْلِ الْمَسْجِدِ وَ حَطَّ لِأَصْحَابِهِ خِطَطًا فَبَنَوْا فِيهَا مَنَازِلَهُمْ وَ كُلُّ شَرَعٍ مِنْهُ بَابًا إِلَى الْمَسْجِدِ وَ حَطَّ لِحَمْرَةَ وَ شَرَعَ بَابَهُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ حَطَّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع مِثْلَ مَا حَطَّ لَهُمْ وَ كَانُوا يَخْرُجُونَ مِنْ مَنَازِلِهِمْ فَيَدْخُلُونَ الْمَسْجِدَ. فَنَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ ع وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَأْمُرَ كُلَّ مَنْ كَانَ بَابُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ يَسُدُّهُ وَ لَا يَكُونَ لِأَحَدٍ بَابٌ إِلَى الْمَسْجِدِ إِلَّا لَكَ وَ لِعَلِيِّ وَ يَحِلُّ لِعَلِيِّ فِيهِ مَا يَحِلُّ لَكَ فَغَضِبَ أَصْحَابُهُ وَ غَضِبَ حَمْرَةَ وَ قَالَ أَنَا عَمُّهُ يَأْمُرُ بِسُدِّ بَابِي وَ يَنْزِعُكَ بَابَ ابْنِ أَخِي وَ هُوَ أَصْغَرُ مِنِّي فَجَاءَهُ فَقَالَ يَا عَمُّ لَا تَغْضَبَنَّ مِنْ سُدِّ بَابِكَ وَ تَرِكَ بَابِ عَلِيِّ فَوَلَّى اللَّهُ مَا أَمَرْتُ أَنَا بِذَلِكَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِسُدِّ أَبْوَابِكُمْ وَ تَرِكَ بَابِ عَلِيِّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَضِيْتُ وَ سَلَّمْتُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ.

قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَيْثُ بَنَى مَنَازِلَهُ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع عِنْدَهُ فَخَطَبَهَا أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْتَظِرُ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ خَطَبَهَا عُمَرُ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فَقِيلَ لِعَلِيِّ ع لِمَ لَا تَخْطُبُ فَاطِمَةَ ع قَالَ وَ اللَّهُ مَا عِنْدِي شَيْءٌ فَقِيلَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَسْأَلُكَ شَيْئاً فَجَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَاسْتَحْيَا أَنْ يَسْأَلَهُ فَرَجَعَ ثُمَّ جَاءَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي فَاسْتَحْيَا فَرَجَعَ ثُمَّ جَاءَ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَلَيْكَ حَاجَةٌ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَعَلَّكَ جِئْتَ خَاطِباً قَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ يَا عَلِيُّ قَالَ مَا عِنْدِي يَا رَسُولَ اللَّهِ شَيْءٌ إِلَّا دِرْعِي فَرَوَّجَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَّةً وَ نَشَ [نَشَأَ] وَ دَفَعَ إِلَيْهِ دِرْعَهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ هَيْئُ مَنَزِلًا حَتَّى تُحَوَّلَ فَاطِمَةَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَاهُنَا مَنَزِلٌ إِلَّا مَنَزِلُ حَارِثَةَ بْنِ الثُّعْمَانِ وَ كَانَ لِفَاطِمَةَ يَوْمَ بَنَى بِهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع تِسْعَ سِنِينَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ اللَّهُ لَقَدْ اسْتَحْيَيْتَنَا مِنْ حَارِثَةَ قَدْ أَخَذْنَا عَامَّةً مَنَازِلَهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ حَارِثَةَ فَجَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا وَ مَالِي لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ اللَّهُ مَا شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا تَأْخُذُهُ وَ الَّذِي تَأْخُذُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا تَتْرُكُ فَجَزَاهُ رَسُولُ اللَّهِ خَيْرًا فَحَوَّلَ فَاطِمَةَ ع إِلَى عَلِيِّ فِي مَنَزِلِ حَارِثَةَ وَ كَانَ فِرَاشَهُمَا إِهَابَ كَبْشٍ جَعَلَا صُوفَهُ تَحْتَ جُؤْبِهِمَا.

ترجمه اعلام‌الوری: علی بن ابراهیم گوید: حضرت رسول در بدو ورود به مدینه در «مرید» [فضای باز پشت خانه‌ها (همان جایی که خرماها را خشک می‌کردند)] نماز می‌گذاشتند، پس از چندی به اسعد بن زراره فرمودند این محل را از صاحبش خریداری کنید، اسعد بن زراره در نظر گرفت این زمین را که متعلق به دو یتیم بود به قیمت زیادی خریداری کند، صاحبان زمین گفتند: ما او را به پیغمبر بخشیدیم، حضرت فرمود: من بدون ثمن زمین را قبول نمی‌کنم.

بعد از این مذاکرات زمین مزبور را به ده دینار خریدند، در این محل گودالی بود و آب‌های اطراف در آنجا جمع میشد، حضرت رسول با دست اشاره کردند و آن آب‌ها جاری شد و گودال خالی گردید، پس از آن امر فرمود مقداری خشت تهیه کردند، پیغمبر شخصا بنای مسجد را زیر نظر گرفتند، ابتداء مقداری از زمین را گود کردند و با سنگ‌هایی که از حره آورده میشد پایه‌های مسجد را استوار نمودند.

افراد مسلمین از حره سنگ می‌آوردند، حضرت رسول نیز سنگی را در حالی که روی سینه خود گذاشته بود حمل میکرد، اسید بن حضیر عرض کرد: یا رسول الله اجازه بدهید من این سنگ را ببرم، فرمود: من این را خواهم برد شما بروید سنگ دیگری بیاورید!، پایه‌های مسجد را با سنگ تا برابر زمین آوردند، بعد از این مقداری را با یک خشت کار کردند، و بعد مختصری را با یک خشت و نصفی بالا آوردند و بعد دو خشت بطور مخالف کار گذاشتند و دیوار را به اندازه قامت یک مردی بالا آوردند، و سطح مسجد هم باندازه صد ذرع بود.

هنگامی که هوا گرم شد به حضرت رسول گفتند: خوب است سایه‌بانی بالای مسجد بگذاریم تا از گرمی و حرارت آفتاب آسوده باشیم، پیغمبر دستور داد چند ستون نصب کردند و مقداری سعف خرما روی آنها انداختند، پس از این گفتند:

یا رسول الله! اگر این مسجد سقف داشت بهتر بود، فرمود: سایه‌بانی مانند سایه‌بان موسی برای ما کفایت میکند، علاوه ما کارهای دیگری داریم که لازم‌تر از این کار است.

بعد از این که بنای مسجد به پایان رسید، حضرت رسول برای خود و اصحابش در اطراف مسجد خانه‌هایی بنا کرد، و برای هر یک از آنها محل‌هایی معین کرد تا آنان خانه‌های خود را در آنجا بسازند، برای حمزه بن عبد المطلب و علی بن ابی طالب نیز جایی در نظر گرفت، پس از این دستور داد از خانه‌ها بطرف مسجد دری باز کنند و از آنجا رفت و آمد کنند.

جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند امر میکند درهای خانه‌ها را که به مسجد باز می‌شود ببندید، جز در خانه خودت و علی بن ابی طالب که لازم نیست آنها را ببندید، در این هنگام حمزه و بقیه اصحاب به خشم و غضب آمدند، حمزه گفت: من عموی وی هستم امر میکند در خانه مرا ببندند! و لیکن علی که برادرزاده‌ام هست و از من کوچک‌تر است از این جریان مستثنی است.

پیغمبر آمد و به حمزه گفت: ای عمو! ناراحت نباش و از بستن در خانه‌ات غضب نکن، به خداوند سوگند! من به این موضوع امر نکرده‌ام، خداوند دستور داده است که درب خانه‌های شما را ببندم و از بستن در منزل علی خودداری کنم، حمزه عرض کرد: یا رسول الله! اکنون راضی شدم و تسلیم خداوند و رسولش گردیدم.

علی بن ابراهیم گفت: هنگامی که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) خانه‌های خود را بنا میکرد، حضرت زهرا علیها السلام در خدمت آن جناب بود، ابو بکر فاطمه را از پیغمبر خواستگاری کرد، حضرت فرمود: من در انتظار فرمان خداوند هستم، بعد از ابو بکر عمر از حضرت، زهرا را خواستگاری نمود پیغمبر همان جواب اولی را دادند.

در این هنگام به علی بن ابی طالب گفتند: چرا فاطمه را خواستگاری نمی‌کنی؟

گفت: من چیزی ندارم! گفتند: پیغمبر از شما چیزی نخواهد خواست علی بن ابی طالب علیه السلام خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمدند و لیکن از شرم و حیا چیزی نگفتند و برگشتند، روز دیگر آمد باز مراجعت کرد.

روز سوم که خدمت پیغمبر رسید فرمود: یا علی! آیا حاجتی داری؟ عرض کرد: آری یا رسول الله! فرمود: شاید آمده‌ای فاطمه را خطبه کنی؟ عرض کرد:

آری یا رسول الله!، فرمود: از زندگی چه داری؟ عرض کرد، غیر از يك زره چیزی ندارم.



حضرت رسول صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به دوازده و نیم اوقیه به علی بن ابی طالب عقد بستند، و امیرالمؤمنین هم زره خود را به حضرت رسول دادند، پیغمبر فرمود:

اینک منزلی تهیه کن تا فاطمه را آنجا بیاورند، علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله ما جز منزل حارثه بن نعمان جای دیگری نداریم. روزی که حضرت زهرا را به منزل علی بن ابی طالب بردند نه سال بیشتر نداشت پیغمبر میفرمود: ما از حارثه بن نعمان شرم داشتیم، زیرا که همه منزل او را گرفته بودیم، حارثه از این گفتار حضرت رسول اطلاع پیدا کرد و خدمت آن جناب رسید و عرض کرد: یا رسول الله! جان و مالم در راه خدا و پیغمبرش ارزشی ندارد، من آن را دوست دارم که تو از من گرفته باشی.

حضرت خاتم النبیین در باره وی دعا فرمود و برای او جزای خیر طلبید، پس از این حضرت فاطمه را نزد علی بن ابی طالب علیه السلام در منزل حارثه بردند، و بستر آنها در شب زفاف عبارت بود از يك پوست گوسفندی که روی او خوابیدند. (ترجمه اعلام الوری)

إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۷۰

بحار الأنوار، ج ۱۹ ص ۱۱۱

### عامل مهم پیوستگی روابط انسانی و افزایش مشارکت افراد محله

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ - وَ حُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَ إِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَ حُضُورِ الْجَنَائِزِ؛ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ.

امام جعفر صادق (علیه السلام): بر شما باد به نماز در مسجدها، حسن همجواری با مردم، اقامه شهادت و حضور جنازه‌ها! چرا که برای شما از مردم چاره‌ای نیست، هیچ کس در طول حیات خویش از مردم بی‌نیاز نیست، و مردم بعضی به بعضی دیگر نیازمند هستند.

الکافی، ج ۲، ص ۶۳۵

الأمالی (للمفید)، ص ۱۸۶

سند امالی: عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ

بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۶۴ / الوافی، ج ۵، ص ۵۲۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۷،

ص ۴۱۲ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۳۰، ص ۳۱۴

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: تَبَادَلُوا السَّلَامَ، وَ لِيَرَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْمَسَاجِدِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): میان خود، سلام رازد و بدل کنید، و باید که خداوند عز و جل، شما را در مساجد ببیند.

الفردوس، ج ۲، ص ۴۵

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيٌّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْقُمِّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: ... الْمُرُوَّةُ مُرُوَّةٌ تَانٍ: مُرُوَّةٌ فِي الْحَضَرِ وَ مُرُوَّةٌ فِي السَّفَرِ، فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ فَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَ لُزُومُ الْمَسَاجِدِ ...

امام صادق علیه السلام: مردانگی، دو گونه است: مردانگی در وطن و مردانگی در سفر. و اما مردانگی در وطن، تلاوت قرآن است و پیوستگی [با] مساجد.

الأمالي (للصدوق)، ص ۵۵۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۹۴ / الأمالي (للطوسي)، ص ۳۰۱

اسند امالی طوسی: حَبْرَتَا الشَّيْخِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْغَضَائِرِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعُكْبَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْقُمِّيِّ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۲۵۴

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۱ / الوافي، ج ۱۲، ص ۳۸۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۴۳۲

## جایگاه محوری مسجد در فراگیری علم

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَعْظُ النَّاسَ وَيَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَيُرَغِّبُهُمْ فِي أَعْمَالِ الْآخِرَةِ بِهَذَا الْكَلَامِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ حَفِظَ عَنْهُ وَ كُتِبَ ...

به نقل از سعید بن مسیب: امام زین العابدین (علیه السلام)، هر جمعه، مردم را در مسجد پیامبر (صلی الله لیه و آله) خدا موعظه می کرد و به زهد در دنیا، فرا می خواند و به کارهای آخرت، تشویق می نمود. شنوندگان نیز آن را به خاطر می سپردند و می نوشتند.

الكافي، ج ۸، ص ۷۲ / الأمالي (للصدوق)، ص ۵۰۳

سند امالی: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ

مجموعه ورام، ج ۲، ص ۴۷ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۲۲۳

الوافي، ج ۲۶، ص ۲۴۸ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۳

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرٌ مُعْتَمِرٍ تَامَّ الْعُمْرَةَ، وَمَنْ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُرِيدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ، فَلَهُ أَجْرٌ حَاجِّ تَامَّ الْحَجَّةِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که صبحگاهان، روانه مسجد شود، تنها بدین خاطر که خیری را فرا گیرد یا آموزش دهد، پاداش کسی را دارد که عمره کاملی را به جا آورده است، و کسی که شبانگاه، روانه مسجد شود، تنها با این هدف که خیری را فرا گیرد یا آموزش دهد، اجر کسی را دارد که حج کاملی را به جا آورده است.

منية المرید (شهید ثانی)، ص ۱۰۶

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۵

عن ابن عباس: دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ حَلْقٌ حَلْقٌ، فَقَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِيْمَ أَنْتُمْ؟ قُلْنَا: تَتَفَكَّرُ فِي الشَّمْسِ كَيْفَ طَلَعَتْ وَكَيْفَ غَرَبَتْ. قَالَ: أَحْسَنْتُمْ، كُونُوا هَكَذَا... كتاب العظمة به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، در حالی که ما حلقه حلقه در مسجد نشستیم بودیم، بر ما وارد شد و فرمود: «به چه کاری مشغولید؟». گفتیم: در خورشید و چگونگی طلوع و غروب آن می‌اندیشیم. فرمود: «آفرین بر شما! این گونه باشید...»

بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۳۴۸

كتاب العظمة، ج ۴، ص ۱۴۹۰

عن النبي صلى الله عليه وآله: مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گروهی که در خانه‌ای از خانه‌های خدا (مساجد)، گرد هم بیایند و قرآن تلاوت کنند و آن را به یکدیگر بیاموزند، آرامش بر آنان فرود می‌آید و رحمت خدا، بر آنان سایه می‌افکند و فرشتگان، آنها را در بر می‌گیرند و خداوند، در میان کسانی که نزد اویند، از آنان یاد می‌کند.

عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۵

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳

حَدَّثَنَا بَشْرُ بْنُ هِلَالٍ الصَّوَّافِ، قَالَ: حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ الزُّبَيْرِ قَانَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ حُنَيْسٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: حَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ بَعْضِ حُجْرِهِ، فَدَخَلَ

الْمَسْجِدِ، فَإِذَا هُوَ بِحَلَقَتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا يَفْرَأُ وَنَ الْفُرْقَانَ وَ يَدْعُونَ اللَّهَ، وَ الْأُخْرَى يَتَعَلَّمُونَ وَيُعَلِّمُونَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ عَلَى خَيْرٍ، هُوَ لَا يَفْرَأُ وَنَ الْفُرْقَانَ وَ يَدْعُونَ اللَّهَ، فَإِنْ شَاءَ أَعْطَاهُمْ وَ إِنْ شَاءَ مَنَعَهُمْ، وَ هُوَ لَا يَتَعَلَّمُونَ وَ يُعَلِّمُونَ، وَ إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»، فَجَلَسَ مَعَهُمْ.

سنن ابن ماجه به نقل از عبد الله بن عمرو: روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، از یکی از اتاق‌های [خانه] خود خارج شد و وارد مسجد گردید. در مسجد، دو دسته از مردم را دید: دسته نخست، قرآن تلاوت می‌کردند و خدا را می‌خواندند، و دسته دیگر، می‌آموختند و آموزش می‌دادند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر دو دسته، بر [کار] خیر هستند. اینان، قرآن تلاوت می‌کنند و خدا را می‌خوانند. اگر بخواهد، عطایشان می‌کند و اگر بخواهد، از آن بازشان می‌دارد؛ و آن دسته دیگر، فرا می‌گیرند و به دیگران می‌آموزند. همانا من، معلم برانگیخته شده‌ام». آنگاه، با آن دسته نشست.

سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۱۸

سنن الدارمی، ج ۱، ص ۱۰۵ / مسند الطیالسی، ص ۲۵۱ / جامع بیان العلم و فضله، ج ۱، ص ۵۰ / کنز العمال، ج ۱۰ ص ۱۴۷

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ مَنْ اخْتَلَفَ (مَنْ أَدْمَنَ الْإِخْتِلَافَ) إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَحَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرًّا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا حَسِيئَةً أَوْ حِيَاءً.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که پیوسته به مساجد، آمد و شد کند، به یکی از هشت چیز دست خواهد یافت: برادری که در راه خدای عز و جل از او بهره برد، یا دانشی لطیف و نغز، یا سخنی که او را به هدایت ره‌نمون شود، یا از هلاکت برهاند، یا رحمتی که چشم به راهش باشد، یا آن که گناهی را از روی شرم یا ترس [از خدا] ترک گوید.

الخصال، ج ۲، ص ۴۰۹

سند دوم خصال: أَخْبَرَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ عُمَارَةَ الْحَافِظِ فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مَرْوَانَ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مَأْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ

الأمالي (للصدوق)، ص ۳۸۹

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ

الأمالي (للطوسي)، ص ۴۳۲

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۷ / تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۴۹

## مباحث مرحله پردازش / قم ساختمان خاتم / شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ

أعلام الدين، ص ۳۶۵ / عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۴۰۷ / روضة الواعظين، ج ۲، ص ۳۳۸

بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۱ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۷ / الوافي، ج ۷، ص ۵۱۱ / وسائل الشيعة، ج ۵،

ص ۱۹۷

### مساجد؛ عامل و بستری مهم برای کنترل بلايا و آسیب‌های اجتماعی:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ مَنْ اخْتَلَفَ (مَنْ أَدْمَنَ الْإِخْتِلَافَ) إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَحْسَنَ مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ عَلِماً مُسْتَظَرِّفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ يَنْزُكُ ذَنْباً خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که پیوسته به مساجد، آمد و شد کند، به یکی از هشت چیز دست خواهد یافت: برادری که در راه خدای عز و جل از او بهره برد، یا دانشی لطیف و نغز، یا سخنی که او را به هدایت رهنمون شود، یا از هلاکت برهاند، یا رحمتی که چشم به راهش باشد، یا آن که گناهی را از روی شرم یا ترس [از خدا] ترک گوید.

الخصال، ج ۲، ص ۴۰۹

سند دوم خصال: أَخْبَرَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْحَافِظِ فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مَرْوَانَ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مَأْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ

الأمالي (للصدوق)، ص ۳۸۹

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ

الأمالي (للطوسي)، ص ۴۳۲

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۷ / تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۴۹

سند تهذیب: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ كَانَ يَقُولُ

اعلام الدين، ص ۳۶۵ / عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۴۰۷ / روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۳۸  
بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۱ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۷ / الوافي، ج ۷، ص ۵۱۱ / وسائل الشيعة، ج ۵،  
ص ۱۹۷

الإمام علي عليه السلام: المساجد مجالس الأنبياء، و حرز من الشيطان.

امام علی علیه السلام: مسجدها، نشستگاه پیامبران و محافظت کننده از شیطان اند.

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳ ح ۳۷۸۶ نقلاً عن القطب الراوندي في لب اللباب

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ  
عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ.  
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه آسبها و آفتها فرود آیند، اهل مساجد در امان اند.

الجعفریات ص ۳۹

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶

الْقُطْبُ الرَّاَوْنَدِيُّ فِي كِتَابِ لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص: مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلِيَحِبَّ الْمَسَاجِدَ، فَإِنَّهَا أُنِيَّةُ اللَّهِ وَ أُنِيَّتُهُ،  
أَذِنَ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا، مَيْمُونَةٌ مَيْمُونٌ أَهْلُهَا، مُرَيَّةٌ مُرَيَّةٌ أَهْلُهَا، مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قرآن را دوست دارد، مسجدها را نیز دوست بدارد؛ زیرا مساجد،  
آستان‌های خدا و بناهای او [جهت بار یافتن به پیشگاهش] هستند. بر افراشتنشان را رخصت داده و مبارکشان  
گردانده است. مسجدها، خود و اهلشان با برکت اند، خود و اهلشان آراسته اند، و نیز آنها و اهلشان در امان اند.

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵ ح ۳۷۶۶ نقلاً عن القطب الراوندي في لب اللباب

أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ  
الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ): يَا فَضْلُ! لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا، وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيئُهَا، يَا  
فَضْلُ إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ إِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ  
لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بِلَاءَ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام صادق (علیه السلام) به فضل بن عبد الملك: ای فضل! از هر قبیله‌ای، جز برگزیده آن، و از هر خاندانی، جز اصیل آن، رهسپار مسجد نمی‌شود. ای فضل! مسجدرو، دست‌کم یکی از این سه چیز نصیبش می‌شود: یا دعایی می‌کند که خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی که به سبب آن، خداوند، بلائی دنیا را از او دور می‌سازد، و یا برادری که در راه خدای عز و جل بهره‌اش می‌گردد.

الأمالی (للطوسی)، ص ۴۷

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ج ۲، ص ۷۲

سند بشاره المصطفى: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ فِي الرَّيِّ سَنَةَ عَشْرَةَ وَخَمْسِمِائَةٍ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيٍّ إِثْلَاءً فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ سَنَةَ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَارْبَعِمِائَةٍ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الثُّعْمَانِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ فُؤَلُوَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفُضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ ع قَالَ:

ع قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۱۹۳ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹۵ و ج ۸۱، ص ۳

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّكْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: إِنَّ الزَّلْزَلَةَ وَالْكَسُوفِينَ وَالرِّيَّاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عِلَامَاتِ السَّاعَةِ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ الْقِيَامَةِ، وَافْرَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ.

امام باقر (علیه السلام): زلزله و خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی و بادهای ترسناک، همه از نشانه‌های ساعت (رستاخیز) است. پس هرگاه یکی از اینها را دیدید، روز رستاخیز را به یاد آورید و به مسجدهایتان پناه ببرید.

الأمالی (للصدوق)، ص ۵۵۱

روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۴

بحار الأنوار، ج ۹۱ ص ۱۴۷ / وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۴۸۷

عَنْ مَحْمُودِ بْنِ لَبِيدٍ: كَسَفَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ مَاتَ إِبْرَاهِيمُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالُوا: كَسَفَتِ الشَّمْسُ لِمَوْتِ إِبْرَاهِيمَ!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا وَإِنَّهُمَا لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمَا كَذَلِكَ فَافْرَعُوا إِلَى الْمَسَاجِدِ.

مسند ابن حنبل به نقل از محمود بن لبید: روزی که ابراهیم پسر پیامبر خدا درگذشت، خورشید گرفت و مردم گفتند: خورشید، به خاطر مرگ ابراهیم، گرفته است. «خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه‌های

خداوندند. بدانید که آن دو، نه برای مرگ کسی می‌گیرند، و نه برای زندگی کسی. پس هرگاه آن دو را در حال گرفتگی دیدید، به مسجدها پناه ببرید».

مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد (شهید ثانی، ۹۶۶ ق)، ص ۱۰۳

بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۹۱ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۳

## \* محوریت مساجد جامع در اداره جامعه:

### مسجد الحرام (کعبه):

مسجد الحرام؛ مهم‌ترین و باعظمت‌ترین مسجد، به عنوان محور و مرکز اصلی بزرگ‌ترین تجمع مسلمانان و نقطه مرکزی اداره و هدف‌گذاری جهان اسلام است:

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ \* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا بُرَّاهِمَ وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِي عَنِ الْعَالَمِينَ.

یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پربرکت و وسیله هدایت برای جهانیان است \* در آن نشانه‌هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود در امان است و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند به خود زیان زده] زیرا خدا از جهانیان بی‌نیاز است.

سوره مبارکه آل عمران، آیات ۹۶ و ۷

### مسجد کوفه:

#### محل تجمع انبیاء

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَسْجِدُ كُوفَانَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ صَلَّى فِيهِ أَلْفُ نَبِيٍّ وَ سَبْعُونَ نَبِيًّا وَ مِيمَنَتُهُ رَحْمَةٌ وَ مَيْسَرَتُهُ مَكْرٌ - فِيهِ عَصَا مُوسَى وَ شَجَرَةُ يَفْطِينٍ وَ حَاتَمُ سُلَيْمَانَ وَ مِنْهُ فَارَ التُّنُوزِ \* وَ نُجْرَتِ السَّفِينَةِ وَ هِيَ صُرَّةُ بَابِلَ وَ مَجْمَعُ الْأَنْبِيَاءِ ع.

امام باقر علیه السلام: مسجد کوفه، باغی از باغ‌های بهشت است. هزار و هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده است و سمت راستش رحمت خدا و سمت چپش مکر است. عصای موسی علیه السلام و بوته کدو [که یونس علیه



السلام پس از نجات از شکم ماهی در سایه آن آرמיד] و انگشتی سلیمان علیه السلام در آنجا بود. در مسجد کوفه بود که آب از تور جوشید و کشتی [نوح علیه السلام] ساخته شد و آن، مهم‌ترین نقطه بابل و محلّ تجمّع انبیا علیهم السلام است.

الكافي، ج ۳، ص ۴۹۳ / تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۲ (با سند کافی)

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۱۲۵ / روضة الواعظين، ج ۲، ص ۴۱۰

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۵۱ / الوافي، ج ۱۶، ص ۱۴۴۵ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۸۹

### منزل انبياء و عبادتگاه مومنين

و رُوِيَ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ ذَاتَ يَوْمٍ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ إِذْ قَالَ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ لَقَدْ حَبَاكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا لَمْ يَحِبُّ بِهِ أَحَدًا مِنْ فَضْلِ مُصَلَّاكُمْ بَيْتِ آدَمَ - وَ بَيْتِ نُوحٍ وَ بَيْتِ إِدْرِيسَ وَ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ - وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ ع وَ مُصَلَّى وَ إِنَّ مَسْجِدَكُمْ هَذَا لِأَحَدِ الْأَرْبَعَةِ الْمَسَاجِدِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَهْلِهَا وَ كَأَنِّي بِهِ قَدْ أَتَيْتُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي تَوْبِينِ أَبِيضِينَ يَنْشَبُهُ بِالْمُحْرَمِ وَ يَشْفَعُ لِأَهْلِهِ وَ لِمَنْ يُصَلِّي فِيهِ فَلَا تُرَدُّ شَفَاعَتُهُ وَ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يُنْصَبَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ فِيهِ وَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلَّى الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ فَلَا تَهْجُرُوهُ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَاتِ لَأَتَوْهُ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ لَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلْجِ.

به نقل از اصبع بن نباته: روزی پیرامون امیر مؤمنان، در مسجد کوفه نشسته بودیم که فرمود: «ای کوفیان! خداوند، فضیلتی به شما ارزانی داشته که به دیگران نداده است و آن، مصلاّی شماست که خانه آدم و نوح و ادريس عليهم السلام بوده است و محلّ نماز ابراهيم خليل و برادرم خضر عليهما السلام و نیز نمازگاه من است. این مسجد، از جمله چهار مسجدی است که خداوند عز و جل آنها را برای اهل مسجد، برگزیده است و گویا من، آن را همانند مُحرمی در دو جامه سپید می بینم که در روز رستاخیز، آورده شده است که اهل خود و کسانی را که در آن نماز می گزارند، شفاعت می کند و شفاعتش هم رد نمی شود و روزگاری خواهد آمد که حجر الأسود در آن نصب می شود. بی تردید، زمانی فرا خواهد رسید که آنجا محلّ نمازی یکی از فرزندانم، مهدی، و نمازگاه همه مؤمنان شود و هیچ مؤمنی بر روی زمین باقی نمی ماند، مگر این که در آن مسجد است و یا دل بسته اوست. پس آن را وا مگذارید و با نماز خواندن در آن، به خدای عز و جل نزدیک شوید، و برای برآمدن نیازهایتان، بدان رو کنید که اگر مردم برکت آن را بدانند، اگر چه چهار دست و پا بر روی برف و یخ، از هر سو بدان روی می آورند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۱ / الأمالي (للصدوق)، ص ۲۲۸

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضْلِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ التَّبَّانِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ خَالِدِ الْمَقْرِي الْكِسَائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاهِرِ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ ذَاتَ يَوْمٍ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي الْمَسْجِدِ الْكُوفَةِ الْوَاقِي، ج ۱۴، ص ۱۴۴۷ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۵۷ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۹۰

## مسجد سهله:

### منزل حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُثْمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلٌ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ.

امام صادق علیه السلام در باره مسجد سهله: آن مسجد، جایگاه صاحب ماست، هنگامی که با بستگان خود [و] یارانش] قیام می کند.

الكافي، ج ۳، ص: ۴۹۵ / تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۲ / الغيبة (للطوسي)، ص ۴۷۱  
سند الغيبة (طوسي): الْفُضْلُ بْنُ شَاذَانَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ  
الإرشاد (شيخ مفيد)، ج ۲، ص ۳۸۰  
وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۶۷ / الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۵۰ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۳۹

عَنْ ابْنِ بَابُوَيْهِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ تَمَامٍ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! كَأَنِّي أَرَى نُزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ! قُلْتُ: يَكُونُ مَنْزِلَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ؛ هُوَ مَنْزِلُ إِدْرِيسَ ع وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ وَ الْمُقِيمِ فِيهِ كَالْمُقِيمِ فِي فُسْطَاطِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَ قَلْبُهُ يَحِنُّ إِلَيْهِ وَ مَا مِنْ يَوْمٍ وَ لَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَ الْمَلَائِكَةُ يَأْوُونَ إِلَى هَذَا الْمَسْجِدِ يَعْبُدُونَ اللَّهَ فِيهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَمَا إِنِّي لَوُ كُنْتُ بِالْقُرْبِ مِنْكُمْ مَا صَلَّيْتُ صَلَاةً إِلَّا فِيهِ ثُمَّ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اتَّقَمَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ وَ لَنَا أَجْمَعِينَ.

قصص الأنبياء به نقل از ابو بصير: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ای ابا محمد! گویا هم اکنون، اقامت قائم علیه السلام همراه با اهل و خانواده اش را در مسجد سهله می بینم». گفتم: آیا منزلش آن جاست؟ فرمود: «آری. آنجا منزل ادریس علیه السلام است. خداوند، هیچ پیامبری را بر نیکیخت، مگر آن که آنجا نماز خواند. کسی که در آن اقامت کند، همانند کسی است که در خیمه پیامبر (صلی الله علیه و آله) خدا اقامت کرده باشد. هر مرد و زن مؤمنی دل بسته اوست. و هیچ روز و شبی نیست، جز آن که فرشتگان در این مسجد، مأوا می گزینند و در آن به عبادت خدا می پردازند.

ای ابو محمد! اگر من نزدیک شما بودم، همه نمازهایم را فقط در آنجا می خواندم. اگر قائم ما به پا خیزد، خداوند، انتقام پیامبرش و همه ما را [از دشمنان] خواهد گرفت».

قصص الأنبياء عليهم السلام (للقطب الراوندي)، ص ۸۰  
بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۴

### منزل انبياء و اوصياء و صالحين و محل ظهور عدالت در جهان

أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُؤْلُوبِهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ بَعْدَ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ص؟ فَقَالَ: الْكُوفَةُ؛ يَا أَبَا بَكْرٍ! هِيَ الزَّكِيَّةُ الطَّاهِرَةُ فِيهَا قُبُورُ النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ وَ غَيْرِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ وَ فِيهَا مَسْجِدُ سَهِيلِ الَّذِي لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ وَ فِيهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ وَ فِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ وَ الْقَوْمُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هِيَ مَنَازِلُ النَّبِيِّينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.

تهذیب الأحكام به نقل از ابو بکر حَضْرَمِي: به امام باقر علیه السلام گفتم: پس از حرم خدا و حرم پیامبر خدا، کدام مکان با فضیلت تر است؟ فرمود: «ای ابو بکر! کوفه که پاک و پاکیزه است و در آن، قبور پیامبران مُرسل و غیر مُرسل و جانشینان راستین قرار دارد، و نیز مسجد سَهیل که هر پیامبری را که خدا برانگیخت، در آن نماز گزارد و در آن، عدل الهی پدیدار می شود و در آن، قیام کننده الهی و به پا خاسته های از پی او به سر می برند، و منزل پیامبران و جانشینان [آنها] و صالحان هم در آن جاست».

تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۱ / کامل الزیارات، ص ۳۰  
روضة الواعظین (فتال نیشابوری، ۵۰۸ ق)، ج ۲، ص ۴۱۰  
کتاب المزار (للمفید)، ص ۵ / المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص ۱۱۳ / مختصر البصائر، ص ۴۳۳ (تماماً با اسناد تهذیب)  
وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۳۶۱ / الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۳۷ / بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۴۰ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶

### محل طراحي مقابله انبياء با طواغيت

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ قَالَ دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَسَأَلْنَا أَيْكُمْ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ عَمِّي زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ أَنَا عِنْدِي عِلْمٌ مِنْ عِلْمِ عَمِّكَ كُنَّا عِنْدَهُ ذَاتَ لَيْلَةٍ فِي دَارِ مُعَاوِيَةَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَنْصَارِيِّ إِذْ قَالَ انْطَلِقُوا بِنَا نُصَلِّي فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ فَعَلَ فَقَالَ لَا جَاءَهُ أَمْرٌ فَشَغَلَهُ عَنِ الدَّهَابِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَعَادَ اللَّهُ بِهِ حَوْلًا لِأَعَادَهُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مَوْضِعُ بَيْتِ إِدْرِيسَ النَّبِيِّ ع وَ الَّذِي كَانَ يَخِيْطُ فِيهِ وَ مِنْهُ سَارَ إِبْرَاهِيمُ ع إِلَى الْيَمَنِ بِالْعَمَالِقَةِ وَ مِنْهُ سَارَ دَاوُدُ إِلَى جَالُوتَ وَ إِنَّ فِيهِ لَصَخْرَةً خَضْرَاءَ

فِيهَا مِثَالُ كُلِّ نَبِيٍّ وَ مِنْ تَحْتِ تِلْكَ الصَّخْرَةِ أُخِذَتْ طِينَةٌ كُلُّ نَبِيٍّ وَ إِنَّهُ لَمُنَاخُ الرَّكَابِ قِيلَ وَ مِنَ الرَّكَابِ قَالَ الْخَضِرُ  
ع.

امام صادق (علیه السلام): ... آیا نمی دانی که مسجد سهله جایگاه خانه حضرت ادریس نبی (ع) است که در آن خیاطی می کرده است. و حضرت ابراهیم (ع) از آنجا شبانه به سمت یمن بر عمالقه خروج کرد، و از آنجا حضرت داود (ع) شبانه بر جالوت خروج نمود ...

الكافي، ج ۳، ص ۴۹۴

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۱۳۳

سند مزار: وَ بِالْإِسْنَادِ قَالَ: أَخْبَرَنَا يَعْقُوبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ فَضَالٍ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ، عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلَبِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ، قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ...  
بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵ و ج ۱۱، ص ۵۷ / وسائل الشيعية، ج ۵، ص ۲۶۶ / الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۵۱ /

مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۷ (نقلاً عن المزار ابن مشهدي)

وَ أَمَّا مَسْجِدُ السَّهْلَةِ فَقَدْ قَالَ الصَّادِقُ ع لَوْ اسْتَجَارَ عَمِّي زَيْدٌ بِهِ لِأَجَارَةِ اللَّهِ سَنَةَ ذَلِكَ مَوْضِعُ بَيْتِ إِدْرِيسَ ع الَّذِي كَانَ يَخِيطُ فِيهِ وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ إِبْرَاهِيمُ ع إِلَى الْعَمَالِقَةِ وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ دَاوُدُ - إِلَى جَالُوتَ - وَ تَحْتَهُ صَخْرَةٌ حَضْرَاءٌ فِيهَا صُورَةٌ وَجْهَ كُلِّ نَبِيٍّ (خ ل: شيبی) خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ تَحْتِهِ أُخِذَتْ طِينَةٌ كُلُّ نَبِيٍّ (خ ل: شيبی) وَ هُوَ مَوْضِعُ الرَّكَابِ فَقِيلَ لَهُ وَ مَا الرَّكَابُ قَالَ الْخَضِرُ ع.

و اما مسجد سهله، امام صادق (علیه السلام) فرموده است: اگر عموم زید (بهنگام خروج) بدان مسجد پناه برده بود و بدرگاه خداوند متعال استغاثه میکرد خداوند تعالی دست کم او را يك سال در پناه خود میگرفت و امان میداد، و آنجا جایگاه حجره ادریس پیامبر (علیه السلام) بوده است که در آن خیاطی میکرد، و باز محلی است که ابراهیم علیه السلام از آنجا بر عمالقه خروج کرد، و نیز داود از آنجا بر جالوت قیام کرد، و در زیر آن محل سنگ سبز رنگی است که صورت هر پیامبری (خ ل: چیزی) که خداوند عز و جل آفریده بر آن نقش بسته است، و از زیر آن مسجد طینت یا گل اولیه هر پیامبری (خ ل: چیزی) را برداشته اند، و این مسجد جای آن سوار است، از آن حضرت پرسیدند: آن سوار کیست؟ فرمود: خضر علیه السلام. (ترجمه: ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر)

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۲

بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۵۶ / الوافي، ج ۱۴، ص ۱۴۵۲



## پیوست شماره ۱۴: تصاویری از آتشکده نویس قم



## پیوست شماره ۱۵: روایاتی در مورد مذمت سفر (السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ)

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ التُّوفَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: السَّيْرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفْرَهُ فَلْيُسْرِعِ الْإِنَابَةَ إِلَى أَهْلِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسافرت کردن، قطعه ای از عذاب است؛ پس هر کدام از شما به مسافرت رفت سریع به سوی اهل خود بازگردد.

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۲۲ به نقل از کتاب الإمامة و التبصرة

وَقَالُوا ع: تَقُولُ فِي مَسِيرِكَ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ أَحْسِنِ تَسْيِيرَنَا وَ أَحْسِنِ عَافِيَتَنَا وَ أَكْثِرْ مِنَ التَّكْبِيرِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّ السَّفَرَ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ.

اهلیت (علیهم السلام): در راه مسافرت بگو: خداوندا راه ما را باز بگرداند و سیرکردن ما و عافیت و سلامتی ما را نیکو گردان. و در سفر زیاد الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و استفرالله بگو؛ چرا که سفر قطعه ای از عذاب است.

الدعوات (للاوندی)، ص ۲۹۶

قَالَ الصَّادِقُ ع: سَيْرُ الْمَنَازِلِ يُنْفِدُ الرَّادَّ وَ يُسِيءُ الْأَخْلَاقَ وَ يُخْلِقُ النَّيَابَ وَ السَّيْرُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ فَرَسَخًا أَقْلَهُ.

امام صادق (علیه السلام): مسافرت کردن زاد و توشه را تمام می کند و اخلاق را بد می کند و لباس ها را کهنه می کند؛ و مسافرت لا اقل ۱۸ فرسخ است.

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶

### روایت در مصادر روایی اهل سنت:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ بْنِ قَعْنَبٍ، وَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، وَ أَبُو مُصْعَبٍ الزُّهْرِيُّ، وَ مَنْصُورُ بْنُ أَبِي مُزَاحِمٍ، وَ قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ. قَالُوا: حَدَّثَنَا مَالِكٌ. ح وَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى التَّمِيمِيُّ (وَ اللَّفْظُ لَهُ). قَالَ: قُلْتُ لِمَالِكٍ: حَدَّثَكَ سُمَيُّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ؛ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ. يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ تَوَمَّهُ وَ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ. فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ نَهْمَتَهُ مِنْ وَجْهِهِ، فَلْيُعْجِلْ إِلَى أَهْلِهِ؟» قَالَ: نَعَمْ.

ابو هریره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که ایشان فرمود: سفر قطعه ای از عذاب است؛ شما را از خواب و غذا و آب منع می کند. پس هر گاه مقصود خود را از راه خود انجام دادید، آیا سریع به سوی خانواده خود بازمی گردید؟ گفت: بله.

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۶

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ، حَدَّثَنَا مَالِكٌ، عَنْ سُمَيٍّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ: يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ وَ نَوْمَهُ، فَإِذَا قَضَى نَهْمَتَهُ فَلْيُعَجِّلْ إِلَى أَهْلِهِ».

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): سفر قطعه ای از عذاب است؛ شما را از غذا و آب و خواب منع می کند. پس هر گاه مقصود خود را انجام دادید، سریع به سوی خانواده خود بازگردید.

صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۳۱

أَخْبَرَنَا عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا مَالِكٌ وَ أَنبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى عَنْ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سُمَيٌّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ شَهْوَتَهُ وَ طَعَامَهُ». قَالَ ابْنُ الْمُثَنَّى وَ شَرَابَهُ. «فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ بَهْمَتَهُ فَلْيَرْجِعْ إِلَى أَهْلِهِ» قَالَ ابْنُ الْمُثَنَّى فَلْيُعَجِّلْ إِلَى أَهْلِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): سفر قطعه ای از عذاب است؛ شما را از شهوت و غذا (و آب) منع می کند. پس هر گاه مقصود خود را انجام دادید، پس (سریع) به سوی خانواده خود بازگردید.

سنن النسائی، ج ۵، ص ۲۴۲

برخی دیگر از مصادر اهل سنت که این روایت را در ابواب مختلف و با اسناد مختلف نقل کرده اند:

موطأ الإمام مالك، ج ۵، ص ۱۴۲۷ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۲، ص ۱۶۱ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۵، ص ۶۶۲ - مسند الإمام أحمد بن حنبل ج ۱۶، ص ۲۷۵ - مسند الدارمی (سنن الدارمی)، ج ۳، ص ۱۷۴۶ - صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۳۱ - صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۴۵ - صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۶ - صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۶ - سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۳۹۱ - سنن النسائی، ج ۵، ص ۲۴۲.



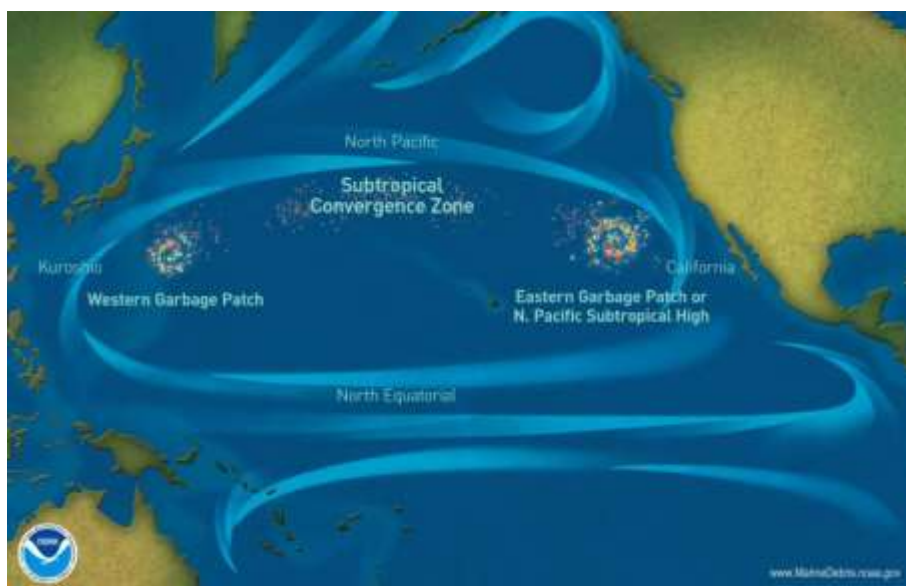
## پیوست شماره ۱۶: فاجعه زباله در دنیا!

### Great Pacific Garbage Patch

The Great Pacific Garbage Patch is a collection of marine debris in the North Pacific Ocean. Also known as the Pacific trash vortex, the garbage patch is actually two distinct collections of debris bounded by the massive North Pacific Subtropical Gyre.

#### تکه زباله بزرگ اقیانوس آرام

لکه زباله بزرگ اقیانوس آرام مجموعه ای از زباله های دریایی در اقیانوس آرام شمالی است. همچنین به عنوان گرداب زباله اقیانوس آرام شناخته می شود، لکه زباله در واقع دو مجموعه مجزا از زباله است که توسط چرخنده عظیم نیمه گرمسیری اقیانوس آرام شمالی محدود شده است.



آدرس مطلب:

<https://education.nationalgeographic.org/resource/great-pacific-garbage-patch>

<https://b2n.ir/f80253>

### The Pacific Garbage Patch

#### لکه زباله اقیانوس آرام

The Pacific Garbage Patch is a floating island of trash, plastic bags and bottles in the northeast Pacific Ocean. The size of this floating garbage island is larger than the combined area of the three countries of France, Germany and Spain.

The world's largest mass of waste, which is very slowly degradable, consists of plastic and non-plastic materials, which are getting bigger and bigger. This pile of garbage has grown 100 times in the last 40 years.

Since this garbage pile is located in the path of the North Pacific Gyre (eddy and the meeting place of ocean currents), it is moving between Hawaiian and North American waters.

All four other major marine debris piles in the world also contain millions of tons of pollutants. Garbage piles do not just float on the surface of the water, but sometimes extend several meters below the surface of the water.

The impact of pollutants on the environment is not a secret. Marine mammals, turtles and birds see and feed on decomposing plastics like plankton.

The Pacific Garbage Patch is an ideal habitat for Halobates sericeus, a wingless insect that requires undersea reefs and vegetation to lay its eggs.

The huge pile of marine debris has provided the best breeding environment for this insect, which may be a windfall food source for crabs and fish and small seabirds, but is itself a fisherman that eats plankton and fish eggs.

The excessive reproduction of this insect is a threat to the balance of the entire ocean ecosystem. But on the other hand, the Mediterranean Sea has recorded the highest average accumulation of garbage and pollution with about 250 billion pieces of floating garbage.

It will take about 90 years to renew and remove the waters of this more or less polluted sea. Some plastics do not decompose for a hundred years or more.

«توده عظیم زباله اقیانوس آرام»، جزیره شناوری است از زباله و کیسه‌های پلاستیکی و بطری در شمال شرقی اقیانوس آرام. وسعت این جزیره شناور زباله‌ای بزرگتر از مجموع مساحت سه کشور فرانسه، آلمان و اسپانیاست. بزرگترین توده زباله جهان که بسیار به کندی تجزیه شدنی است شامل مواد پلاستیکی و غیرپلاستیکی است که بزرگتر و بزرگتر می‌شود. این توده زباله در ۴۰ سال اخیر ۱۰۰ بار بزرگتر شده است. از آنجا که این توده زباله در مسیر چرخاب شمالی اقیانوس آرام (گرداب و محل تلاقی جریانهای اقیانوسی) قرار دارد، بین آبهای هاوایی و آمریکایی شمالی در حرکت است. هر چهار توده زباله دریایی بزرگ دیگر جهان نیز متشکل از میلیون‌ها تن مواد آلاینده است. توده‌های زباله فقط در سطح آب شناور نیستند بلکه گاهی تا چندین متر در زیر سطح آب امتداد دارند.

تاثیر آلاینده‌ها بر محیط زیست بر کسی پوشیده نیست. پستانداران دریایی، لاک پشت‌ها و پرندگان پلاستیک‌های در حال تجزیه را مثل پلانکتون می‌بینند و از آن تغذیه می‌کنند.

توده زباله‌های اقیانوس آرام محیطی ایده آل برای هالابتیس سرسیوس (*Halobates sericeus*) است، حشره‌ای بی بال که برای تخمگذاری به صخره‌های زیر دریا و محیط گیاهی نیاز دارد.

توده زباله عظیم دریایی بهترین محیط تولید و مثل برای این حشره را فراهم کرده است، حشره‌ای که شاید منبع غذایی بادآورده برای خرچنگ‌ها و ماهیان و پرندگان کوچک دریایی باشد اما خود صیادی است که پلانکتون‌ها و تخم ماهیان را می‌خورد.

ازدیاد نسل بی رویه این حشره تهدیدی است برای به تعادل و توازن کل اکوسیستم اقیانوس. اما در آنسو، دریای مدیترانه با حدود ۲۵۰ میلیارد تکه زباله شناور، بالاترین میانگین انباشت زباله و آلودگی را به نام خود ثبت کرده است.

تجدید و زدوده شدن آبهای این دریای کم و بیش محصور از آلودگی‌ها، حدود ۹۰ سال زمان خواهد برد. برخی پلاستیک‌ها تا یکصد سال یا بیشتر، تجزیه نمی‌شوند.

منبع: خبرگزاری بین‌المللی یورو نیوز Euronews

<https://b2n.ir/m47481>

### Great Pacific Garbage Patch / polluted region, Pacific Ocean

Great Pacific Garbage Patch, a zone in the Pacific Ocean between Hawaii and California that has a high concentration of plastic waste. The extent of the patch has been compared to the U.S. state of Texas or Alaska or even to the country of Afghanistan. Garbage that reaches the ocean from the west coast of the United States and from the east coast of Japan is carried by currents—including the California Current, the North Equatorial Current, the North Pacific Current, and the Kuroshio—into the North Pacific subtropical gyre, the clockwise rotation of which draws in and traps solid matter such as plastics. Some 80 percent of the plastics in the garbage patch come from the land. It takes years for debris to travel from the coasts to the gyre, and, as it is carried along, photodegradation causes the plastics to break down into tiny, nearly invisible bits. While there are some larger objects that come from ships and offshore oil rigs, the garbage patch could more accurately be described as a soup of microplastics. The dimensions and depth of the patch are continuously changing.

## تکه زباله بزرگ اقیانوس آرام / منطقه آلوده، اقیانوس آرام

لکه زباله بزرگ اقیانوس آرام، منطقه ای در اقیانوس آرام بین هاوایی و کالیفرنیا که غلظت بالایی از زباله های پلاستیکی دارد. وسعت این پیچ با ایالت تگزاس یا آلاسکا ایالات متحده و یا حتی با کشور افغانستان مقایسه شده است. زباله هایی که از سواحل غربی ایالات متحده و از سواحل شرقی ژاپن به اقیانوس می رسند توسط جریان هایی - از جمله جریان کالیفرنیا، جریان استوایی شمالی، جریان اقیانوس آرام شمالی و کوروشیو- به چرخش نیمه گرمسیری اقیانوس آرام شمالی منتقل می شوند. ، که چرخش آن در جهت عقربه های ساعت مواد جامدی مانند پلاستیک را به داخل می کشد و به دام می اندازد. حدود ۸۰ درصد از پلاستیک های موجود در زباله ها از زمین می آیند. سال ها طول می کشد تا زباله ها از سواحل به سمت چرخ دنده حرکت کنند، و در حین حمل، تخریب نور باعث می شود که پلاستیک ها به قطعات کوچک و تقریباً نامرئی تجزیه شوند. در حالی که برخی از اشیاء بزرگ تر از کشتی ها و سکوهای نفتی دریایی به دست می آیند، لکه زباله را می توان با دقت بیشتری به عنوان سوپ میکروپلاستیک توصیف کرد. ابعاد و عمق پیچ به طور مداوم در حال تغییر است.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/Great-Pacific-Garbage-Patch>









نابودی اقیانوس‌ها توسط زباله‌های پلاستیکی:

پلاستیک‌های رها شده در شمال شرق اقیانوس آرام یک مخلوط سوپ مانند (سوسپانسیون) از کیسه‌ها و بطری‌های ایجاد کرده‌اند که مساحت آن بزرگتر از فرانسه، آلمان و اسپانیا است. دریای مدیترانه با وجود ۲۵۰ میلیارد قطعه پلاستیکی رهاشده، بالاترین تراکم زباله‌های پلاستیکی را در جهان دارد. آب‌های مدیترانه به ۹۰ سال نیاز دارند تا بتوانند خودشان را بازسازی و تمیز کنند. و این در حالی است که تجزیه برخی از پلاستیک‌ها بیش از ۱۰۰ سال طول می‌کشد.

منبع: خبرگزاری مهر - <https://b2n.ir/y71622>

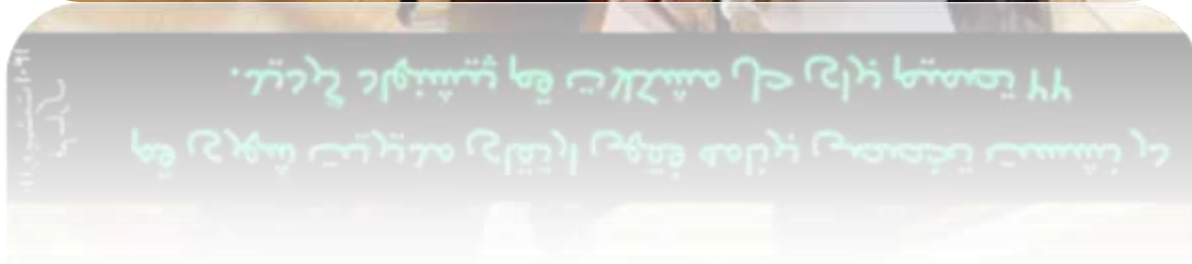
دریافت فیلم 4 MB: <https://b2n.ir/d15454>







در نشست تخصصی برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم  
 ۲۲ تصمیم برای حل مشکلات قم پیشنهاد گردید.





نشست تخصصی  
برای راه‌فتی مدیریت شهری قم  
شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

حرف اصلی ما این است: نقشه خدمات شهری قم باید متحول شود. در شهر مطلوب - که مجموعه ای از محلات است - باید ۹ شکل خدمات شهری ارائه گردد.

نشست تخصصی  
برای راه‌فتی مدیریت شهری قم  
شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

ساختار و مدل - در ۹ شکل خدماتی و ارائه آن در  
در ۹ محله شهری - در ۹ محله شهری - در ۹ محله شهری  
حالتی که در آن ۹ شکل خدمات شهری ارائه گردد

## جدول تصمیم ارتقای مدیریت شهری قم

| آثار تصمیمات:   | تصمیمات پیشنهادی:  | دسته‌بندی تصمیمات:                |
|---|--|-----------------------------------|
| ارتقاء سطح مساجد از محل مخصوص عبادت به محلی حاکمیتی و دارای قابلیت برای رفع معضلات اداره شهر و محله   | ارتقاء جایگاه مساجد (خصوصاً مساجد جامع) به عنوان ساختار اصلی مدیریت شهر  | در حوزه امامت و مدیریت            |
|   |  |                                   |
| پاکسازی سموم و رذائل قلبی ایجاد آرامش اعصاب، کنترل جنون و عصبانیت‌های افراد جامعه   | آماده‌سازی طرح فضای سبز به محوریت گیاهان و درختان شمر و معطر   | در حوزه تزکیه و پاکسازی           |
| پیشگیری از بیماری‌های کلیوی و دیالیز  | بازتعریف کالبد سرویس‌های بهداشتی در شهر و جانمایی مناسب آنها   | راه‌اندازی حمام‌های چهارمزاجی     |
| تعدیل اخلاط ناسالم، بازشدن گرفتگی‌ها، برطرف شدن مشکلات حافظه، مدیریت مشکلات پوستی   |  |                                   |
| ایجاد آموزش عمومی برای مردم در جهت رفع معضلات شهری  | تولید دفترچه‌های راهنمای مدیریت شهری و گسترش آموزش‌های مرتبط با آن (مانند: دفترچه کاهش پسماند شهری، دفترچه راهنمای درختان معطر، دفترچه تفاوت‌های داروسعه و آبارتمان، دفترچه بازی کودکان ...) | در حوزه علم و آموزش               |
| شناخت و به کارگیری اشیاء پرکاربرد در زندگی کمک به اولویت‌یافتن سود ارتباطی در برابر سود اقتصادی (کاهش هزینه‌های ناشی از اختلال در روابط انسانی با محوریت‌یافتن سود ارتباطی) | ارتقاء تبلیغات شهری از حوزه اقتصاد به حوزه‌های سه‌گانه روابط انسانی، تسخیر اشیاء و اسماء الهی  | در حوزه بیان و تبلیغات شهری       |
| شناخت معضلات و نیازهای شهری در گزارش به مردم و مسئولین  | برگزاری جشنواره‌های عکس در مورد معضلات شهری  | در حوزه عبرت و میراث فرهنگی       |
| گسترش عبرت در محله و شهر کنترل و پیشگیری از جرم   | جانمایی محله‌ای آرامستان‌ها راه‌افتادن مردمی غسل میت و احتضار خانگی  |                                   |
| شناخت تجارب و علوم مفید به کاررفته در معماری خانه‌های قدیمی در مورد چگونگی کاهش زباله، کنترل دمای هوا در زمستان و تابستان و کاهش مصرف انرژی و ...                           | تبیین روایت خانه‌های قدیمی پیشرفته   |                                   |
| مقابله با روایت‌های غلط یونسکو از محوطه‌های تاریخی  | ایجاد دفترچه روایت جدید آثار باستانی   | در حوزه فرقان و ارزیابی شهر       |
| کاهش ترافیک، کاهش مصرف سوخت، کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی‌های صوتی  | شاخص کاهش سفرهای درون شهری   |                                   |
| کاهش سفرهای درون‌شهری برای رفع نیازهای خانوار، عدم اشراف و حفظ حریم خصوصی خانواده‌ها و ...  | شاخص گسترش افقی شهر (ساخت محله) و واگذاری امور به مردم   | در حوزه مکاسب و تجارت عمومی       |
| جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی تولید و انباشت زباله در سرتاسر کره زمین! دارای سه خاصیت: ۱. فضای سبز ۲. اشتغال‌آفرینی ارزان ۳. ترویج تازه‌خوری و در نتیجه = سلامت عمومی جامعه   | شاخص کاهش تولید زباله راه‌اندازی باغچه طبیعت   |                                   |
| راه‌حل موثر و قطعی برای رفع فقر حذف دریافت مالیات و هزینه‌های مختلف شهرداری از محل کسب مردم   | راه‌اندازی بازارهای موقت   | در حوزه نفی سبیل و پدافند غیرعامل |
| کاهش اجاره بهای محل کسب و در نتیجه کاهش قیمت تمام‌شده کالاها  | راه‌اندازی بازارهای وقفی   |                                   |
| بدن‌سازی طبیعی، هدایت حرص انسان‌ها برای تقویت نفی سبیل، زیرساخت نفی سبیل و ایجاد امنیت برای کشور  | راه‌اندازی مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی (سبق) و رمایه) در بین عموم مردم   | در حوزه نظم و سنت‌های شهری        |
| توکل نظم جدید در ذهن‌ها در جهت حرکت از نظم غلط فعلی شهری به سمت نظم جدید مطلوب  | گفتگو در مورد تعریف جامع محله در بین مدیران شهری   |                                   |
|   | تنظیم نقشه جامع شهری به محوریت محلات برگزاری جشنواره‌های مردمی در مورد حوزه‌های مختلف مربوط به محله  |                                   |

### برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم

\* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه [nro-di.blog.ir](http://nro-di.blog.ir)

کانال «الگو» در پیام‌رسان اینستاگرام @Olgou4